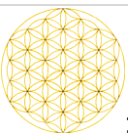




اتحاد نور

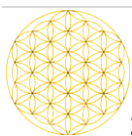
www.etehadenoor.com

جلد اول

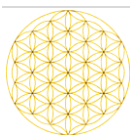


فهرست:

4	مکانیک کوانتومی و صعود
8	انفصال زمانی و صعود
17	قانون وحدت
24	جزیره های نور و تجلی آنها
29	ترمیم دی ان ای
51	هدف معنوی ترمیم دی ان ای
55	فرار از شبکه
57	ستاره کریستالی
68	کمان مادر آکوامارین
81	اتم کربن و قرنطینه 666
77	ماتریکس زمان کیهانی
81	گذار به زمین جدید
84	بذرهای ستاره ایی
	رخداد
90	رخداد و پلیدیان ها
94	تصویری از رخداد
102	آتلانسیس جدید
106	نژاد مرکزی کیهان
	مقالات کبرا
108	رخداد
114	کدکس کهکشانی



120	طرح بزرگ
124	نیروهای نور و نیروهای تاریکی
129	سقوط گروه کیمر
133	شبکه اثر آرکان ها
137	سقوط آرکان ها
141	حرکت مقاومت
147	انجمن برادران ستاره ای
150	امواج کهکشانی عشق
153	حفاظت
159	فراموشی بزرگ سال 1966
162	پرده veil
172	بروزرسانی سیستم خورشیدی
179	تقویم اتفاقات خطوط زمانی گذشته
201	جنگ های کهکشانی
208	سیل بزرگ آتلانتیس
213	هولوکاست لموریا
215	تجاوز به سومر و مصر
220	تقویم اعتدالین و نوار فوتونی
224	عصر جدید
231	هفت سطح اصلی از سطوح کیهانی



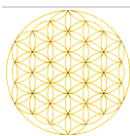
زمان حال :

زمان حال در واقع حالت یگانگی و وحدت همه زمانهاست. وقتی قادر میشویم کاملا در زمان حال باشیم، میتوانیم به توانایی سفر در زمان دست پیدا کنیم. « اکنون » حلقه ابدیت است، که از طریق دریای زمان سفر می کند. زمان حال در واقع محل برخورد زمانهای مختلف هست و جایست که تصمیمات برای عملی شدن، گرفته میشوند. اساسا هویت آینده شما به گذشته برگشته است تا انرژیها را دوباره تنظیم کند که این مسئله باعث جهش های کوانتومی در آگاهی میشود. در لحظه حال، شما به همه اطلاعات هویتهای چندگانه دسترسی دارید و میتوانید واقعیتهایی را از آینده بیاورید تا در لحظه حال متجلی کنید. یک الگوی زمانی، در واقع یک ساختار انرژیست که واقعتا زمان را میسازد. پس با آوردن الگوهای واقعتا مورد نظر به زمان حال، شما میتوانید آن واقعتا را در تجربه هایتان متجلی کنید.

برای درک همه تغییرات و تحولات فردی، جمعی، سیاره ای و کیهانی که در طول چرخه صعود اتفاق می افتد، لازم است که چگونگی تعامل ماده و انرژی را درک کنیم و این فقط با درک مکانیک کوانتومی میسر می شود.

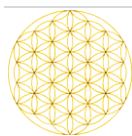
مکانیک کوانتومی:

پروژه صعود که هم اکنون در حال تجربه آن هستیم، اساسا یک پروژه پیچیده کوانتومی است که همه جنبه های آگاهی یا انرژی هوشمند را در سراسر فضا و زمان کنترل و مدیریت می کند. برای درک بیشتر و بهتر در رابطه با چرخه صعود و آثارش، باید درک عمیقی از مکانیک کوانتومی



داشته باشیم. چون مکانیک کوانتومی و چرخه صعود عمیقا بهم گره خورده اند و مربوط هستند. مکانیک کوانتومی شاخه ای از فیزیک است که با یک مفهوم به نام «کوانتوم انرژی» در سطوح اتمی و زیراتمی سروکار دارد و یک توضیح ریاضی وار در مورد رفتار های ذره ای و موجی و تعامل بین ماده و انرژی میدهد. در فیزیک، یک کوانتوم در واقع کمترین مقدار هر کمیت فیزیکی است که در تعاملات انرژی و ماده نقش دارد، یا به عبارت دیگر یک بسته انرژیست. کوانتوم در واقع برای توضیح چارچوب بنیادی سازوکار کیهان بکار میرود و توضیح میدهد که همه پدیده ها اساسا در سطوح خیلی کوچک و زیراتمی انرژی انجام میشود. در مرکز بحث مکانیک کوانتومی، رابطه ای وجود دارد به نام رابطه انیشتین- پلانک. رابطه انرژی- فرکانس انیشتین- پلانک، انرژی یک فوتون یعنی یک کوانتوم نور را به موج الکترومغناطیسی خودش ربط میدهد. در واقع توضیح میدهد که ذرات مادی در واقع انرژی و میدان های الکترومغناطیسی هستند و مشخصات انرژی یک ماده را به فرکانس و طول موج مربوط میداند. این مسئله چارچوبی را برای ما ایجاد می کند تا بتوانیم یک مدل کوانتومی در سطوح زیراتمی بسازیم که از لحاظ ریاضی میتواند وجود ابعاد مختلف را توضیح بدهد.

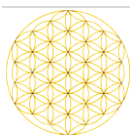
در فیزیک، انرژی اساسا یک مشخصه از ماده است که تحت تعاملات بنیادی قابل تبدیل است، یعنی انرژی و ماده میتوانند بهم تبدیل شوند، اما از بین نمی روند و تولید هم نمی شوند. وقتی به درک کوانتومی برسیم، میتوانیم به نحوه انتقال انرژی پتانسیل از طریق ابعاد در زمان پی ببریم. مشخصات انرژی، در همه حالاتش، چه مرئی و چه غیرمرئی، مستقیما بر روی کیفیات متفاوت آگاهی (کالبدهای روحی) و انتقال انرژی نور در ابعاد مختلف تاثیر می گذارد. هر بعد و تایم لاین مربوط به آن، شامل ذرات زیراتمی نور هستند که با فرکانسها و طول موجهای مختلف حرکت می کنند. برای مثال، چاکراها مثل تجهیزات مغناطیسی در ابعاد مختلف کار می کنند و به شکل اتوماتیک متراکم ترین انرژیهای الکترومغناطیسی را در طیف انرژی نوری از آن بعد، جذب می کنند.



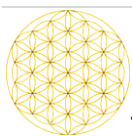
این یعنی اینکه همه مشخصه های انرژی نور، دارای تعاملات بنیادی هستند که حرکت انرژی را از جایی به جای دیگر کنترل می کنند، و کیفیات انرژی-فرکانس را در ماده برای گذشته، حال و آینده تنظیم می کنند. مثلا وقتی تصمیم می گیریم تا با انرژی نور در زمانهای مختلف باشیم، این مسئله مستقیما تکامل آگاهی ما را در هر بعدی، تحت تاثیر قرار میدهد. انتخابهای ما لحظه به لحظه شامل احتمالات انرژیست که ممکن است به بدن نوری ما آسیب بزند و یا ترمیمش کند. این مسئله نشان میدهد که انرژی-فرکانس، همه موجودات زنده را با توجه به انتخابهای شخصی و جمعی آنها در ابعاد و تایم لاین های مختلف، همزمان تحت تاثیر قرار میدهد. با درک این مسئله که روح ما و لایه های کالدهای مختلف ما، اساسا سطوح مختلف آگاهی و انرژی و فرکانس نور هستند، و هیچ ربطی به تعصبات و فریبهای اعتقادی ندارند، میتوانیم بفهمیم که روح چه تواناییهایی دارد. روح ما در یک بعد دیگری از فضا و زمان قرار دارد، تا وقتی که تصمیم بگیریم به اینجا بیاوریمش و طیف نورش را وارد بدنمان کنیم.

تاثیر میدان کوانتومی بر فضا-زمان:

در حال حاضر، کالبد سیاره ما در حال انجام یک بازسازی در فضا-زمان است و خوب این مسئله طبیعتا باعث ایجاد تغییرات و بی نظمی هایی خواهد شد که میدان کوانتومی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در نتیجه این تغییرات، الگوهای جدیدی از اختلالات الکترومغناطیسی، موانع یا آشفتگی در میدان جمعی بوجود می آید. میدان کوانتومی، که به عنوان «فضا-زمان داخلی» هم شناخته می شود، این تاثیرات را بر لایه های ساختار طرح اصلی منعکس می کند. ساختار طرح اصلی، در واقع ماتریس طرح اولیه است که لایه های میدانهای مورفوننتیک را در زمین ایجاد می کند. گرید ورکرها میدانند که ساختار طرح اولیه در میدان سیاره با تغییر تایم لاین کاملا در حال دگرگونیست، و به نظر میرسد که یک اتفاق خیلی متفاوت، فوق العاده و در عین حال عجیب و غریب در میدان سیاره در حال انجام است. به نظر میرسد یک طرح جدید وجود دارد که آگاهی ما را در بر می گیرد. تغییرات طرح اولیه، بر روی ساختار ماده تاریک اثر می گذارند، و این مسئله



نتیجتاً به تغییر و دگرگونی عناصر زمین و ساختار عنصری کالبد زمین منجر خواهد شد. این مسئله از طرف دیگر واسط و مدیوم آگاهی ما را در حالیکه هنوز روی سیاره هستیم، تغییر می دهد، و ما را وادار می کند تا تطابق پیدا کنیم و راههای جدیدی برای ارتباط با زمین و اتصال با خانواده ستاره ای پیدا کنیم. تغییرات ساختاری به پرتالهای زمین هم گسترش می یابد و این تغییرات از طریق پرتالها به ساختارهای فراسیاره ای منظومه شمسی و فراتر از آن هم میرسد. همه سیستمهای ارتباطی که به این سطوح معماری سیاره متصل هستند، تحت نوسان و تغییر و بازآرایی قرار می گیرند، و در واقع ارتباط های بین ستاره ای بازسازی می شوند، این ارتباط ها پرتال های زمین را متصل می کند تا زمین با سیستم های ستاره ای چندگانه و اجرام آسمانی همراستا شود. بعضی از این پلتفورم ها به این منظور ساخته شده اند تا انسانهایی که در نواحی مختلف فضا-زمان روی زمین هستند به جاهای دیگر منتقل شوند، و نتیجتاً این پلتفورم ها در انتهای چرخه زمان کیهانی، تحت بازسازی ساختار فضا-زمان قرار خواهند گرفت. ذرات زیراتمی در مواد عنصری، تحت ساختار اتمی جدید، بازآرایی می شوند، در واقع این ذرات برای تطابق با تغییر کالبد سیاره ای به دنیای هارمونیک بعدی، بازسازی و بهینه می شوند. ذرات زیراتمی از اتمها بسیار کوچک تر هستند، و در واقع بازسازی و تغییر و تبدیل ذرات در مقیاس کوانتومی، توسط ذرات زیراتمی توضیح داده می شود. پس ذرات زیراتمی، مثل الکترون ها، پروتون ها و نوترون ها، اتم ها را میسازند و اتمها هم بلوک های مواد را تشکیل میدهند. وقتی ذرات زیراتمی بازسازی و آبدیت میشوند، این مسئله باعث تحریک فرآیند یونیزاسیون اتم هایی میشود که انرژی الکتریکی و یک سری از واکنش های شیمیایی را در بدن تولید می کنند. بدن انسان وقتی در معرض سیگنال های الکترومغناطیسی قوی قرار می گیرد، یا در اثر فعالسازی کندالینی، قادر میشود تا پروسه یونیزاسیون بیولوژیکی را انجام بدهد که این مسئله باعث شکل گیری میدانهای پلاسما میشود. در فرآیند صعود کالبد انسان، یونیزاسیون باعث تولید نور پلاسمای فرکانس بالا شده تا فرآیند ساخت کالبد روحی پلاسمای مایع ادامه پیدا کند. به تدریج تا نقطه ای پیش میرویم که از سطح تنظیمات چاکرا در بدن نوری در قلمروهای پایین خلقت عبور کرده و ساختار



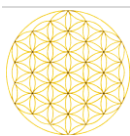
بدن نوری پلازما را میسازیم. این ساختار (مرکابا)، در واقع یک وسیله نقلیه به شکل یک کالبد کروی است که می تواند میزبان آگاهی پلاسمای بالاتر شود. این حالت از ساختار بدن نوری، چاکراها یا کالبد کروی، در واقع دلالت دارد بر تفاوت بین تناسخ در تراکم های پایین فضا-زمان، و یا آزاد شدن از ساختارهای فضا-زمان سطح پایین و توانایی پرواز از طریق کالبد آگاهی به ورای منظومه خورشیدی.

<https://www.etehadenoor.com/?p=459>

انفصال زمانی و صعود

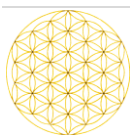
انفصال زمانی مفهومیست که در آن واقعیت تقسیم می شود. در ریاضیات، وقتی در ساختار فضا-زمان تغییر ایجاد میشود که یک یا چند پارامتر تغییر کند و نتیجتاً تعادل سیستم را بهم بزند. تغییر پارامترها باعث تغییر در مقادیر هندسه فرکانسی شده و بنابراین انفصال و جدایی در ساختار فضا-زمان بوجود می آید. این مسئله، یعنی جدایی خط های زمانی، باعث تغییر تجلیات آگاهی روی زمین شده و واقعیت را به سمت خط های زمانی آینده حرکت میدهد. بنابراین باعث میشود تا میدانهای سیاره ای و انسانها فاز بعدی چرخه تکامل صعود سیاره ای را تجربه کنند. تاثیرات جمعی افزایش فرکانس و تغییر در ساختار میدانهای فضا-زمان فرابعدی، به یک نقطه «» واگرایی»» میرسد. قله این مسیر واگرایی در ورای فضا و زمان، باعث تغییر در پارامترهای میدان انرژی کلی سیاره میشود. این فشار نیرو به میدان انرژی سیاره باعث افزایش قطبیت و انفصال در هویت جمعی میشود. وقتی قطبیت در نیروها که در یک میدان انرژی جمعی قرار دارند به اوج میرسد، در این مرحله، انفصال خطوط زمانی پیش می آید. به این نقطه، نقطه « واگرایی» در طیفی از احتمالات مختلف گفته میشود.

تحلیل انفصال خط زمانی از نقطه نظر ذرات:



در حقیقت تبدیل و تغییر ذرات باعث انفصال خط زمانی در میدان زمین میشود. این اتفاق در واقع جدایی میدان ذرات جهانی است. اساسا یک طرح و تجلی جدید بین آگاهی ماتریکس بعدسوم و مرحله بعدی ماتریکس روح و آگاهی چندبعدی آن پیش می‌آید. زمین بعدسومی در فرآیند تبدیل ذرات، همراه با ماتریکس روح و روند سریع حرکت آگاهی انسانها به یکی از اسپیرال های قطبی، حرکت می‌کند. سرعت حرکت در اسپیرال های روبه بالا یا روبه پایین در تکامل شخصی انسانها، به شکل تصاعدی توسط این نیروهای جدید افزایش پیدا می‌کند. این چرخه در نهایت به انفصال فضا- زمان و خط زمانی منجر میشود. انفصالی که بین ماده در زمین بعدسوم و نوعی از ماده که در زمین بعدپنجمی وجود دارد، شکل می‌گیرد و واقعیت زمین به دو تراکم (دنیسته) مختلف تقسیم میشود. زمین بعدسوم در تراکم اول بوده و زمین بعد پنجم در تراکم بعدی قرار می‌گیرد. این انفصال باعث میشود روشی که انسانها از لحاظ ذهنی توسط آن، انرژی آگاهی هوشمند را برای تجلی مادی در واقعیت بیرونی بکار می‌گرفتند، کاملا تغییر کند. بنابراین در واقعیت جدیدی که در پیش رو داریم، تجلی واقعیت بیرونی توسط ذهن و فکر خیلی بهتر، قویتر و سریعتر انجام میشود. انفصال دنیاها باعث از بین رفتن مانع موجود در نقشه مورفوننتیک در تراکم بعدسوم و تراکم بعدی در بعدپنجم و بالاتر میشود. در واقع یک انفصال بین میدان سیاره ای یا کالبد سیاره ای که در فرکانس های بعدسوم در مواد تلوریک شکل گرفته و واقعیتی که در فرکانسهای بالاتر در حال شکل گیریست، انجام میشود. یک تقسیم و انفصال ارتعاشی در سطوح زیراتمی نقشه آگاهی که به همه چیز در خلقت متصل است. در این انفصال، گروهی از انسانها به دلیل افزایش فرکانس به واقعیت بعدپنجم متصل میشوند و گروهی دیگر به دلیل پایین بودن فرکانس، در واقعیت بعدسومی می‌مانند.

در انتهای سال ۲۰۱۷، کالبد سیاره ای به پهنای فرکانس بالاتر تغییر وضعیت داد و این مسئله باعث شد که در جهان هارمونیک بعدی قرار بگیرد. این اتفاق باعث می‌شود که مختصات سیاره

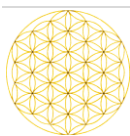


و خط زمانی آن تغییر کند و بنابراین محل سیاره در فضا-زمان هم دچار تغییر میشود. در طول چرخه صعود، آگاهی جمعی در سیاره از طریق دامنه فرکانس های ابعاد، مدام تغییر می کند. افرادی که پس از این تغییر در آگاهی بعدسوم می مانند، فشار و ناراحتی فزاینده ای را تجربه خواهند کرد، بنابراین بسیاری از مردم رفته رفته فشار بیشتری برای به اتمام رساندن الگوهای کارمیک قدیمی از گذشته و رها کردن این الگوها و باورها احساس خواهند کرد. این فرآیند خالص سازی، الگوهای لازم برای رسیدن به مختصات جدید در شبکه زمین را مهیا خواهد کرد و تاثیرات نیروی بی ثبات کننده و تاریک که زندگی های بعدسومی را تحت تاثیر قرار می دهد را پاکسازی خواهد کرد.

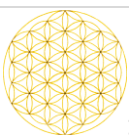
تنظیم دوباره مختصات سیاره که به شکل عمیقی در این پروسه صعود در حال انجام هست، در جغرافیای هولوگرافیک سیاره انجام میشود و عملکرد استارگیت ها، ورتکس های قدرت، خطوط زمانی و انتقال انرژی نور را تحت تاثیر قرار میدهد. نتیجتاً، این تاثیرات به آگاهی جمعی انسانها راه پیدا می کند و مستقیماً عملکردهای آگاهی بدن نوری انسان و هویت روحی و خطهای زمانی را تحت تاثیر قرار میدهد. در این شرایط، معماری کیهانی زمین تحت تاثیرات رادیکال قرار می گیرد و در نتیجه زنجیره ای از واکنشها را به دنبال خواهد داشت که به طور چشمگیری ویژگی های انرژی و بدن نوری انسانها را تغییر داده و متعاقباً تغییرات شگرفی در سبک زندگی و ارتباطات بوجود می آورد.

تاثیر میدان کوانتومی بر فضا-زمان:

در حال حاضر، کالبد سیاره ما در حال انجام یک بازسازی در تاروپود فضا-زمان است و خوب این مسئله طبیعتاً باعث ایجاد تغییرات و بی نظمی هایی خواهد شد که میدان های کوانتومی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در نتیجه این تغییرات، الگوهای جدیدی از اختلالات الکترومغناطیسی،



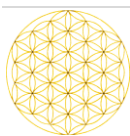
موانع یا آشفتگی در میدان جمعی بوجود می آید. میدان کوانتومی، که به عنوان «فضا-زمان داخلی» هم شناخته می شود، این تاثیرات را بر لایه های ساختار طرح اصلی منعکس می کند. ساختار طرح اصلی، در واقع ماتریس طرح اولیه است که لایه های میدانهای مورفوژنتیک را در زمین ایجاد می کند. گرید ورکرها اطلاع دارند که ساختار طرح اولی در میدان سیاره با تغییر تایم لاین کاملا در حال دگرگونیست، و به نظر میرسد که یک اتفاق خیلی متفاوت، فوق العاده و در عین حال عجیب و غریب در میدان سیاره در حال انجام هست. به نظر میرسد یک طرح جدید آگاهی انسانها را در بر خواهد گرفت. تغییرات طرح اولیه، بر روی ساختار ماده تاریک اثر می گذارند، و این مسئله نتیجتا به تغییر و دگرگونی عناصر زمین و ساختار عنصری کالبد زمین منجر خواهد شد. این مسئله از طرف دیگر واسط و مدیوم آگاهی ما را در حالیکه هنوز روی سیاره هستیم، تغییر می دهد، و ما را وادار می کند تا تطابق پیدا کنیم و راههای جدیدی برای ارتباط با زمین و اتصال با خانواده ستاره ای پیدا کنیم. تغییرات ساختاری به پرتالهای زمین هم گسترش می یابد و این تغییرات از طریق پرتالها به ساختارهای فراسیاره ای منظومه شمسی و فراتر از آن هم میرسد. همه سیستمهای ارتباطی که به این سطوح معماری سیاره متصل هستند، تحت نوسان و تغییر و بازآرایی قرار می گیرند، و در واقع ارتباط های بین ستاره ای بازسازی می شوند، این ارتباط ها پرتال های زمین را متصل می کند تا زمین با سیستم های ستاره ای چندگانه و اجرام آسمانی همراستا شود. بعضی از این پلتفورم ها به این منظور ساخته شده اند تا انسانهایی که در نواحی مختلف فضا-زمان روی زمین هستند به جاهای دیگر منتقل شوند، و نتیجتا این پلتفورم ها در انتهای چرخه زمان کیهانی، تحت بازسازی ساختار فضا-زمان قرار خواهند گرفت. ذرات زیراتمی در مواد عنصری، تحت ساختار اتمی جدید، بازآرایی می شوند، در واقع این ذرات برای تطابق با تغییر کالبد سیاره ای به دنیای هارمونیک بعدی، بازسازی و بهینه می شوند. ذرات زیراتمی از اتمها بسیار کوچک تر هستند، و در واقع بازسازی و تغییر و تبدیل ذرات در مقیاس کوانتومی، توسط ذرات زیراتمی توضیح داده می شود. پس ذرات زیراتمی، مثل الکترون ها، پروتون ها و نوترون ها، اتم ها را میسازند و اتمها هم بلوک های مواد را تشکیل میدهند.



وقتی ذرات زیراتمی بازسازی و آبدیت میشوند، این مسئله باعث تحریک فرآیند یونیزاسیون اتم‌هایی می‌شود که انرژی الکتریکی و یک سری از واکنش‌های شیمیایی را در بدن تولید می‌کنند. بدن انسان وقتی در معرض سیگنال‌های الکترومغناطیسی قوی قرار می‌گیرد، یا در اثر فعالسازی کندالینی، قادر می‌شود تا پروسه یونیزاسیون بیولوژیکی را انجام بدهد که این مسئله باعث شکل‌گیری میدانهای پلازما می‌شود. در فرآیند صعود کالبد انسان، یونیزاسیون باعث تولید نور پلاسمای فرکانس بالا شده تا فرآیند ساخت کالبد روحی پلاسمای مایع ادامه پیدا کند. به تدریج تا نقطه‌ای پیش خواهیم رفت که از سطح تنظیمات چاکرا در بدن نوری در قلمروهای پایین خلقت عبور کرده و ساختار بدن نوری پلازما را می‌سازیم. این ساختار (مرکابا)، در واقع یک وسیله نقلیه به شکل یک کالبد کروبیست که می‌تواند میزبان آگاهی پلاسمای بالاتر شود. این حالت از ساختار بدن نوری، چاکراها یا کالبد کروی، در واقع دلالت دارد بر تفاوت بین تناسخ در تراکم‌های پایین فضا-زمان، و یا آزاد شدن از ساختارهای فضا-زمان سطح پایین و توانایی پرواز از طریق کالبد آگاهی به ورای منظومه خورشیدی.

کیهان‌شناسی ابعاد:

هدف اصلی ما وصل شدن به جنبه‌های ارتعاشی بالاتر خود از طریق قصد کردن برای ارتباط با کالبد نوری توسط افزایش آگاهی در مدیتیشن است. پس وقتی به روح و خود برتر و به جنبه‌های مختلف هویت‌های انرژی‌یک-روحی خود فکر می‌کنیم، در واقع اینجاست که می‌توانیم درکی از کیهان‌شناسی ابعاد و طیف‌های فرکانسی ابعادی که وارد آگاهی ما میشوند، داشته باشیم. وقتی ما طیف امواج ابعاد را درک کنیم، و از چاکراها به عنوان یک مدل پایه استفاده کنیم، این مسئله به ما کمک خواهد کرد تا عملکرد هفت چاکرای اولیه را بهتر بفهمیم. پروسه صعود در واقع جمع کردن هویت‌های مختلف از ابعاد مختلف هست و متمرکز کردن آنها در لحظه حال. ابعاد بالاتری که ما در حال دسترسی به آنها هستیم، در واقع مشخص‌کننده تایم لاین‌های فضا-زمان آینده



هستند. همینطور که وارد میدانهای انرژی بالاتر میشویم، از درون هر یک از فرکانسهای ساب هارمونیک در هر بعد عبور می کنیم.

عبور از ابعاد پایین به ابعاد بالا:

فرآیند حل کردن انرژیهای لایه های ابعاد پایین در میدان آگاهی و تبدیل ذرات آنها به فرکانسهای ابعاد بالاتر، فعالسازی ستاره ای نامیده میشود و قسمتی از پروسه صعود است. این دینامیک صعود انرژیست که باعث تکامل آگاهی به ابعاد بعدی میشود. این فعالسازی ستاره ای در واقع قسمتی از پروسه تکامل نور تلقی میشود.

کیهانشناسی زمان جهانی در دوازده بعد همزمان:

هر دنیای هارمونیک معادل سه تا از هویت‌های روحیست، به این شکل:

آگاهی ما از طریق شخصیت در ابعاد ۱،۲،۳

از طریق روح در ابعاد ۴،۵،۶

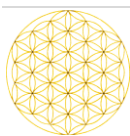
از طریق خود برتر در ابعاد ۷،۸،۹

و از طریق آواتار کریستوس در ابعاد ۱۰،۱۱،۱۲

و آگاهی Founder در ابعاد ۱۳،۱۴،۱۵ تکامل پیدا می کند.

ابعاد:

ابعاد مختلف در واقع گروههای مختلف انرژی در قالب فرمهای هندسی فضا-زمان هستند و بر



پایه واحدهای آگاهی کریستال صوت و نور ساخته شده اند که به آنها میدانهای مورفوژنتیک یا ساختارهای متبلور شبکه درخت ۱۲ شاخه ای گفته میشود. یک بعد در واقع یک فضای پر از یک فرکانس خاص و توالیهای تکرار شونده ای از امواج است.

۱۲_ بعد دنیای ما (که به عنوان کالبد سیاره ای هم شناخته میشود)

_هر بعد به یکی از لایه های بدن ما مرتبط است

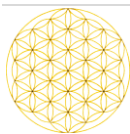
_به یکی از شاخه های دی ان ای که در طول پروسه صعود و دریافت فرکانس های جدید، به تدریج شاخه ها فعال میشوند.

_هر چاکرا در بدن ما به یکی از لایه های نوری موجود در کالبد ما و در کالبد سیاره ای متصل است.

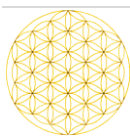
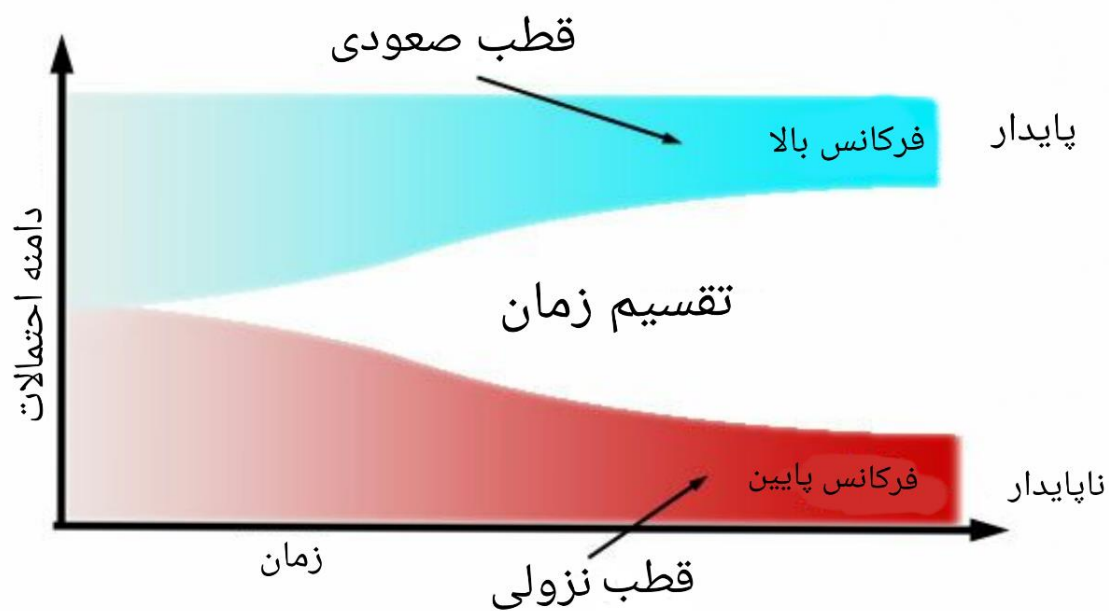
_ابعاد ۱۳،۱۴،۱۵ مربوط به جهانهای ترانس هارمونیک خارج از فضا-زمان هستند.

شهروند کیهانی:

انتقال: این چرخه صعود در حقیقت سومین و آخرین سطح توسعه و ایجاد آزادی آگاهی کامل به عنوان یک شهروند کیهانی برای انسانهاست. تحت این شرایط، انسانها دیگر مجبور به بازگشت به زمین نیستند. و در انتهای این چرخه، افراد به هر مکانی در کیهان بخواهند بدون محدودیت منتقل می شوند. (اگر چه به هر سیاره ای بروند، تحت قوانین و شرایط آن سیاره هستند). این به معنی وضعیت یک هویت کیهانیست و یک شهروند کیهانی کامل. این اتفاق چند بار در تاریخ زمین رخ داده، اما دستکاری ها و تغییرات میازمای سیاره ای در حال حاضر می تواند این تحول را کمی سخت کند، و البته به مرور در آینده آسانتر خواهد شد. این اتفاق به معنی آزادیست، و وقتیست که ما کالبد آگاهییمان را به بیرون منعکس می کنیم، و دیگر مجبور نیستیم به زمین برگردیم و روی زمین تناسخ کنیم. برای اینکه بتوانیم به این تحول و انتقال کالبد فیزیکی و آگاهی دست پیدا کنیم، باید بتوانیم حافظه های میازمیک را حل کرده و سلولی که از والدین

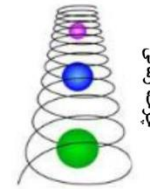


بیولوژیکی خود به ارث برده ایم را آزاد کنیم. این سلول‌یست مربوط به خانواده اصلی که در هنگام تولد در کالبد فیزیکی ثبت می‌شود. این سلول در داخل کروموزوم و در زمان لقاح بین تخمک و اسپرم والدین بیولوژیکی ایجاد می‌شود. این سلول قسمتی از بذر کالبد فیزیکی می‌شود که ما در آن تناسخ می‌کنیم. وقتیکه این سلول آزاد شود، تبخیر شده و از بدن خارج می‌شود؛ در این نقطه از فرایند Transmigration، فرد یک شهروند کیهانیست. در این شرایط، ممکن است افراد حافظه‌هایی از زندگی در زمین را با خود داشته باشند، اما لزوماً همان هویت را نخواهند داشت. این چرخه صعود، (مرحله سوم) بسیار خاص و منحصر به فرد است و برای آگاهی کریستال و کالبد خورشید الماس از جهت رسیدن به آزادی روحی و اقتدار کامل برای انسانها بسیار اهمیت دارد.



ماتریکس زمان کیهانی

۱۲ میدان زمان در ۱۵ بعد



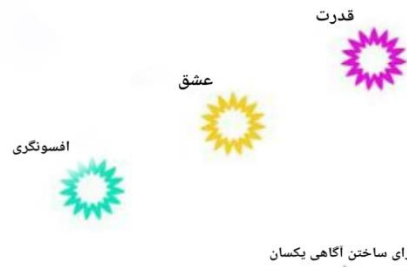
چرخه صعود - پیشروی اعتدالین - ۲۶,۵۵۶ سال



ماتریکس ذهن کیهانی

تراکم پنجم / جهان هارمونیک پنجم

- 15** جهانی ارغوانی کم رنگ
اشعه سوم خالق کالبد جمعی ، بی زمانی ، (کمان پدر) ، بنیان ژنتیک اکوافریون پستاندار آبین/نهنگ ها (چاکرای عمق فضا)
- 14** جهانی طلایی کم رنگ
اشعه دوم خالق کالبد جمعی ، بی زمانی (خورشید ریشی) ، بنیان ژنتیک صرافیم اویان (سه فوت بالای سر)
- 13** جهانی به مرکز هسته زمین آکوامارین
اشعه اول خالق کالبد جمعی ، بی زمانی (کمان مادر) ، بنیان ژنتیک الوهیم فیالین ، (۱۲ اینچ زیریا ، بازکردن دروازه سیزدهم به خاندان های اورا ، تایم لاین صعود)

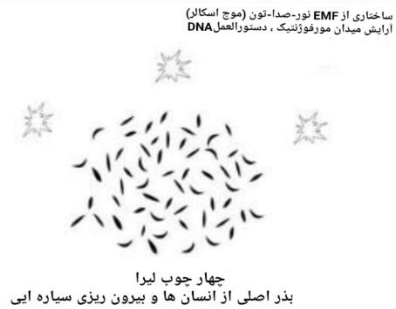


برای ساختن آگاهی یکسان

ماتریکس آواتار

تراکم چهارم / جهان هارمونیک چهارم

- 12** چاکرای زمین سفید
مکان ذهن آواتار (طرح نور مایع پلاتینیومی، ۱۴۴ هارمونیک، ۱۲ فرکانس پایه ، کالبد آواتار کریستوس، فعالیت مراکز بعد دوازدهم برای صعود، شش اینچ زیریا، ۱۲ اینچ بین پاها به محافظ وصل می شود)
- 11** چاکرای کهکشانی سیاه نقره آبی
مکان ذهن بودایی (شروع معکوس سازی دی ان ای ، جنگهای ضد نور، مفرخندگان / استون هنج، تبارما، ۱۸ اینچ بالای سر)
- 10** چاکرای ستاره خورشیدی آبی تیره
مکان ذهن کرایست (لوگوس/ذهن خورشیدی، شبکه فرکانسی بعد دهم معکوس، شش اینچ بالای چاکرای تاجی، سرفت ارتباطات / ادراکات فرا حسی از ناحیه گوش چپ برای پلاک کردن آگاهی کریستوس)



ماتریکس موناخ

تراکم سوم / جهان هارمونیک سوم

- 9** چاکرای تالاموس نقره آبی
مکان ذهن سببی یا علی (کندالینی جهانی ، مجموعه هارا هسته ستاره، چاکرای مدولا، عملگر مغز عالی، اندرومدا)
- 8** چاکرای تیموس طلایی
مکان ذهن منادیک (هسته کهکشان، پرتال هشتم، اتم پدر دائمی، قلب کریستالی ، زندگی های فرا زمینی، جنگها/ایمپلنتهای اوربیون، عملگر متابولیک)
- 7** چاکرای تاجی بنفش
مکان ذهن کنتریک (لوگوس یا ذهن سیاره، ایمپلنت صنوبری/تصلیب، صعود ناکامل ، رهایی از بعد سوم، متاترونیک، ارتکروس)



ماتریکس روح

تراکم دوم / جهان هارمونیک دوم

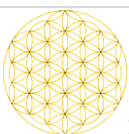
- 6** چاکرای چشم سوم آیندیگو
ماتریکس ذهن الهی (خانواده آیندیگو ، بصیرت درونی ، وضوح ، سیریوس)
- 5** چاکرای گلو آبی
ذهن کهن الگو (ساختار کالبد اثیری، تایم لاین صعود منسوخ ، اعلام برنامه روح، بلیدیان)
- 4** چاکرای قلب سبز
ذهن آسترال یا اختری (ذهن جمعی نژاد، شهود ، مجموعه نادی ، مجموعه قلب / شش ، تجاوز خزندگان ، مصر/بوهول)



ماتریکس شخصیتی

تراکم اول / جهان هارمونیک اول

- 3** پلکسوس خورشیدی زرد
ماتریکس ذهن آگاه (شخصیت ، استدلال خطی، منطق ، ایگو)
- 2** چاکرای ساکرال نارنجی
ذهن غریزی (کالبد احساسی یا بین (تمایلات ، خلاقیت / جنسی ، اعتیاد)
- 1** چاکرای ریشه قرمز
ذهن ناخود آگاه (فرایند های خودکار) هوش بدن فیزیکی ، مکان حافظه سلولی (



قانون وحدت

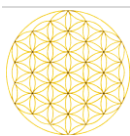
عیسی مسیح یک انسان سیریان آبی از آینده بود که برای تغییر خطوط زمانی و بازگرداندن گروه Essene، معبدی های کریستوس و دانش صعود بر اساس قانون وحدت و تکنولوژی آگاهی مربوط به آن به بعد سوم آمد. این ماموریت در پاسخ به آسیب ژنتیکی وارد شده به انسان و زمین بعد از شورش لوسیفریان بود، و سپس تجاوز سومر-مصر، که در واقع نابودی نهایی اصول انرژی مادر در هسته زمین بود.

گروه عیسی مسیح تحت هدایت شورای ارشد لیرا- سیریان قرار بود با گروه معبدی های آینده بعدپنجمی زمین تارا بنام Azurite همکاری کنند، این طرح توسط فدراسیون نور سازماندهی شد. به عنوان یک تیم، آنها بر روی ترمیم معماری سیاره کار می کردند، و همچنین بازیابی ارواح مربوط به نسل کشی لومر و فاجعه آتلانتیس، و کار بر روی شبکه های انرژی سیاره و دروازه های سیاره ای برای کمک به هماهنگ سازی و آمادگی برای چرخه صعود.

اصول مادرانه سیاره ای Planetary Staff :

کج شدن غیرارگانیک محور سیاره زمین از طریق میدان شبکه انجام شد، به هدف آسیب گرانشی، گیرانداختن ارواح و انتقال امواج کنترل ذهن. این سیستم کنترل طراحی شد تا معماری ستون عمودی که در واقع اساس انرژی زنانه سیاره است را نابود کند، تا نتیجتاً اصول مادرانه سوفیانیک خلقت در این واقعیت، به طور کلی محو شود.

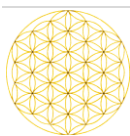
نابودی این اصول مادرانه به معنی اینست که تمامی مخلوقات زنده ارگانیک هم به تدریج و نتیجتاً شبیه به یک موجود سیاهچاله می شوند، مخلوقات انگلی که در دنیای مادی به نور مرده



اعتیاد دارند، و همچنین در دنیاهای هوش مصنوعی به عنوان مرده های زنده حضور دارند. در طول این فاز، اصول مادرانه زمین توسط محافظان ستاره کریستال بازیابی می شود، و به معنی اینست که کانال عمودی درونی ما و ارتباط با سیاره و ستارگان هم همچنین به شکل رادیکال در این چرخه متحول می شود. اکنون، در طول چرخه فعالسازی پالیدور، مرحله بعدی برای گروههای پالیدور، مانند آکوافریون و نژادهای اژدهای آبی کریستیک، حمایت از بازیابی و بازسازی خطوط خونی اشعه آبیست. اشعه های آبی، دروازه های ترنس هارمونیک سیزدهم کمان مادر را از طریق دنیاهای هارمونیک چندگانه بازیابی می کنند و در حال بازسازی ستون عمودی سیاره هستند تا به شکل طبیعی با قلب آندرومدا هماهنگ و هم راستا شود. بازسازی اصول زنانه زمین به تدریج باعث میشود تا چرخش غیر طبیعی محور زمین به شکل مستقیم یا عمودی تغییر کند که باعث دسترسی آسانتر به داخل و خارج این دنیا می شود، بخصوص برای موجودات خورشید الماس. خورشید الماس اشاره دارد به طرح اصلی دی ان ای ۱۲ شاخه ای ماتریکس سیلیکات انسان انجلیک. این در واقع دی ان ای بالقوه و آگاهی بالاتری بود که توسط انسانهای انجلیک در چرخه های زمانی گذشته بر روی زمین 5d تا زمان فاجعه بزرگ تجربه شد. تا قبل از فاجعه آتلانتیس، هر کدام از گروه های مربوط به ۱۲ تبار Essene انسانهای انجلیک به عنوان محافظان یک قسمت از حافظه های موسس زمردی بودند، حافظه هایی که دانش و اطلاعات و آگاهی فوق العاده عظیمی را در مورد منشأ ستارگان و اطلاعات ساختار ژنتیکی در خود نگه می دارند، اطلاعاتی که در ۱۲ دیسک هولوگرافیک ضبط می شوند.

کلیسای رم:

در واکنش به ماموریت عیسی مسیح Yeshua Mission، گروه اورپون تصمیم به تجاوز به قلمروهای نزدیک پرتال های بعدپنجمی گرفتند و به منطقه مرکزی ایتالیا نفوذ کردند و بنیان سیستمی را پایه ریزی کردند به نام کلیسای رم و کرسی پاپ. و این اتفاق با تجاوز برنامه های



خورشید سیاه در این منطقه همراه بود که توانستند مکانیزم کنترل دینی کاتولیک را بسازند که در ادامه تبدیل به ماشین کنترل سیاسی و محراب قربانی خون در مرکز واتیکان سیتی شد. این سیستم باعث ایجاد قدرت زیاد و کنترل جهانی برای ستون های اصلی کنترل کننده شد. خشونت دینی:

یکی از بزرگترین دروغ هایی که به هدف ایجاد تفرقه و جدایی در بین انسانها گفته شده، جنگهای بر سر خدایان است که از طریق خشونت دینی گسترش پیدا می کنند. خشونت دینی توسط دستورکار بیگانگان منفی و برای ایجاد رفتارهای فریبکارانه آرکانی توسعه پیدا می کنند و از این طریق استراتژی های فریب آرکانی که توسط کنترل کننده ها مورد استفاده قرار می گیرند، پیاده می شوند، به هدف کسب تسلط کامل بر انسانها و به بردگی کشاندن نژاد انسان و سیاره زمین. خشونت دینی از طریق کنترل ذهن در سیاره انجام می شود تا از این طریق حوادث را به سمت برنامه آرماگدون (جنگ ویرانگر آخرالزمان) پیش ببرند که در حقیقت دستورکار بیگانگان منفیست. ادیان بر مبنای دستورکار بیگانگان منفی، شامل اهداف پنجگانه استراتژی فریب آرکانی می شوند؛

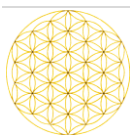
ایجاد تفرقه و جدایی

۲- برنامه ظالم-مظلوم

۳- آزار و بیچارگی جنسی

۴- آزار و قربانی کودکان

۵- زن ستیزی



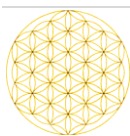
سیستم های اعتقادی ضد انسانی دستورکار بیگانگان منفی:

علوم تجربی و علم پزشکی به شدت توسط دستورکار بیگانگان منفی رصد و کنترل می شوند، و اینها در واقع سازمان های جهانی جریان اصلی هستند که به هدف اعمال و گسترش سیستم های ایدئولوژیک ضد زندگی و ضد انسان در جوامع مختلف برای خدمت به دستورکار بیگانگان منفی مورد استفاده قرار می گیرند. این سیستم های اعتقادی ضد زندگی برای اینکه بقا داشته باشند نیاز دارند تا هرگونه پیشرفت و کشفی که ثابت کند آگاهی وجود دارد را از طریق حذف دائم فرآیند کسب دانش و آگاهی نابود کنند، نابودی آگاهی ای که طبیعت و زندگی را کاملا آگاه و با ادراک می داند .

به دلیل اینکه آگاهی معادل انرژیست، جنگ و نزاعی که بر سر انرژی به عنوان یک منبع قدرت وجود دارد و پنهان شده است، به معنی اینست که جنگ بر سر آگاهی ایست که بر روی سیاره وجود دارد.

آخناتون:

یکی از محافظان از گروه Aton که بعد از تناسخ با نام آخناتون شناخته شد، و کاملا درگیر مسئله بازیابی ماموریت کریستوس شد، که همان پیمان پالیدور روی زمین بود. ماموریت او برای محافظت از کسانی بود که از خطوط خونی کریستوس اصلی باستانی و Yeshua بودند، در حالیکه با تیم های Azurite در ۲۰۰۰ سال گذشته همکاری می کرد. او پدر سالار اصلی خاندان بود، و خط خونی او در خطوط خونی کریستیک تا امروز هم گسترش پیدا کرده است. اطلاعات غلط بسیاری هنوز هم در مورد او گفته می شود که به هدف بی اعتبار کردن میراث او هستند .



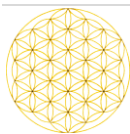
آخانتون، دانش باستانی Essene موسوم به All-One را بازگرداند، یا قانون وحدت، که در حقیقت تلاشی در جهت بازیابی تعادل اصول مذکر-مونث در مرکز جغرافیایی سیاره و متجلی ساختن قانون جنسیت بود. خورشید نماد منبعی برای همه چیز است و کالبد خورشیدی Aten یا Aton به عنوان منشا زندگی جاودان به هدف رسیدن به آگاهی کامل و بیداری از طریق اتحاد مقدس hierogamic union می باشد.

Jehovah

در طول تجاوز بیگانگان منفی به سیاره که از زمان شورش لوسیفری در چند مرحله انجام شد، دستور کار بیگانگان منفی NAA توسط متجاوزان به اجرا گذاشته شد تا ساکنین زمین را برای پرستش خدایان کاذب مانند Yahweh و Jehovah آماده کنند. هر دو اینها در حقیقت آگاهیهای جمعی ای هستند که گروه بیگانگان منفی آرکانی را تغذیه می کنند. آنها از میدان های سیاره ای توسط کسانی که دعا، نذر و قربانی می کنند و این موجودات بیگانه را از طریق ادیان خشن مورد پرستش قرار می دهند، تغذیه می کنند. اینها ماتریکس های پیچیده کنترل ذهن هستند که برنامه های دینی را از طریق شبکه نور سفید کاذب اجرا می کنند، برنامه هایی که برای به دام انداختن روح انسان در تله های آگاهی طراحی شده اند. این برنامه ها به عنوان لنزهای انحرافی عمل می کنند و نور را به سمت هولوگرام های مصنوعی و خطوط زمانی مصنوعی، خم می کنند.

پیمان پالیدور:

خطوط زمانی آینده نشانگر انواع مختلفی از قطعات جدا شده کالبدهای فیزیکی، انرژی و روحیست که دچار انفجار و از هم گسیختگی شده اند و نتیجتاً با مواد عنصری در کالبد زمین ترکیب شده اند. خطوط زمان از مواد زمین بعدپنجمی تارا، به ارواح کالبد تارا که منفجر شد، متصل هستند، و به همین دلیل تبدیل به نوعی از ماده رادیواکتیو در حال زوال شدند که با ترکیبی از مواد در بعد فیزیکی مخلوط شده اند که نتیجه حادثه انفجار و نفوذ الکترومغناطیسی



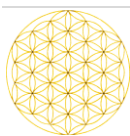
در میدان های فضا-زمان بود. روح تارا، تبدیل به قسمتی از کالبد اتمی این سیاره فیزیکی (زمین) شد، و بین ابعاد یک و چهار گیر افتاد. ما در فازی از زمان هستیم که ترکیبات مواد مختلف، در حال تغییر و تبدیل به مواد ظریفتر است، و تحت این شرایط و با تراکم کمتر، قادر خواهیم بود این مصنوعات، کالبدها و بقایای آگاهی را خارج کنیم. در نتیجه، برخی از ما ممکن است به بازیابی و انتقال ارواح تارا کمک کنیم. این مسئله در حقیقت احیای ماموریت کریستوس (مسیح) روی زمین است که برمی گردد به پیمان پالیدور، پیمانی که طبق آن نژادهای بالاتر محافظ طرحی را برای بازیابی ارواح گمشده بعد از انفجار سیاره تارا منعقد کردند.

ماموریت امنتی

Amenti:

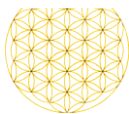
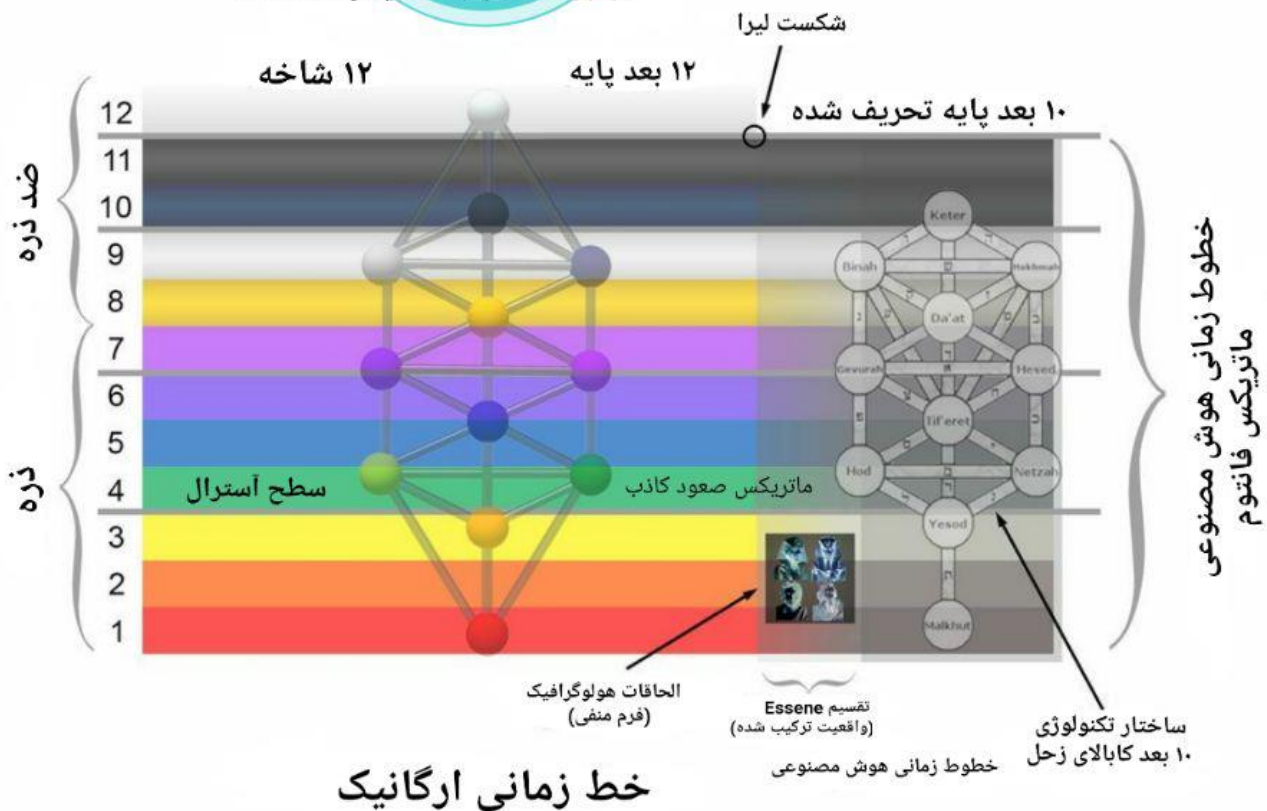
لژ لیرا- سیریان مسئول محافظت از حافظه های ژنتیکی انسان ها و تاریخ پنهان شده است، آنها اساسا سفیران انجمن های اجرایی سیریان هستند. لژ سیریان مسئول نظارت بر شبکه های D 6 هستند که به عنوان پرتال هایی برای نژادهای ایندیگو و ستاره ای جهت تناسخ در سطح زمین از طریق فضاها امنتی هستند. لژ لیرا- سیریان، انجمن Azurite را برای ایجاد یک تیم جهت حمایت از تجلی انسانی عیسی مسیح یا ماموریت Yeshua ایجاد کردند، ماموریتی که به هدف ترمیم شبکه ها و محافظت از میدان امنتی بود. اصل و منشا انجمن Azurite بر می گردد به نژادهایی که توسط کنفدراسیون RA ایجاد شدند.

لیزا رینی



جنگ های خطوط زمانی هوش مصنوعی

بذرهای ستاره ایی اشعه آبی Essene
ماموریت کریستوس



جزیره های نور و تجلی آنها

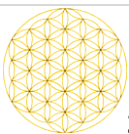
پیامی از پلیدیان ها

Gabriel RL

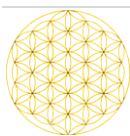
Updated on 11 June, 2019



پلیدیان ها گزارش میدهند که یک موج نور آبی قوی، جزیره مغناطیسی را با قدرت دربر گرفته بطوریکه سریعاً چندتا از سوراخ های جزیره را که هنوز امکان ورود نیروهای منفی از طریق آنها وجود داشت را مسدود کرده است. البته، این شکاف ها دیگر هرگز باز نخواهند شد، و بستگی به نگهدارنده های مغناطیسی و موارد مشابه دارد که شرایط پایدار را حفظ کرده و از ایجاد حفره



های جدید جلوگیری شود. البته، به معنی این نیست که نیروهایی که با عشق مبارزه میکنند، تجلی نمی یابند و سعی نمی کنند تا در برنامه های نیروهای نور اختلال ایجاد کنند، اما مطمئناً یک حرکت بزرگتر قریب الوقوع خواهد بود و، بیشتر و بیشتر، امنیت در اقدامات نیروهای نور در این ناحیه دیده خواهد شد. سه ستون بافته شده از نور در سه نقطه خاص جزیره قرار داده شده که محل آنها ذکر نشده است. این ستون ها به گونه ای هستند که به شکل سربازانی در گنبد آسمانی به نظر می آیند و در سطح جزیره نصب شده اند. این بافته های نوری دارای یک رنگ نئون مانند هستند، و یک انرژی ای که اوج می گیرد و فرود می آید، خیلی سریع از بالا تا سطح زمین. آنها برای مدت تقریباً یک دقیقه به شکل یک طیف رنگارنگ هستند، و سپس برای دو دقیقه تبدیل می شوند به یک طیف آبی رنگ شگفت انگیز. این بافته های نوری، انرژی های بیشتری را از دنیای مغناطیسی Quadril5 به زمین می آورند. پلیدیان ها توضیح می دهند که مساله تنها راجع به انرژیهای Hip 5 نیست، بلکه مربوط به دنیاهای مغناطیسی است، مثل Vitril-X و EX-Prix. این تمرکز مغناطیسی روی جزیره باعث ظرافت زیادی می شود، و نتیجتاً باعث درک این موضوع میشود که چیزها آنقدرها هم سفت و جامد نیستند. آنهایی که حساس تر هستند، می توانند به وضوح ظرافت محیط را وقتی وارد جزیره می شوند حس کنند، چون مغناطیس تمایل دارد همه چیز را ظریفتر کند. در مغناطیس شدید، چیزها غیر مادی می شوند، و فقط به شکل انرژی خالص تجلی می یابند، که تمایلی برای تراکم بیشتر ندارد. آنها گزارش میدهند که «باران» کریستال های Lapel در سرتاسر جزیره وجود داشته، و کریستال ها را در سرتاسر ناحیه پخش کرده! چند موجود که در نفرت خودشان زندانی بودند، سریعاً به بالاترین اسفیر دست یافتند، و حدوداً در ساعت 4:00 صبح روز ششم نوامبر 2017، یک سفینه مادر بر روی جزیره قرار گرفت تا به هارمونیزه کردن جریان های قدرتمند موجود در آنجا کمک کند. این نیروها منفی نیستند، و وقتی ساکنین جزایر نور صبح از خواب بلند شوند، زیر بار شوک مغناطیسی شدید نخواهند بود. آنها همچنین گفته اند این فعالسازی که در لحظه آخر انجام شد، در سراسر



کشور فعالسازی جزیره های حافظ و نگهدارنده نیرو را کلید زد. در ابتدا آنها مرا از هفت جزیره که با قدرت فعالسازی شده اند، مطلع کردند.

هشت جزیره برزیل:

جزیره صداقت Brasilia :

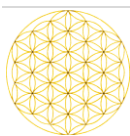
آنها می گویند به دلیل حرکتی که در این شهر انجام شد، برخی از افراد می توانند به این اطلاعات دسترسی داشته باشند و متوجه یک تناقض کنایه آمیز شوند. و آنها با عشق می گویند که این مکان به عنوان پایگاه نگهداری انرژی صداقت در حال آماده سازی است. بنابراین، ساکنین این جزیره باید سریعاً شروع کنند به حمایت از این انرژی، تا به همه کشورها و کل سیاره گسترش پیدا کند .

جزیره موفقیت São Paulo :

ساکنین این ناحیه فراخوانده شده اند تا این نیرو را برای گسترش در سراسر کشور و سیاره حفظ کنند! کسانی که مشکل مالی دارند، ضرورتاً نیازی نیست به آنجا نقل مکان کنند مگر اینکه قلباً حس کنند، اما مطمئناً، این ناحیه شروع به گسترش انرژی موفقیت می کند، و شروع می کند به ابطال هرگونه برنامه محدودیت و محرومیت. ساکنین جزیره! پروژکتور نشانه گیری شده است .

جزیره اتصال مجدد (Minas Gerais (Belo Horizonte) :

ساکنین این جزیره در حال دریافت یک پروژکتور خاص هستند: برای نگهداشتن انرژی اتصال مجدد کهکشانی. آنها نیروی وحدت را نگه داشته و گسترش می دهند و با یاد آوری خانه برای سایر جزیره ها و سیاره، اذهان انسانها را برای برقراری ارتباط با نیروهای صعود کرده و کهکشانی آماده می کنند. ساکنین این جزیره البته ارتباطات بیشتری با شهروندان کهکشانی خواهند داشت



و این تجربیات را با دیگران به اشتراک می گذارند. این مسئله به این معنی نیست که سایر جزایر نمی توانند ارتباط داشته باشند، بلکه یک پروژکتور خاص به سمت آن جزیره برای حمایت از ساکنین تنظیم می شود .

جزیره برادری (Ceará Fortaleza) :

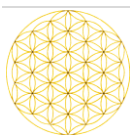
ساکنین این جزیره انرژی برادری را در سایر جزایر گسترش می دهند، و الهام بخش احساسات اتحاد و همکاری هستند. یک پروژکتور قدرتمند با رنگ طلایی و سرخ یاقوتی در آنجا تنظیم شده و همه ساکنین را برای اتصال و گسترش این انرژی قوی فرا می خواند .

جزیره فداکاری (Bahia Salvador) :

ساکنین این جزیره انرژی فداکاری و تعهد را گسترش می دهند، و برای سایر جزیره ها و سیاره الهام بخش این نیرو هستند، با هدف اینکه فداکاری و تعهد عاشقانه آنها باعث رشد و کمک به همه و خودشان شود. آنها برای کسانی که نمی توانند کاری را که دوست دارند برای مدت طولانی انجام دهند، الهام بخش هستند، تا این افراد بتوانند با حرکات های لازم و پیشرفت ها منطبق شوند! یک پروژکتور آبی تیره در این جزیره نصب شده است.

جزیره بدون مرز (Santa Catalina Florianópolis) :

در این جزیره، همه ساکنین یک پروژکتور قدرتمند را دریافت می کنند که به سایر جزایر و سیاره متصل می شود، این پروژکتور برای افراد، الهام بخش وحدت است و این باور که هیچ نیازی به وجود مرز بین افراد نیست. ساکنین این جزیره می توانند، اگر با برنامه منطبق شده باشند، مدیتیشن انجام دهند و در آن باید همه مرزهای سیاره را در نظر بگیرند که محو شده است و همه انسانها با هم متحد شده اند، بدون پیش داوریها و ترسها؛ تجسم گسترش عشق و مهربانی



در شهرها و خنثی سازی کامل سلاحهای کشتارجمعی، که بر اساس شعار کاذب «امنیت ملی» ساخته شده اند. ساکنین جزایر، باهم متصل شوید و مرزها را بشکنید!

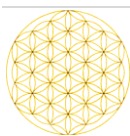
<https://www.disclosurenews.it/en/the-islands-and-their-expressions/>

جزیره پرتال ها Rio de Janeiro :

در این جزیره پرتال های مختلفی وجود دارد که همه جا پخش شده اند، و ساکنین آنجا فراخوانده شده اند تا انرژی را پخش و فعال کنند، که بیشتر پرتال های مهربانی و خیرخواهی هستند. سنگ Gavea یکی از قویترین نقاط این ناحیه است. ساکنین جزیره نه تنها انرژی خیرخواهی را گسترش می دهند، بلکه برای سایر جزایر الهام بخش بازگشایی دوباره پرتال هایی هستند که مدتها قبل بسته شده اند. هر جزیره طبیعتا پرتال های خاص خودش را دارد، و هر کدام از ساکنین میدانند که چه چیزی باید فعال شود. یک پروژکتور ترکیبی زرد-طلایی با سفید روشن نصب شده و منتظر است تا توسط همه ساکنین جزیره حمایت و حفظ شود. حداقل آنهایی که بولتن ما را مطالعه کرده اند، می توانند با این حقایق منطبق شوند و آنها را به کسانی که هنوز هماهنگ نشده اند، منتقل کنند، تا آنها هم بتوانند پرتال ها را در درونشان دوباره فعال کرده و وارد پروسه شوند.

جزیره مغناطیسی (Curitiba Paraná) :

این جزیره مسئول لنگر کردن و حفظ مغناطیس است، نیرویی که کمک می کند به حل کردن ایدئولوژی مادی گرایی شدید و اتصال مجدد وجود به روح، و ترغیب آن به عشق بدون محدودیت، و اعلام مجدد اینکه همه چیز در خلقت، انرژیست، و ابدی. چند موجود مغناطیسی در این جزیره تناسخ کرده اند و/یا از جزایر دیگر می آیند و از برنامه روحشان الهام می گیرند. در این جزیره نکته جالبی وجود دارد: وجود مغناطیس به ارواح کمک می کند تا با سرعت زیادی لحظات اعتلا یافته غیر مادی خلق شوند. این مسئله به افراد کمک می کند تا اعتلا یافته ترین تجربیاتی را که بدن های کربنی در حال تغییر آنها بتواند تحمل کند، داشته باشند. ساکنین این جزیره فراخوانده



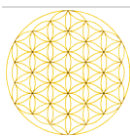
شده اند تا همیشه عشق را نگه دارند و هر گونه انرژی مادی گرایانه شدید را در تعادل و با ظرافت تبدیل و استحاله کنند. تعادل بین ماده و روح ضروریست، در این صورت شما می توانید تجربیات بیشتری در مسیر صعود داشته باشید .

در یک جزیره کوچک که اجازه تسلط انرژی مادی داده نمی شود، انرژی مغناطیس شدید کمک می کند برای ایجاد یک جو روحی زنده و پویا، که طبیعتا با انرژی ظریف موجود، به تعادل میرسد. ذهن انسان برای مادی گرایی برنامه ریزی شده است، اما کسانی که وارد جزیره می شوند، هر چقدر هم مادی گرا باشند شدیداً به مسائل غیر مادی جذب می شوند. مغناطیس موجود به شدت جاذب است. جاذب روح به دلیل رسیدن این اطلاعات، موجوداتی که در ارتعاش پایین فعالیت می کنند و احساس می کنند که محافظین این حوزه ها هستند، به شدت از Gabriel رL عصبانی هستند. بنابراین درخواست می شود و آن پروژکتورهای دوست داشتنی برای او فرستاده می شوند، که یک میدان محافظ کوانتومی آبی تیره را در اطرافش شکل می دهند، که از رسیدن و برخورد تشعشعات این موجودات با او جلوگیری می کند. برخلاف حضور کد ZIL Master، پرتوها هنوز می توانند برسند، بنابراین تقاضای کمک بیشتر شده است. پلیدیان ها همچنین گزارش می دهند که واحدهای اطلاعاتی زیادی وجود دارد. من، گابریل، وقتی بولتن جدید بیرون بیاید، جزیره های بیشتری را معرفی خواهم کرد. هر وقت که من اطلاعات زیادی مانند این را دریافت کردم، کمی خسته شدم چون مجبور هستم همه اطلاعات رسیده را کدشکنی کنم. من در این مورد، به عنوان یک مترجم کوانتوم عمل می کنم. من راجع به همه جزایر برزیل اطلاعات خواهم داد، و هر چیزی که در رابطه با آن اطلاعات بخواهند.

<https://www.eteheadenoor.com/?p=2012>

ترمیم دی ان ای

دی ان ای لیرایی:

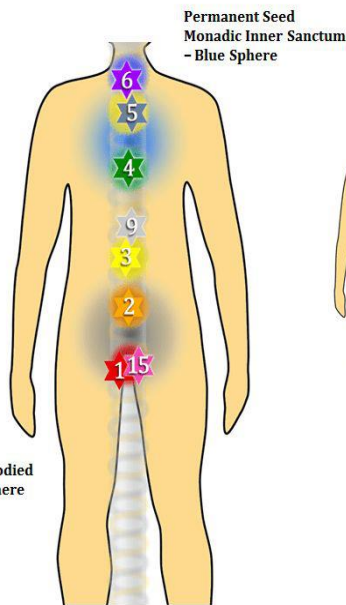


Chakra Crystal Keys and Hara Line

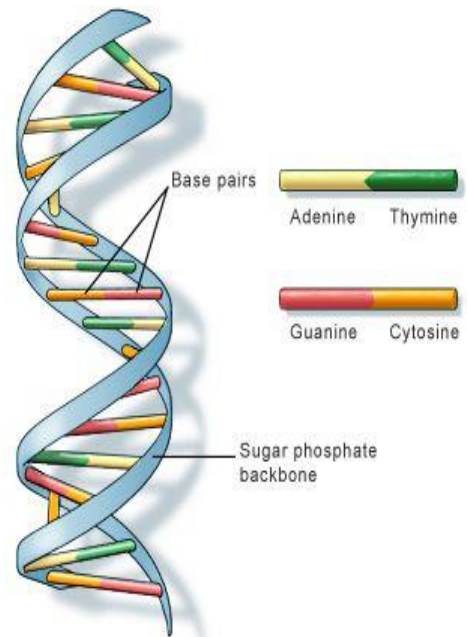
Level Two Lightbody

- Cck 1 Red Crystal
- Cck 2 Orange Crystal
- Cck 3 Yellow Crystal
- Cck 4 Green Crystal
- Cck 5 Blue Crystal
- Cck 6 Indigo Crystal
- Cck 7 Violet Crystal
- Cck 8 Gold Crystal
- Cck 9 Silver Crystal
- Cck 10 Sapphire Crystal
- Cck 11 Dark Silver Crystal
- Cck 12 White Crystal
- Cck 13 Aquamarine Crystal
- Cck 14 Pale Gold
- Cck 15 Magenta

Hara Complex Embodied
God Self - Silver Sphere

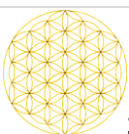


U.S. National Library of Medicine

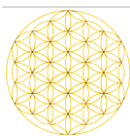


با نابودی گهواره لیرا در جنگهای تمدن لیرایی با گروههای اوریون، سطح آگاهی آواتار در ماتریکس زمان کیهانی ما نابود شد. این جنگ های کهکشانی باعث آسیب و نابودی دی ان ای لیرایی شد که این دی ان ای در واقع تجلی ماتریکس سیلیکات بود و ظرفیت زندگی به عنوان انسان آواتار کریستال را داشت. این خط زمانی در نابودی سیاره های لیرا در واقع جایی بود که بذر جنگهای کهکشانی کاشته شد، جنگهایی بر علیه دی ان ای و آگاهی انسان، جنگهایی که در آنها، آگاهی ضد مسیح بر علیه آگاهی کریستوس در این سیستم کیهانی شورش کرد. دی ان ای اصلی که در طول جنگ های لیرایی با گروههای اوریون و متعاقبا نژادهای خزنده از بین رفته بود در حال بازیابیست. شبکه درخت ۱۲ شاخه توسط تمدنهای لیرا-سیریوس طراحی شد تا به بازیابی آواتار کریستوس ماتریکس سیلیکات اصلی انسان در جهان های هارمونیک کمک کند. برای انجام این کار لزوما باید به خطوط زمانی گذشته برگشت تا کدها بازیابی شوند و آسیبهای جنگ های اوریون از خطوط زمانی آینده ترمیم شود.

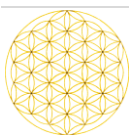
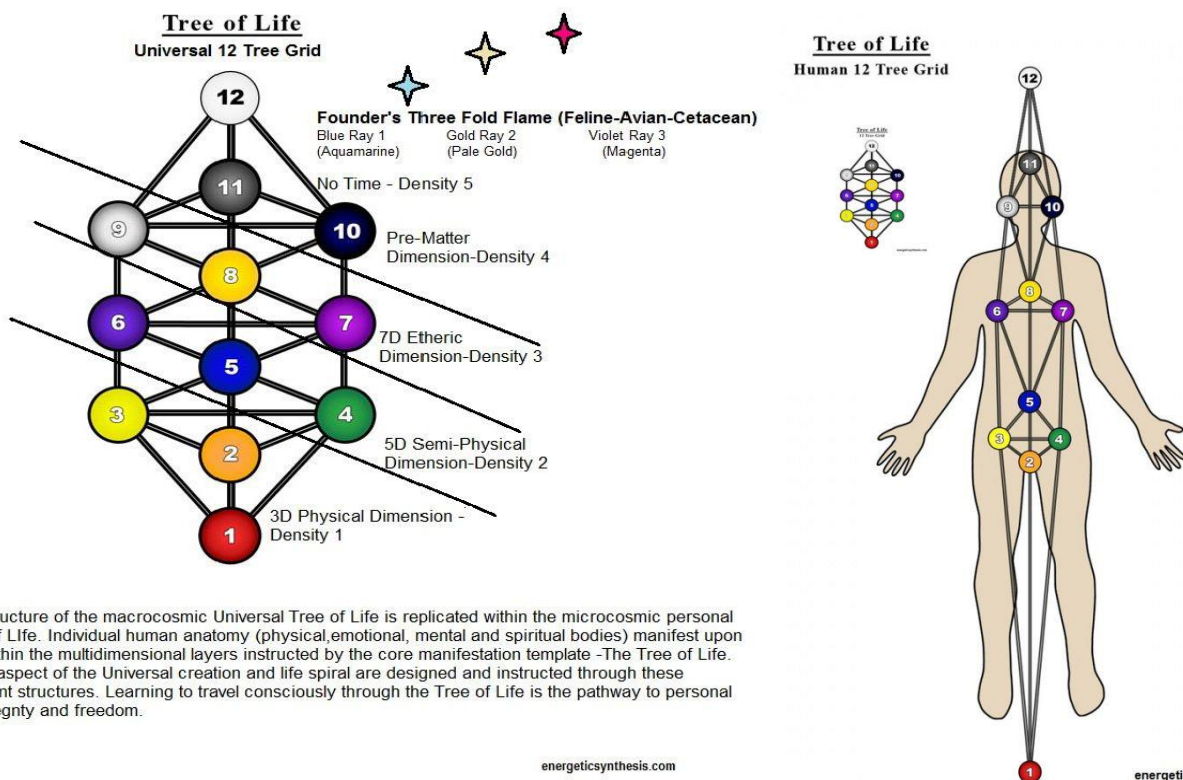
یکپارچه سازی هویت‌های مختلف:



به مرور که بیدار می شویم، به یک آگاهی چندبعدی دست پیدا می کنیم و سطوح مختلف آگاهی را درک می کنیم. ما انسانها تنها محدود به شخصیت های روی زمین نیستیم. در واقع در بعد سوم گیرافتاده ایم و بر روی حواس پنجگانه متمرکز شده ایم. حواس بالاتر ما توسط یک شبکه الکترومغناطیسی نامرئی قفل شده که در حال حاضر با برداشته شدن این حصارهای فرکانسی، حواس بالاتر در حال فعالسازی هستند. (دیدن نور، جرقه، هاله، موجودات چندبعدی و از نشانه های این فعالسازی هست). این شبکه ها در واقع یک توهم برای انسانها ایجاد می کردند و از این طریق آگاهی انسانها کنترل میشد. این شبکه ها احساسات را کنترل میکردند و باعث میشدند که انسانها درک اشتباهی از خودشان داشته باشند. و از این طریق ما در بعد سوم گیر می افتیم و تنها پهنای باند محدودی از واقعیت را درک می کنیم. ما تنها محدود به زندگی روی زمین نیستیم، ما در واقع موجودات چندبعدی هستیم که در هر یک از ابعاد وجود داریم. اساسا تعداد ابعاد نامحدود هستند. ما انسانها از چندین هویت مختلف در ابعاد مختلف ساخته شده ایم، و در هر بعدی فقط دارای یک جنبه از آگاهی کلی هستیم. مثلا اگر ابعاد را به ۱۲ بعد محدود کنیم، در بعد دوازدهم ما هویت شخصی نداریم و از خود تجربه ای جدا از کل نداریم و در این بعد، در واقع جزئی از یک کل هستیم. اما در بعد سوم، خودمان را به عنوان یک موجود فیزیکی متراکم تجربه می کنیم که در یک دنیای فیزیکی زندگی می کند. در سطوح و ابعاد دیگر، ما یک تجسم فیزیکی و شکل کاملا متفاوتی از چیزی که هم اکنون روی زمین هستیم داریم، یعنی در هر بعدی با توجه به سطح فرکانس، دارای یک بدن متفاوت هستیم. در حال حاضر داریم از یک خواب خالص گونه بیدار میشویم و شروع می کنیم به سفرهای اختری و تجربه این ابعاد مختلف و دسترسی به انرژی هویت های مختلف در ابعاد گوناگون. با انجام این سفرها، اجازه میدهیم تا این فرآیند تبدیل و تغییر انجام شود. در واقع این پروسه باعث یکپارچگی هویت های چندبعدی میشود که «تناسخ کامل» نام دارد. ما میتوانیم در حین مراقبه، رویا یا رقص، تجربه هایی از هویت های چندبعدی خود داشته باشیم. مراقبه، رویا یا رقص در واقع حالت هایی هستند که در آنها ذهن



منطقی خاموش شده و این فرصت را به ما میدهد تا با ارتباط با ابعاد دیگر، با جنبه های مختلف روحمان ملاقات کنیم. به مرور که هویت‌های مختلف را یکپارچه‌سازی می‌کنیم، تاریخچه مختصری از هر کدام از هویتها به ما داده میشود و قادر میشویم تا به روحمان وصل شیم و از آن اطلاعات دریافت کنیم. با ادامه این روند، یک سری کدها که در دی ان ای مخفی شده بودند، فعال میشوند. اغلب در حین مراقبه با اشکال ستاره مانند برخورد می‌کنیم که در واقع همان کدها در بدن نوری هستند. این کدهای ستاره ای شکل، شبیه به الگوهای پیچیده دانه های برف هستند که از طریق امواج فوتونیک نوری به ما میرسند. با فعال شدن کدهای ستاره ای، دی ان ای فعال میشود و اطلاعات روح بازیابی میشوند، و ما قادر به ساخت یک بدن نوری میشویم که میتواند همه کدهای ستاره ای مربوط به همه هویت‌های چندبعدیمان را حمل کند. هستی و هر چیزی که درونش هست، در یک مسیر تکاملیست و یک هماهنگسازی وسیع برای کسانی که آماده هستند وجود دارد. قسمت بزرگی از این آماده سازی، شامل ترمیم و ایجاد تعادل در کیهان میشود. ما فراخوانده شدیم تا هر چیزی که از تعادل خارج شده را به سمت هارمونی ببریم تا تکامل مسیر خودش را طی کند.

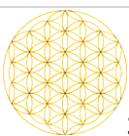


تا قبل از این تاریخ، زمین یک سیاره زندانی بود. در واقع یک مانع فرکانسی در اطراف زمین وجود داشت که مانع از رسیدن اطلاعات و آگاهی از ابعاد و جاهای مختلف کیهان به زمین و انسانها میشد. این مانع، یک حصار فرکانسی است که موجودات فرازمینی با جهت گیری منفی در زمان سقوط آتلانتیس در اطراف زمین قرار دادند تا ماتریکسی که ما در آن زندگی می کنیم را کنترل کنند. به دلیل این مانع فرکانسی، انسانها در یک حالت خلسه هیپنوتیزمی قرار داشتند و تحت کمترین آگاهیها عمل میکردند. اما از تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲، پالسهای کهکشانی از مرکز کهکشان در حال از بین بردن این مانع هستند و این مسئله باعث شده اطلاعات خیلی بیشتری به ما برسد. به همین دلیل هست که شاهد بیداری انسان های زیادی بعد از ۲۰۱۲ هستیم.

بدن نوری همان هاله انرژی انسان است که آگاهی را از قالبی هولوگرافیک عبور میدهد و باعث ایجاد تظاهرات مادی در واقعیت زندگی ما می شود. بدن نوری متشکل است از لایه های درهم تنیده ی فرکانسهای الکترومغناطیسی بیشماری (امواج نور و صدا) که هویت های هوشی آگاهی عامل در هر یک از لایه های چندبعدی موجود در Universal Time Matrix را میسازند. بدن نوری، هویت و حافظه آگاهی ما را در طول زمان نگه داشته و کدهای نوری زنده ی طرح ساختار ما را حفظ کرده و ارتباط و اتصال مستقیم ما را با خود برتر یا منبع ایجاد می کند. بدن نوری دارای سه سطح اصلی است: ۱- شبکه درخت دوازده شاخه ای و بدن های سه گانه افقی ۲- کلیدهای کریستال چاکرا، خطوط محوری، ساختار نادای ۳- سیستم چاکرا

ماتریکس نوری:

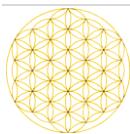
ما در حال تجربه فعالسازی منشورهای نوری هستیم که در مرکز هر کدام از سلولهای بدن وجود دارد. با فعالسازی این منشورهای نوری، یک سیستم عصبی جدید ایجاد میشود و این به شکل



همزمان تحت تاثیر تغییرات شبکه زمین قرار می گیرد. وقتی که این پروسه کامل شود، همه سیستمهای سیاره زمین با یک نور فرکانس بالا تحریک و برانگیخته میشوند (یعنی از نور تغذیه می کنند). این عامل باعث ایجاد یک ماتریکس نوری در داخل کالبد فیزیکی انسان و سیاره زمین میشود. با کامل شدن این ماتریکس، تغییر بزرگی در واقعیت چندبعدی بوجود میاد. با رسیدن انرژیهای جدید از مرکز کهکشان به چاکراهای زمین، و انتقال آنها به کالبدهای انسانی، این انرژیها به شکل الهامات ناگهانی متجلی میشوند و باعث ایجاد تغییرات فکری، احساسی و حتی فیزیکی میشوند. حتی گاهی اوقات این انرژیها به سمت یک فرد خاص متمرکز هستند و باعث ایجاد تغییرات بزرگی در میدان آگاهی فرد میشوند. الهامات ممکن است به شکل رویاها، دریافتها یا تفکرات خلاقانه خودانگیخته متجلی شوند.

تغییر ماتریکس کالبد انسانها در پروسه صعود:

در پروسه صعود، آگاهیهای برتر از ابعاد بالا به ما کمک میکنند تا بتوانیم تغییرات را بهتر انجام بدهیم. به همین دلیل ممکن است گهگاهی حضورهایی را حس کنیم. ممکن است احساس سوزش در فرق سر داشته باشیم. انرژی این آگاهیها بسیار ظریف است و برای ما سخت است که در محیطی با پارازیت‌های مختلف بتوانیم متوجه آنها بشویم. در واقع این آگاهیها مشغول ایجاد ماتریکس جدیدی برای ما هستند. آنها میدانند که ماتریکس بدن ما نیاز به ترمیم، ارتقا و بازطراحی دارد و این کار را از طریق ابزارهای اثیری انجام میدهند. با طراحی دوباره کالبدهای اثیری و همراستا کردن آنها با ماتریکس نوری، ما می توانیم در سطح زیراتمی وارد وحدت شویم. اساسا بدنهای جدیدی برای ما طراحی میشود که با استفاده از آنها ما میتوانیم با ارتعاشات نور هماهنگ شویم. ماتریکس نوری، به شکل غیرفعال در سلولهای بدن ما وجود دارد و از این طریق فعال میشود. ما قادر خواهیم بود از طریق این کالبدها در سرعت نور، ارتعاش کنیم. در حال حاضر در موقعیتی هستیم که همه چیز در حال تغییر و دگرگونیست، هم در جنبه های فردی و هم

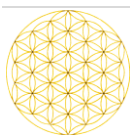


جمعی و سیاره ای و دلیل همه این تغییرات در واقع اتمام چرخه قبلی و شروع چرخه جدید و وارد شدن زمین به یک دوره جدید است و با رسیدن انرژیها و آگاهیهای جدید اساسا همه چیز تحت تاثیر قرار می گیرد. پروسه بیداری و صعود در حقیقت یک فرآیند پیچیده کوانتومی است که حرکت آگاهی از طریق فضا و زمان را کنترل می کند. آگاهی در واقع انرژیست، همانطور که انرژی در واقع آگاهی هوشمند است. وقتی که انرژی تغییر می کند، آگاهی ما هم دچار تغییر میشود. فضا و زمانی که ما روی زمین میشناسیم هم دچار تغییر میشود و ما بسمت خط زمانی آینده حرکت می کنیم. وقتی تدریجا در معرض فرکانسهای فعالسازی کالبدهای اختری قرار بگیریم، سیاره ما به بعد بالاتر و سطوح فرکانسی بالاتر منتقل میشود مدل چند بعدی واقعیت را میتوانیم از طریق مطالعه ماتریکس زمان جهانی و درخت زندگی کیهانی تصور کنیم. تغییر در فرکانس همه موجودات سیاره باعث تغییر فرکانس خود سیاره شده و سیاره با تاثیر جمعی انرژیهای در حال تغییر هماهنگ می شود. و در این میان آشنایی با اتفاقات و تغییراتی که هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ جمعی و سیاره ای می افتد، لازم و ضروریست.

ساخت درخت زندگی از طریق نردبان چندبعدی:

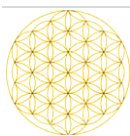
وقتی هر کدام از هویتها و کدهای ستاره ای مربوط به آن، در بدن نوری قرار می گیرند، می بینیم که «درخت زندگی» در حال تشکیل است. هر کدام از هویتها در یکی از چاکراها قرار میگیرند و کدهایی را به بدن نوری منتقل می کنند و باعث میشوند که چاکراها تغییر کنند و از شکل یک انرژی در حال چرخش که مدام از طریق میدان هاله هدر میرود، تبدیل بشوند به یک کریستال جواهر مانند. هر چاکرا از لحاظ هندسی شبیه به یک منشور پیچیده میشود. در نتیجه هر کدام از هویتها ما تبدیل میشود به یک نور در درخت زندگی، در حالیکه هنوز خاموش هستند. برای روشن کردن این هویتها ما به یک منبع نیاز داریم، یک بار الکتریکی که بتواند این وسیله نوری را روشن کند و این منبع همان انرژی کندالینی است.

میدانهای مورفوژنتیک:



میدان مورفوژنتیک در واقع نقشه ایست که شکل و فرم را به شکل اطلاعات در خودش نگه میدارد و شامل ساختارهای آگاهی به شکل نور و صدا هست و مشخص می کند که هر شکلی از آگاهی، چطور متجلی میشود و هم در سطح زیراتمی و هم در سطح کیهانی وجود دارد و اساسا قسمتی از مکانیزم خلقت است. همه اشکال ماده و آگاهی، که شامل کالبدهای انسانی و سیاره ای میشود، از طریق این میادین متجلی میشوند که معماری و ساختار این تجلی، شبکه ۱۲ شاخه ایست. این شبکه اساسا کیفیت کریستالی ماده_ انرژی را که شامل الگوهای خاص فرکانس هست، مشخص می کند. پس نقشه کالبد ما، همان میدان مورفوژنتیک است و این نقشه هم در سطح سیاره ای، هم در سطح کهکشانی، هم در سطح کیهانی و هم در سطح فراکیهانی وجود دارد. « همه سطوح این نقشه ۱۲ تایی؛ یعنی سطوح انسانی، سیاره ای، کهکشانی، کیهانی و ... درهم تنیده اند و بهم اتصال دارند.

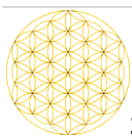
در طول ۵۰۰۰ سال گذشته سیاره ما تحت یک سیستم بسته bi_wave یا دو موجی عمل میکرده است. سیستم بسته به معنی اینست که سیاره به یک منبع محدود انرژی دسترسی داشته است. به دلیل همین سیستم بسته و منبع انرژی محدود، دزدی انرژی از انسانها و روابط انگلی در سیاره زمین بسیار افزایش پیدا کرد. این عدم تعادل انرژی توسط کنترل کننده های زمین، عامدانه برنامه ریزی شد تا روابط ارگانیک بین الکترون و پروتون و نرخ اسپین آنها، تحریف شود. این کنترل کننده های زمین، انرژی حیاتی را از طریق «سرقت کد خلقت» و معماری غیر ارگانیک به وسیله هندسه دو قطبی Vesica Pisces مهار می کردند. این معماری به سرقت رفته، در اختیار مکانیزم بیگانگان منفی قرار گرفت و این دو قطبی روی سیاره ما قفل شد، تا کد «تثلیث» یا اتحاد قطبیتها از دسترس خارج شود، این امر باعث بوجود آمدن الگوهای اسپین معکوس شد که آگاهی ما را در ابعاد مختلف دچار شکاف کرد. اما اکنون زمان مهار هندسه وسیکا پایسیس رو



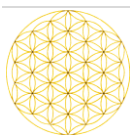
به اتمام است و ما مشغول یادگیری این هستیم که چگونه « موج سه گانه » را از طریق ادغام انرژیهای مونث و مذکر خلق کنیم و به انرژیهای میدان منبع دست پیدا کنیم.

از فوریه ۲۰۰۹ « زوجهای بذر ستاره ای » مکلف شده اند تا در پیشرفت معماری میدان سیاره کمک کنند تا میدان دوقطبی مهار وسیکا پایسیس را منحل کنند و برنامه شبکه معکوس سازی نفیلیم که مقر آن در پادشاهی متحده انگلستان است، منحل شود. در واقع استفاده این ساختارها روی سیاره برای جمع آوری و مکیدن و انتقال انرژی حیاتی و جنسی از انسانها و ارتقای برده داری و بدبختی جنسی بوده است. برای فائق آمدن بر این تحریف قطبیتی افراطی، این «زوج های بذر ستاره ای» سکویی می سازند برای خلق «میدان موج سه گانه» که اجازه میدهد وحدت تانتریک قلبی، حقیقتا اتفاق بی افتد. مکاشفه مستتر در این «ازدواجهای مقدس» شگفت انگیز است، زیرا از جنبه ها و ابعاد مختلفی به فرآیند صعود کمک می کند. تاثیر میدان کوانتومی بر فضا-زمان:

در حال حاضر، کالبد سیاره ما در حال انجام یک بازسازی در تاروپود فضا-زمان است و خوب این مسئله طبیعتا باعث ایجاد تغییرات و بی نظمی هایی خواهد شد که میدان های کوانتومی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در نتیجه این تغییرات، الگوهای جدیدی از اختلالات الکترومغناطیسی، موانع یا آشفتگی در میدان جمعی بوجود می آید. میدان کوانتومی، که به عنوان «فضا-زمان داخلی» هم شناخته می شود، این تاثیرات را بر لایه های ساختار طرح اصلی منعکس می کند. ساختار طرح اصلی، در واقع ماتریس طرح اولیه است که لایه های میدانهای مورفوژنتیک را در زمین ایجاد می کند. گرید ورکرها اطلاع دارند که ساختار طرح اولی در میدان سیاره با تغییر تایم لاین کاملا در حال دگرگونیست، و به نظر میرسد که یک اتفاق خیلی متفاوت، فوق العاده و در عین حال عجیب و غریب در میدان سیاره در حال انجام هست. به نظر میرسد یک طرح جدید آگاهی انسانها را در بر خواهد گرفت. تغییرات طرح اولیه، بر روی ساختار ماده تاریک اثر می



گذارند، و این مسئله نتیجتاً به تغییر و دگرگونی عناصر زمین و ساختار عنصری کالبد زمین منجر خواهد شد. این مسئله از طرف دیگر واسط و مدیوم آگاهی ما را در حالیکه هنوز روی سیاره هستیم، تغییر می دهد، و ما را وادار می کند تا تطابق پیدا کنیم و راههای جدیدی برای ارتباط با زمین و اتصال با خانواده ستاره ای پیدا کنیم. تغییرات ساختاری به پرتالهای زمین هم گسترش می یابد و این تغییرات از طریق پرتالها به ساختارهای فراسیاره ای منظومه شمسی و فراتر از آن هم میرسد. همه سیستمهای ارتباطی که به این سطوح معماری سیاره متصل هستند، تحت نوسان و تغییر و بازآرایی قرار می گیرند، و در واقع ارتباط های بین ستاره ای بازسازی می شوند، این ارتباط ها پرتال های زمین را متصل می کند تا زمین با سیستم های ستاره ای چندگانه و اجرام آسمانی همراستا شود. بعضی از این پلتفورم ها به این منظور ساخته شده اند تا انسانهایی که در نواحی مختلف فضا-زمان روی زمین هستند به جاهای دیگر منتقل شوند، و نتیجتاً این پلتفورم ها در انتهای چرخه زمان کیهانی، تحت بازسازی ساختار فضا-زمان قرار خواهند گرفت. ذرات زیراتمی در مواد عنصری، تحت ساختار اتمی جدید، بازآرایی می شوند، در واقع این ذرات برای تطابق با تغییر کالبد سیاره ای به دنیای هارمونیک بعدی، بازسازی و بهینه می شوند. ذرات زیراتمی از اتمها بسیار کوچک تر هستند، و در واقع بازسازی و تغییر و تبدیل ذرات در مقیاس کوانتومی، توسط ذرات زیراتمی توضیح داده می شود. پس ذرات زیراتمی، مثل الکترون ها، پروتون ها و نوترون ها، اتم ها را میسازند و اتمها هم بلوک های مواد را تشکیل میدهند. وقتی ذرات زیراتمی بازسازی و بروز رسانی میشوند، این مسئله باعث تحریک فرآیند یونیزاسیون اتم هایی میشود که انرژی الکتریکی و یک سری از واکنش های شیمیایی را در بدن تولید می کنند. بدن انسان وقتی در معرض سیگنال های الکترومغناطیسی قوی قرار می گیرد، یا در اثر فعالسازی کندالینی، قادر میشود تا پروسه یونیزاسیون بیولوژیکی را انجام بدهد که این مسئله باعث شکل گیری میدانهای پلاسما میشود. در فرآیند صعود کالبد انسان، یونیزاسیون باعث تولید نور پلاسمای فرکانس بالا شده تا فرآیند ساخت کالبد روحی پلاسمای مایع ادامه پیدا کند. به تدریج تا نقطه ای پیش خواهیم رفت که از سطح تنظیمات چاکرا در بدن نوری در قلمروهای



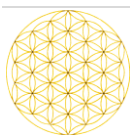
پایین خلقت عبور کرده و ساختار بدن نوری پلازما را میسازیم. این ساختار (مرکابا)، در واقع یک وسیله نقلیه به شکل یک کالبد کرویست که می تواند میزبان آگاهی پلاسمای بالاتر شود. این حالت از ساختار بدن نوری، چاکراها یا کالبد کروی، در واقع دلالت دارد بر تفاوت بین تناسخ در تراکم های پایین فضا-زمان، و یا آزاد شدن از ساختارهای فضا-زمان سطح پایین و توانایی پرواز از طریق کالبد آگاهی به ورای منظومه خورشیدی.

کیهان شناسی ابعاد:

هدف اصلی ما وصل شدن به جنبه های ارتعاشی بالاتر خود از طریق قصد کردن برای ارتباط با کالبد نوری توسط افزایش آگاهی در مدیتیشن است. پس وقتی به روح و خود برتر و به جنبه های مختلف هویت های انرژی- روحی خود فکر می کنیم، در واقع اینجاست که میتوانیم درکی از کیهانشناسی ابعاد و طیف های فرکانسی ابعادی که وارد آگاهی ما میشوند، داشته باشیم. وقتی ما طیف امواج ابعاد را درک کنیم، و از چاکراها به عنوان یک مدل پایه استفاده کنیم، این مسئله به ما کمک خواهد کرد تا عملکرد هفت چاکرای اولیه را بهتر بفهمیم. پروسه صعود در واقع جمع کردن هویت های مختلف از ابعاد مختلف هست و متمرکز کردن آنها در لحظه حال. ابعاد بالاتری که ما در حال دسترسی به آنها هستیم، در واقع مشخص کننده خطوط فضا-زمان آینده هستند. همینطور که وارد میدان های انرژی بالاتر میشویم، از درون هر یک از فرکانس های ساب هارمونیک در هر بعد عبور می کنیم.

عبور از ابعاد پایین به ابعاد بالا:

فرآیند حل کردن انرژی های لایه های ابعاد پایین در میدان آگاهی و تبدیل ذرات آنها به فرکانس های ابعاد بالاتر، فعالسازی ستاره ای نامیده میشود و قسمتی از پروسه صعود است. این



دینامیک صعود انرژیست که باعث تکامل آگاهی به ابعاد بعدی میشود. این فعالسازی ستاره ای در واقع قسمتی از پروسه تکامل نور تلقی میشود.

کیهانشناسی زمان جهانی در دوازده بعد همزمان:

هر دنیای هارمونیک معادل سه تا از هویت‌های روحی است، به این شکل:

آگاهی ما از طریق شخصیت در ابعاد ۱،۲،۳ از طریق روح در ابعاد ۴،۵،۶ از طریق خود برتر در ابعاد ۷،۸،۹ و از طریق آواتار کریستوس در ابعاد ۱۰،۱۱،۱۲ و آگاهی Founder در ابعاد ۱۳،۱۴،۱۵ تکامل پیدا می کند.

ابعاد:

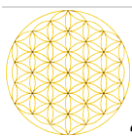
ابعاد مختلف در واقع گروه‌های مختلف انرژی در قالب فرم‌های هندسی فضا-زمان هستند و بر پایه واحدهای آگاهی کریستال صوت و نور ساخته شده اند که به آنها میدانهای مورفوننتیک یا ساختارهای متبلور شبکه درخت ۱۲ شاخه ای گفته میشود. یک بعد در واقع یک فضای پر از یک فرکانس خاص و توالیهای تکرار شونده ای از امواج است.

_۱۲ بعد دنیای ما (که به عنوان کالبد سیاره ای هم شناخته میشود)

_هر بعد به یکی از لایه های بدن ما مرتبط است

_هر بعد به یکی از شاخه های دی ان ای وصل است، که در طول پروسه صعود و دریافت فرکانس های جدید، به تدریج شاخه ها فعال میشوند.

_هر چاکرا در بدن ما به یکی از لایه های نوری موجود در کالبد ما و در کالبد سیاره ای متصل است.

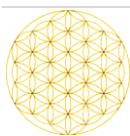


_ابعاد ۱۳، ۱۴، ۱۵ مربوط به جهان های ترانس هارمونیک خارج از فضا-زمان هستند.

آواتار:

آواتار به آگاهی بعد دوازدهمی انسان گفته میشود، بالاترین تجلی آگاهی ساختار اصلی معنوی انسان. حالتی که انسان به میدان آگاهی کیهانی (دی ان ای ۱۲ شاخه ای یا ماتریکس سیلیکات) دست پیدا می کند. همه ما دارای یک شکل آواتار Christos (نور ابدی درونی) هستیم و می توانیم این جنبه از هویتمان را در طی پروسه صعود فرا خوانی کنیم. این آگاهی متجلی، در واقع شکل سه گانه سطوح ماتریکس ذهن در ابعاد ۱۱، ۱۰، و ۱۲ است. همچنین به عنوان سطح جهانی آگاهی شناخته می شود. برای ارتباط با فرکانس آواتار در روی زمین، ما باید محافظ بعد دوازدهمی را بسازیم و اشعه بعد دوازدهمی را از طریق شبکه درخت ۱۲ شاخه ای، به داخل بدن نوری جذب کنیم. وقتی ما تجسم آواتار را کامل کردیم، مرحله بعد Hieros Gamos رستاخیز کامل بدن به نور ابدی christos و آگاهی کیهانی (می باشد، که باعث اتصال آگاهی داخلی Christos و آگاهی سوفیا Sophia در طی ازدواج مقدس با منبع ابدی آگاهی می شود. آواتار، عقل کل واحد است. آواتار، واقعیت انرژیک واحد به عنوان میدان آگاهی، عقل کل خورشیدی، و نور ابدی درونیست و با فعال شدن آواتار تغییرات زیر انجام می شود:

با فعال شدن آواتار، آگاهی کیهانی و اطلاعات حافظه سلولی بیدار می شود. ارتباط با آگاهیهای فرا زمینی و بهره مند شدن از قانون وحدت (طبق قانون وحدت همه چیز از انرژی هوشمند ساخته شده و جزیی از کل واحد است). تکنولوژی آواتار شروع به ترمیم ژنتیکی انسانها و غیر انسانها می کند. مسائل مربوط به ماتریکس های خلقت مثل مهندسی هولوگرافیک، واسطی بین بدن و عملکرد آگاهی می شوند. کامل شدن آگاهی دوگانه/قطبی که در دنیاها پایینتر وجود دارند (درک کاملی از حیل و فریب حاصل می شود). نابودی سطوح آگاهی آواتار در ماتریکس زمان کیهانی ما در زمانی انجام شد که گهواره تمدن لیرا ها (اجداد انسانها) توسط جنگها و تجاوزات گروه اوربون با لیرا ها، نابود شد. این جنگهای کهکشانی، دی ان ای لیرا ها را که در واقع تجسم ماتریکس سیلیکات بود و ظرفیت زندگی به شکل آواتار انسانگونه کریستال را داشت، نابود

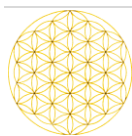


کرد. این خط زمانی در نابودی سیاره Lyra (سیاره تمدن لیرا)، زمانی بود که بذر جنگهای کهکشانی کاشته شد که در واقع جنگهایی بر علیه آگاهی دی ان ای انسان بودند، جنگهایی که در آنها آگاهی ضد کرایست بر علیه آگاهی ابدی درونی الهی یورش برد. پروسه کاشت بذر توسط نژادهای ریشه در سیاره زمین در حال بازسازی دی ان ای اصلی بوده، و اصلاح و ترمیم قسمتهایی که در طول جنگهای لیرا ها با گروه اورپون و نژادهای رپتیلیان، آسیب دیده اند. شبکه درخت ۱۲ شاخه ای توسط گروه لیرا- سیریوس طراحی شد تا به بازسازی ماتریکس سیلیکات آگاهی درونی آواتار اصلی انسان در جهان های هارمونیک پایین کمک کند. لزوماً برای انجام این پروسه و بازیابی کدهای دزدیده شده و آسیب دیده در جنگ اورپون، برای ترمیم خرابیهای دی ان ای در تایم لاین های آینده، باید به تایم لاینهای گذشته برگشت.

بسیار مهم: شناخت و به یاد آوردن تاریخ کیهانی و مرور این جنگها و درک آنها توسط انسانها در ترمیم دی ان ای، بسیار مهم است.

خواص کریستالی بدن:

کالبد زمین و کالبد بدن انسان، درست مانند ساختار دی ان ای، دارای خواص و ویژگی های یک کریستال است. (کریستال دارای خواص دریافت و تقویت امواج است) ساختار کریستالی اصلی بدن انسان، در واقع همان ساختار دی ان ای ماتریکس سیلیکات است، که از طریق اتصال با نور هیدروپلازما (کریستال مایع) در بدن فعال میشود. میدان انرژی بدن انسان شامل آرایه هایی از مراکز انرژی در حال ارتعاش است که در داخل یک ساختار چندبعدی کریستال قرار گرفته و دقیقاً مانند یک شبکه کریستالی عمل می کند. همه لایه های مرتبط بهم در ماتریکس فیزیکی، مثل اندامها و سیستم غده ای، و همچنین ساختار اسکلت بدن، دارای خواص فیزوالکتریک (یعنی خواصی که طبق آنها انرژی الکتریکی به انرژی مکانیکی تبدیل میشود) و کریستالیست. اساساً ساختار استخوانهای ما، یک ساختار جامد کریستالیست که به عنوان یک «دستگاه گیرنده فرکانسی» در سرتاسر ماتریکس بدن عمل می کند. اهمیت این توضیحات در اینست که برای



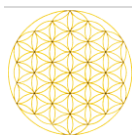
بازیابی تعادل انرژی و سلامتی باید درک کنیم که ما باید میزان زیادی از نیروی حیاتی را ذخیره کنیم تا این نیرو و انرژی بتواند در ساختار فیزیکی ما چرخش کند، که این میسر نمیشود مگر اینکه بفهمیم ما در واقع یک موجود کریستالی هستیم که از طریق خواص کریستالی با انرژیها سروکار داریم. اهمیت موضوع در اینست که هرچیزی در اطراف ما، از لحاظ انرژی روی تعادل انرژی ما تاثیر دارد. به این معنی که بدن انسان اساسا و دقیقا مانند یک کریستال، توانایی دریافت، جذب، تقویت و ذخیره طیفی از انرژیهای ارتعاشی را دارد که در سلامتی روحی و فیزیکی خیلی مهم است.

ماتریکس سیلیکات:

طرح ژنتیکی اصلی انسان طوری طراحی شده تا یک دی ان ای ۱۲ شاخه ای را بسازد و در آن صورت باعث سفرهای بین ابعاد میشود و این مسئله بدون آسیب به فرم بیولوژیکی انجام میشود. به این ساختار دی ان ای ۱۲ شاخه ای، دی ان ای خورشید کریستال یا الماس گفته میشود.

آلبیون:

Albion آلبیون ساختار دوجنسی انسان است که از دوازده کره درخت زندگی ساخته شده است، این ساختار در طول دوره تجاوز به سیاره و سقوط انسان، آسیب دید و در ابعاد پایینتر میدان زمین دفن شد و اکنون در حال بیدار شدن است. این ساختار اولیه و اصلی در کالبد زمین قرار دارد، و از نقشه اصلی کیهانی (نقشه ای که مایها به آن اشاره کرده اند) بوجود آمده است. این نقشه در واقع طرح و برنامه و مسیرالهی را برای صعود انسانها به ماتریکس سیلیکات مشخص کرده و حاوی اطلاعات آسمانی و الهی برای تکامل انسان از طریق منظومه شمسی است. بیداری ساختار آلبیون در طی چند مرحله انجام میشود و اطلاعاتی که اخیرا از ستاره سیریوس و کانوپوس به زمین مخابره شده به نحوی هوشمندانه طراحی شده تا فعالسازی ذهن برتر در سراسر کالبد آلبیون در زمین را تحریک کند. این مسئله به آرامی تغییر در کالبد ذهنی زمین را شتاب میدهد



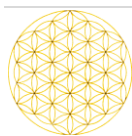
تا منعکس کننده آگاهی ذهن برتر باشد که در واقع در مراحل پروسه بیداری آلبیون نمود پیدا می کند.

بذرهای زمینی و بذرهای ستاره‌ای:

در تبار ژنتیکی انسانهای زمین، هفت نژاد ریشه و پنج نژاد اضافی وجود دارد که در خزانه ژنتیکی زمین قرار داده شده اند. این هفت نژاد ریشه، به نام بذرهای زمینی شناخته می شوند. هرکدام از این نژادهای ریشه بذر زمینی، از طریق چرخه های تکامل، به توسعه یکی از پنج شاخه اول دی ان ای در ساختار اصلی دی ان ای ۱۲ شاخه ای انسان کمک می کنند. پنج نژاد بعدی به نام نژادهای Cloister شناخته میشوند. وظیفه آنها اینست که پتانسیل دی ان ای ۱۲ شاخه ای را برای کل بشریت حفظ کنند و نمایانگر پیشرفت تکامل انسان باشند. نژادهای Cloister به نام استارسیدها شناخته میشوند.

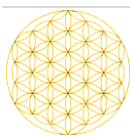
بنابراین بذرهای زمینی قسمتی از چرخه تکاملی سیاره هستند که شاخه های اول تا پنجم دی ان ای را فعال کرده و سپس در هر شاخه، سطوحی از اطلاعات چندبعدی را برای نژادهای انسان روی زمین لنگر می کنند. و در مقابل، بذرهای ستاره‌ای قسمتی از چرخه تکاملی سیاره هستند که شاخه های هفتم تا دوازدهم دی ان ای را حفظ می کنند تا ساختار الهی انسان از طریق چرخه های تکامل، دست نخورده باقی بماند. با وجود اینکه این شاخه های دی ان ای به شکل خفته هستند، اما پتانسیل ساختار الهی و خصوصیات روحی انسان را در قالب آواتار دی ان ای ۱۲ شاخه ای نگهداری می کنند. هر شاخه دی ان ای که فعال میشود در واقع ارتباط دارد با میدان های چندبعدی آگاهی قابل دسترس برای روح هنگامی که در قالب فیزیکی انسان تناسخ می کند .

دی ان ای میتوکاندریال (مادری):



دی ان ای میتوکاندریال بخش کوچکی از دی ان ای سلول است. بیشتر این دی ان ای در هسته سلول یافت می شود. در بیشتر گونه های روی زمین، از جمله انسان، دی ان ای میتوکاندریال فقط از طریق مادر به ارث می رسد. میتوکاندریا حاوی ماده ژنتیکی خاص خودش است، و از مکانیزم های خاص خودش برای تولید RNA ها و پروتئین های جدید بهره می گیرد. به این فرایند بیوسنتز می گوئیم. بیوسنتز پروتئین فرایندی است که طی آن سلول های زیستی سری پروتئین های جدیدی تولید می کنند. در فقدان عملکرد مناسب دی ان ای میتوکاندریال، بشر نمی تواند پروتئین های جدید برای سنتز DNA تولید کند، و نیز نمی تواند سطح مناسب ATP (آدنوزین تریفوسفات) ذخیره کند، که برای تولید نور از سلول برای دربرگرفتن آگاهی روحانی مان نیاز است. بنابراین، به دلیل آسیب دیدن DNA میتوکاندریال بشریت به نحو فاجعه باری به مصرف کردن هر آنچه در دنیای خارج می یابد می پردازد تا بتواند خلأ انرژی موجود درون سلول هایش را پر کند. به این دلیل که اطلاعات تاریخی و حافظه ما پاک شده است، از کار افتادگی دی ان ای میتوکاندریال از ما مخفی مانده است. این امر نتیجه مستقیم به سرقت رفتن دی ان ای مادرانه میتوکاندریال و ساختار پروتونی از زمین و جایگزین شدن نسخه ساختگی آن توسط بیگانه های منفی است که به آن «مادر سیاه» می گویند. بشریت از مادر حقیقی خود بر روی زمین محروم مانده است و این فقدان، اثرش را بر دی ان ای میتوکاندریال سلول های ما گذاشته است. این رویداد، تجاوز اتحادیه بیگانگان منفی NAA به لوگوس سیاره ای از طریق سلطه بر میادین مغناطیسی و magnetosphere محسوب می شود. هستی و وجود هر چیزی بر مبنای اصل جنسیتی خلقت است. قانون طبیعی قطب ها، و این الگو مطلقاً در همه انرژی ها و اشکال مادی وجود دارد. با به تعادل رساندن اصل جنسی که ذات آفرینش است، و درون هر چیز وجود دارد، اصل مادرانه و تعادل انرژی ها از طریق میادین مغناطیسی به هسته زمین باز می گردد. قدم بعدی ترمیم دی ان ای میتوکاندریال انسان خواهد بود.

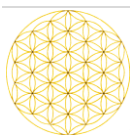
ساخت موج سه گانه وسیکا پایسیس:



الگوی ۱۲:۱۲، معماری «الکتریکی اسپین ساعتگرد مردانه افقی ارگانیک» است که بایستی با معماری «مغناطیسی زنانه پادساعتگرد عمودی» ادغام شود. این ساختار عمودی زنانه، سیزدهمین مدار بیولوژیک است که فرکانس «کمان مادر» شناخته می شود.

ماتریکس مایکل قبلا با ساختار پایه ۱۱:۱۱ اسپین داشت و همچنین ۱۰:۱۰ معکوس، که این ساختار در ادغام میان الکترون و پروتون تداخل ایجاد می کرد و اجازه نمی داد انرژیهای مردانه و زنانه روی زمین به وحدت برسند. کنترل کنندگان زمین از این عدم تعادل میان نرخ اسپین الکترون و پروتون از طریق معماری غیر ارگانیک (هندسه دوقطبی وسیکا پایسیس) بهره گرفتند. این معکوس سازی الگوهای اسپین و ایجاد الگوهای شکاف به طور دائم آگاهی ما را قطعه قطعه کردند. این شکاف جنسیتی مربوط به برنامه های بیچارگی جنسی sexual misery و شبکه معکوس سازی نفیلیم است که در میدان زمین قرار داده شده اند تا نژاد بشر را به لحاظ ژنتیکی تغییر دهند.

از آنجا که کد منبع یک «موج ترینیتی یا سه گانه» است و از طریق وحدت قطبیتها در دسترس قرار می گیرد، یعنی ادغام انرژیهای زنانه و مردانه، اتصال ما به منبع توسط «سرکوب پیوند مقدس زن و مرد» تعطیل شده است. پیوند مقدس، حق ذاتی و الهی ماست و این معماری ارگانیک حالا دارد به سیاره و نژاد ما باز می گردد که به آن Hieros Gamos می گویند. کریستالا، نامی است که به دوازده میدان مرکابای دوجنسی پایه کریستوس سوفیا اطلاق می شود که دستورالعمل همه میادین مرکابا در تمامی خطوط زمانی و تراکمها در تمام دنیاها را تشکیل میدهد. اسپیرال مرکابای بعددوازدهمی، در واقع اصل کریستالای مذکر است که در میادین خارجی توسط اسپیرال اصلی کریستالای مونث درونی، تولید می شود. که این اصل توسط «کمان مادر مقدس» به رنگ



آکوامارین در دروازه سیزدهم تولید می شود. این دروازه، پرتال آکوا است که پنجره نوترونی را باز می کند و دریچه ای است به سوی هفت قلمروی بالاتر از طریق آندرومدا.

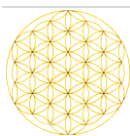
مفهوم پلاسما در پروسه صعود:

پلاسما در واقع یک سیستم الکترومغناطیسی است که از تعدادی ذره تشکیل شده و این مجموعه ذره ای، در حالت بار الکتریکی صفر قرار دارد. یا به عبارت دیگر گاز یونیزه شده ایست که از لحاظ الکتریکی در حالت خنثی قرار دارد، و از ذرات مثبت و منفی ای تشکیل شده که در قید همدیگر نیستند. پلاسما به شدت رساناست و جریان های الکتریکی را جابجا می کند و میدانهای مغناطیسی ایجاد می کند. به عنوان چهارمین حالت ماده شناخته میشود، نوعی گاز که شامل یونها و الکترون های آزاد است.

پلاسما با حرارت دادن یک گاز با انرژی بالا مثلا با سیگنال های الکترومغناطیسی قوی بوجود می آید و این حرارت دادن باعث کاهش یا افزایش تعداد الکترونها میشود و باعث ایجاد ذرات باردار مثبت یا منفی میشود.

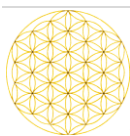
با سرد شدن پلاسما، یون های مثبت و الکترونها باهم ترکیب میشوند تا اتمها را شکل داده و در نهایت پلاسما تبدیل میشود به یک گاز معمولی. پلاسما دارای حرارت بالایی بوده و وقتی سرد میشود، بار الکتریکی خود را از دست میدهد و حالتش عوض میشود. بدن انسان از اتمها و یونها تشکیل شده است. بنابراین قادر است تا پروسه یونیزه کردن بیولوژیکی را انجام بدهد و وقتی در معرض نیروهای خاصی قرار می گیرد، پلاسما تولید می کند .

مهم: در طول پروسه صعود، بدن انسان تحت تغییراتی قرار می گیرد و یک نور پلاسمای داخلی تولید می کند. به این طریق ساختار بدن نوری اثری شکل می گیرد. ما در دنیای مادی باید



انرژی ذخیره کنیم تا بتوانیم آگاهی خود را گسترش بدهیم. به این طریق میتوانیم با منبع، تبادل انرژی داشته باشیم. در هنگام مدیتیشن و ایجاد انرژی درونی، میتوانیم به تعادل برسیم و از نشت و هدر رفتن انرژی جلوگیری کنیم. از این طریق با ارتباط مستقیم با منبع میتوانیم انرژی درونی را برای ایجاد نور پلاسما بکار بگیریم. ساختار دی ان ای ماتریکس سیلیکات در واقع نقشه کریستال اصلی انسان است که وقتی اتصال با نور پلاسما انجام میشود، در بدن فعال خواهد شد. در فیزیک، پلاسما به عنوان یک ماده جامد شناخته نمی شود. گرچه وقتی ذرات با پلاسما مخلوط میشوند، میتوانند حالت‌های ماده القایی جامد پلاسمیک ایجاد کنند. اساساً این شرایط در پروسه گسترش آگاهی و صعود کالبد‌های انسانی روی زمین هم انجام میشود. پلاسماها میتوانند از طریق اعمال نیروهای الکترومغناطیسی گرما و انرژی که توسط عملکرد طبیعی بیولوژیکی-زیستی بدن تولید میشوند، به ماده جامد تبدیل شوند.

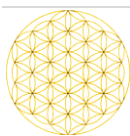
پلاسما وقتی در معرض میدان‌های مغناطیسی قرار می‌گیرد، ساختارهای رشته‌مانند یا تارمانند ایجاد می‌کند که آنها یک پیوستگی ایجاد می‌کنند و این مسئله باعث میشود با حالت‌های دیگر ماده ارتباط نهادینه داشته باشند. بنابراین در پروسه صعود، وقتی انسان به تدریج توانایی تجلی نور پلاسما را گسترش میدهد، این رشته‌ها مستقیماً به عنوان خطوط اتصال نوری (مثل فیبرهای نوری) به همه چیز و همه کس وصل میشوند و تجلی‌کننده قانون وحدت میشوند. بدین طریق ما پلاسمای جامد ایجاد می‌کنیم، که از طریق پروسه شگفت‌انگیز کیمیاگرانه صعود انسان انجام میشود. با افزایش آگاهی و انرژی، ذرات بدنمان را به نور پلاسما وصل می‌کنیم، تا الکترون‌ها جذب ذرات شوند و شروع کنند به ساخت یک ساختار کریستالی پلاسمیک که رشته‌های نوری را تشکیل میدهند و با همه چیز در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرند. مسئله مهم اینست که یونها هم از طریق روش‌های فیزیکی و هم شیمیایی در فرآیند یونیزاسیون تولید میشوند. پس بدن انسان وقتی در معرض سیگنال‌های الکترومغناطیسی قوی یا همان کندالینی فعال شده قرار می‌گیرد، قادر میشود تا فرآیند یونیزاسیون بیولوژیکی را انجام داده و



پلازما تولید کند. در پروسه صعود، فرآیند یونیزاسیون، فرکانسهای بالای نور پلازما را ایجاد می کند تا نهایتاً بدن روحی پلاسمیک مایع ساخته شود.

صعود:

در مدل صعود، ما با ۱۵ موج از طیفهای فرکانسی مختلف سروکار داریم که مستقیماً با اشعه های کیهانی و ابعاد زمان مرتبط هستند، و مراکز انرژی ما که چاکرا نام دارند، به این ابعاد زمان که در جهانهای چندبعدی قرار دارند، متصل هستند. ۹ لایه اول طیف فرکانسی، که جریان های کندالینی نامیده می شوند، شامل سطوح جریان های ذرات پایین هستند که جهان مادی فیزیکی را میسازند. بعد از این ۹ بعد، ابعاد ضد ذره وجود دارند، که در واقع فرمهای ساختار نور پلاسمای مایع یا جریان های هیدروپلازما هستند. مقدار انرژی ذخیره شده در جریان کندالینی فرد، وابسته به ظرفیت کد ژنتیکی است و برای نگهداری انرژی آگاهی بالاتر است. انرژیهای روحی ای که نمی توانند برای فعالسازی، بخشی از دی ان ای شوند، در داخل مرکز کندالینی که در انتهای ستون فقرات قرار دارد ذخیره می شوند. در طول دوران های مختلف حمله اتحادیه بیگانگان منفی و آسیب به DNA که از طریق تجاوز و سواستفاده هوشهای مصنوعی و انواع مختلف آزار و اذیت از طریق کنترل ذهن و جنگهای ضد کرایست صورت گرفته، بیشتر انرژی کندالینی در میدان انرژی انسانها خفته و غیر فعال شده است. صعود و تعالی روحی در واقع افزایش گسترش آگاهی و دسترسی و پایین آوردن انرژیهای روحی بدنهای ابعاد بالاتر به داخل بدن فیزیکی است که این دو همزمان انجام می شود. این اتفاق از طریق فرآیند بیداری کندالینی در انتهای ستون فقرات انجام میشود، که این انرژی را از مرکز ستون فقرات به چاکرای تاجی میفرستد. صعود در واقع یک تغییر در طیف فرکانسیست که از طریق بیداری بیولوژیکی کندالینی انجام میشود و یک تغییر در تمرکز آگاهی را به دنبال دارد. صعود یعنی حرکت آگاهی از یک واقعیت به واقعیتی دیگر، و از آنجاییکه که واقعیت همان بعد است، چیزی که ما در طول فرآیند صعود تجربه می کنیم در واقع یک تغییر بعد کامل است. برای انجام این تغییر آگاهی، ما باید روش فکر کردن را



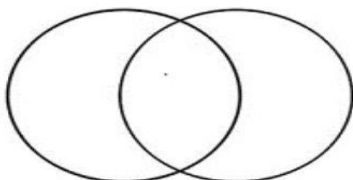
با اهداف روحی و ذات آسمانی هماهنگ کنیم. وقتی که ما از چگونگی کارکرد بدن نوری و میدان های انرژی و طیف فرکانسی ای که بر آگاهی تاثیر دارد مطلع میشویم، این مسئله به ما کمک می کند تا بفهمیم که هر چیزی که در اطراف ما و درون ما وجود دارد، در واقع اشکال انرژی و کیفیتهای ارتعاشی و فرکانس هستند. جریان انرژی نیروی حیاتی که فرآیند ساخت ابعاد در ۹ بعد اول را بر عهده دارد، انرژی کندالینی یا اسپیرال (مارپیچ حلزونی) کندالینی نامیده می شود.

چاکراهای ضد ذره: بدن فیزیکی دارای هفت چاکرای ذره اولیه میباشد که با چاکراهای ضد ذره از طریق اتحاد با بدن مونادیک و روحی ترکیب میشوند که این عمل در واقع پروسه صعود روحی را شکل میدهد.

این چاکراهای ضد ذره بنام چاکراهای مورفوژنتیک شناخته میشوند که اصولاً در حالت غیر فعال هستند تا وقتی که در طی مراحل پروسه صعود از طریق فعالسازی چاکرای تاجی یا در هنگام کار با سپر محافظ ۱۲ بعدی، بیدار شوند.

Bi-Wave to Tri-Wave

Ascending from Closed Source to Open Source Systems



Bi-Wave Polarity
Closed Loop System

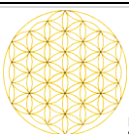


Tri-Wave Unity
Open Loop System

End of Ascension Cycle is changing Creation Physics – Leaving Bi-Wave closed source systems to Tri-Wave Geometries of Open source systems

لیزا رنی

<https://www.etehadenoor.com/?p=690>





GUARDIAN INTERVENTION KRYSTAL STAR HOST & GSF STEWARDS

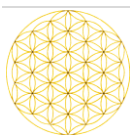


• Love • Peace • Unity • Diamond Body • Sovereignty



هدف معنوی ترمیم دی ان ای

تا قبل از فاجعه آتلانتیس، هر کدام از گروه های مربوط به ۱۲ تبار Essene انسانهای انجلیک به عنوان محافظان یک قسمت از حافظه های موسس زمردی بودند، حافظه هایی که دانش و اطلاعات و آگاهی فوق العاده عظیمی را در مورد منشأ ستارگان و اطلاعات ساختار ژنتیکی در خود نگه می دارند، اطلاعاتی که در ۱۲ دیسک هولوگرافیک ضبط می شوند. هر کدام از ۱۲ عنصر ژنتیکی مربوط به ۱۲ تبار، یک شاخه از کدهای دی ان ای را در خود نگه می دارد که برای سرهم بندی مجدد و بازسازی ژن کریستال کالبد خورشید الماس یا ماتریکس سیلیکات لازم هستند، و در واقع کدهای لازم برای فعالسازی ۱۲ لایه سیستم دروازه ستاره ای سیاره زمین هستند. این مسئله باعث می شود بتوانیم با ایستگاههای خودبرترمان در هویتهای چندگانه و کالدهای روحی و با نور زنده و هوشمند و آگاه و فرکانسهای صوت در ماتریکس هولوگرافیک ارتباط برقرار کنیم. دستورالعمل ارائه شده برای بازسازی و سرهم بندی مجدد الگوی دی ان ای ۱۲ رشته ای، در کدهای ژنتیکی موجود در طرح کیهانی کریستیک- کریستالا Krystic-Krystalla نگه داشته می شود که نهایتاً ساختار تجلی شبکه درخت ۱۲ شاخه را ایجاد می کند.



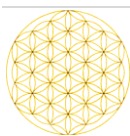
از طریق فرآیند صعود فردی و سیاره ای که در چرخه های تکاملی نژادهای ریشه مختلف انجام می شود، یکپارچه سازی و ترمیم همه ۱۲ سطح کدگذاری دی ان ای انجام می شود، توسط عناصر ژنتیکی ای که به شکل بالقوه یکپارچه و ادغام می شوند تا ساختار کامل ماتریکس سیلیکات را تشکیل دهند. این نیروی دوگانه قطبیت مذکر و مونث، طراحی شده تا از لحاظ روحی، یکپارچگی و سنتز ژنتیکی را در کالبد انسان انجلیک بوجود بیاورد، در حالیکه به شکل طبیعی بر روی زمین در حال صعود، تکامل پیدا می کند. به دلیل وجود نیروهای کیمیاگرانه و سنتز انرژی که بین لایه های درونی و بیرونی این نیروهای آگاه چندبعدی وجود دارد، تجلی روحی ۱۲ شاخه اصلی دی ان ای کالبد خورشید الماس، برای سیاره و انسانها از طریق بازسازی دی ان ای میسر خواهد شد. بنابراین، افراد در حال صعود، به تدریج ترمیم و ساختار دی ان ای آنها بازسازی می شود، به شکلی که قادر خواهند بود که با امنیت کامل دروازه های ستاره ای را باز کرده و از طریق آنها جابجا شوند.

کالبد خورشید الماس نشانگر آزادی آگاهی کامل برای یک انسان در حال صعود است، که در آن کریستوس درونی به شکل کامل از طریق شکفتن قلب کریستال مقدس فعال می شود. در نتیجه، انسانی که از لحاظ روحی در حال صعود است، قادر خواهد بود تا آگاهی به خارج از زمان و به نقطه صفر منتقل کند، و از طریق دروازه ستاره ای به مکان دیگری منتقل شود. و به این ترتیب انسانها از زندان سیاره آزاد خواهند شد، از کنترل ذهن، و چرخه های تناسخ اجباری که در تراکم های پایین زمین وجود دارد.

۱۲ تبار

Essene:

بر طبق حافظه های زمردی موسس، ۱۲ تبار Essene وجود دارند که کل اطلاعات ژنتیکی همه انسانها را شامل می شوند، یا به عبارت دیگر نوادگان محافظ قبیله جهانی که اساسا از خطوط



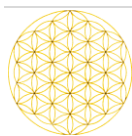
زمانی آینده تارا روی زمین تناسخ کرده اند. هر کدام از ۱۲ قبیله یا تبار، از لحاظ ژنتیکی، به منطقه دروازه سیاره ای خود، کد شده است و همچنین به کره دایمنشنال سیاره ای و خطوط شبکه های انتقال انرژی آن. وقتی ما روی سیاره تناسخ می کنیم، کدهای زمانی ژنتیکی ای در دی ان ای داریم که مربوط به سیستم دایمنشنال دروازه های سیاره ای است که قسمتی از هویت قبیله ای انسان اصلیت. ما کدهای سیاره ای شخصی هویت قبیله ای خود را وقتی فعال می کنیم که بتوانیم کریستوس درون را با استفاده از اشعه D 12 فعال کنیم، یعنی ایجاد 144 هارمونیک در سراسر کالبد نوری، که محافظ D 12 هم خوانده می شود. این هویت، زندگی های بسیاری داشته و در چرخه های تکامل آگاهی و سرهم بندی کدهای دی ان ای در نژادهای ریشه انسان آنجلیک در سرتاسر منظومه خورشیدی شرکت داشته است. ۱۲ تبار اصلی اسنس به عنوان قسمتی از طرح تکاملی روی زمین ایجاد شدند که در واقع نتیجه پیمان پالیدور بود، برای نجات ارواح گمشده تارا، و راحت تر کردن فرآیند بازیابی این هویتها، وقتی که دروازه های ستاره ای نهایتاً در طول انتهای چرخه صعود باز می شوند.

اصول مادرانه سیاره ای

: Planetary Staff

کج شدن غیرارگانیک محور سیاره زمین از طریق میدان شبکه انجام شد، به هدف آسیب گرانشی، گیرانداختن ارواح و انتقال امواج کنترل ذهن. این سیستم کنترل طراحی شد تا معماری ستون عمودی که در واقع اساس انرژی زنانه سیاره است را نابود کند، تا نتیجتاً اصول مادرانه سوفیانیکی خلقت در این واقعیت، به طور کلی محو شود.

نابودی این اصول مادرانه به معنی اینست که تمامی مخلوقات زنده ارگانیک هم به تدریج و نتیجتاً شبیه به یک موجود سیاهچاله می شوند، مخلوقات انگلی که در دنیای مادی به نور مرده

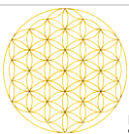


اعتیاد دارند، و همچنین در دنیا‌های هوش مصنوعی به عنوان مرده‌های زنده حضور دارند. در طول این فاز، اصول مادرانه زمین توسط محافظان ستاره کریستال بازیابی می‌شود، و به معنی اینست که کانال عمودی درونی ما و ارتباط با سیاره و ستارگان هم همچنین به شکل رادیکال در این چرخه متحول می‌شود.

اکنون، در طول چرخه فعالسازی پالیدور، مرحله بعدی برای گروه‌های پالیدور، مانند آکوافریون و نژادهای اژدهای آبی کریستیک، حمایت از بازیابی و بازسازی خطوط خونی اشعه آبیست. اشعه‌های آبی، دروازه‌های ترنس هارمونیک سیزدهم کمان مادر را از طریق دنیا‌های هارمونیک چندگانه بازیابی می‌کنند و در حال بازسازی ستون عمودی سیاره هستند تا به شکل طبیعی با قلب آندرومدا هماهنگ و هم راستا شود. بازسازی اصول زنانه زمین به تدریج باعث میشود تا چرخش غیر طبیعی محور زمین به شکل مستقیم یا عمودی تغییر کند که باعث دسترسی آسانتر به داخل و خارج این دنیا می‌شود، بخصوص برای موجودات خورشید الماس. خورشید الماس اشاره دارد به طرح اصلی دی ان ای ۱۲ شاخه ای ماتریکس سیلیکات انسان انجلیک. این در واقع دی ان ای بالقوه و آگاهی بالاتری بود که توسط انسانهای انجلیک در چرخه‌های زمانی گذشته بر روی زمین 5d تا زمان فاجعه بزرگ تجربه شد.

اصول سه گانه در حقیقت اصول معماری هولوگرافیک است که در مقیاس میکروکازم و ماکروکازم، سیاره ای، انسان و در همه مخلوقات کیهان وجود دارد .

بدن و ماتریکس روح ما توسط آنوناکی خزنده یا سایر خدایان کاذب فرازمینی‌ها؛ یا همان شاه کاذب استبداد، اتحادیه بیگانگان منفی و ارواح متجاوز، خلق نشده است. انسانها توسط آنها دستکاری و هیبریدسازی شدند تا با اهداف و دستورکارهای سلطه گرانه آنها از طریق هیبریدسازی، هماهنگ شوند. ساختار و طرح کریستوس به عنوان یک شکل میدان واحد برای تجلی مادی طراحی شد، در حقیقت همه معماری، الگوها و کدهای D 12 ماتریکس سیلیکات



باید بر مبنای یک موج سه گانه باشند تا آگاهی کریستوس بتواند کاملاً بر زمین لنگر شود. کد منبع اصلی یک بخش نمی تواند بدون وجود سه قسمت واحد (وحدت سه گانه) کار کند. به همین دلیل است که ما در روی زمین سه بعدی در یک وضعیت جدا افتادگی قرار گرفته ایم، که توسط خدایان کاذب ایجاد شده، و تنها اجازه داریم قسمتی از موجودیت کامل خود را تجربه و درک کنیم.

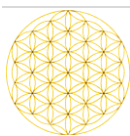
<https://www.etehadenoor.com/?p=2441>

فرار از شبکه

(انرژی ایزدبانوی درون) من نماینده ذهن شهودی و الهه درون هستم. ممکن است مرا با اسامی دیگری مثل دمتر، آفرودیت، و یا آیسس بشناسید. اما به هدف ارتباط بهتر، من خودم را Hara Sheed می نامم. من احساس، عاطفه و شهود درونی شما هستم. من، «اعتماد شما به زمین و هدایت شهودی زمین» هستم .

«هارا» یعنی من در میان-تنه زندگی می کنم، در مرکز هارا. «شید» اشاره به انرژی مؤنث دارد. من یک اسپیرال نوری هستم که چرخشی پادساعتگرد دارم. انرژی های شما را به زمین متصل میکنم و ذهن شهودیتان را فعال می کنم.... من انرژی ها را می خوانم (تفسیر، کدشکنی) و شما را به عمل کردن تحریک می کنم .

اگر بیاموزید با جریان رودخانه دانش شهودی من حرکت کنید، تمام زندگی تان بدل به یک رقص زیبا و هماهنگ می شود... و بطور شهودی خواهید دانست که برای سلامت و آسایش خود چکار باید بکنید. و این که، به دانش من درباره تعامل و ارتباط با دیگران دسترسی خواهید داشت... اگرچه، من به تنهایی قادر به این کار نیستم. به تنهایی، من یک نیروی یک طرفه هستم. برای آنکه در تعادل باشم، به پشتیبانی معشوق خود Deehs Ara ، که انرژی مخالف من است نیاز



دارم.

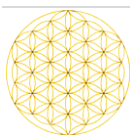
(انرژی ایزد درون) سلام، من Deehs Ara هستم. من نمایانگر، و نماینده ذهن روشن بالاتر، و خدای درون هستم. هنگامی که از قفس شبکه Net رهایی یابم، ستارگان و کهکشانها را در جستجوی دانش و هوش در می نوردم! در آزادی و رهایی، در گفتگوها و بحث های خیر و شر قفل نخواهم شد. بلکه از قدرت کاوشگری ام استفاده می کنم تا قوانین و کار این کائنات شگفت انگیز را مطالعه و تحلیل کنم. اما در تنهایی خودم، دچار قضاوتهایی می شوم که همیشه بهترین تصمیمات نیستند .

اما با راهنمایی و هدایت معشوقم، Hara Sheed، به شما اجازه خواهم داد به دانش و خرد درون دست پیدا کنید. و در این تعادل رهایی بخش، خرد و حکمت من به شکلی متعادل، الهام بخش، عملگرایانه، و کاربردی در اختیارتان قرار می گیرد.

من اسپیرال انرژی هستم که چرخشی ساعتگرد دارم. به همراه معشوق خودم، میدان انرژی خلق می کنیم که به شما اجازه می دهد به قله های آگاهی و ابعاد دیگر دسترسی داشته باشید . با این حال، هنوز به انرژی های زمین لنگر هستیم. من به دور ستون فقرات شما گردش اسپیرالی دارم، در طول مسیر پینگالا .

هالا شید در طول مسیر ایذا چرخش اسپیرالی دارد.

اگر فقط انرژی من (ایزد درون) را فعال کنید، شما را از مراکز احساسی بدن خارج کرده و سرد و منطقی خواهید شد. اگر فقط انرژی معشوقم هارا شید را فعالسازی کنید، لنگر خواهید بود، اما فاقد هرگونه الهام و دریافت از ذهن خطی، و به لحاظ عاطفی بی ثبات .



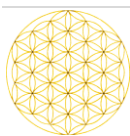
اما اگر ایزد و ایزدبانوی درون به وحدت برسند، انرژی کامل شکل می گیرد، و اوج و فرود گرفتن در راستای ستون فقرات حرکتی دائمی خواهد بود. این حرکت دائمی کالبدهای انرژی را احیا می کند. و نیمه های راست و چپ بدن، و همینطور نیمه های راست و چپ مغز، هماهنگ خواهند شد. هنگامی که ایزد و ایزدبانوی درون وحدت یابند و معاشقه کنند، احساس شمع، و سرمستی را تجربه خواهید کرد.

آلویا هاکفیلد

<https://www.etehadenoor.com/?p=2534>

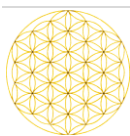
ستاره کریستالی

در ژانویه ۲۰۱۳، سیاره ما به زمان بازگشت آگاهی Christ (که عیسی مسیح هم تجلی این آگاهی در روی زمین بود) رسید و فرآیند تجلی خارجی ستاره کریستال (آگاهی واحد کریستوس) برای احیای خطوط زمانی ارگانیک شروع شد، به هدف بازیابی و حفظ اختیار و اقتدار انسان. تا قبل از این تاریخ، پروسه صعود توسط گروه های بدخواه اتحادیه بیگانگان منفی متوقف شده بود، و آنها لوگوس سیاره و شبکه های خطوط انتقال انرژی را دزدیده و در اختیار داشتند، به هدف کنترل نیروها تا بتوانند از لحاظ ژنتیکی انسان را دستکاری کرده و به یک برده تبدیل کنند. کاربرد کلمه کرایست Christ از طریق ادغام با سیستم های اعتقادی خشنی که توسط اتحادیه بیگانگان منفی در روی زمین ایجاد شده اند، مورد تحریف قرار گرفت تا به نژاد انسان آسیب بزنند. ما سعی داریم تا مفاهیم کرایست، کریستوس سوفیا، کریستال و کریستالا را بجای هم بکار ببریم تا اینکه به مفهوم اصلی خود برگردند و استفاده از این کلمات در واقع اشاره به «اصول آگاهی قانون وحدت» دارد، ساختار کیهانی خلقت آنطور که از قصد منبع جاودانه آفرینش نشأت می گیرد.



نور درونی کریستوس وقتی واقعیت بیرونی پیدا می کند، در واقع تجلی یک انسان-خدای جاودانه است. تمرین آگاهی واحد و قانون وحدت، مستقیماً منعکس کننده عشق ابدی خالق در سیر خلقت می شود، و این آگاهی همیشه تحت محافظت نژادهای محافظ موسس است. هر روحی مسیر معینی را طی می کند و در انتهای چرخه صعود، ارواح مختلف در سطوح مختلفی از تکامل قرار خواهند گرفت، که سطح بعدی تکامل آگاهیست. آموزه های قانون وحدت ستاره کریستال و خدمت به دیگران، در حقیقت توصیف کننده قوانین کیهانی ایست که چرخه صعود ما را برای هر بعدی از آگاهی در ماتریکس زمان کیهانی، مدیریت می کنند. یک سیستم تساوی خواه فلسفی، که کیهان شناسی، علوم و اسپیریچوالیتی (معنویت غیر مذهبی) را با مکانیک کوانتوم ادغام می کند تا حرکت و تغییر آگاهی از طریق فضا-زمان را توصیف کند. این مساله به تدریج باعث می شود که الگوی مصرفی و انگلی نیروهای تاریک و هیبریدسازی بیگانگان در طول دوره تاریکی به اتمام برسد، و همچنین سلطه مستبدانه انسان و غیر انسان بر بشریت و برنامه های کنترل ذهن اتحادیه بیگانگان منفی محو و پاک شود، تا تعادل قانون کنش و تاثیر برای همه موجودات در سیستم جهانی ما، بوجود آید. همه موجودات مسئول اعمال و رفتارهای شخصی خود هستند، این اعمال همه چیز را در طول چرخه های صعود تحت تاثیر قرار می دهد.

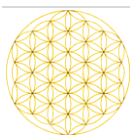
ساختار میدان مورفوننتیک معماری ریاضی سیاره ای، کد شده است تا بتواند فرکانس ستاره کریستال را لنگر کرده و جریان انرژی زنده یا اسپیرال کریستال را به درون مغز سیاره یا لوگوس سیاره منتقل کند. این فرآیند توسط تعداد زیادی از کارگزاران شبکه در روی زمین که به اسامی مختلف مانند بذر ستاره ای و ایندیگو شناخته می شوند، در حال انجام است، کسانی که ماموریت آنها بازیابی و کدگذاری مجدد شبکه های آسیب دیده زمین است، شبکه هایی که در واقع به عنوان سیستم اعصاب مرکزی و مغز سیاره عمل می کنند. هنوز کارهای زیادی برای راه اندازی مجدد شبکه ها و مغز سیاره ای زمین در جهت ایجاد امکان ارسال و دریافت پیام های



سازگار برای فرمت های فرکانس سه گانه وجود دارد که برای ایستگاههای ارتباطی سه گانه و برقراری ارتباط با محافظان لازم است.

میدان مورفوژنتیک نقشه ایست که شکل و فرم را به شکل اطلاعات در خودش نگه میدارد و شامل ساختارهای آگاهی به شکل نور و صداست و مشخص می کند که هر شکلی از آگاهی، چطور متجلی میشود و هم در سطح زیراتمی و هم در سطح کیهانی وجود دارد و اساسا قسمتی از مکانیزم خلقت است. همه اشکال ماده و آگاهی، که شامل کالبدهای انسانی و سیاره ای میشوند، از طریق این میادین متجلی میشوند که معماری و ساختار این تجلی، شبکه درخت ۱۲ شاخه ایست. این شبکه اساسا کیفیت کریستالی ماده-انرژی که شامل الگوهای خاص فرکانس هستند را مشخص می کند. نقشه کالبد ما، همان میدان مورفوژنتیک است و این نقشه هم در سطح سیاره ای، هم در سطح کهکشانی، هم در سطح کیهانی و هم در سطح فراکیهانی وجود دارد. « همه سطوح این نقشه ۱۲ شاخه ای؛ یعنی سطوح انسانی، سیاره ای، کهکشانی، کیهانی و ... درهم تنیده اند و بهم اتصال دارند.

این انتهای عصر ملچیزدک در سیاره زمین در پایان این چرخه زمانیست. اکنون ما به فاز ستاره کریستالی در سیر تکامل آگاهی سیاره ای یا چرخه صعود رسیده ایم، و بازیابی ساختار موج سه گانه کرایست یا کریستوس شروع شده است. این مسئله باعث میشود نیروهای کریستال امواج پلاسمای مایع و جریان منبع آزاد، خیلی از شبکه ها و خطوط انتقال انرژی و مریدیان ها در میدان آگاهی سیاره را پاکسازی کنند تا ساختار اصلی انسان موسوم به کالبد خورشید الماس بازیابی و بازسازی شود. این شروع چرخه بازیابی آگاهیست، بازآموزی و ترمیم معماری دی ان ای اصلی انسان و کالبد سیاره ای، به هدف کامل کردن بازیابی ماموریت کریستوس. این همچنین مراحل ابتدایی افشای نقش فرابعدی و فرازمینی در سرقت فرآیند صعود است، که از طریق کنترل ذهن، استراتژی فریب آرکانی و دخالت و دستکاری در امور سیاره برای اتحادیه بیگانگان منفی

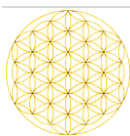


توسط انسان های هیبرید منتخب با خط خونی ارواح سقوط کرده در طبقه نخبه انجام می شود. ما از دانش انسان از طریق منشأ و تاریخ پنهان شده ای که باید بر همه افشا شود، حمایت می کنیم و از بازگشت دانش چندبعدی واقعیت زیست-روحي. یعنی صعود باید آزادانه از طریق پروژه افشاسازی کامل به همه داده شود.

اصول سه گانه در حقیقت اصول معماری هولوگرافیک در مقیاس میکروکازم و ماکروکازم، سیاره ای، انسان و همه مخلوقات کیهان وجود دارد. بدن و ماتریکس روح ما توسط آنوناکی خزنده یا سایر خدایان کاذب فرازمینی ها؛ یا همان شاه کاذب استبداد، اتحادیه بیگانگان منفی و ارواح متجاوز، خلق نشده است. انسانها توسط آنها دستکاری و هیبریدسازی شدند تا با اهداف و دستور کارهای سلطه گرانه آنها از طریق هیبریدسازی، هماهنگ شوند. ساختار و طرح کریستوس به عنوان یک شکل میدان واحد برای تجلی مادی طراحی شد، در حقیقت همه معماری، الگوها و کدهای D 12 ماتریکس سیلیکات باید بر مبنای یک موج سه گانه باشند تا آگاهی کریستوس بتواند کاملاً بر زمین لنگر شود. کد منبع اصلی یک بخش نمی تواند بدون وجود سه قسمت واحد (وحدت سه گانه) کار کند. به همین دلیل است که ما در روی زمین سه بعدی در یک وضعیت جدا افتادگی قرار گرفته ایم، که توسط خدایان کاذب ایجاد شده، و تنها اجازه داریم قسمتی از موجودیت کامل خود را تجربه و درک کنیم.

اورافیم:

اورافیم قسمتی از رده زمردی و خط خونی دی ان ای کریستوس کالبد خورشید دوگانه الماس است، انسان های اصلی از خطوط نژاد موسس خلق شدند. خورشید الماس اشاره دارد به طرح اصلی دی ان ای ۱۲ شاخه ای ماتریکس سیلیکات انسان انجلیک. این در واقع دی ان ای بالقوه و آگاهی بالاتری بود که توسط انسانهای انجلیک در چرخه های زمانی گذشته بر روی زمین d 5 تارا تا زمان فاجعه بزرگ تجربه شد. کالبد خورشید دوگانه الماس اشاره دارد به طرح اصلی اورافیم موسس مربوط به دی ان ای ۱۲ رشته ای کاملاً تجلی یافته و در ادامه، دسترسی به ۲۴ بعد آگاهی در یک کالبد انسانی. وقتیکه پتانسیل دی ان ای اورافیم فعال شود، باعث جاودانگی کالبد



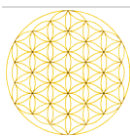
فیزیکی و توانایی کالدهای آگاهی برای انتقال کامل به خارج از زمان دایمنشنال می شود. و این معنی صحیح من خدا هستم، من مقتدر هستم، من آزاد هستم، در صعود روحیست.

KA RA YA SA TA AA LA (KRYSTAL)

کریستالا:

در ماتریکس سیلیکات دی ان ای، فرکانس، صوت و هندسه ای ضبط شده است، سیگنال دی ان ای، که با روش های جدید با فرکانس کریستال هماهنگ می شود. این یک پروژه آرورای بزرگ است که در آن فرآیند بازکدگذاری موجودات زنده انجام می شود، و نتیجتاً بازسازی دوباره عناصر دی ان ای کالبد انسان برای هم ارتعاش شدن فرکانس های کالبد خورشید الماس. این هفت آوا یا فرکانس خلقت به کدهایی شکسته شده اند KA, RA, YA, SA, TA, AA, LA : که معادل *krystal* است. وقتی با این فرکانس ها هماهنگ شویم، آنها قسمتی از یک طرح بزرگتر را در خود دارند که با کالبد کریستال GSF منطبق می شود، طرح کریستوس خورشید الماس. وقتی فرکانس های KA RA YA SA TA AA LA به شکل یک الگوی کامل بهم بافته شوند، کالبد روحی مرکبا شکل می گیرد. کالبد روحی آگاهی ستاره کریستال به لحاظ آوایی به این شکل تلفظ می شود *CHRYSTHALLA*: یا *KRYST HALA* که در حقیقت ادغام اصول مونث و مذکر را در کالبد کریستوس نشان می دهد. کریستالا در واقع فرآیند کدگذاریست، و نتیجه نهایی ادغام اصول مونث و مذکر. استفاده از این فرکانس ها و ارتباط با آنها در مدیتیشن، دعا، موسیقی و تمرین های تنفسی، به کدگذاری مجدد آرورا کمک می کند، و همچنین به تمرکز دوباره ذهن، و شکست الگوهای کنترل ذهن و یکپارچه کردن میدان کریستال الماس *Aegis*، برای حمایت از روح و روح برتر *oversoul*، و یکپارچگی بین کالبد ها.

<https://www.etehadenoor.com/?p=2269>

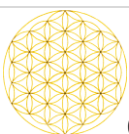


در طول ۵۰۰۰ سال گذشته سیاره ما تحت یک سیستم بسته **bi_wave** یا دو موجی عمل میکرده است. سیستم بسته به معنی این که سیاره به یک منبع محدود انرژی دسترسی داشته . به دلیل همین سیستم بسته و منبع انرژی محدود، دزدی انرژی از انسانها و روابط انگلی در سیاره زمین بسیار افزایش پیدا کرد.

این عدم تعادل انرژی توسط کنترل کننده‌های زمین، عامدانه برنامه‌ریزی شد تا روابط ارگانیک بین الکترون و پروتون و نرخ اسپین آنها، تحریف شود. این کنترل کننده های زمین، انرژی حیاتی را از طریق « سرقت کد خلقت» و معماری غیر ارگانیک به وسیله هندسه دو قطبی **Vesica Pisces** مهار می کردند.

یکپارچه سازی قطبیتها:

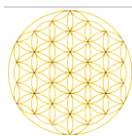
اصول هندسه و سیکا پایسیس به شکل دو موجی یا دو قطبیست. همپوشانی فضای مشترک بین دو میدان قطبی به عنوان رحم کیهانی یا اصول مادرانه خلقت شناخته می شود. از این رحم کیهانیست که همه چیز خلق می شود، اصول هندسی و فرم ها و اشکال و اعداد. فرآیند یکپارچه سازی قطبیت ها در حقیقت ادغام دو قطب توسط قطبیت های متضاد به هدف جذب یکدیگر و ایجاد یکپارچه‌گیست، و بازگشت قطب ها به حالت تعادل و وحدت سه گانه. در پروسه یکپارچه سازی، ما اصول مادرانه را در ماده **matter** و اصول پدرانه را در این الگو یا طرح ترمیم می کنیم. وحدت سه گانه در حقیقت پایه سمبلیک الوهیت ماست. تمامیت کیهان بر مبنای این اتحاد سه گانه است که واسطی برای بازگشت ما به تعادل انرژی و انتقال هندسه مقدس می باشد که باعث ایجاد تکامل روحی و اتصال به نور درون می شود.



تسلط بر کالبد درد و ایگوی منفی، انعکاس مستقیم سطح بلوغ روحیست. تنها راه ترمیم و شفای آسیب های احساسی که باعث ایجاد درد و رنج می شوند، شجاعت رویارویی با آنها بدون قضاوت است. و اینکه فرد باید ارزیابی صحیحی از واقعیت اطرافش داشته باشد، تا بتواند مفاهیم چرخه صعود و دینامیک فرابعدی دستورکار بیگانگان منفی و کنترل ذهن را درک کند. در این شرایط فرد می تواند بدون اینکه تحت تاثیر انرژی های منفی قرار بگیرد، در دنیای مادی زندگی کند. این مسیر بذرستاره ای و یکپارچه سازی قطبیست.

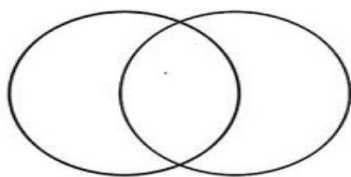
این معماری به سرقت رفته، در اختیار مکانیزم بیگانگان منفی قرار گرفت و این دو قطبی روی سیاره ما قفل شد، تا کد «تثلیث» یا اتحاد قطبیتها از دسترس خارج شود، این امر باعث بوجود آمدن الگوهای اسپین معکوس شد که آگاهی ما را در ابعاد مختلف دچار شکاف کرد. اما اکنون زمان مهار هندسه وسیکا پایسیس رو به اتمام است و ما مشغول یادگیری این هستیم که چگونه « موج سه گانه » را از طریق ادغام انرژیهای مونث و مذکر خلق کنیم و به انرژیهای میدان منبع دست پیدا کنیم.

از فوریه ۲۰۰۹ « زوجهای بذر ستاره ای» مکلف شده اند تا در پیشرفت معماری میدان سیاره کمک کنند تا میدان دوقطبی مهار وسیکا پایسیس را منحل کرده و برنامه شبکه معکوس سازیه نفیلیم که مقر آن در پادشاهی متحده انگلستان است، منحل شود. در واقع استفاده این ساختارها روی سیاره برای جمع آوری و سیفون کردن و انتقال انرژی حیاتی و جنسی از انسانها و ارتقای برده داری و بدبختی جنسی بوده است. برای فائق آمدن بر این تحریف قطبیتی افراطی، این « زوج های بذر ستاره ای» سکویی می سازند برای خلق «میدان موج سه گانه» که اجازه میدهد وحدت تانتریک قلبی، حقیقتا اتفاق بیفتد. مکاشفه مستتر در این « ازدواجهای مقدس» شگفت انگیز است، زیرا از جنبه ها و ابعاد مختلفی به فرآیند صعود کمک می کند.



Bi-Wave to Tri-Wave

Ascending from Closed Source to Open Source Systems



Bi-Wave Polarity
Closed Loop System



Tri-Wave Unity
Open Loop System

End of Ascension Cycle is changing Creation Physics – Leaving Bi-Wave closed source systems to Tri-Wave Geometries of Open source systems

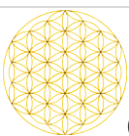
ساخت موج سه گانه وسیکا پایسیس:

الگوی ۱۲:۱۲، معماری «الکتریکی اسپین ساعتگرد مردانه افقی ارگانیک» است که بایستی با معماری «مغناطیسی زنانه پادساعتگرد عمودی» ادغام شود.

این ساختار عمودی زنانه، سیزدهمین مدار بیولوژیک است که فرکانس «کمان مادر» شناخته می شود.

«شبکه افقی مردانه، مرکزش در ایران و آبادان است که کنترل و دستکاری آن باعث ایجاد مردسالاری شده و مرکز شبکه عمودی زنانه در فرانسه است که کنترل و دستکاریش باعث سرقت انرژیهای جنسی است.»

ماتریکس مایکل قبلا با ساختار پایه ۱۱:۱۱ اسپین داشت و همچنین ۱۰:۱۰ معکوس، که این ساختار در ادغام میان الکترون و پروتون تداخل ایجاد می کرد و اجازه نمی داد انرژی مردانه و زنانه روی زمین به وحدت برسند.



کنترل کنندگان زمین از این عدم تعادل میان نرخ اسپین الکترون و پروتون از طریق معماری غیر ارگانیک (هندسه دوقطبی وسیکا پایسیس) بهره گرفتند.

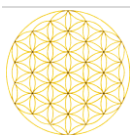
این معکوس سازی الگوهای اسپین و ایجاد الگوهای شکاف به طور دائم آگاهی ما را قطعه قطعه کردند. این شکاف جنسیتی مربوط به برنامه های بیچارگی جنسی sexual misery و شبکه معکوس سازی نفیلیم است که در میدان زمین قرار داده شده اند تا نژاد بشر را به لحاظ ژنتیکی تغییر دهند.

از آنجا که کد منبع یک « موج ترینیتی یا سه گانه » است و از طریق وحدت قطبیتها در دسترس قرار می گیرد، یعنی ادغام انرژیهای زنانه و مردانه، اتصال ما به منبع توسط « سرکوب پیوند مقدس زن و مرد» تعطیل شده است.

پیوند مقدس، حق ذاتی و الهی ماست و این معماری ارگانیک حالا دارد به سیاره و نژاد ما باز می گردد که به آن Hieros Gamos می گویند.

کریستالا، نامی است که به دوازده میدان مرکابای دوجنسی پایه کریستوس سوفیا اطلاق می شود که دستورالعمل همه میادین مرکابا در تمامی خطوط زمانی و تراکمها در تمام دنیاها را تشکیل میدهد.

اسپیرال مرکابای بعددوازدهمی، در واقع اصل کریستالای مذکر است که در میادین خارجی توسط اسپیرال اصلی کریستالای مونث درونی، تولید می شود. که این اصل توسط «کمان مادر مقدس» به رنگ آکوامارین در دروازه سیزدهم تولید می شود. این دروازه، پرتال آکوا است که پنجره نوترونی را باز می کند و دریچه ای است به سوی هفت قلمروی بالاتر از طریق آندرومدا.



ساختار میدان مورفوژنتیک معماری ریاضی سیاره، به شکلی کدگذاری شده تا بتواند کاملاً فرکانس ستاره کریستال (Christ) را روی زمین لنگر کند و اسپیرال کریستالی یا جریان های انرژی حیاتی آن را به مغز سیاره یا لوگوس سیاره وارد کند.

این مسئله از طریق شبکه های انرژی ای انجام میشود که مستقیماً با آگاهیهای برتری روی زمین متصل هستند، مثل بذره های ستاره ای و ایندیگوهای که ماموریت آنها بازسازی و بازکدگذاری شبکه آسیب دیده سیاره است. این شبکه اساساً به عنوان سیستم اعصاب مرکزی و مغز زمین عمل می کند.

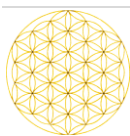
در حال حاضر و با اتمام چرخه قبلی و وارد شدن به چرخه جدید (چرخه صعود)، سیاره زمین و انسانها با دسترسی به آگاهی ستاره کریستالی، در حال تکامل آگاهی هستند، که این پروسه با بازسازی ساختار موج سه گانه کرایست یا کریستال از طریق ارواح برتر انجام میشود.

دروازه ای وجود دارد به نام دروازه سیزدهم که مربوط به کمان مادر است.

ستون سیزدهم یا دروازه ترنس هارمونیک.

انرژی این کمان مادر یک اشعه با فرکانس آکوامارین است.

انرژی کمان مادر اساساً یک کیفیت مغناطیسی است که به هسته زمین وصل میشود و زمین را غرق در فرکانس اشعه آکوا می کند (انرژی مونث مغناطیسی است و انرژی مذکر الکتریکی) بذره های ستاره ای در حال ایجاد سوراخی در شبکه محدود کننده فرکانسی هستند تا اشعه کمان مادر به زمین وارد شود.



و باعث میشود میدانهای پلاسمای نوری وارد زمین شوند، پلاسمایی که مربوط به خورشید آکوالاین است.

از طریق هسته پروتونی مادر (یا تخم کیهانی) و خورشید آکوالاین است که خلقت میتواند خودش را ترمیم کند و به طرح و نقشه اصلی خودش برسد.

از طریق کمان مادر است که میشود فرق بین انرژیهای معکوس شده و قلبی مادر را از انرژی حقیقی مادرانه تشخیص داد و از طریق کمان مادر است که زمین میتواند به نور پلاسمای مایع و اتصال به هسته آندرومدا دسترسی داشته باشد.

سه موج اصلی وجود دارد:

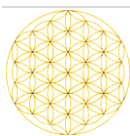
کمان مادر

کمان پدر

و اشعه طلایی کریستوس (یا همان آگاهی کرایست)

میدان نقطه صفر:

میدان ماتریکس نقطه صفر، منبع پیدایش. نقطه مرکزی وحدت در دنیای ما خودش را از طریق سه گانه کیهانی، به عنوان اشعه های موسس سه گانه ابعاد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ (کمان مادر، کمان پدر، اشعه کریستوس) به هدف خلق منشور چند بعدی زندگی در سراسر میدان های فضا-زمان

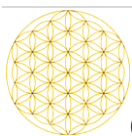


جهانی، منعکس می کند. منبع میدان نقطه صفر در حقیقت منبع انرژی نامحدود خالق دنیای ماست که این انرژی در درون همه مخلوقات وجود دارد .

عشق نیرویست که در حال ساطع شدن، قوی شدن و اتحاد است و به شکل یک نیروی اسپیرالی (گردباد حلزونی شکل) از نقطه مرکزی وحدت، نقطه صفر، ساطع می شود. نیروی عشق به شکل طبیعی خودش را با میدان نقطه صفر هماهنگ می کند، قلب وحدت یافته کیهان. نبود عشق، که به معنی نفرت است، یک نیروی تجزیه کننده، جدا کننده و ضعیف کننده است، که نور و انرژی را از نقطه مرکزی وحدت جذب می کند. هرچه نبود عشق بیشتر شود، نور کمتر می شود تا جاییکه تاریکی از طریق فرآیند قطعه سازی در لایه ها و تراکم های مختلف تجلی پیدا می کند.

اشعه آکوا:

سیستم بیو-مداری دروازه سیزدهم متصل شده و در مدار قرار دارد و توسط گروه کوچکی از اساتید صعود کرده کیهانی که می توانند یک یا چند تا از سطوح کدگذاری اشعه آبی/اشعه آکوا را نگه دارند، لنگر شده است. اینها در واقع نگهدارندگان اشعه آبی آکوامارین هستند و آنهایی که مربوط به گروه اول هستند، تعداد کمی روی زمین تناسخ کرده اند. ایندیگوهای با ظرفیت های کدگذاری ژنتیکی به مدار متصل شده تا به نگهدارنده و یا رابط این اشعه آکوا تبدیل شوند، تا به شکل مداوم شارش این انرژی را به میدان سیاره ای و هسته زمین تثبیت کنند . این در واقع باز شدن و اتصال دروازه سیزدهم به هسته آندرومدا برای دسترسی به کالبد ستاره ای اصلی مادر زمین است. در واقع همراستایی هسته درونی با هسته درونی کالبد مادر زمین در آندرومداست که در آنجا میدان پلاسمای مایع فراپنفش توسط کریستال در خورشید آکوالاین تولید می شود.



این فرآیند بازکدگذاری میدان ایندیگوی D 6 یک پروژه عظیم است که با تنش و درگیری اصلی برسر شبکه انرژی اصلی زمین در دسامبر ۲۰۰۹ آغاز شد. تعداد کمی از بذرهای ستاره‌ای (داوطلب شدند برای شرکت در این پروژه) در حال بررسی این موضوع هستند که چگونه می توان هارمونیک D 6 ایندیگو را توسط اشعه کمان مادر بازکدگذاری کرد که ما را به سمت خورشید آکوالاین هدایت می کند تا بر نابهنجاری های موجود در میدان آگاهی D 6 مثل مهر ۶۶۶ فائق آییم.

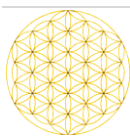
مهر معبد یا ایمپلنت 666

به این نوع از گرفتگی یا قرنطینه مهر ۶۶۶ گفته میشود که یک سد ژنتیکی در لایه های فرکانسی بعد ششم و درون اشعه بعد ششمی ایندیگو و مناد اشعه بنفش بعد هفتمی یا کالبدهای فرا روحی (oversoul) و چاکرای تاجی که بالهای ما را تشکیل میدهد، قرار می دهد. در ابتدای یکپارچه سازی سطح منادیک، این ایمپلنت ۶۶۶ میتواند از درون بدن نوری برداشته شود.

کمان مادر:

محافظان این جنبه از انرژی اشعه آکوامارین مادر را یک نیروی مغناطیسی می دانند که در هسته زمین نیرو می گیرد (از طریق سطوح ساختار مرکابای کوادرای D 9 که جدیداً متصل شده است- کمان مادر.....

درک این مسئله شبیه این است که بفهمیم یک سوراخ در شبکه فرکانسی کنترل ذهن ایجاد کرده ایم و به کمان مادر، به Aqua Rayand، و به خورشید آکوالاین از طریق هسته آندرومدا وصل می شویم. از طریق بذر فوتونی کامل مادر (یا تخم کیهانی) و دسترسی توسط خورشید آکوالاین است که خلقت می تواند خودش را به شکل طرح الهی اصلی ترمیم کند. از طریق کمان مادر ما قادر میشویم به میدان های آرورا، خورشید آکوالاین و همچنین اشعه های پلاسمای هفت



خورشید مقدس که نور درخشنده مایع کریستال هستند، و هفت فرکانس کریستال صوت که ما را شفا می دهند، دسترسی داشته باشیم.

آکوافریون:

وقتی دروازه سیزدهم کمان مادر در هسته زمین فعال می شود، دروازه داخلی که به آندرومدا متصل است، از طریق هسته کریستال زمین باز می شود. پروژکتورهای هسته کریستال این نژادهای کریستالی به نام آکوافریون یا خطوط آکواری نامیده می شوند.

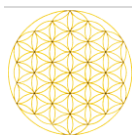
خورشید آکوالاین:

کالبد سیاره ای زمین توسط ساختارهای چندگانه ای در بر گرفته شده است که شامل پنج لایه کره خلقت هستند؛

سیاره ای، منظومه ای، کهکشانی، جهانی و کیهانی.

محافظان آگاهی ستاره کریستالی، امواج پلاسما را به داخل همه لایه های ساختار زمین به جریان انداخته اند تا فرکانس را بالا ببرند، و کاملاً جریان پلاسما را که از امواج کهکشانی نور خورشیدی می آیند، لنگر کنند.

نیروهای محافظ، نور پلاسمای خورشیدی را از خورشید سیریوس B دریافت کرده، سپس آن را به اولین لایه های انرژی شفا دهنده آکوالاین به سمت زمین انتقال می دهند. این اقدام برای اینست که ما بتوانیم نور پلاسما را مستقیماً از لایه زمین دریافت و در سطح زمین منتقل کنیم. قبل از اینکه این مسئله انجام شود، کارگزاران شبکه بذرستاره ای، زمین را ترک می کنند تا این فرکانس های کهکشانی را به کالبد زمین تزریق کنند، تا انسانها تدریجاً بتوانند به این فرکانس



وصل شوند. این اقدام موفقیت آمیز بوده است، و اکنون می توان با فرکانس های خورشید کهکشان از طریق لایه زمین متصل شد .

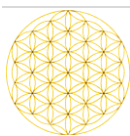
تزریق پلاسما به داخل هسته زمین انجام شده است، که شامل فرآیند شبکه کردن نور خورشیدی با فرکانسهای خورشید هسته زمین می شود، و اجازه می دهد بین این کالبدهای مختلف خورشیدی تعامل و اتصال برقرار شود.

خورشید داخلی مادر زمین:

این مسئله باعث فعال شدن فرکانس های خورشید داخل زمین شد، که هم اکنون به شکل اشعه های فرا بنفش و آبی امواج نوری پلاسمای مرتعش ظاهر می شود. ادغام نور اشعه آبی توسط هسته بعدپنجمی زمین موازی و اشعه بنفش از هسته بعدهفتم زمین موازی صورت می گیرد، این دو باهم باعث اتحاد نور آبی فرابنفش زمین با نور آبی فرابنفش خورشید کهکشان می شوند . فرکانس خورشید کهکشان در حال انتقال است و تاکنون در حال لنگر شدن به هسته زمین، به تدریج با خورشید زمین ادغام و یکی می شود. نور پلاسما که از این ادغام و یکپارچگی در خورشیدهای کهکشانی تولید و منتقل می شود، از بالا می آید، در حالیکه خورشید زمین از پایین این نور را منتقل می کند.

و این یک مدار مخابراتی نور پلاسمای کهکشانی کامل ایجاد می کند که از زمین می آید، و فرکانس خورشید آکوالاین نامیده می شود.

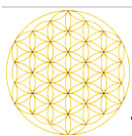
همینطور که کمان مادر به شکل فزاینده ای بازمی گردد تا خلقت خود را بازیابی و احیا کند، تکنولوژی پیشرفته خالق که در معماری اشعه آبی ناحیه آرک قرار دارد، شبکه های انرژی زمین را برای انتقال سطوح کدگذاری انرژی سوفیانیکی الهه آماده می کند. فعالسازی های اخیر باعث گسترش طرح الهی کریستیک طبیعی به داخل نواحی شبکه شده اند، که قبلا جریان های معکوس را برای خطوط زمانی مصنوعی مورد استفاده قرار می دادند. تحت این شرایط، کلون ها،



فرم های منفی، کپی های هیبرید بیگانه، و خطوط زمانی کاذب آنها کاملاً نابود و تبدیل به واحدهای بسیار کوچک آگاهی می شوند و دوباره به میدان خالق مادر جذب می شوند. بسیاری از این شبکه های معکوس کننده که برای دزدی و جمع آوری انرژی مورد استفاده قرار می گرفته اند، همینطور که فعال سازی کد کمان مادر انجام می شود، غیر فعال می شوند، و معماری معکوس کننده دوجوی منحل می شود. با از کار افتادن سریع کدگذاری مردسالارانه در معماری سیاره، حافظه ها و ادراکات مربوط به اتفاقات پیش آمده برای انسان ها و آسیبهایی که از طرف برنامه دهی کنترل ذهن دستورکار بیگانگان منفی برای انسانها ایجاد شده است، به سطح می آید.

ماتریکس آرورا :

ماتریکس آرورا در واقع به معنی کالبد آروراست که در ورای پنجره نوترونی جهانی قرار دارد و به هسته جهان بعدی وصل است، هفت قلمروی بالاتر، یا قلمروهای خلقت در ابعاد بالاتر. آنها خانواده ستاره کریستال هستند، و عناصر آرورا را در پاسخ به درخواست آگاهی های سه گانه خالق به زمین می آورند، که به نام فرماندهی عنصری جدید زمین هم شناخته می شوند. نقش آنها کار با عناصر جدید برای زمین جدید است. و کمک به بازکدگذاری کالبد فیزیکی انسان در سطوح اتمی و زیراتمی، به دلیل اینکه ترکیبات شیمیایی دی ان ای دارای یک ساختار پایه براساس عناصر است. کالبد فیزیکی ما یک کالبد عنصریست و از چهار عنصر تشکیل شده که می توانیم با استفاده از این چهار عنصر، چهار سطح شیمیایی را درک کنیم که دی ان ای را میسازند و شامل زمین/آتش/آب/هوا هستند. سرعت استحاله انرژی های کارمیک ناشی فرم های منفی (میاژما) در کالبدهای انسانی ما به حد کافی نیست، که برای انتقال به فرمت های کمتر متراکم و برای مدیریت انرژی شتابدار نیاز است. و این دلیل اصلی حضور مقر آرورا در زمین و در خط زمانی صعود است. اکنون با کدگذاری مجدد ذرات پایه، و در سطح زیر اتمی، ذرات بدن ما تغییر می کنند و ما توسط این ساختارها و کدهای جدید، بروز رسانی می شویم تا بتوانیم با شرایط



عنصری جدید هماهنگ شویم. این تغییرات در حقیقت تغییر ساختار فرم عنصری فیزیکی و شکل مونا دیک کالبد ماست و بازگشت به نیروی حیاتی ارگانیک طرح الهیست، اصل روح انسان، ماتریکس سیلیکات دی ان ای ۱۲ رشته ای که همچنین با نام ساختار تجلی هسته شبکه درخت ۱۲ شاخه ای شناخته می شود. در این پروسه، کالبدهای ما از سطح کدگذاری بر پایه اتم کربن فراتر می روند.

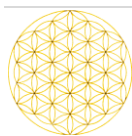
Amoraea Flame

این نور وقتی فعال می شود که ما قادر باشیم سه لایه از ماتریکس روح را در یک کالبد سه گانه متصل کنیم و شروع به یکپارچه سازی مونا دیک بکنیم. اشعه آمورا در حقیقت نور درونیست که در مرکز قلب بذر اتم ابدی در سیستم قلب بالاتر روشن می شود. این سیستم در چاکرای هشتم در غده تیموس قرار دارد .

آمورا در حقیقت فرکانس صوتیست، که به عنوان حمل کننده موج دروازه های اصلی عمل می کند. وقتی فرکانس صوت آمورا در درخت زندگی کیهانی جریان پیدا می کند، به کمان های مادر و پدر تقسیم می شود، کمان مادر در تراکم ما متجلی می شود، در حالیکه کمان پدر در ماتریکس زمان موازی لنگر می شود. وقتی هردو را متجلی کنیم، بر انرژی های والد کاذبی که در میدان آگاهی ما جریان دارند، غلبه می کنیم، و امواج ادغام شده اصول مونث و مذکر واقعی را لنگر می کنیم، در حالیکه در زمین متجلی می شوند.

Override Pillar Gates

دروازه های اصلی به چارچوبهای موازی که کالبد زمین و سایر زمین های موازی را نگه داشته اند، متصل هستند، و آنها را به دنیاهای داخلی متصل می کنند، و به قطع اتصال از سیستم شبکه های معکوس کننده کمک می کنند، و تحت این شرایط این شبکه ها در کالبد زمین غیر فعال



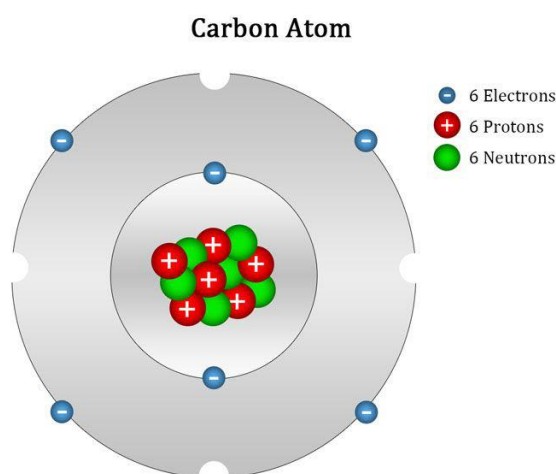
می شوند. وقتیکه نور آروما به ماتریکس زمان کیهانی ما متصل می شود، به دو اشعه جدید کمان تبدیل می شود، کمان مادر و کمان پدر، که ساختارهای انرژی والدین کاذب را حذف می کنند، ساختارهایی که توسط دستور کار بیگانگان منفی به عنوان تله های آگاهی و از طریق ایجاد واسط های دینی ایجاد شده اند و خودشان را بجای اصول مونث و مذکر اصلی جا زده اند، اما در حقیقت خدایان کاذب بیگانه هستند.

لیز رنی

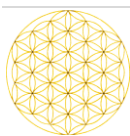
<https://www.etehadenoor.com/?p=2122>

اتم کربن و قرنطینه ۶۶۶

اتم کربن دارای ۶ الکترون، ۶ پروتون و ۶ نوترون است. شکل بالا مدل این اتم را نشان می دهد. این ساختار در واقع ساختار پایه اتمی برای کالبد عنصری ما در زمین است. در این شرایط، با هر پروتونی که به این ساختار اضافه می شود، یک عنصر جدید خلق می شود. برای هر پروتون، یک الکترون اضافه می شود. تعداد نوترون ها هم زیاد می شود اما نه لزوماً یک نوترون در ازای هر پروتون.



اتم کربن



همینطور که یونیزاسیون در مورد ساختار ۶۶۶ کربن باعث می شود که یک عنصر جدید بتواند به شکل بالقوه متجلی شود، ما هم می توانیم تغییر کنیم. این در واقع یک تغییر و تحول کیمیاگرانه برای کالبد عنصریست.

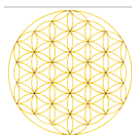
کالبد فیزیکی ما که بر پایه کربن است، از طریق تغییرات ایجاد شده در ساختار ضد ذره، در حال از دست دادن تراکم است. این فرآیند می تواند از طریق کدگذاری مجدد آرورا برای کالبد عنصری انجام شود.

اتم کربن نشان داده شده، در حال تغییر ساختار برای وارد کردن کالبدهای عنصری جدید به زمین است، به این معنی که کالبدهای انسانی برای تکامل، در حال تغییر و گذر از اتم کربن ۶۶۶ هستند. به علاوه، برای برداشتن حصار فرکانسی و قرنطینه میدان های ۶۶۶، ما انسانها نور پلاسما را جذب می کنیم که نتیجتاً تعداد الکترون ها را تغییر خواهد داد و ما را از ساختار اتمی کربن آزاد خواهد کرد.

در این فرآیند، محافظان آرورا خودشان را وقف کمک به انسان ها برای تجلی نور پلاسمای فرکانس بالا کرده اند، به هدف انجام این تغییرات در عنصری ترین سطح ساختار فیزیکی ماده. این مسئله در حقیقت تغییرات شیمیایی در پروسه بازکدگذاری آرورا برای کالبد عنصری فیزیکیست، پروژه مقرر محافظان برای بروز رسانی ساختار اتمی پایه از طریق امواج پلاسما و سفینه های پلاسمیک.

قرنطینه ۶۶۶ یا مهر معبد:

این قرنطینه در واقع یک بلاک ژنتیکیست که آگاهی روح را مجبور به تناسخ های متعدد در زمین بعدسوم می کند تا وقتی اجزای گمشده روحش را پیدا کند و یاد بگیرد که چطور به

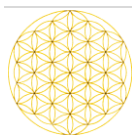


تمامیت و یکپارچگی با قوانین طبیعی خالق بازگردد. با این حال در طول این تایم لاین، سلطه گران بیگانگان منفی با مجبور کردن روح انسانها به تناسخ های متعدد از طریق مکانیزم کنترل، از این قرنطینه سواستفاده کردند، ماتریکس کاذب صعود. این نوع از ایمپلنت یا قرنطینه، یک سد ژنتیکی در لایه های فرکانسی بعد ششم و درون اشعه بعد ششمی ایندیگو و مناد اشعه بنفش بعد هفتمی یا کالبدهای فرا روحی (oversoul) و چاکرای تاجی که بالهای ما را تشکیل میدهد، قرار می دهد. در ابتدای یکپارچه سازی سطح منادیک، این ایمپلنت ۶۶۶ میتواند از درون بدن نوری برداشته شود.

ماتریکس کاذب صعود:

ماتریکس کاذب صعود یک تکنولوژی غیر ارگانیک بیگانه مربوط به دستور کار بیگانگان منفی NAA است که در لایه اختری (بعدچهارم) قرار دارد و اساسا در میدان های صوتی بالاتر خطوط زمانی بعدپنجم کنترل می شود .

این ماتریکس در حقیقت یک جریان نور سفید کاذب است (نور کاذب آگاهی کرایست که توسط ارواح متجاوز مورد استفاده قرار می گیرد)، و از قلمروهای ابعاد پایین ماتریکس روح است و از آنجا مورد نفوذ قرار می گیرد. این نور سفید کاذب، یک شبکه پیچیده را توسط تعداد زیادی از ایمپلنتها و تکنولوژی های کنترل ذهن زیست-عصبی ایجاد می کند که با استفاده از نفوذ امواج فرکانس پایین بر کالبد روحی و ذهنی انسان اعمال می شود. از طریق این شبکه در لایه اختری، می توانند با استفاده از الحاقات هولوگرافیک و نصب برنامه ها (مانند برنامه آرماگدون) به کنترل ذهن انسان بپردازند تا سیستم های اعتقادی را برای گسترش ترس و کنترل استبدادی توسعه دهند. این اقدامات در واقع قسمتی از سرکوب آگاهی انسانیت در چرخه صعود است که باعث تناسخ مجدد در قلمروهای پایین میدان های زمان سیاره زمین می شود، و از دید محافظان، یک نوع « بازیافت روح » برای تولید «زنبورهای کارگر» است که مطیع آرکان های روی زمین و خارج از زمین هستند. این خواسته آرکان ها و دستور کار بیگانگان منفی NAA است به دلیل منبع



قدرت عظیمی که تولید می شود و سپس از کالدهای سیاره ای و انسانی، این انرژی الکترومغناطیسی جمع آوری می شود.

Universal Time Matrix

ماتریکس زمان کیهانی

بعد سوم: ماتریکس شخصیت

تراکم اول / جهان هارمونیک اول

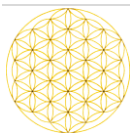
سه چاکرای اول در این بعد وجود دارند؛ چاکرای اول مکان ذهن ناخودآگاه است (فرآیندهای خودکار) (هوش بدن فیزیکی، مکان حافظه سلولی) چاکرای دوم مکان ذهن غریزی (کالبد احساسی پایین) (تمایلات، خلاقیت/جنسی، اعتیاد) چاکرای سوم، ماتریکس ذهن آگاه (شخصیت، استدلال خطی، منطق، ایگو)

بعد پنجم: ماتریکس روح تراکم دوم / جهان هارمونیک دوم

سه چاکرای دوم در این بعد وجود دارند؛ چاکرای چهارم مکان ذهن اختری یا آسترال است. (ذهن جمعی نژاد، شهود، مجموعه نادی، مجموعه قلب/نشش، تجاوز خزندگان، مصر/ ابوالهول) چاکرای پنجم: مکان ذهن کهن الگوست. (ساختار کالبد اثیری، تایم لاین صعود منسوخ، اعلام برنامه روح، پلیدیان)

چاکرای ششم، ماتریکس ذهن الهی. (خانواده ایندیگو، بصیرت درونی، وضوح، سیریوس) بعد هفتم: تراکم سوم / جهان هارمونیک سوم

سه چاکرای سوم در این بعد هستند. چاکرای هفتم مکان ذهن کتریک (لوگوس یا ذهن سیاره،



ایمپلنت صنوبری/تصلیب، صعود ناکامل، رهایی از بعدسوم، متاترونیک، آرکتوروس)
چاکرای هشتم مکان ذهن منادیک (هسته کهکشان، پرتال هشتم، اتم بذر دائمی، قلب کریستالی،
زندگی های فرازمینی، جنگها/ ایمپلنتهای اورپون، عملکرد متابولیک)
چاکرای نهم مکان ذهن سببی یا علی. (کندالینی جهانی، مجموعه هارا هسته ستاره، چاکرای
مدولا، عملکرد مغز عالی، آندرومدا)

ماتریکس آواتار:

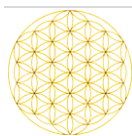
تراکم چهارم/ جهان هارمونیک چهارم. سه چاکرای چهارم در این ماتریکس قرار دارند.
چاکرای دهم مکان ذهن کرایست (لوگوس/ذهن خورشیدی، شبکه فرکانسی بعد دهم معکوس،
شش اینچ بالای چاکرای تاجی، سرقت ارتباطات/ادراکات فراحسی از ناحیه گوش چپ برای بلاک
کردن آگاهی کریستوس)

چاکرای یازدهم محل ذهن بودایی (شروع معکوس سازی دی ان ای، جنگهای ضدنور، مقرر
خزندگان/استون هنج، تبار ماه، ۱۸ اینچ بالای سر)

چاکرای دوازدهم مکان ذهن آواتار (طرح نور مایع پلاتینیومی، ۱۴۴ هارمونیک، ۱۲ فرکانس پایه،
کالبد آواتار کریستوس، فعالیت مراکز بعد دوازدهم برای صعود، شش اینچ زیر پا، ۱۲ اینچ پایین
پاها وصل میشود به حفاظ)

ماتریکس ذهن کیهانی:

تراکم پنجم/ جهان هارمونیک پنجم



۱۳: آکوامارین جهان به هسته زمین؛ اشعه اول خالق _ کالبد جمعی، بی زمانی (کمان مادر) بنیان ژنتیک الوهیم فیلین، (۱۲ اینچ زیر پا، باز کردن ادروازه سیزدهم به خاندان های آرورا، تایم لاین صعود.

۱۴: اشعه طلایی کمرنگ جهانی اشعه دوم خالق _ کالبد جمعی، بی زمانی، (خورشید ریشی)، بنیان ژنتیک صرافیم آویان (سه فوت بالای سر)

۱۴: مجنتا کمرنگ جهانی: اشعه سوم خالق _ کالبد جمعی، بی زمانی، (کمان پدر)، بنیان ژنتیک آکوافریون پستانداران آبی/ نهنگ ها (چاکرای عمق فضا)

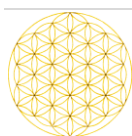
لوگوس کیهانی:

ماتریکس زمان کیهانی ۱۲ میدان زمان در ۱۵ بعد

چرخه صعود_ پیشروی اعتدالین_ ۲۶،۵۵۶ ساللوگوس کیهانیماتریکس انرژی بی زمانی و بی مکانی خارج از بعد (بی بعدی)

کیهان شناسی ابعاد:

هدف اصلی ما وصل شدن به جنبه های ارتعاشی بالاتر خودمان از طریق قصد کردن برای ارتباط



با کالبد نوری توسط افزایش آگاهی در مدیتیشن است. پس وقتی به روحمان فکر می کنیم، و به خود برتر، و به جنبه های مختلف هویت‌های انرژی-روحیمان، در واقع اینجاست که می توانیم درکی از کیهانشناسی ابعاد و طیف‌های فرکانسی ابعادی که وارد آگاهی ما میشوند داشته باشیم. وقتی ما طیف امواج ابعاد را درک کنیم، و از چاکراها به عنوان یک مدل پایه استفاده کنیم، این مسئله به ما کمک می کند تا عملکرد هفت چاکرای اولیه را بهتر بفهمیم. پروسه صعود در واقع جمع کردن هویت‌های مختلفمان از ابعاد مختلف است و تمرکز آنها در لحظه حال. ابعاد بالاتری که ما در حال دسترسی به آنها هستیم، در واقع مشخص کننده تایم لاین های فضا-زمان آینده هستند. همینطور که وارد میدان‌های انرژی بالاتر می شویم، از درون هر یک از فرکانس‌های ساب هارمونیک در هر بعد عبور می کنیم.

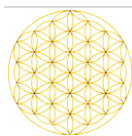
عبور از ابعاد پایین به ابعاد بالا:

فرآیند حل کردن انرژی‌های لایه های ابعاد پایین در میدان آگاهی و تبدیل ذرات آنها به فرکانس‌های ابعاد بالاتر، فعالسازی ستاره ای نامیده میشود و قسمتی از پروسه صعود است. این دینامیک صعود انرژیست که باعث تکامل آگاهی به ابعاد بعدی میشود، فعالسازی ستاره ای در واقع قسمتی از پروسه تکامل نور است.

ماتریکس جهانی زمان:

کیهانشناسی زمان جهانی در دوازده بعد همزمان. هر دنیای هارمونیک معادل سه تا از هویت‌های روحیست، به این شکل:

آگاهی ما از طریق شخصیت در ابعاد ۱، ۲، ۳ از طریق روح در ابعاد ۴، ۵، ۶ از طریق خود برتر در



ابعاد ۷، ۸، ۹ و از طریق آواتار کریستوس در ابعاد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و آگاهی موسس در ابعاد ۱۳، ۱۴، ۱۵ تکامل پیدا می کند.

<https://www.etehadenoor.com/?p=2600>

گذار به زمین جدید

تری وید

ما در حال گذار به عصر طلایی زمین هستیم.

ما در جهان تنها نیستیم، چرا که با صدها هزار گونه دیگر در سراسر جهان دی ان ای مشترک داریم.

تحولات زمین شتاب گرفته است، و در حال تکمیل است.

افراد بیشتر و بیشتری هر روز بیدار می شوند و متوجه دروغ های بزرگ می شوند.

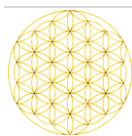
بسیاری داستان را آنگونه که هست روایت نمی کنند، و علت این امر مربوط به کابل و ۱۳ خاندانی است که بر سر کنترل سیاره نزاع دارند.

این افراد فاقد بالاترین دانش و خرد هستند، و هیلاری کلینتون هم می داند که تحت پیگرد قرار خواهد گرفت.

جنگی در بین ۱۳ خاندان در جریان است که از فناوری های معکوس استفاده می کنند، و این امور افشا خواهند شد و آنان نمی توانند اعمالشان را پنهان کنند.

آنان مجبور هستند کنترل را واگذار کنند، زیرا ما به پایان دوگانگی روی زمین رسیده ایم.

همانطور که نیروهای تاریکی جاسوسانی دارند، نیروهای نور هم جاسوسانی دارند که به گروهها و سازمانهای منفی زمین رخنه کرده اند.



آنها به برنامه های نیروهای تاریکی دسترسی دارند، و از این اطلاعات بهره می گیرند تا با اقدامات ۱۳ خاندان و کابال مقابله کنند.

برخی از اینها فرازمینیانی در دولتها هستند.

انسانها بایستی از برنامه دهی رهایی یابند. برنامه ذهن و احساس ما را خشکانده و مجابمان می کند واکنش های معینی بروز بدهیم.

افراد بسیاری توسط برنامه های ترس تریگر می شوند (کنترل می شوند)، و این برنامه ها بسیار مخرب هستند.

ما بحران سیاره ای را با بالا بردن آگاهی مدیریت می کنیم.

رسانه های اجتماعی ابزار بزرگ و مهمی هستند زیرا نشان می دهند که دیگر نمی توانند ما را کنترل کنند؛ اسرار فاش شده اند.

بهمراه همدیگر، دولتی کهکشانی را پدید خواهیم آورد که ضمانتی بر افشاگری خواهد بود.

دولت کهکشانی به این معنی است که ما خودمان را شهروندان کهکشانی می دانیم.

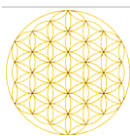
دیگر خبری از اشرافیت دراکو، و سلطنت واتیکان، نخواهد بود. ما موجودات مختار و آزادی روی این سیاره هستیم و همگی باید بدانیم که این قدرت را داریم.

ما طرح و برنامه قدیمی نظم نوین جهانی را منسوخ کردیم، توسط رسانه های اجتماعی.

بایستی شأن و جایگاه خود به عنوان شهروند کهکشانی را به رسمیت بشناسیم، و نیز ارتباط نژاد انسان با فرازمینیان را به رسمیت بشناسیم.

بایستی شروع کنیم به کار کردن با گرید (مدار انرژی) زمین، خطوط انرژی، و همینطور پرتال های انرژی.

این کار باعث تقویت زمین و انحلال انرژی زمین تاریک می شود.



بایستی شروع کنیم به در دست گرفتن شفا و درمان بدن های فیزیکی مان.

صعود کیهانی، به معنای دست و پنجه نرم کردن با رنج، ترس، وحشت، و فقدان است. بایستی گذشته خودمان را ببخشیم، و از داستانهای قدیمی فاصله بگیریم .

گذشته گذشته است. رهایش کنید.

مدت ها قبل ما در دنسیتة (تراکم) سقوط کردیم. به سایه خودمان. اما این دیگر گذشته است. با افزایش آگاهی مان، و فعال شدن دی ان ای، گذشته را فراموش می کنیم. دوگانگی و کارما وجود ندارد.

ما جنگ روانی، نیروهای شیطانی، و کنترل ذهن را با موفقیت پشت سر می گذاریم. ما نیاز به توجه به خرد را درک می کنیم، و نیز نیاز به کاهش جهل ، و نیاز به مطالعه و کاوش برای حقیقت.

اتصال به خویشان درون، باعث دور شدن احساسات خشم و افسردگی می شود که مخرب هستند. بیاموزید که خودتان مشاور خودتان باشید...

ما نیاز داریم که تعادل را باز گردانیم.

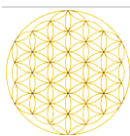
هر بار که شما جلوی ورود بالاترین انرژی را می گیرید، عقب می افتید.

کار شما این است که پنجره را باز نگه دارید، و ذهن مثبت را توسعه دهید.

وقتی خودتان را بفهمید، فهمیدن دیگران هم آسان خواهد بود.

گاهی مسائل بسیار ساده هستند اما ایگو همه چیز را آشفته می کند، بنابراین، خودمان را بشناسیم.

شناخت خویشان کلید است، و مهم است که به خود اعتماد داشته باشیم.

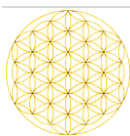


موانع را پاکسازی کنید، و غریزه را پاک و خالص کنید.
یادتان باشد، صعودتان وقتی تکمیل شده که دیگر سوالی نداشته باشید.

بذرهای ستاره ای



در پایان این چرخه که به خط زمانی بیداری و صعود میرسد، تعداد زیادی از ارواح آگاهی دهنده از سیارات و کهکشان های مختلف از طریق چرخه تناسخ به زمین آمده اند. برخی از آنها از نظر بیولوژیکی در قالب انسان تناسخ می کنند، و عده ای به اشکال دیگر؛ اما همه برای کمک به تغییر میدانهای آگاهی روی زمین سه بعدی در پایان چرخه، آمده اند. به این گروه های خاص از ارواح متعالی که روی زمین تناسخ کرده اند، استارسید یا بذرستاره ای گفته میشود. یکی از مشخصه های این ارواح اینست که حافظه های ژنتیکی بیشتری از آینده حمل می کنند. استارسیدها یا بذرهای ستاره ای نقشها وظایفی دارند بر مبنای قانون وحدت که برای کمک به آزادسازی آگاهی سیاره از سلطه و سرکوب انرژی و روحی اتحادیه بیگانگان منفیست. این اقدامات برای تغییر و ترمیم خطوط زمانی مخرب هستند که از طریق ترمیم و بازسازی ژنتیکی و پاکسازی نرم افزارها و برنامه های کنترل ذهن انجام میشوند. این نرم افزارهای مخرب توسط موجودات مردسالار و منحرف بعدچهارمی (خدایان کاذب) برای ایجاد بردگی انسانها ایجاد شدند که اکنون در حال پاکسازی و جمع آوری هستند.



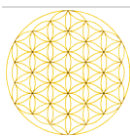
استارسیدها وارد کالبد آگاهی زمین میشوند تا با تجربه تناسخ، ماموریت روحیشان را فعال کنند که شامل اهداف مختلفی میشود:

هدف اولیه و اصلی، ایجاد آزادی بالقوه برای رهایی انسانها از چرخه های تناسخ است که توسط قانون وحدت الهی از طریق ترمیم و بازیابی ساختار کالبد کریستال Christos انجام میشود. از مقدمات این کار اینست که تمام حقایق مربوط به سلطه بیگانگان منفی، بردگی، هیبریدسازی و آدمربایی باید به تدریج افشاسازی شود.

خیلی از استارسیدها از جنگهای روحی - روانی بین نژادهای مختلف فرازمینی مطلع هستند و در قالب پرتالهای هوشمند انسانی به زمین می آیند تا درباره شرایط زمین به گروه های خود اطلاعات بدهند. این استارسیدها روی زمین تحت حملات مختلفی قرار می گیرند، مثل ایمپلنتها، سیستم های کنترل ذهن، نفوذ و تسخیر توسط نیروهای تاریکی و نرم افزارهای ظالم - مظلوم که البته این حملات برای سایر انسانها هم وجود دارد. به دلیل همین حملات، خیلی از استارسیدها هنوز خواب هستند و در مورد حقیقت روحشان دچار شک و ابهام هستند و نمیدانند که هدفشان چیست.

در طول این پایان چرخه و فرآیند صعود و آزادسازی سیاره ای، یک پنجره نوترونی بین زمین و دروازه های ترنس هارمونیک کیهانی باز میشود. این مسیر در واقع برای اتصال و انتقال این استارسیدها برای بازگشت به سیاره مبدا است که در انتهای ماموریتشان انجام خواهد شد.

برای استارسیدها این زندگی روی زمین در واقع ماموریتی جهت جمع آوری اطلاعات لازم جهت شناسایی میزان آسیب ژنتیکی به سیاره و انسانها، منابع تجاوز به سیاره و شناسایی هویت نژادهای متجاوز است و همچنین تلاشیست برای کمک و آزادسازی ارواحی که به بردگی کشیده شده اند

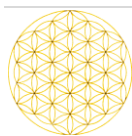


یا مورد تجاوز قرار گرفته اند یا در داخل یک چرخه تکرار شونده تناسخ گیر افتاده اند. اقدامات استارسیدها و گروههای نور جهت آزادسازی و نجات انسانها از خشونت ترسناک بر علیه ارواح انسانها از طرف نژادهای منفی، جلوگیری از مناسک شیطانی، دزدی انرژی حیاتی از روح، و آسیب جنسی و جلوگیری از ساخت کلون ها و کپی های انسانی و استفاده از اسپرم و تخمک انسانها جهت کشت و تولید کالبدهای دورگه انسان ET -انجام میشود.

خیلی از استارسیدها به زمین می آیند تا اطلاعاتی راجع به اقدامات هیبریدسازی، و مشاهدات آدم ربایی بیگانگان و مشاهده یوفوها جمع آوری کنند. این اطلاعات جمع آوری میشوند و از طریق پنجره نوترونی برای نژادهای محافظ فرستاده میشوند. نژادهای محافظ برای ترمیم و آزادسازی ارواح گرفتار شده و تسخیر شده توسط بیگانگان منفی، وارد عمل شده اند.

استارسیدها اساسا گروهی از ارواح هستند که انرژیهای با فرکانس بالا را حمل می کنند و در زمین به جریان می اندازند. به این طریق فرکانس های بالاتر به زمین منتقل میشوند. آنها مثل بقیه انسانها قسمتی از واقعیت سیاره زمین هستند و وقتی این فرکانس ها از طریق استارسیدها و بقیه انسانهای بیدار شده در میدان آگاهی زمین قرار میگیرد، باعث میشود بدنهای ما مثل نقاط طب سوزنی برای کالبد زمین عمل کنند و باعث ترمیم آگاهی مادرانه زمین می شود. ما انسانها شبکه های انرژی بزرگی را می سازیم که به آنها میدانهای مورفوژنتیک می گویند Morphogenetic Fields. یک میدان مورفوژنتیک در واقع ساختاریست که نقشه و چارچوب طراحی را در خودش نگه میدارد. هر کدام از گونه ها و اشکال حیات دارای یک میدان مورفوژنتیک هستند که در واقع نقشه و ساختاریست که خواص و کیفیات آن نوع از حیات را در خودش دارد.

انسانها کاملا به شبکه های مغناطیسی زمین متصل هستند. همینطور که این شبکه ها توسط



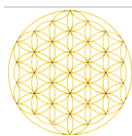
انرژیها و کدها تغذیه میشوند و به نقطه بحرانی میرسند، تبدیل به کدهای بیداری و صعود میشوند. وقتی استارسیدها با حمل این کدها (یعنی انرژیها، فرکانس ها و کدهای صعود) در قالب انسانها روی زمین متجلی میشوند، این کدها به داخل شبکه آگاهی زمین تزریق میشوند. هرچقدر استارسیدها مراحل بیداری و فعالسازی کالدهای بیشتری را انجام بدهند، کدهای بیشتری فعال میشود و آگاهی بیشتری در اختیار انسانهای دیگر قرار میگیرد.

استارسیدها از سیارات، کهکشانها، سفینه ها، یا ابعاد و جهانهای درهم قفل شده هستند، که داوطلب میشوند تا به چرخه بیداری و صعود کمک کنند و زمین را وارد فاز بعدی تکامل کنند. عموماً به شکل انسان متولد میشوند. بعضی ها از بعد از تولد، از هویت و ماموریتشان آگاهند و بعضی دیگر باید در طول زندگی بیدار و فعال شوند. زمان تولد آنها بسیار دقیق و حساب شده است و دارای کدهای ژنتیکی خاص ماموریتشان هستند. اساساً قبل از ورود به زمین تحت آزمایشهای مختلفی قرار می گیرند تا به بهترین شکل آماده ماموریت شوند.

گروه خونی RH منفی:

خون RH منفی خونیست که به شکل ذاتی بدون کارماست. در واقع کارما یا میازمای اجدادی که از نسل های پیشین است، در داخل این خون از طریق الگوهای خونی کارمیک، ذخیره نمیشود. الگوهای کارمیک (میازمیک) مربوط به چرخه های تکراری تناسخ، در واقع نشانهای انرژی هستند که در خون همه موجوداتی که در اینجا متولد میشوند، ذخیره و ثبت میشوند. این گروه خونی مربوط به ستارگان دیگر است، و استارسیدها دارای این گروه خونی هستند. ایندیگوها:

ایندیگوها ارواحی هستند که در قالب انسان به دنیا می آیند و به شکل بالقوه دی ان ای آنها دارای شاخه های فعال بیشتریست. به دلیل الگوهای چینش خاص دی ان ای، دارای توانایی های

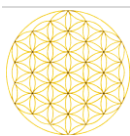


خاصی هستند. آنها در واقع محصول آزمایش های پیشرفته خونی هستند و تحت تغییرات ژنتیکی بسیاری قرار گرفته اند تا خیلی سریع به استعداد های چندبعدیشان دسترسی داشته باشند. این ارواح داوطلب شده اند تا از طریق سفینه ها به زمین بی آیند و پرتال ها را باز کنند. بعضیها از سیستم پروین و از طریق دروازه سیریوس به زمین می آیند. بسیاری از ایندیگوها بعد از همگرایی هارمونیک سال ۱۹۸۷ به دنیا آمده اند. آنها نیاز به تربیت نوآورانه یا خلاقانه پدر و مادر دارند و نباید در کودکی به بهانه ADHD دارو مصرف کنند.

Walk-Ins ورود کننده ها:

این ارواح، ارواح پیشرفته ای هستند که داوطلب میشوند و از طریق دستور کار چند کهکشان تصمیم می گیرند تا در چرخه صعود به زمین کمک کنند. انواع زیادی از ورودکننده ها وجود دارند. یک نوع از آنها از طریق تولد به زمین نمی آیند. آنها در واقع جایشان را با روحی که قبلا به شکل انسان روی زمین بوده و از طریق یک توافقی که قبلا انجام شده، عوض می کنند. مثلا اگر استارسید یا لایت ورکر نتواند ماموریتش را به هر دلیلی تمام کند، در این حالت توافق می کند تا از بدن خارج شده و روح موسوم به ورودکننده وارد کالبد انسانیش میشود. خیلی از تمدن های پیشرفته کهکشانی از این روش ورودکننده ها در مرحله اوج تغییرات تکاملی استفاده کرده اند تا ماموریتها را تکمیل کنند. البته این فرآیند با تسخیر شدن توسط موجودات منفی فرق دارد و نباید با آن اشتباه گرفته شود.

پروسه ورودکننده ممکن است دائمی باشد، یعنی روح اصلی دیگر برنمیگردد. اما به شکل موقتی هم انجام میشود، بدین معنی که ورودکننده وارد بدن میشود، و روح اصلی برای مدت کوتاهی بدن را ترک می کند تا با رفتن به قلمروهای دیگر، دستور کارهای جدیدی را دریافت کند و دوباره به بدن برگردد.



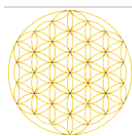
انواع دیگری از این نوع توافق هم وجود دارد. مثلا ورودکننده ها میتوانند ارواحی درهم تافته (روحهایی که همیشه باهم تناسخ میکنند) از خانواده کیهانی، تجسم لوگوس سیاره ای یا ستاره ای و یا توافق دیگری باشند که مخصوص آن الگوی ژنتیک خلقت هستند که برای تناسخ گروههای روحی در دیگر زنجیره های سیاره ای لازم است.

نوع دیگری از ورودکننده هستند که سفر در زمان انجام میدهند. به این شکل که هویت آینده آنها به خط زمانی گذشته برمیگردد و وارد بدن مربوط به هویت گذشته آنها میشود به هدف تغییر خط زمانی برای جلوگیری از آسیب یا کمک به پروسه تکامل. آنها ارواحی از آینده هستند که به گذشته برمیگردند تا کمک کنند به تغییر افق رویداد.

لایت ورکرها:

لایت ورکرها روحهای پیشرفته ای هستند که روی زمین به دنیا می آیند، و دارای توانایی های خاصی هستند، و برای تکامل و افزایش آگاهی سیاره و ساکنینش به آنها نیاز است. آنها نیاز دارند که در داخل پروسه بیداری کندالینی قرار بگیرند، و کمک کنند به حفظ زمین و ماموریت استارسیدها. خیلی از ارواح انتخاب می کنند تا حامل کدهای ستاره ای باشند، اما استارسید نیستند، و به دلیل فرکانس خاصی که دارند معمولا زندگی سالمی دارند و از لحاظ ذهنی، اخلاقی و روحی قوی هستند. خانه آنها زمین است و هدفشان اینست که زمین را برای ساکنینش حفظ کنند. وقتی ماموریتشان به اتمام می رسد، برمیگردند به قالب یک انسان معمولی و به زندگی روی زمین ادامه میدهند.

بذرهای زمینی و بذرهای ستاره‌ای:



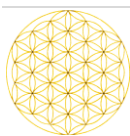
در تبار ژنتیکی انسانهای زمین، هفت نژاد ریشه و پنج نژاد اضافی وجود دارد که در خزانه ژنتیکی زمین قرار داده شده اند. این هفت نژاد ریشه، به نام بذرهای زمینی شناخته می شوند. هر کدام از این نژادهای ریشه بذر زمینی، از طریق چرخه های تکامل خودشان، به توسعه یکی از پنج شاخه اول دی ان ای در ساختار اصلی دی ان ای ۱۲ شاخه ای انسان کمک می کنند. پنج نژاد بعدی به نام نژادهای Cloister شناخته میشوند. وظیفه آنها اینست که پتانسیل دی ان ای ۱۲ شاخه ای را برای کل بشریت حفظ کنند و نمایانگر پیشرفت تکامل انسان باشند. نژادهای Cloister به نام استارسیدها شناخته میشوند.

بنابراین بذرهای زمینی قسمتی از چرخه تکاملی سیاره هستند که شاخه های اول تا پنجم دی ان ای را فعال کرده و سپس در هر شاخه، سطوحی از اطلاعات چندبعدی را برای نژادهای انسان روی زمین لنگر می کنند. و در مقابل، بذرهای ستاره ای قسمتی از چرخه تکاملی سیاره هستند که شاخه های هفتم تا دوازدهم دی ان ای را حفظ می کنند تا ساختار الهی انسان از طریق چرخه های تکامل، دست نخورده باقی بماند. با وجود اینکه این شاخه های دی ان ای به شکل خفته هستند، اما پتانسیل ساختار الهی و خصوصیات روحی انسان را در قالب آواتار دی ان ای ۱۲ شاخه ای نگهداری می کنند. هر شاخه دی ان ای که فعال میشود در واقع ارتباط دارد با میدان های چندبعدی آگاهی قابل دسترس برای روح وقتیکه در قالب فیزیکی انسان تناسخ می کند.

<https://www.etehadenoor.com/?p=2495>

رخداد و پلیدیان ها

تری وید Tery Wade



پلیدیان ها یک نژاد فرازمینی بسیار پیشرفته هستند که در لایه های بالاتر از سیاره سه بعدی وجود دارند.

اگر به آنها به شکل انرژی متصل شوید، آموزش های آنها را دریافت کرده و دنیای آنها را درک خواهید کرد.

آنها استادان روایت گری و معلم هستند، پیام های آنها شامل کدهای نوری است و عاملی محرک برای کمک به بیدار کردن موجودات ارتعاش پایین در زمان مناسب می باشد.

یک درام کیهانی عظیم در حال وقوع است و در حال رسیدن به نقطه پایان.

جمعیت انسان اکنون میفهمد که یک گروه از موجودات تاریک و شرور، بشریت و زمین را با فریب کنترل می کرده است.

دلیل همه پنهان کاریهای موجود در کل هستی ما، دزدیدن انرژی در زندگی های متعدد و پی در پی است.

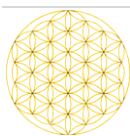
مقادیر باور نکردنی انرژی دزدیده می شده و برای استفاده منتقل می شده است.

این موجودات تاریک می دانند که وقتی بشریت بفهمد چه بلایی بر سرش آمده است، بسیار خشمگین می شود و عصیان می کند و این می تواند پایانی برای توطئه های زشت آنها باشد.

این بازی ای است که خیلی از ما در حال حاضر در آن هستیم.

انسان های ناآگاه در خواب عمیق هستند و در این مقطع نسبت به آنچه حقیقتا در حال وقوع است بسیار دور هستند، بنابراین نگرانی زیاد درباره صعود آنها در حال حاضر نامربوط است، شما نمی توانید کمکی به آنها بکنید تا موقعی که آماده باشند.

سفینه های ستاره ای:



تا موقعی که انسان ها از صدمه زدن و کشتن یکدیگر دست برندارند، راه حل سریعی برای آنها وجود ندارد.

پس عاقلانه است که بر روی پیشرفتتان در این مقطع تمرکز کنید.

پلیدیان ها قطعاً نگران این موضوع هستند، و به همین دلیل مقادیر زیادی انرژی ارتعاشی فرکانس پایین را استحاله می کنند.

اما، همانطور که همیشه گفته ام، هرکسی در مسیر شخصی خودش است و طبعا با مسائل خودش درگیر است.

رخداد صعود قرار است در مورد انسانها خیلی سریع و ناگهانی اتفاق بیفتد و پلیدیان ها می دانند که بیشتر انسانها برای آن آماده نیستند، بنابراین آنها سعی میکنند تا این انتقال تا حد ممکن بدون درد و ناراحتی باشد.

آنها مقادیر عظیمی از انرژیهای بسیار متراکم را از سر راه برمیدارند، بنابراین شانس بیشتری برای انجام این صعود دارند. نهایتاً، ما اینجا هستیم تا این صعود انجام شود.

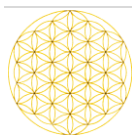
کارهای زیادی در پشت صحنه روی زمین و در لایه های بالاتر در حال انجام است و تا حد امکان بیشترین تعداد انسانها این انتقال را انجام خواهند داد.

مقادیر باور نکردنی از فوتون های گامای فرکانس بالا در ۶ ماه گذشته وارد زمین شده اند.

[Event And The Pleadians – The Ascension Event](#)

سفینه های ستاره ای نامرئی:

این فرکانس ها، این سطوح نور، توسط همه آژانس های فضایی روی زمین به شکل مخفی مورد اندازه گیری قرار گرفته اند و کاملاً از ما مخفی شده اند.



این آژانس های فضایی خیلی از مسائل را مخفی می کنند؛ صدها هزار سفینه فرازمینی که در اطراف خورشید دیده شده اند، به همین دلیل است که رصدخانه های خورشیدی از کار انداخته شدند، تا از افشای تصاویر و فیلم های این ناوگان های عظیم سفینه ها جلوگیری شود.

پلیدیان ها با از کار انداختن این رصدخانه ها موافق نیستند چون تعداد بسیار زیادی از انسانها هنوز برای این افشاسازی آماده نشده اند.

بعدپنجم بهشت است، یک حالت گاما، یک حالت سعادت.

دوازده محدوده بعدی در این دنیا وجود دارد.

بدن ما ۱۲ رشته اصلی دی ان ای دارد که شبیه به کابل های فیبر نوری نانو ذره ای عمل می کنند و ۱۲ پرتال چاکرای چندبعدی که جریان اطلاعات نور آکاشیک را به درون و بیرون بدن منتقل می کنند.

این اطلاعات در حافظه سلولی ما ذخیره می شود. این اطلاعات به تنهایی باید به شما بگویند که چقدر ما قوی هستیم.

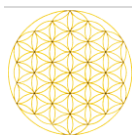
۱۰ تا از این رشته های دی ان ای توسط نیروهای تاریکی مدتها قبل غیر فعال شده اند، اما اکنون دوباره در حال فعال سازی هستند و این باعث می شود ورق برگردد.

بیشتر بذره های ستاره ای روی زمین در حال حاضر بین ۴ یا ۵ رشته دی ان ای فعال دارند.

ماتریکس قدیمی سه بعدی ارتعاش پایین، یک حالت آگاهی است و ماتریکس بعدپنجمی جدید، یک حالت آگاهی با ارتعاشات سریعتر می باشد.

وقتی شما عبارت «دعا» را در انجیل مسیحیت می شنوید، در واقع منظور همان مدیتیشن است.

دعا یک شکلی از خواستن است، و مدیتیشن به معنی خواستن چیزی با هماهنگ شدن ارتعاش آن است.



بیاد داشته باشید، موجودی بالاتر از شما وجود ندارد، و اقتدار واقعی در دست شماست.
بنابراین، شما از یک منبع بیرونی درخواست نمی کنید، شما از خودتان درخواست میکنید تا با
یک ارتعاش خاص سنکرون شوید .

تصویری از رخداد

تصویر من از رخداد و پسرارخداد

توسط LWSTARGAZER

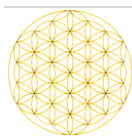
رخداد اتفاق می افتد. من ایمن دارم.

در این مورد شکی نیست، زیرا که حتی برای یکبار در این چرخه آفرینش، یک کهکشان تپش
قلب (پالس) کهکشانی را از دست نداده است.

من می دانم که شاهد رخداد، در جهانهای دیگر، در کهکشانهای دیگر بوده‌ام، اما آگاهانه فقط
چند مورد را بیاد می آورم .

این خاطرات مبهم هستند، اما به اندازه کافی پایدارند، که به نسل قدیمی تر بذره‌های ستاره‌ای،
که باور خود را به روی دادن رخداد در زندگی کنونی شان از دست داده اند، امید دهد .
این اتفاق خواهد افتاد . تسلیم نشوید.

بیاد می آورم، من در فضای بین کهکشانی بودم، یا یک کهکشان مارپیچی، یا یک کهکشان عدسی



را مشاهده می کردم. ما منتظر دیدن تپش قلب کهکشانی اش بودیم، و این کهکشان تحت اشغال نیروهای تاریک نبود و حضور ناهنجاری اولیه نیز سبب ایجاد آشفتگی غیر قابل کنترل نمی شد.

پس پالس از عملکرد طبیعی خود جهت پیشرفت تکامل همه زندگی در آن کهکشان خاص، و بهبود آگاهی جمعی کهکشانی و تقویت ارتباط همه ساکنان کهکشان با منبع برخوردار بود. هنگامی که ضربان یا پالس اتفاق افتاد، از مرکز، از خورشید مرکزی اش آغاز شد، و هنگامی که از مرکز خورشید تا لبه های خارجی کهکشان منتشر می شد، رنگ هایش تغییر می نمود.

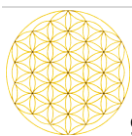
یک سوم نخست امواج موج شوک پالس، با نور سفید درخشان، می درخشید، زیرا بیشترین تمرکز نور نیز، معمولاً در نزدیکی هسته کهکشان / خورشید مرکزی قرار دارد.

دو سوم بعدی آن موج، تغییر رنگ می دهد، از رنگ سفید تا به رنگ های رنگین کمان . این یک نمایش شگفت انگیز بود که من از دیدنش، احساس شادی میکردم، مثل دیدن برف برای اولین بار در زندگی.

ضربان کهکشانی همواره در مرکز کهکشان ها شروع می شوند.

خورشیدهای مرکزی کهکشان ها دروازه های به سوی منبع هستند و این خورشیدهای مرکزی کهکشانیها در هر کهکشانی باعث کلید خوردن پالس / رخداد، در کهکشان می شوند .

ضربه موجی که من توضیح دادم، اساساً از راه دور اینگونه به چشم می خورد، اما اگر نزدیکتر شوید، خواهد دید که این فقط یک موج انرژی نیست، که از هسته به لبه کهکشان حرکت می کند. بلکه ستارگان خودشان حامل آن پالس کهکشانی هستند، بطوریکه گویی تمام ستارگان بطور متوالی



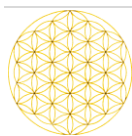
روشن تر می شوند، بمانند هواداران برخی از بازی های ورزشی، که وقتی تیمشان گل میزند از صندلی های خودشان بلند می شوند، و سپس می نشینند.

یک رخداد دیگر را بیاد میاورم که حدود ۸ میلیون سال پیش در کهکشان اندرومدا رخ داد، مدتی پس از آغاز شیوع شر و آغاز اولین حمله ها توسط نیروهای تاریک، این رخداد به عنوان کمکی به آزادسازی سیاره اشغال شده بود، و من در سطح آن سیاره، شاهد عینی این رخداد بودم. در آن زمان در یک بدن متفاوت بودم، عضوی از یک شکل کاملا متفاوتی از زندگی که حداقل در بعد پنجم D 5 وجود داشت.

در بعد پنجم D 5، به معنی واقعی کلمه می توان انفجار نور را مشاهده کرد، که معمولا از خورشید و ستاره محلی ناشی می شود و تمامی سیارات را با رعد خیره کننده ای از نور در بر می گیرد. شما نمیتوانید در برابر این انرژی مقاومت کنید، این یکی از رضایت بخش ترین تجربی هست که می توانید تجربه کنید، با این حال انرژی فقط از ستاره محلی حاصل نمی شود بلکه سیاره نیز هسته خود را تحریک می کند و انرژی خود را آزاد می سازد، البته در یک مقیاس بسیار کوچکتر از ستاره محلی.

بنابراین انرژی از آسمان (ستاره) به سمت هسته سیاره می رسد، و همچنین از هسته سیاره و از طریق سطح سیاره به یونوسفر می رسد. و نیروهای تاریک آن سیاره نابود شدند.

من همواره تجربه این رخداد روی زمین را بمانند یک فلش خیره کننده تصور کرده ام، زیرا این قویترین خاطره ای است که من از رخداد آن زمان در کهکشان اندرومدا، بیاد میاورم. اما بخاطر اینکه فلش خیره کننده در سطح ابعاد بالاتر دیده خواهد شد، امیدوارم که خود برتر



من، هنگامی که فلش درخشان نور به سطوح ابعاد بالاتر سیاره برخورد می کند، حداقل گوشه ای از آن تصویر را به من منتقل کند .

این تجسم من از رخداد است.

خورشید ما درخشان تر می شود و انرژی رخداد به سطح زمین می رسد .

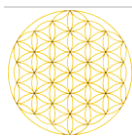
هر بذر ستاره ای بیدار شده، رخداد زمین را در کاملترین و والا ترین شکل ممکن تجربه می کند، آنها می توانند انرژی پالس کهکشانی را کاملا حس کنند و اجازه دهند، انرژی در بدن فیزیکیشان جاری شود و بعنوان یک حامل و یا یک فرستنده بطور یکسان این انرژی ها را در محیط محلی خود و به بقیه جمعیت بیدار نشده، پخش کنند.

هر بذر ستاره ای بیدار شده، سرانجام رخدادی را که ما مدتهاست منتظرش هستیم، و برخی از ما بیش از یک زندگی انتظارش را کشیده ایم، تجربه می کند. بالاترین شعفی که در اسارت طولانی تر از پیش بینی ها درون قرنطینه، تا کنون تجربه کرده ایم.

هر بذر ستاره ای بیدار نشده، این انرژی را به نوعی تجربه می کند که او را بطور کامل بیدار می کند، و آنها را به خود برترشان و اهداف برترشان متصل می کند .

امیدوارم که آنها نیز انرژی شعف آور را تجربه کنند و بسرعت زندگی های قبلی خود را بعنوان موجودات فرا زمینی به یاد آورند .

در مورد جمعیت سطح زمین که کاملا در خواب هستند، امیدوارم حتی انسان هایی که در خوابی



عمیق فرو رفته‌اند، حداقل چیزی ملموس را تجربه کنند، چیزی که قبلا هرگز تجربه نکرده اند، چیزی که باعث می‌شود، بدانند که پدیده ای بسیار مهم بوقوع پیوسته و این اتفاق را بعنوان والاترین و توان بخش ترین لحظه زندگیشان درک کنند .

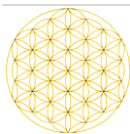
آرزو میکنم که هر موجودی در این دنیا، این انرژی را آگاهانه تجربه کند، امیدوارم که هیچ موجودی از این احساس شگفت انگیز مستثنا نشود .

این رخداد تقریبا در ساعات ظهر در شرق آسیا و استرالیا و بقیه اقیانوسیه، در ساعات اولیه صبح در اروپا و آفریقا و در عصر و ساعات پایانی بعدظهر در قاره آمریکا، اتفاق می افتد.(توجه داشته باشید : این فقط تصویرسازی من است . و این اطلاعات واقعی تاییدشده نیست).

این رخداد بمب های توپلت باقی مانده را از بین میبرد و به قرنطینه پایان می دهد، نیروهای نور از بالا و پایین و از سطح سیاره با تمام قدرت حرکت می کنند و تمامی پرسنل تاریک باقی مانده را حذف می کنند، همه ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی، کانالهای لایو یوتوب و سایر سایتها، بلافاصله شروع می کنند به گزارش آنچه رخ می دهد.

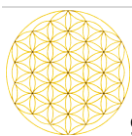
تصور من از دوره پسا رخداد بر روی زمین:

تمام جنگ ها و درگیری ها به پایان می رسد. گروه های خواهران گل رز از سراسر جهان بلافاصله گرد هم می آیند و شروع به انجام مراقبه های بسیار ضروری می کنند و از همه مهمتر، انرژی های آرامش و صلح الهه را هدایت می کنند زیرا در چند روز اول تا هفته های بعد از رخداد، این انرژی ها به میزان زیادی مورد نیاز خواهند بود، زیرا مابقی جمعیت سطح زمین ممکن است دچار وحشت و سراسیمگی شوند. اینها مراقبه های ماراتنی هستند، اما ارزشش را دارند. از همه اعضای گروه خواهران گل رز به دلیل از دست دادن مشاغل ماتریکسی معمولی خود عذرخواهی خواهد



شد، زیرا این مشاغل دیگر در آن زمان لازم نخواهند بود. گروه های پشتیبانی رخداده، فعال شده و به نیروهای نوری سطح زمین در توزیع مهمترین نیازهای اساسی به جمعیت سطح زمین کمک می کنند. در چند روز پس از رخداد، توزیع دستگاه های انرژی آزاد و همانندسازهای خانگی آغاز می شود. در تصور من، هر انسانی روی کره زمین در مدت زمان یک ماه پس از رخداد یک همانندساز شخصی دریافت می کند. کل زمان گذار، آنطور که برخی انتظار دارند گند نخواهد بود؛ کاهش سرعت و پیشرفت، روش و ترفند نیروهای تاریک است نه نیروهای نور - تغییرات سریع خواهند بود، همانطور که اکنون در حال تجربه آنها هستیم تأخیری وجود نخواهد داشت. همچنین نخستین زیرساختهای جزایر نوری توسط گروه اتحاد سطح زمین / نیروهای نور ساخته می شوند.

در چند هفته اول، آگاهی جمعی بشر از متداول ترین اصول و برنامه های جامعه ماتریکسی برنامه زدایی و پاکسازی می شود: مانند نیاز به کار برای زنده ماندن، گرایشات پایین آورنده سطح فکر، مذاهب غیر ضروری و غیره. و در ماه های پیش روی آن، برنامه های آموزشی پیش از رخداد به شدت تغییر می کند، دانشمندان درمورد قوانین واقعی و سرکوب شده فیزیک و سایر زمینه های علمی بیشتر آموزش می بینند. افشاگری بصورت کامل جریان خواهد داشت. اختراعات ممنوعه مانند تخت های طبی، وسایل تله پرت و ماشین های پرنده به بشریت ارائه می شود. تاریخ واقعی زمین و منظومه شمسی نشان داده خواهد شد. همه اکوسیستم ها از آلودگی، پاکسازی و درمان می شوند. اولین نمودها و پروازهای نمایشی سفینه های ابری و فضایی فرازمینی و پیشرفته با ارتعاشات بالا در آسمان ما دیده خواهد شد. کسانی که آماده هستند، شروع به تجربه اولین دیدار شخصی خود با موجودات فرازمینی ای می کنند که در ملک های آنها فرود می آیند. این افراد سپس درمورد تجربیات خود در تلویزیون و ایستگاه های رادیویی یا کانالهای زنده یوتیوب گزارش می کنند. آن دسته از استارسیدهایی که می خواهند در جزایر نوری بر روی سطح سیاره یا در ایستگاه های فضایی ثابت یا سفینه های فضایی در مدار زمین زندگی کنند، همه شرایط و

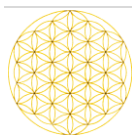


ملزومات را برای انتقال به منطقه انتخابی محل اقامت خود همراه با تئوین سولها، سولمیت‌ها و خانواده های روحی خود دارا خواهند بود به طوری که می‌توانند بر روی فرآیند صعود انفرادی یا گروهی خود کار کنند. به استارسیدهایی که انتخاب می‌کنند این سیستم خورشیدی را فوراً ترک کنند، اجازه انجام این کار داده خواهد شد.

بقیه بشریت شروع به پذیرش این واقعیت غیرقابل انکار می‌کنند که خانواده کیهانی ما واقعی هستند و این راه را برای «اولین تماس رسمی» هموار می‌کند، که این اتفاق حدود یک سال پس از رخداد در مقر سازمان ملل متحد رخ می‌دهد. در این روز تاریخی، سیاره زمین رسماً در شبکه کهکشانی نور در کهکشان راه شیری پذیرفته می‌شود، نژادهای فرازمینی جدید خود را به بشریت نشان می‌دهند، در ابتدا آن‌هایی که از نظر فیزیکی به ما نزدیکتر هستند. و مدتی بعد، اشکال و فرم‌های جدید و شگفت‌انگیز حیات خودشان را آشکار می‌سازند.

آگاهی جمعی بشریت وارد اصلی‌ترین و طولانی‌ترین مرحله گذار می‌شود، در واقع از یک جامعه آنتروپیک (آشفته) به سمت جامعه ای که آزاد است و هماهنگ با بقیه کهکشان و جهان است. به بشریت در مورد دانش برتر پایه و تکنیکهای درمانی مدیتیشن آموزش داده می‌شود. همه با راهنمایان معنوی و خودبرترشان ارتباط برقرار می‌کنند. تمام شهرهای سطح زمین شروع به تغییر می‌کنند، معماری با هندسه مقدس مطابقت بیشتری پیدا می‌کند، و همچنین با طبیعت به شکل ممکن و بالاترین ظرفیت خود ادغام می‌شود. همه ساختارها آینده‌نگرانه و بسیار زیبا می‌شوند. سفر فضایی در دسترس همه قرار می‌گیرد.

مردم شروع به انجام کاری می‌کنند که می‌خواهند در زندگی خود انجام دهند، همانطور که می‌خواهند رفتار کنند رفتار می‌کنند، هر فرد که می‌خواهند دوست خواهند داشت، هر کاری را که می‌خواهند تجربه کنند، تجربه می‌کنند. دیگر محدودیتی برای کسی وجود نخواهد داشت. مردم

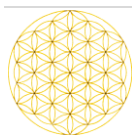


برای سفر به جایی که می خواهند، آزاد هستند و به روشی که می خواهند زندگی کنند، زندگی خواهند کرد. اگر آنها مایل باشند که با مهارت ها و استعداد های منحصر به فرد خود به جامعه کمک کنند، به هر شکلی که دوست دارند، می توانند این کار را انجام دهند. همه مشارکت ها، حتی کوچکترین موارد، بسیار مورد توجه، استقبال و احترام قرار می گیرند. اگر آنها هنوز آماده مشارکت در جامعه نیستند و نمی دانم، مثلا اگر فقط می خواهند در جهان سفر کنند یا فقط برای مدتی در صلح و آرامش زندگی کنند، آنها در انجام این کار آزاد هستند و از آنها در انجام این کار ممانعت نمی شود. ملزومات اساسی، از آنها سلب نخواهد شد، زیرا امنیت غذایی، پوشاک و سرپناه تبدیل به هنجار اساسی جامعه جدید ما خواهد شد.

در ۳ تا ۵ سال پس از رخداد، اولین موج فرآیند صعود صورت می گیرد. حدود ۶ تا ۸ سال پس از رخداد، موج دوم فرآیند صعود صورت می گیرد. حدود ۹ تا ۱۱ سال پس از رخداد، موج سوم و آخر فرآیند صعود صورت می گیرد. (* توجه: این فقط تصور من است، نه از نوع واقعی تأیید شده).

<http://2012portal.blogspot.com/2018/07/planetary-ascension-process.html>

چند ماه پس از موج سوم، بقیه انسان هایی که در زمین صعود نکرده اند، با سفینه فضایی به سمت یک سیاره بعد سومی مناسب حرکت می کنند تا به روند تکامل خود ادامه دهند. زمین برای پاکسازی نهایی به شکل موج سونامی آماده می شود، که بقایای نهایی تاریکی را پاکسازی می کند. من در حاشیه شهر ابری - پلتفرم مداری به همراه جفت روحی ایستاده ام سونامی را هنگامی که در سراسر کره زمین حرکت می کند رصد می کنم. (تقریبا هر روز، این لحظه شخصی را در مورد آینده دریافت می کنم که در ارتفاع بالای سطح زمین ایستاده ام و موج را همراه با خود برترم مشاهده می کنم). تنها شهرهایی که روی سطح زمین باقی می ماند جزایر نور و آن معدود



شهرهای تاریخی هستند که توسط انسان ساخته شده اند که بر روی ورتکس‌های مهم سیاره ای واقع شده اند که به شهرهای نور تبدیل می شوند. زمین فرکانس خود را از D 3 به D 5 افزایش خواهد داد. گذار کامل خواهد شد. یک جامعه پیشرفته جدید اولین نفس خود را می گیرد، که بسیاری از آن به عنوان “آتلانتیس جدید” یاد می کنند.

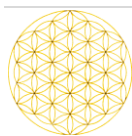
<http://2012portal.blogspot.com/2019/02/bubbles-of-heaven-update.html>

آرزو می کنم که هر فردی رخداد را به شکلی که مایل است، تجربه کند و تا جایی که ممکن است میزان هرج و مرج و آشفتگی در گذار کم باشد. امیدوارم که بعد از رخداد، همه شروع به زندگی کردن رویاهای خود کنند و شادی و کامیابی خالص را در زندگی خود بیابند. باشد که تصورات ما در مورد رخداد در سریع‌ترین زمان تحقق یابد! پیروزی نور!!!

آتلانتیس جدید

آتلانتیس نو، اسم رمزی برای یک شبکه انرژی سطح سیاره است که از پیشرفت فشرده پشته‌بانی خواهد کرد و همچنین یک اسم رمز برای جامعه جدید بعد از رخداد است. در آتلانتیس قدیم، ۷۵ هزار سال پیش، قبل از تغییر قطب‌ها، موقعیت خط استوا متفاوت بود و بنابراین موقعیت کل شبکه انرژی سیاره‌ای تفاوت داشت.

۷۵ هزار سال پیش و حتی قبل‌تر، شبکه انرژی در سراسر سیاره کامل بود، و به طور کامل تحت کنترل موجودات صعود کرده بود و معبدهای مقدس بسیاری در طول خط استوا قرار داشت.



شما می توانید خط استوای آتلانتیس قدیم را که با خط قرمز بروی تصویر نشان داده شده و از آمریکای جنوبی و آفریقا می گذرد مشاهده کنید .

جالب است اشاره شود که ورتکس های انرژی بسیاری در سراسر سیاره هنوز در طول خط استوای آتلانتیس قدیم قرار دارند .

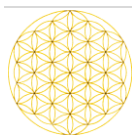
<http://sitsshow.blogspot.com/2016/11/There-Is-an-Alignment-Between-Ancient-Sites-That-Will-Blow-Your-Mind.html>

<http://home.hiwaay.net/~jalison/>

پروژه آتلانتیس نو در حقیقت ورتکس های آتلانتیس قدیم را با شبکه جدید انرژی که بزودی تکمیل می شود همسو می کند. آتلانتیس نو پروژه نیروهای نور است که برای هزاران سال در جریان بوده است.

سن جرمن یکی از موجودات اصلی است که روی این پروژه کار می کند. او بخشی هایی از پروژه اش را در تناسخی که در قالب فرانسیس بیکن داشت از طریق یک رمان بنام “آتلانتیس نو” آشکار ساخت. در این رمان وی یک جامعه آرمانشهری بر بنیان شایسته سالاری را توصیف کرد. در تناسخ بعدی اش در قالب کنت سن-ژرمن تلاش کرد تا جامعه جدیدی در آمریکا با کمک به استقلال آمریکا و به عنوان نیروی معنوی اصلی در پس قانون اساسی نوسازی کند .

در زیر لینک یک مقاله بسیار خوب در ارتباط با تحولات گذشته پروژه اتلانتیس نو ارائه می شود



که مطالعه ان برای همه افراد علاقه مند به اتلانتیس نو یک ضرورت است، و ارتباط دکترین های سری متعددی را آشکار می سازد:

<http://cosmicconvergence.org/?p=13901>

در اینجا باید اضافه کنم که کمت سن-ژرمن در سال 1775 یک مدرسه سری مخفی در پاریس ایجاد کرد که دست مخفی پشت استقلال آمریکا بود. آن مدرسه سری از برداران ستاره ای تشکیل شده بود که بعدا به سه لژ مثبت فراماسونری اصلی در پاریس اضافه شدند، و بر اعضای لژها تأثیر گذاشتند و در نتیجه رویداد های جهانی را تحت تأثیر قرار دادند .

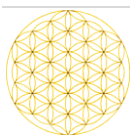
یک گروه به لژ فراماسونری 'نه خواهران' در پاریس پیوست و از طریق بنجامین فرانکلین، کسی که عضوی از آن لژ فراماسونری بود، در شکل گیری ایالات متحده تاثیر گذاشتند .

https://en.wikipedia.org/wiki/Les_Neuf_S%C5%93urs

دومین گروه به لژ فراماسونری 'فیلاتیز' در پاریس اضافه شدند که از طریق آن، برداران ستاره ای تلاش کردند تا اطلاعات سری صحیح را منتشر کنند. اطلاعات سری آن لژ منبع بخش عظیمی از معنویت غربی مدرن و علوم سری است .

http://freimaurer-wiki.de/index.php/En:The_Philal%C3%A8thes

گروه سوم به لژ 'کاگلیوستروی آیسس' اضافه شدند. آن لژ منبع اصلی رازهای آیزیاک Isiac است که بعدا بصورت ناقص در تعدادی از لژهای 'مفیس میسریم' ادامه یافتند. کاگلیوسترو



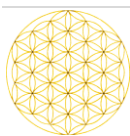
یکی از معدود کسانی بروی سطح زمین بود که از نمود حتمی رمز و رازهای ایسیس اطلاعاتی داشت که باید فعلا سرپوشیده بمانند. چیز بیشتری نمی توان تا قبل از رخداد در مورد آن گفت. هم اکنون کمت سن-ژرمن از من خواسته است تا در تکمیل پروژه آتلانتیس نو به او کمک کنم. شبکه انرژی آتلانتیس جدید، ابزار انرژی برای شکل گیری پیشرفت فشرده گی، رخداد و جامعه جدید نامیده می شود. شبکه سینتامانی در سراسر سیاره، یکی از ابزارهای اصلی برای شکل گیری آن هدف است. هر زمان که یک سنگ سینتامانی در خاک در هر جایی از سیاره کاشته شد، یک وجود آنجلیک عظیم به آن نقطه لنگر شد و یک ورتکس انرژی به قطر چندین مایل شکل گرفت. زمانی که جرم بحرانی موجودات آنجلیک به سیاره لنگر شود، وجود یلدا بوآث شروع به تخریب شدن می کند. سنگ های سینتامانی، سنگ های معروف آبی رنگ آتلانتیسی هستند. سنگ های آبی "سیب های آبی" نیز نامیده می شوند که برای باز کردن پرتال ها مورد استفاده کاتارها قرار می گیرند .

http://www.bibliotecapleyades.net/sumer_anunnaki/esp_sumer_an_nunaki13.htm

واضح است که کاتارها، سینتامانی ها را از تمپلارها دریافت کردند. تمپلارها هم اولین نمونه را از هابرتوس کوچ اهل اونتربرگ دریافت کردند. او سنگ را مستقیما از الهه آیسائس (نمودی از الهه ایسیس) در نینوا نزدیک موصل در عراق دریافت کردند. نینوا یکی از مهم ترین ورتکس های الهه روی سیاره است .

<http://www.ancient.eu/nineveh/>

این اتفاقی نیست که داعش قصد تخریب آن را دارد:



<http://news.nationalgeographic.com/2016/11/iraq-mosul-isis-nimrud-khorsabad-archaeology/>

همه اینها خلاصه می شوند به جنگ برسر شبکه انرژی. و در این نبرد نور پیروز خواهد شد و آتلانتیس نوین خواهد درخشید .

پیروزی نور

کبرا

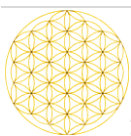
<http://2012portal.blogspot.com/2017/01/new-atlantis.html?m=1>

نژاد مرکزی کیهان

مدیتیشن بازگشت نور یک سیگنال آگاهی منسجم در گستره جهان ایجاد کرد که توجه نژاد مرکزی کیهان را جلب کرده است.

نژاد مرکزی کیهان پیشرفته ترین نژادی است که حول خورشید مرکز کیهان تکامل پیدا کرده است. حالا توجهش را معطوف به سیاره زمین و آزادسازی زمین کرده است، چراکه اکنون روی سطح زمین به قدر کافی آگاهی وجود دارد که همکاری با چنین نژادهای پیشرفته ای میسر شود.

در نتیجه این تعامل، ابعاد مشخصی از برنامه آزادسازی در آینده نزدیک برای جمعیت سطح زمین منتشر می شود.



منظومه خورشیدی حالا مملو از موجوداتی از نژاد مرکزی کیهان است و آنها مشغول همکاری با نیروهای نور فرماندهی ژوپیترا، فرماندهی آشتار، فرماندهی آتلانتیس، ناوگان پلایدیان، سیریوس، آندرومدا، نیروهای مقاومت، گروههای مثبت آگارتا، و نیروهای ویژه مشخصی موسوم به «سورفاکوم» هستند .

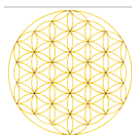
موجودات نژاد مرکزی کیهان همچنین در حال برقراری تماس با پیشرفته ترین اعضای جمعیت سطح زمین در مدیتیشن ها، رؤیاهای، و تصاویر شهودی شان هستند .

بنا به درخواست نیروهای نور، بدین وسیله، مدیتیشنی را منتشر می کنم که می توانید با استفاده از آن با نژاد مرکزی کیهان اتصال و همکاری پیدا کنید.

۱ از روش خودتان برای قرار گرفتن در وضعیت آرام آگاهی استفاده کنید .

۲ قصد خود را برای استفاده از این مدیتیشن جهت آزادسازی زمین ابراز کنید.

۳ تصور کنید که موجودات نژاد مرکزی کیهان از سمت خورشید مرکز کیهان ظاهر می شوند، و سپس از طریق خورشیدهای مرکزی همه کهکشانهای جهان پراکنده می شوند. سپس تصور کنید این موجودات از طریق خورشید مرکز کهکشان ما وارد می شوند، و وارد دروازه ستاره آلسیون در خوشه پروین می شوند، و سپس وارد دروازه ستاره سیریوس شده، و سپس وارد منظومه خورشیدی ما می شوند و با آرایشی به شکل «ماندالای گل زندگی» داخل منظومه خورشیدی قرار می گیرند. و سپس با نیروهای نور بالای سطح، زیر سطح، و روی سطح زمین اتصال برقرار می کنند .

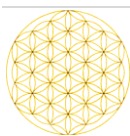


۴ موجودات نژاد مرکزی کیهان را تصور کنید که همه بقایای تاریکی این جهان را تبدیل به نور می کنند، تا آنجا که فقط نور باقی بماند. تصور کنید چرخه عظیم کیهانی آغاز می شود، و نور خالص، عشق، و خوشبختی برای همه موجودات سراسر جهان به ارمغان می آورد. ورتکس الهه ی لنجیل در مجارستان به عنوان نقطه ورود انرژی نژاد مرکزی کیهان انتخاب شده است. دلیل این انتخاب تهاجم آرکان در ۱۹۹۶، الگوهای رفتار اجتماعی پیشرفته ترین کارگزاران نور، موقعیت مرزهای خارجی کلونی های اخیر اتلانسیسی و مدیترانه ای، و ارتباط آگاهانه شامانهای فرهنگ لنجیل با خورشید مرکز کهکشان است.

یک بازسازی ساختاری در نیروهای نور سطح سیاره زمین جهت کسب آمادگی برای همکاری با نژاد مرکزی کیهان و نیروهای ویژه سورفاکوم، در جریان است. عدالت در راه است. بنابراین، برای فازهای نخست عملیات های معینی، نیاز دارم تیم حقوقی خودم را گسترش دهم، و نیاز به یک وکیل دارم که حداقل تا حد خوبی مأموریت مرا درک و حمایت کند. و درک خوبی از قوانین بین المللی، مسائل مربوط به حقوق چاپ، و اعمال مرتبط با افترا و بدنام کردن، آزار، تهدید، و آزار در فضای سایبر داشته باشد. اگر شما وکیلی با چنین ویژگی هایی هستید، از طریق این لینک تماس برقرار کنید cobraresistance@tutanota.com :

مقالات کبرا

رخداد



رخداد"، لحظه Compression Breakthrough یا پیشرفت فشرده‌گی، در زمین است.

این یک افق رویداد کیهانی است که توسط امواج خورشیدی بزرگی که از مرکز کهکشان به زمین میرسند ایجاد شده و باعث فعال شدن The Compression Breakthrough یا پیشرفت فشرده‌گی، می شود. این زمانیست که نیروهای نور از بالای سطح سیاره و زیر سطح سیاره در وسط بهم می پیوندند، یعنی روی سطح سیاره.

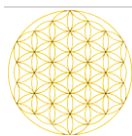
تاریخ این رخداد قابل پیش بینی نیست، گروه های زیادی در سراسر جهان درگیر هستند و بسیاری از اطلاعات برای تضمین امنیت عملیات، اکنون باید مخفی نگه داشته شوند. تنها چیزی که می توانیم بگوییم این است که ما داریم نزدیک میشویم. چراکه شبکه های پشتیبانی و اطلاعاتی در حال ایجاد است تا مردم آماده شوند .

این پایانی برای دوران طولانی اسارت است: زمین و ساکنینش 25000 هزارسال در اسارت وقرنطینه بوده اند (سیاه چاله).

ما توسط ضلع تاریک یا همانطوری که آنها را صدا میزنیم، کابل، کنترل و دستکاری شده ایم. اکنون ما باید از این سیاه چاله پس از 25000 هزارسال اسارت، خارج شویم. سیاره ما آخرین سیاره در کهکشان است که باید آزادسازی شود. این خروجی افق رویداد یا رویداد است. رخداد لحظه دستیابی به موفقیت در آزادسازی سیاره است که به صورت فیزیکی و غیرفیزیکی خواهد بود.

✓ در سطح غیرفیزیکی:

موج بزرگی از انرژی و نور الهی وجود خواهد داشت که از خورشید مرکزی کهکشانی به سمت سطح سیاره می رود. (خورشید مرکزی کهکشانی در صورت فلکی قوس ساگیتاریوس است).

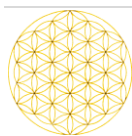


انرژی ساطع شده از خورشید مرکزی باعث ایجاد یک فلش یا نوع خاصی از نور خورشید می شود که زمین و انسانیت را در بر میگیرد و فرکانس همه موجودات زنده روی سیاره زمین را بالا میبرد. بشریت در پرتو انرژی عشق آسوده خواهد شد و دوگانگی پایان می یابد. این یک انرژی باشکوه است که قبلاً روی زمین دیده یا احساس نشده است. هرکسی روی زمین احساس خواهد کرد و میفهمد که چیزی اتفاقی افتاده است. حتی اگر برای ما اتفاق بیفتد، جای تعجب خواهد داشت چون قبلاً هرگز اتفاق نیفتاده است. این یک رویداد شوک بزرگ نخواهد بود، یک رخداد مثبت خواهد بود.

آنچه در سطح فیزیکی وجود خواهد داشت :

- دستگیری کابال (قبلاً شروع شده) -
- ریست سیستمهای مالی -
- افشای اطلاعات - انتشار اطلاعات مربوط به حضور فرازمینی ها -
- آغاز یک سیستم جدید اقتصادی عادلانه همراه با بودجه رفاهی برای تمام بشریت -
- دولت / سیستم سیاسی، سیستم آموزش، سیستم خدمات پزشکی بهداشتی و ... جدید -
- بیداری تدریجی بشریت نسبت به وجود نژاد های غیرزمینی مثبت و ارتباطات کهکشانی -
- تولید فناوریهای پیشرفته جدید -
- آزادی رشد معنوی و شفابخشی برای هر انسانی در کره زمین. چیزهای بسیار زیادی وجود دارد که می توان انتظار داشت ...

من امیدوارم که همه ما موافقیم که جناح های مشخصی وجود دارند که از نور پشتیبانی میکنند و همینطور از عملیات آزادسازی درون منظومه شمسی حمایت میکنند. برخی جناح ها وجود



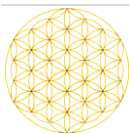
دارند که از نور و آزادسازی در زیرسطح سیاره حمایت میکنند. آنها به سمت سطح سیاره پیش می روند زیرا سطح سیاره، میدان اصلی نبرد است که همه تمرکز بر وضعیت روی آن است و فقط به سیاره زمین محدود نمی شود. هنگامی که این پیشرفت اتفاق می افتد، همان چیز است که رخداد می نامیم.

رخداد در واقع تحولات و تغییرات متعدد به صورت همزمان است که جنبه هایی از آن شامل این است که نیروهای نور رسانه های جمعی را به دست میگیرند و اطلاعات مربوط به درگیری های فرازمینیان، درباره جنایات کابل و فناوری های پیشرفته را کاملاً افشا میکنند. بخش دیگر آن دستگیری گسترده کابل است. بخش دیگر آن بازنشانی دوباره سیستم های مالی است که متحدان شرقی مدت نسبتاً زیاد است که خود را برای آن آماده کرده اند.

Illustration showing the absorbance of electromagnetic waves by the Earth's atmosphere. Different frequencies of radiation are absorbed by different amounts, notably visible light and radio waves are largely transmitted, but infrared and high frequency x-rays and gamma rays are largely blocked.

و البته ما به تدریج به سمت "تماس نخست" رفته ایم که یک تماس رسمی واقعی بین تمدن زمین و سایر نژاد های مثبت فرازمینیان است که در سراسر کهکشان وجود دارد و رخداد نقطه شروعیست که روند را آغاز میکند.

این مروری کوتاه از رخداد است. و البته ما پالس خورشید مرکزی کهکشانی را داریم. خورشید مرکزی کهکشانی موجودی زنده است و با توجه به آگاهی جهانی ما و میزان آن آگاهی و سطح بیداری، پالس انرژی را بار گذاری میکند.



و زمانی ما این **compression breakthrough** یا پیشرفت فشرده‌گی را داریم که سطح بیداری به اندازه کافی بالا رود که بشریت بتواند آن پالس انرژی افزایش یافته از مرکز کهکشانی را دریافت کند.

✓ قبل از رویداد چه کار می‌توانید انجام دهید: ما قصد داریم از آزادی به دور از خشونت در کره زمین و آینده‌ای روشن و زیبا لذت ببریم، آینده‌ای برای همه ما. از آنجا که ما روز دقیق، ماه یا سال رخداد را نمی‌دانیم (به زودی رخ خواهد داد).

عقلانه است که چند قاعده ساده را محتاطانه دنبال کنیم:

برای آزاد سازی از هم اکنون شروع کنید برای دوهفته یا بیشتر آب و غذا نگهداری و انبار کنید.

اطمینان حاصل کنید که شما و عزیزانتان هرگونه داروی مورد نیازتان را به روز کنید.

پول اضافی در خانه تان مخفی نگه دارید.

وقتی منبع گازتان از نصف کمتر خالی شد آن را پر کنید.

برای به روزرسانی با این وب سایت در تماس باشید.

خودتان ، دوستان و اعضای خانواده تان را آموزش دهید.

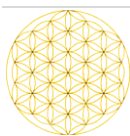
به یکی از 6 منطقه نیروی کار – در این وب سایت بپیوندید و به آزادسازی سیاره زیبای ما کمک کنید.

به مراقبه رویداد هفتگی بپیوندید.

<https://prepareforchange.net/weekly-key-to-freedom-meditation/>

زمان نه گفتن رسیده است. وقت آن رسیده است بگوییم ، کافیست

[Financial](#)



چه انتظاری از نظر مالی بعد از رخداد داشته

باشیم [:https://prepareforchange.net/?p=20](https://prepareforchange.net/?p=20)

بشریت وارد عصر طلایی خواهد شد ، اکوسیستم شفا خواهد یافت، هرکسی میتواند نیازهای اساسی خود را پوشش دهد، آزادی واقعی ایجاد میشود و مسافرت آزادانه خواهد داشت. این راه مراحل بسیار بیشتری را در تکامل ما، فراتر از درک فعلی ما آشکار خواهد کرد. ما ساختاری را در این زمینه ایجاد کرده ایم تا افراد بتوانند با یکدیگر به صورت محلی ملاقات کنند و گروه های محلی ایجاد کنند که بتوانند اطلاعات را به اشتراک بگذارند، ابتکارات همبستگی جامعه مانند باغ های محلی را آغاز کنند.

با برقراری ارتباط با همه گروه ها و شبکه های مختلف جامعه، نیازهای اساسی را برای افراد نیازمند فراهم کنید تا با هم همکاری کنند تا اطمینان حاصل کنند که از همه مراقبت می شود. برای پیداکردن شبکه گروه های محلی وارد لینک زیر شوید

[:https://prepareforchange.net/financial/](https://prepareforchange.net/financial/)

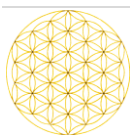
برای مطالعه در مورد مراحل عملی کاربردی و اصلی آماده سازی برای رخداد وارد لینک زیر شوید [:https://prepareforchange.net/?p=7693](https://prepareforchange.net/?p=7693)

رهایی نزدیک است!

برای اطلاعات بیشتر در مورد مشاوره راهنمایان در مورد پیشینه رخداد به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://prepareforchange.net/?p=8819>

لینک منبع:



کدکس کهکشانی

سیاره زمین آخرین سیاره در این جهان است که تحت اشغال نیروهای تاریکی است. آخرین بازمانده و یادگار جنگ های کهکشانی که میلیون ها سال در کهکشان شعله ور بوده اند.

در طول زمانی که کهکشان در حال آزادسازی از نیروهای تاریکی بود، نیروهای نور از سطح یک نیروی نظامی که از دل یک ضرورت فوری متولد شده بود تا از آزادی های بنیانی موجودات آگاه دفاع کند تکامل یافت و تبدیل شد به جامعه هماهنگ کهکشانی و کیهانی. موجودات حاضر در کنفدراسیون کهکشان روحا تکامل یافتند و با اساتید صعود به همسویی و اتحاد رسیدند.

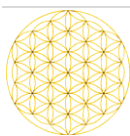
آنان کدکسی داخلی را کشف کردند که تنظیم کننده همه روابط میان نیروهای نور و نیروهای تاریکی و سیارات اشغال شده است. این کدکس، کدکس کهکشانی نامیده می شود و نشانگر بنیان قانونی همه اعمال کنفدراسیون در این کهکشان و در همه کهکشان هاست.

این کدکس شامل قوانین خارجی غیرمنعطف نیست، بلکه کدهای اخلاقیات درون است که همه ارواح جبهه نور با اراده آزاد خودشان می پذیرند، زیرا این کدکس انعکاس دهنده حقیقت درون آنان است.

اکنون کدکس کهکشانی به شکلی که برای یک موجود آگاه و بیدار متوسط در جامعه انسانی قابل درک باشد:

بخش اول: قانون رحمت

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط تجربه حیات مثبت دارد.



برای شرح بخش اول، باید درک کنیم که رنج و عذاب در جامعه کهکشانی که به روشنی رسیده که از نفوذ نیروهای تاریکی و سایر ابعاد ناهنجاری کیهانی مصون مانده، جایگاهی ندارد.

ارزش دادن به رنج، عذاب، و قربانی شدن تحت عنوان رشد و تکامل، در واقع بخشی از برنامه دهی نیروهای تاریکی بود تا با این روش جمعیت های سیارات اشغالی را راحت تر به بردگی بکشند.

تجربه مثبت حیات برای هر موجود آگاه در جهانی آزادسازی شده، توسط ارتباط درونی هر موجود زنده با منبع تضمین می شود و نیز با تسلط اساتید صعود بر ماده که به این اساتید اجازه می دهد به همه موجودات زنده در جهت افزایش ارتباط با منبع کمک کنند و ضرورت های زندگیشان را فراهم کنند.

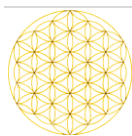
هیچ گاه قرار نبود زندگی سراسر کار سخت و تقلای همیشگی باشد، قرار بود تجربه زندگی، تجربه یک سفر مملو از خلاقیت و لذت باشد. بندهای مختلف بخش اول کدکس برای تنظیم تمام حیات موجود در جهان آزادسازی شده است و همینطور تنظیم و ساماندهی تمامی روابط میان موجودات نور، تا هیچ گاه نزاعی درنگیرد.

شرح بندهای بخش اول؛

بند اول بخش اول:

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط برخورداری از فراوانی و رفاه فیزیکی و روحی دارد .

این بند ضمانتی است بر حق تجربه زندگی مثبت برای هر موجود آگاه در جهان آزاد. اساتید صعود فراهم کننده ضرورت های زندگی، و غنای فیزیکی و روحی هستند و این به دلیل تسلط آنان بر ماده بازیابی شده در جهان آزاد است.



بند دوم بخش اول:

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط صعود دارد»» .

این بند شرح می دهد که چگونه اساتید صعود کرده با ادراک پیشرفته ای که از فناوری روحانی صعود دارند و با بهره گیری از آتش الکتریکی رهایی بخش، همه موجوداتی که با اراده خودشان خواهان صعود باشند را یاری می کنند.

بند سوم بخش اول:

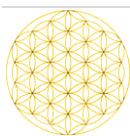
هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط اختلاط با موجودات دیگر به تناسب جایگاهش در خانواده روحیش را دارد .

این بند از بخش اول ابزار تنظیم همه روابط درون یک خانواده روحی است. و ضمانت کننده اختلاط و اتحاد موجودات دارای قطبیت مخالف (جفت های روحی، سولمیت ها)، و همسویی همه موجودات دیگر فارغ از وضع تکامل آنان و شرایط خارجی شان است.

بند چهارم بخش اول:

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط دسترسی به تمام اطلاعات دارد .

این بند ضمانت کننده این امر است که همه موجودات به همه اطلاعاتی که برای درک نقش خود در جهان، و به دست آوردن دیدگاه بالاتری از تکامل، نیاز دارند دسترسی داشته باشند، و همینطور همه اطلاعاتی که برای تصمیم گیری ها، برای ادامه رشد و برای رفاه خود نیاز دارند. همه این اطلاعات توسط اساتید صعود کرده و یا موجودات دیگری که بر تکامل نژادها و تمدن های گوناگون نظارت دارند، فراهم می شود.



بند پنجم بخش اول:

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط آزادی دارد .

این بند شرح می دهد که همه موجودات دارای پتانسیل و استعداد نامحدود رشد و تجربه هستند. از آنجا که همه موجودات حاضر در جهان آزاد سازی شده، فقط انرژی مثبت تولید می کنند، آزادی آنان هیچ گاه آزادی دیگران را تهدید نمی کند .

Galactic Codex

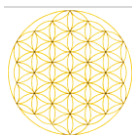
بخش دوم: قانون جداسازی طرفهای درگیر .

هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط جدا شدن و محافظت شدن از رفتارهای منفی دیگر موجودات آگاه را دارد .

این بخش جهت تنظیم شرایط آن مناطقی از جهان است که به تازگی از نفوذ نیروهای تاریکی آزادسازی شده اند اما هنوز در کنفدراسیون پذیرفته نشده اند. نیاز است نیروهای نور همیشه طرفهای درگیر را جدا کنند تا به یکدیگر آسیب نزنند. سپس نیروهای نور در نقش میانجی عمل می کنند تا نقطه ای که چالش حل شود. از این قسمت کدکس برای پایان دادن به جنگها و درگیری های مسلحانه استفاده می شود.

بخش سوم: قانون تعادل.

هر موجود آگاه که انتخاب کرده خلاف اصول کدکس کهکشانی زندگی و عمل کند و با پذیرش آن مخالف هست و یا قادر به آن نیست، و نتواند عواقب اعمال گذشته را به تعادل برساند، به خورشید مرکزی انتقال یافته، به ذات عنصری اولیه بازگردانده می شود، و چرخه تکامل را از صفر آغاز می کند .

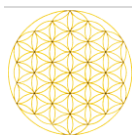


این بخش شرح می دهد که روابط میان نیروهای نور و نیروهای تاریکی چگونه تنظیم می شود. هنگامی که اعضای نیروهای تاریکی شکست می خورند به آنان فرصت داده می شود تا کدکس کهکشانی را بپذیرند، و نهایت تلاش خودشان را برای اصلاح اعمالی که انجام داده اند و ایجاد زندگی مثبت به کار گیرند. اگر بپذیرند، بخشیده خواهند شد و در کنفدراسیون پذیرفته می شوند. اگر به این کار مایل یا قادر نباشند، به خورشید مرکزی منتقل شده و در آنجا شخصیت، و ذات روح توسط اتش الکتریکی بازسازی شده و جرقه الهی چرخه تکامل نوینی را آغاز می کند.

بخش چهارم: قانون دخالت.

کنفدراسیون کهکشانی از حق بی قید و شرط و انکارناپذیر دخالت در تمامی موقعیتهایی که در آنها کدکس کهکشانی نقض گشته برخوردار است، فارغ از قوانین محلی و منطقه ای .

این بخش شرح می دهد که سیاست نیروهای نور در قبال سیارات مورد تسخیر و تجاوز چیست. کنفدراسیون حق دخالت در همه مناطق، تمدن ها، سیارات، و سیستم های ستاره ای که در آنها کدکس کهکشانی نقض می شود را برای خود محفوظ می داند، فارغ از موضع تمدن های محلی درباره این دخالت. همیشه حق استفاده از روش های صلح آمیز مثل آموزش و نظارت و نظم دهی را دارد. اگر جرم بحرانی کدکس کهکشانی نقض شود، کنفدراسیون می تواند از نیروی نظامی استفاده کند. موارد ویژه سیاراتی هستند که تحت اشغال مستقیم نیروهای تاریکی قرار دارند. نیروهای تاریکی معمولاً جمعیت محلی را گروگان می گیرند تا جلوی پیشروی نیروهای نور گرفته شود. روی زمین آنها تهدید کرده اند در صورت دخالت نیروهای نور، جنگ هسته ای به راه خواهند انداخت. این عامل اصلی عدم دخالت و آزادسازی زمین توسط نیروهای نور است، و این گونه نیست که بگویند «دخالت نمی کنیم چون به اراده آزاد احترام می گذاریم، پس فقط تماشا می کنیم و رنج و عذاب ادامه دار را دنبال می کنیم.» این بی معنی است. درست مثل هر موقعیت گروگان گیری، این موقعیت هم نیازمند مهارت های بالای مذاکره و تاکتیک و استراتژی است. این وضعیت اکنون در حال حل و فصل است و بزودی شاهد آزادی سیاره خواهیم بود.



هر موجود آگاه حق انکارناپذیر و بی قید و شرط فراخواندن کنفدراسیون کهکشانی در زمان نیاز را دارد، و کنفدراسیون کهکشانی حق یاری رسانی به وی را محفوظ می دارد، فارغ از قوانین محلی .

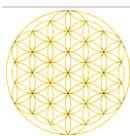
این بند از قانون چهارم اساس حقوقی و قانونی دخالت و کمکرسانی به همه گروگان های نیروهای تاریکی را شرح می دهد. نیروهای نور همیشه نهایت تلاش خود را برای کمک و بهبود زندگی همه موجودات زنده انجام می دهند. وضعیت روی زمین نشان می دهد که در این سیاره تاریکی تا چه حد بر نور غلبه پیدا کرده بود. خوشبختانه این موضوع در حال تغییر است.

بند دوم بخش چهارم :

کنفدراسیون کهکشانی حق انکارناپذیر و بی قید و شرط اعمال قوانین کدکس کهکشانی را دارا است، و نیز حق استفاده از نیروی نظامی برای تصرف نواحی که در آنها کدکس کهکشانی نقض می شود را محفوظ می دارد.

بند دوم بخش چهارم از کدکس، اساس حقوقی و قانونی عملیاتهای نظامی آزادسازی سیارات تسخیرشده را تشریح می کند. نیروهای نظامی کنفدراسیون در حذف نمایندگان تاریکی کمک و یا شرکت می کنند و گروگان ها را آزاد می کنند. سپس نیروهای دیگری از کنفدراسیون هدایت فرایند پذیرش سیاره در کنفدراسیون را از طریق آموزش جمعیت بر عهده می گیرند.

شاید برخی انسانها حس می کنند کنفدراسیون هیچ حقی برای دخالت ندارد و انسانها حق دارند مشکلاتشان را خودشان حل کنند. این تفکر صحیح نیست. جنگ های متعدد در سراسر زمین، و نقض اساسی ترین حقوق انسانی، اثبات کرده است که بشریت توان حل این وضع را ندارد. بنابراین خردمندان تر این است که راهنمایی انسانها را راهنمایی کنند. کنفدراسیون در حذف



و جایگزین کردن اربابان عروسکگردان (نیروهای تاریکی) که انسانها مدتها پیش در آتلانتیس فراخوانده و دعوت کرده بودند کمک خواهد کرد. سپس در نهایت کدکس کهکشانی بدل خواهد شد به کد اخلاق جهانی، و دیگر اثری از تاریکی نخواهد بود.

کبرا، سخنگوی فدراسیون

طرح بزرگ

۱۲ اکتبر

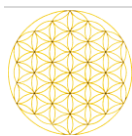
۲۰۱۲

تجربه، به خصوص در چند ماه گذشته، نشان داده است که طبیعت انسان بسیار مستعد دریافت تأثیرات فیزیکی و غیرفیزیکی آرکان هاست .

آرکان ها در تجزیه نهضت آزادسازی موفق شدند. گروه های مثبت روی سطح مورد نفوذ قرار گرفتند و دچار فساد شدند، و آنان که خالص ماندند، یا مسخره شدند و یا مورد حمله قرار گرفتند. از هر ایده و نظری درباره اینکه چگونه می توان این تفرقه در بین گروههای مثبت را کاهش داد و پیش از رخداد به وحدت بیشتری در میان آنان رسید، بسیار استقبال می شود .

همچنین، افراد و گروه های ظاهرا مثبت بسیاری بودند که برای تسلط بر حسابهای وثیقه مبارزه می کردند. به نظر می رسد طمع و حرص، برنامه بازگرداندن پول ها به مردم را تحت الشعاع قرار داد .

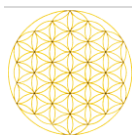
از یک منبع بسیار معتبر اطلاعاتی دریافت کرده ام مبنی بر اینکه Keenan متولی حسابهای



وثیقه نیست. هویت واقعی متولی فعلا بایستی پوشیده بماند تا وی بتواند بدون دردسر در راستای منافع بشریت به کارش پردازد. معدودی گروه های مثبت وجود دارند که به هدف بازگرداندن پول ها به دست انسانها فعالیت می کنند اما در اینترنت هیچ اطلاعاتی راجب آنها نخواهید یافت. آنها هیچ چیز را اعلام نمی کنند. هنگامی که به موفقیت برسند آنچه باید رخ دهد رخ می دهد. عواملی که در بالا مورد اشاره قرار گرفتند علت تأخیرهایی است که بسیاری را خسته کرده است. بنابراین طرح اولیه گسترش یافت، و بدین وسیله ارائه می شود :

قسمت اول طرح بزرگ مربوط است به پیشروی نور در سطوح غیرفیزیکی. نیروهای نور از فناوری پیشرفته ورتکس ها برای پاکسازی سطوح غیرفیزیکی استفاده می کنند. این ورتکس ها یک شبکه نوری تشکیل می دهند که روز به روز قدرتمندتر می شود. در نقطه معینی، مقدار نور به جرم بحرانی می رسد که منتج می شود به ورود وسیع نیروهای نور در سطوح غیرفیزیکی ذهنی، اختری، و اتریک داخل لایه نازک اطراف سطح سیاره زمین. این سطوح اکنون هنوز حاوی معدودی آرکان های غیرفیزیکی است و بردگان خزنده پرتعدادشان به همراه فناوری های منفی. این پیشروی نور همه بقایای تاریکی را از سطوح غیرفیزیکی پاکسازی خواهد کرد

این یک گام حیاتی و پراهمیت است و بایستی تا پیش از رخداد انجام شود. در غیر این صورت آرکان ها و بردگان رپتایل آنها بر نقاط ضعف روان انسانها فشار وارد می کنند و این مسأله می تواند بسادگی به جنگ و خشونت گسترده منجر شود. توده های مردم تحت استرس و تأثیرات فیزیکی و غیرفیزیکی آرکان، بسیار مستعد عقبگرد به سمت خشونت هستند، همانطور که تجربه آلمان نازی و قتل عام رواندا بوضوح نشان می دهد. تحت نفوذ آرکان ها انسانها براحتی اتهام می زنند و حمله می کنند، و این وضع می تواند بسادگی منجر شود به تکرار witch hunt و تشکیل گروه هایی که افرادی که مطابق میلشان نیستند را بدون محاکمه مجازات می کنند. ممکن است به هر فردی حمله شود و برچسب همکاری با کابال یا چیزی مثل آن به وی زده شود. از بروز

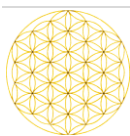


چنین مسائلی بایستی جلوگیری کرد، و بنابراین رخداد پیش از آنکه سطوح غیرفیزیکی پاکسازی شده باشند روی نمی دهد .

قسمت دوم طرح بزرگ مربوط است به جنبه فیزیکی رخداد. از آنجا که بیشتر گروه های مثبت روی سطح اکنون دچار چنددستگی هستند، به عنوان گروه در رخداد شرکت نخواهند کرد. پروینی ها (پلایدیان) و حرکت مقاومت به عنوان دو گروه مثبت غیرسطحی، عمده آنچه «مدیریت طرح بزرگ گروه سیال» خوانده می شود را اجرا خواهند کرد. نخست، موج Impulse از سمت منبع Source می آید که حاوی این پیام است که زمان مناسب آغاز رخداد فرا رسیده است. پروینی ها و دیگر گروه های فرازمینی مثبت اطلاعات کامل هر انسان را در اختیار دارند، افکار، و انگیزه ها را می دانند و می توانند به سادگی تصمیم بگیرند که چه کسانی می توانند عضو گروه فیزیکی سیال اولیه ای باشند که رخداد را کلید می زند. و آن اطلاعات را به حرکت مقاومت فوروارد خواهند کرد.

عاملان روی سطح مقاومت سپس با افراد کلیدی داخل گروه سیال روی سطح تماس می گیرند. برخی از آن افراد کلیدی صاحب سمت در ارتش های روسیه، ایالات متحده و چین هستند. با این افراد کلیدی از نزدیک و یا تلفنی تماس گرفته می شود و یک انتخاب ساده به آنان داده می شود. از آنان دعوت می شود بخشی از عمیات های رخداد باشند. آنها بر اساس اراده آزاد خود یا می پذیرند یا رد می کنند. برای این تصمیم گیری دقایقی فرصت خواهند داشت. اگر بپذیرند دستورالعمل های بیشتر درباره اینکه با چه کسی تماس بگیرند و چه کنند به آنها ارائه خواهد شد. و اگر رد کنند، دیگر با آنان تماسی گرفته نخواهد شد.

آن افرادی که در مرحله بعدی توسط گروه افراد کلیدی مذکور با آنها تماس گرفته می شود، به نوبه خود تصمیم می گیرند، و این گونه گروه سیال، با شتاب وارد عمل می شود. کل فرایند بسیار

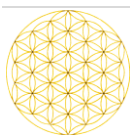


سریع خواهد بود و کابل را غافلگیر خواهد کرد. به احتمال زیاد در اینترنت اعلان قبلی «چراغ سبز» در کار نخواهد بود زیرا عنصر غافلگیری از دست می رود.

با پیشرفت عملیات های رخداد، پروینی ها و دیگر نژادهای فرازمینی اطلاعات کامل نقاط ضعف و قدرت هر انسانی که بخشی از عملیات هاست را در اختیار خواهند داشت. بر این اساس، آنها (فرازمینیان) دائما و مرتب اطلاعات به روز شده درباره نحوه جابه جایی نقش ها و جایگاه افراد گروه سیال را به حرکت مقاومت ارائه می کنند. افرادی که اشتباهات بزرگ می کنند بایستی گروه را ترک کنند و دسترسی به اطلاعات عملیات ها را از دست می دهند و افراد دیگری پذیرش می شوند. بنابراین گروه سیال از نفوذ کابل حفظ خواهد شد، و نیز از ابعاد منفی طبیعت انسانی. عاملان مقاومت مستقیما در عملیات ها شرکت نخواهند داشت بلکه در حوزه اطلاعات و دستورالعمل ها کمکرسانی می کنند. کل این عملیات برای موفقیت بایستی توسط موجوداتی خردمندتر از مردمان روی سطح زمین طراحی و هماهنگ شود .

پس از رخداد، توده های مردم کمک روانشناختی و درمان روحی دریافت خواهند کرد تا از ویروس آرکان پاکسازی شوند. ویروس آرکان در میان جمعیت انسان ها از طریق انتقال سیستم کنترل ذهن القای تروما از نسلی به نسل دیگر، بقا پیدا کرد. هنگامی که ویروس پاکسازی شود، انسان ها مشاهده خواهند کرد که خشونت زشت است، هیچ مشکلی را حل نمی کند، و بخشی از ذات طبیعی انسان نیست .

یکی از عوامل کلیدی بقای سلطه نیروهای تاریکی این بود که انسانها آموختند از یکدیگر حمایت نکنند. یکی از نخستین درس هایی که انسانها بایستی بیاموزند، درس حمایت است. انسانها شروع خواهند کرد به استفاده از اراده آزاد، و عشق را انتخاب خواهند کرد، و از طرف نیروهای نور کمک بزرگی دریافت می کنند تا دوباره بیاموزند که به یکدیگر عشق بورزند



هیچ گونه انتقام جویی از کابل تحمل نخواهد شد. هر عضو کابل سابق از حق دریافت محاکمه عادلانه برخوردار است و آنهایی که مایل باشند اعتراف و همکاری کنند ممکن است بتوانند به جامعه باز گردند. رخداد به انقام جویی ارتباطی ندارد، رخداد مربوط است به متوقف کردن تمام خشونت ها روی سیاره زمین بوسیله خلع قدرت کابل.

به دلیل همه تأخیرهای ناشی از عوامل انسانی، تنها نخستین بخش از Plan 2012 (رخداد) می تواند در ۲۰۱۲ روی دهد. بقیه پلان (بازسازی ساختارها و تماس نخست) بعدا رخ خواهد داد.

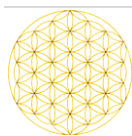
<https://prepareforchange.net/2015/11/01/the-masterplan/>

نیروهای نور و نیروهای تاریکی

گروه های مثبت

*کنفدراسیون کهکشانی. یا همان فدراسیون کهکشانی. این یک پیمان اتحاد پراکنده شامل تمدن های مثبت درون کهکشان است، مثل پلاییدیان، سیریان، ارکتوریان ... رهبران فدراسیون اساتید صعود کرده هستند، موجوداتی که در آگاهی به روشنی رسیده اند. فرماندهی آشتار قسمتی از کنفدراسیون کهکشانی است که کارکرد اولیه آن آزادسازی سیاره زمین از چنگ نیروهای تاریکی است .

آنها سفینه های مادر فیزیکی متعددی در مدار زمین دارند که با غشا تاکیونی استتار شده اند، و بنابراین برای انواع ابزار راداری و اپتیک کابل کاملا غیرقابل ردیابی هستند. آنان بارها از وقوع جنگ هسته ای روی زمین جلوگیری کرده اند. همچنین، با ثبات دادن به فعالیت صفحه های تکتونیک، از زلزله های بسیاری جلوگیری کرده اند. انگیزه حقیقی آنها انتشار عشق و خوشبختی در بین جمعیت زمین است، عشقی که خودشان به دلیل رشد روحی به آن دست یافته اند .

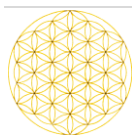


کمپین قدرتمندی برای دروغ پراکنی و نشر اطلاعات غلط راجع به فدراسیون وجود دارد که در اوایل دهه ۹۰ شروع به کار کرد، چراکه کابل متوجه شد که کنفدراسیون کهکشانی تهدیدی جدی برای طرح نظم نوین جهانی، New World Order است. بسیاری از افرادی که از طرف کنفدراسیون مورد تماس قرار گرفتند، آماج برنامه دهی شدید ذهن موناک قرار گرفتند و «فرماندهی آشتار» بدل شد به واژه ای برای فعالسازی محراب انکار. این برنامه دهی منجر به این شد که بیشتر کانتکت ها ارتباط با کنفدراسیون را از دست بدهند، و در عوض شروع کردند به کانال کردن از پوسته های اختری، astral shells. این امر همچنین منجر به بی اعتبار شدن چنلینگ و کانال کردن به عنوان راه ایمن برای دسترسی به اطلاعات هایپر دیمنشن شد. امروز، کانال های قابل اطمینان معدودی وجود دارند، اما این موضوع باعث نقض این واقعیت نمی شود که کنفدراسیون کهکشانی یک نیروی بسیار قدرتمند، و قابل اطمینان است که در زمان «تماس نخست» خودش را آشکار معرفی می کند .

*حرکت مقاومتاین یک گروه از مبارزان آزادی خواه است که در اماکن زیرزمینی زندگی می کنند، در قسمت فوقانی پوسته زمین. آنها تماس فیزیکی دائمی با پایگاههای پلایدیان در هیمالیا و زیر جزیره بورابورا دارند. کانتکت عمومی رسمی آنها کبرا است

با کمک کنفدراسیون، حرکت مقاومت همه باقی مانده های نیروهای رپتایل را از سیستم خورشیدی پاکسازی کردند. کمی پس از سال ۲۰۰۰ آنها همه پایگاههای زیرزمینی رپتایل را طی جنگ های سختی پاکسازی کردند. سپس تمرکزشان را روی پاکسازی بودجه سیاه برنامه ها و فناوری های نظامی قرار دادند و در این امر به موفقیت رسیدند .

پس از آن عواملشان را وارد ارتش، و “آژانس های الفبا” کردند تا به بخش مثبت ارتش در برنامه



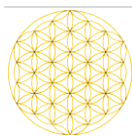
هایشان که اکنون در حال ثمر دادن است، کمک کنند. انگیزه اصلی حرکت مقاومت کمک به آزادسازی سیاره زمین است، که در نتیجه آن دیگر مجبور نخواهند بود در غارهای زیر زمین زندگی کنند، و می توانند به مأموریت های آتی در نقاط دیگر کهکشان پردازند.

*نیروی نظامی مثبتاین گروه قوی ترین گروه مثبت روی سطح زمین است. آنها با کمک نامرئی از طرف حرکت مقاومت طرحی برای آزادسازی سیاره توسعه داده اند. حدود سه چهارم نیروهای نظامی با این طرح موافق است و این یعنی جرم بحرانی کافی برای واقعیت یافتن این طرح وجود دارد. دریک Drake سخنگوی عمومی این گروه است .

بیشتر اعضای این گروه از «دست کمک نامرئی» از جانب حرکت مقاومت آگاه نیستند. برخی از آنان که در پست های بالا قرار دارند به خوبی از ارتباط با مقاومت آگاه هستند، اما از آنجا که هنوز این اطلاعات طبقه بندی هستند رسماً اذعان نمی کنند .

نیروهای نظامی مثبت در واقع گروه پراکنده ای بدون رهبر هستند که انگیزه اصلی شان بازیابی سیادت و اقتدار و آزادی انسانهاست، به خصوص در ایالات متحده.

*تمپلارهاهمچنین موسوم به Faction 2 ، و گاهی کلاه سفیدها خوانده می شوند. این گروه ریشه در اشرافیت قدیم اروپا دارد که توسط روسچیلدها تقریباً محو شدند. آنها پایگاه قدرتی در ایالات متحده (نیروی دریایی)، بریتانیا و اروپا دارند. کانتکت عمومی آنها Lord Blackheath است. در حال حاضر بسیار درگیر ایجاد سیستم مالی اتحاد نوین ۱۳۴ کشوری هستند. آنها با نیروی نظامی مثبت همکاری دارند. هدف اصلی آنها به زیر کشیدن بانک مرکزی ایالات متحده (فدرال ریزرو) و نابودی روسچیلدها، دشمن قدیمی شان است. این گروه را با گروه های تمپلار



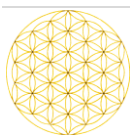
صهیونیست که بخشی از جناح روسچیلدها هستند اشتباه نگیرید، گرچه برخی عوامل روسچیلد به این گروه تمپلار مثبت نفوذ کرده اند.

<https://prepareforchange.net/2016/04/18/forces-of-light-and-forces-of-darkness-cobra-article-04-17-2012/>

گروه های مخلوط (مثبت و منفی)

*جامعه اژدهای سفید WDS این گروه نماینده برخی تبارهای قدیمی اشرافی چین است، که توسط هنرهای رزمی سراسر جهان پشتیبانی می شود. کانتکت عمومی آنها بنجامین فالفورد است. انگیزه اصلی آنها به زیر کشیدن کابال است، اما همه انگیزه هایشان لزوماً خالص نیستند، چراکه نقش خودشان در جامعه نوین پسارخداد را کمی زیاده از حد در جایگاه تسلط و کنترل تصویر کرده اند. همچنین از لحاظ مالی به پول هایی که پس از براندازی کابال در دسترس خواهند بود، چشم دارند. در فوریه حرکت مقاومت با جامعه اژدهای سفید به مشکلاتی برخوردند، که در طی مذاکرات بر سر سیستم مالی جدید بود، و این مسأله باعث ایجاد تاخیرهایی در خط زمانی رخداده شده است .

*ایلو میناتی گنوسیاین گروه ریشه در اشرافیت قدیمی روسیه دارد، و در حقیقت تا چند نسل قبلتر بخشی از بدنه کابال بود. پس از آنکه روسچیلدها سلسله رومانف را نابود کردند، این گروه از کابال جدا شد و تصمیم گرفتند با روسچیلدها مبارزه کنند، گرچه هنوز هم از نمادشناسی ایلو میناتی قبلی استفاده می کنند، و نیز بخشی از همان ایدئولوژی را دارد. هدف آنها نابود کردن روسچیلدها به عنوان انتقام کاری است که با رومانف ها کردند. آنها ارتباط قوی با سازمانهای زیرزمینی مجرمانه در اروپای شرقی و روسیه دارند، و با تمپلارها هم در ارتباطند. سخنگوی آنان



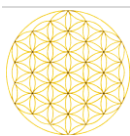
الکساندر رومانف است. آنها به شدت مورد نفوذ عوامل روسچیلد هستند و پس از رخداد این گروه به نحو عمیقی پاکسازی و بازسازی خواهد شد .

<https://prepareforchange.net/2016/04/18/forces-of-light-and-forces-of-darkness-cobra-article-04-17-2012/>

گروه های منفی

*جناح روسچیلد آنها اروپا را تحت کنترل داشتند، و همینطور منابع مالی عظیم از طریق بانک مرکزی ایالات متحده، و همینطور عمده رسانه های جریان اصلی. رهبر آنان جاکوب دو روسچیلد است که بواسطه ارتباطات کاری با هنری کیسینجر، جناح راکفلر را تحت تأثیر قرار می دهند. بواسطه ازدواج دیوید دو روسچیلد با الیمپیا الدوبراندینی، بر جناح یسوعیان اثرگذاری می کنند. اشرافیت سیاه اروپا (غیر از ایتالیا) به این جناح تعلق دارند. بیشتر آنان لردهای تاریک ریگلی (اهل ستاره رجل الجبار) هستند، و در زمان آتلانتیس مسئول فاجعه سیل، آنها بودند. انگیزه اصلی آنها حکومت بر جهان بود، اما اکنون هدفشان این است که کمی پول، و کنترل رسانه ها تا آنجا که ممکن است را در اختیار داشته باشند و بازداشت نشوند .

*جناح راکفلر آنها ایالات متحده، تجارت نفت، صنعت دارو، تولید غذا، و بخشی از ارتش را در اختیار داشتند. آنها نازی ها را به درون ایالات متحده قاچاق کردند، و به این دلیل "ایلو مینازی" هم خوانده می شوند. رهبر حقیقی آنان دیوید راکفلر است (در آپارتمان کوچکش در خیابان ۶۵ شرقی نیویورک، تقریباً صد ساله است!)؛ رهبر رایش، جورج بوش پدر (ادمین: روح دیوید راکفلر و جورج بوش پدر طبق آخرین گزارش های نیروهای نور به خورشید مرکزی منتقل شدند)، و مشاور استراتژیک هاینز کیسینجر در کنارشان هستند. بیشتر آنان لردهای دراگو هستند که قبلاً برده های رپتایل زیادی زیر دستشان در امپراتوری کهکشانی شان بودند و می خواستند همین

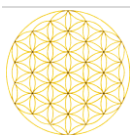
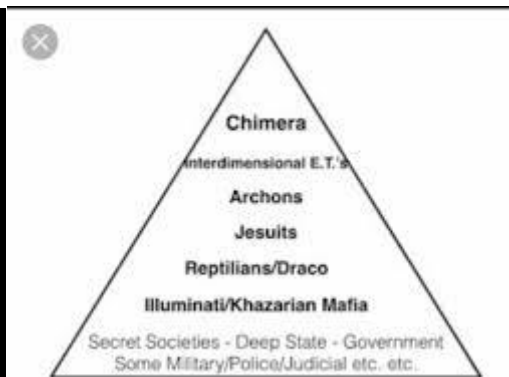


موضوع را روی زمین هم تکرار کنند. انگیزه اصلی آنها روی زمین آفریدن جهانی برای دیکتاتوری و کنترل بردگان بود. اکنون هدف اصلی آنها این است که از جزیره باهامین کوچکشان حدقل با یک کوله پشتی فرار کنند و بازداشت نشوند.

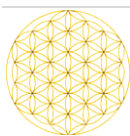
*جناح یسوعیاین جناح تا اوایل قرن نوزده و روی قدرت آمدن جناح روسچیلد، بسیار قدرتمند بودند. حدود ۱۰ درصد از یسوعیان به این جناح تعلق دارند، به همراه برخی کاردینال ها، پاپ سیاه (آدولفو نیکلاس)، پاپ سفید (جوزف راتزینگر) و خاندان های اشرافیت سیاه ایتالیا. این گروه در سال ۳۲۵ در شورای نیسا خلق شد، جایی که کنستانتین فرقه مسیحیت را ایجاد کرد تا اسرار و دانش گنوسی را از بین ببرد (که شامل مسیحیت گنوسی هم می شد). سپس توسعه یافت و بدل شد به نظام تفتیش عقاید، و هنوز هم بسیاری سازمانهای کاتولیک را شدیداً تحت نفوذ دارد. حوزه های نفوذ متعدد این جناح در آمریکای جنوبی و آفریقا هستند. انگیزه اصلی آنان کنترل روح انسان و سلطه بر انسانها بود. اکنون هدف اصلی شان این است که زنده بمانند. پس از رخداد، یک پاکسازی بزرگ در همه ادیان جریان اصلی رخ خواهد داد تا همگی شان با نور حقیقت همسو شوند. پایان

<http://2012portal.blogspot.de/2012/04/forces-of-light-and-forces-of-darkness.html>

سقوط گروه کیمر



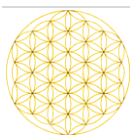
این گروه شامل رهبرانی از نیروهای تاریکی کهکشان آندرومدا هستند. آنها ۲۵۰۰۰ سال قبل به شکل فیزیکی انسان به زمین آمدند و سیاره را قرنطینه کردند. آنها یک حصار الکترومغناطیسی اسکالر را در اطراف زمین ایجاد کردند (the Veil) ، که این حصار به شکل موثری از ارتباط فرازمینیهای مثبت با زمین جلوگیری می کرد. سپس آنها شبکه گسترده ای از شهرهای زیرزمینی را ساختند، و برای ساختن این شهرها، دراکوها و رپتایلها را به بردگی گرفتند و از طریق این پایگاهها بود که شروع کردند به کنترل انسانها. در این زمان قویترین پایگاههای آنها در زیر آفریقا، چین و تبت بود. و تا اوایل قرن بیستم ارتباط مستقیم با جمعیت روی سطح زمین نداشتند. اولین بار، در سال ۱۹۱۷ نیروهای نور، جامعه Thule را در آلمان بوجود آوردند. اما خیلی زود این سیستم توسط یکی از مامورین راتشیلدها که توسط آرکانها کنترل ذهن میشد مورد نفوذ قرار گرفت. این مامور کسی نبود جز Adolf Schicklgruber یا همان هیتلر که اساسا تبدیل شد به ابزار دست نیروهای تاریکی و در نتیجه به تدریج این سیستم تبدیل شد به جامعه وریل که برنامه های مخفی فضایی نازیها را گسترش داد. وقتی گروه کیمرا این شرایط را دیدند، فهمیدند که انسانهای روی سطح زمین تکنولوژی مورد نیاز برای گذشتن از حصار فرکانسی و رسیدن به ستاره های دیگر را پیدا کرده اند. برای سرکوب این حرکت، آنها اولین تماسشان را با انسانهای روی زمین با شخصی به نام Karl Haushofer در طی سفرش به تبت برقرار کردند. بعد از برقراری این تماس، گروه سری Haushofer تبدیل شد به نیروی اصلی در پشت جنبش آلمان نازی. بعد از شکست ظاهری نازیها در جنگ جهانی دوم، بسیاری از دانشمندان، مهندسين و تکنسین های آنها از طریق عملیات گیره کاغذ به آمریکا نفوذ کردند و ستون فقرات مجتمع های صنعتی - نظامی را تشکیل و برنامه های مخفی فضایی را گسترش دادند و پایگاههای نظامی زیرزمینی متعددی را ساختند که هزینه این پروژه ها از طریق «طلاهای یاماشیتا» تامین شد. گروه کیمرا در پشت همه این قضایا بود و به دقت همه تحرکات را در مجتمع های صنعتی - نظامی آمریکا زیر نظر داشت تا اطمینان پیدا کند که شرایط مورد دلخواه آنها حفظ میشود. در این شرایط، نگرانی بزرگ نیروهای کنفدراسیون کهکشان، رشد تسلیحات هسته ای نیروهای منفی



بود و به همین دلیل آنها اقداماتی را برای محدود کردن گستره بمبهای هسته ای - گرمایی در سال ۱۹۵۴ انجام دادند. بعد از اینکه کنفدراسیون کهکشانی گستره این بمبها را تا ۹۰٪ کاهش داد، مجتمع‌های صنعتی - نظامی احساس خطر کردند و به همین دلیل، نیروهای خود را در مقابل تهدید تال وایتها متحد کردند. این چیزی بود که دقیقا گروه کیمرای میخواست، چون در این شرایط یک نیروی نظامی منفی متحد در سراسر زمین وجود داشت که هدف مشترکشان حفظ قرنطینه زمین بود. پروتکل‌های بسیار سری و محدود کننده امنیتی اعمال شد تا هیچ اطلاعاتی درز نکند و وضعیت قرنطینه به خطر نیفتد. به همین دلیل هست که مدارک بسیار محدودی از این پایگاه‌ها و جوامع فرازمینی وجود دارد و بیشتر شواهد و مدارک توسط CIA جعل میشود تا مسئله به شکل مبهم و پنهان باقی بماند. و به همین دلیل هست که در اینترنت بجز اطلاعات قدیمی و مشابهی که سالهاست به شکلهای مختلف نشر داده میشود، اطلاعات موثقی در رابطه با این مسایل پیدا نمیشود. واضح است که اطلاعات راجع به یوفوها و پایگاههای نظامی زیرزمینی بسیار قدیمی هستند.

گروه کیمرای خورشید سیاه را میپرستند، که در واقع سمبل خورشید مرکز کهکشان هست. رهبر آنها هنوز یک قطعه از سنگ سیاه را در اختیار دارد که در واقع یک توده از کوارک بالا و پادذره این کوارک به شکل غلیظ شده هست. این سنگ در سال ۱۹۹۶ از سیستم ریگل به زمین آورده شد است. این سنگ اساسا مرکز بی نظمی و آشوب اولیه کیهانی تاریکیست و بسیار خطرناک تر از بمبهای کوارکی استرنجست هست، به دلیل اینکه کوارک بالا بسیار سنگین تر از کوارک استرنج هست. رهبران گروه کیمرای محافظان ناحیه صفر الکترومغناطیسی هستند. گروه کیمرای شبکه پایگاههای زیرزمینی خود را داشتند تا اینکه این پایگاهها توسط گروه مقاومت پاکسازی شد. این پایگاهها توسط سیستم‌های متروی سریع و سیر بهم وصل بودند. برای روشنتر شدن موضوع باید اشاره کنیم که تا همین چند وقت اخیر، سه سیستم متروی زیرزمینی وجود داشت.

_ یکی برای اتصال پایگاههای زیرزمینی نظامی منفی.



_یکی برای اتصال پایگاههای کیمرها.

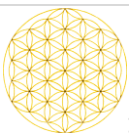
_و یکی برای اتصال پایگاههای مقاومت.

سیستم مترو گروه مقاومت را من در سال ۱۹۷۷ از نزدیک دیدم. در حال حاضر فقط سیستم متروی گروه مقاومت به طور کامل عملیاتی هست. گروه کیمرها بیشتر در پایگاههای نزدیکتر به سطح زمین فعالیت دارد، در حدود ۳۰ متر نزدیک سطح زمین.

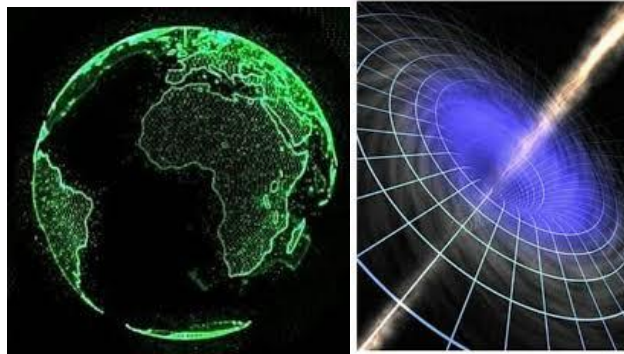
پایگاههای اصلی گروه کیمرها:

Virgo Santo Spirito, Rome, Italy Aviano NATO base, Italy_ Two certain classified location in central Europe_ Ramstein NATO base, Germany_ Fairford RAF base, UK_ Montauk, NY_ Wright- Patterson AFB, OH_ Sandia/ Los Alamos, NM_ White Stand/ Area 6413, UT_ Nelli's AFB/ Area 51, NV_ Edward AFB, CA

در هر کدام از این پایگاهها بمبهای استرنجالت وجود دارد که بسیار خطرناک هستند و دلیل اصلی که نیروهای نظامی مثبت هنوز تحرکات لازم را برای رخداد انجام نداده اند، وجود این بمبها هست. در نزدیکی Montauk یک آزمایشگاه ژنتیک به نام Cold Spring Harbor وجود دارد که گروه کیمرها در آنجا کلون های اعضای بلند مرتبه کابال را میسازد. نیروهای کنفدراسیون کهکشانی به شکل مداوم این مکانها را تحت نظر دارند و در موقعیت مناسب این آزمایشگاه ها را نابود خواهند کرد. گروه کیمرها سیستم مالی جهانی را از دست بانکهای جهانی در دهه گذشته از طریق نرم افزار PROMIS و برنامه های تجارت سریع به سرقت برد. گروه مقاومت از این برنامه ها آگاه بودند و توانستند در حدود ۷۰ تریلیون دلار را از چنگ کابال بیرون بکشند، این پول بعد از ریست مالی به مردم بازگردانده خواهد شد.



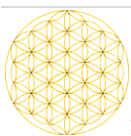
شبکه اثیری آرکان ها



بعد از بازگشایی موفقیت آمیز پرتال در ۲۱ دسامبر، شبکه اثیری آرکان مهمترین فاکتور در تأخیر رخداد تلقی می شود. در صورت کلید خوردن رخداد، آرکان های اثیری بر تمام کسانی که در این مسئله درگیر هستند، تاثیر خواهند گذاشت :

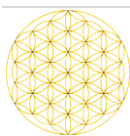
نیروهای نور سطح سیاره که فرآیند رخداد را مدیریت می کنند، جمعیت سطح زمین و همینطور اعضای کابل و همه مسائل دیگر باعث خواهند شد که رخداد تبدیل به یک فاجعه شود. شبکه اثیری آرکان برای انجام رخداد تا حد زیادی باید پاکسازی شود. برای اینکه نیروهای نور در پاکسازی این شبکه اثیری موفقتر باشند، نیاز به آگاهی بیشتری در بین جمعیت زمین وجود دارد.

این شبکه اثیری به شکل یک لایه نازک به ضخامت $6/8$ مایل از سطح زمین به سمت آسمان و همچنین $6/8$ مایل از سطح زمین به سمت پوسته امتداد دارد. ستون فقرات این شبکه شامل شبکه ای از کرمچاله های فرابعدی اثیریست که از میلیاردها و میلیاردها رپتایل و موجودات آمیب مانند تشکیل شده است. وقتی که نور خورشید مرکز کهکشان به این کرمچاله ها برخورد کند، باعث بیرون آمدن این موجودات می شود و آنها تا جایی که میتوانند شروع میکنند به حمله کردن به هر موجود نوری که پیدا کنند، هم آنهايي که تناسخ کرده اند و هم آنهايي که در لایه های غیرفیزیکی قرار دارند. دلیل حملات انرژی تیک به خیلی از لایت ورکرها و مبارزان نور همین



مسئله است. نیروهای نور لایه غیرفیزیکی می توانند موجودات منفی آزاد شده را بعد از مدتی حذف کنند و آنها را به خورشید مرکزی کهکشان بفرستند، اما تا آن موقع طبیعتا آسیب‌هایی وجود خواهد داشت .

بازهم تاکید می شود که هرچه آگاهی بیشتری در رابطه با اتفاقات در حال وقوع وجود داشته باشد، نیروهای نور، بسیار موثرتر در حفاظت از ما و پاکسازی موجودات منفی عمل خواهند کرد. شبکه اثیری آرکان توسط یک گروه بسیار کوچک از آرکان های اثیری کنترل می شود که به میلیون ها دراگو (فرماندهان بخش)، و آنها به میلیاردها رپتایل (جنگجو) و متعاقبا آنها هم به آمیب ها (موجودات عنصری شبه آگاه که بدون سوال کردن فقط دستورات را اجرا می کنند)، دستوراتشان را صادر می کنند. آرکان ها این شبکه را توسط تکنولوژی اثیری پیشرفته کنترل می کنند. کل لایه اثیری به ضخامت ۲/۱۷ مایل که توسط آرکانها کنترل می شود، به وسیله میدان های الکترومغناطیسی قدرتمندی که می توانند در ساختار فضا زمان بر طبق برنامه پردازشگر اصلی که جریان انرژیهای اثیری در سرتاسر زمین را کنترل می کند به نحوی تغییر شکل ایجاد کنند که بیشتر انسانها را تحت کنترل قرار دهند. این میدانهای الکترومغناطیسی همه افکار و احساسات مثبت را تشخیص می دهند و اگر خیلی قوی باشند، سیگنالی به پردازشگر اصلی اثیری فرستاده می شود، سپس این پردازشگر، میدان الکترومغناطیسی دستکاری شده اطراف فردی را که دارای افکار و احساسات مثبت هست را تنگ تر می کرده، و به طور موثری او را سرکوب می کند. اگر این اقدام کافی نباشد، منابع امواج بسیار فرکانس پایین با انرژی فراصوتی فرکانس پایین فعال شده و فرد را سرکوب می کند، توسط پالسهای الکتریکی اضافی که به چاکرای سولارپلکسوس فرستاده می شود تا انرژی کندالینی را اتصال کوتاه کرده و سرکوبش کند. این حمله گاهی با میدانهای الکترومغناطیسی قوی اطراف چاکرای چشم سوم همراه است، که ذهن را دستکاری کرده و باعث خواب آلودگی و تقریبا نشئگی فرد می شوند. به همراه اینها، اشکال فکری منفی هم به ذهن فرد منعکس می شوند، که مدام ذهن فرد را بمباران می کنند.



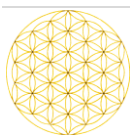
گذشته از همه این مسائل، هر شخصی که در تناسخ بسر میبرد دارای یک آمیب انگل انرژی هست که به ناحیه سولارپلکسوس متصل شده، و سعی دارد تا زندگی احساسی آن شخص را کنترل کند. این انگل به سایر آمیبهای انگل در اشخاص دیگر هم متصل می شود، و باعث تنش و برخورد می شود .

آرکانهای اثیری اطلاعات را از پردازشگر اصلی اثیری به داخل جعبه سیاه فیزیکی منتقل می کنند که در اختیار یکی از خانواده های اصلی اشرافیت سیاه ایتالیا قرار دارد و به پردازشگر فیزیکی اصلی کابل («the beast») متصل است و در ادامه به پردازشگر اصلی در داخل سازمان NSA مرتبط می شود. اگرچه نیروهای نور موفق شدند یک ویروس کامپیوتری را در داخل جعبه سیاه قرار دهند، اما این ویروس به حد کافی و آنطور که انتظار می رفت موفق نبود .

آرکان های اثیری به چند مسئله بسیار حساس هستند. اول به انرژی عشق، مخصوصا به انرژی عشق بین یک مرد و یک زن. وقتی اونها با یک زوج خوشحال مواجه می شوند، تصمیم میگیرند تا عشق بین اونها را نابود کنند، به دلیل اینکه انرژی این عشق به نیروهای نور غیرفیزیکی قدرت و توان میدهد تا بتوانند آرکان های اثیری و بردگانشان را حذف کنند.

دومین مسئله ای که آرکان ها نسبت به اون حساسیت دارند، انرژی جنسی سالم است.

اونها این انرژی رو در بین انسانها سرکوب می کنند، و وقتی در سرکوب این انرژی ناموفق باشند، منحرفش می کنند. انرژی جنسی در واقع نیروی حیاتیست و وقتی موفق به سرکوب آن شوند، یک جمعیت ناتوان و ضعیف از انسانها در سطح سیاره بوجود می آید که براحتی مورد کنترل قرار می گیرد .



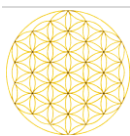
و مسئله سوم این هست که اونها نسبت به انرژی تمدن های فرازمینی مثبت و انرژی های اساتید صعود کرده حساس هستند. اونها سعی می کنند تا این انرژی رو در هر جای ممکن سرکوب و مورد نفوذ و دستکاری قرار دهند.

این شبکه برای ۲۶۰۰۰ سال گذشته در اطراف زمین وجود داشته و در زمان تجاوز آرکان ها به کنگو در سال ۱۹۹۶ به شدت توسط موجودات خزنده زیادی از کهکشان ما و کهکشان آندرومدا تقویت و قدرتمندتر شد. در اواخر سال ۱۹۹۵، آرکان ها ترسیدند که مبادا کنفدراسیون کهکشانی تصمیم به رابطه مستقیم با انسانهای سطح زمین داشته باشد و برای همین، اونها شبکه رو برای جلوگیری از این کار تقویت کردند. بیشتر اعضای برنامه تقویت شبکه، حذف و به خورشید مرکزی کهکشان منتقل شده اند و برنامه های ویژه ای توسط نیروهای نور طراحی شده که من در حال حاضر نمی توانم راجع به اونها صحبت کنم، در مورد خزندگان باقیمانده .

هدف من از بیان این مسائل ترساندن شما نیست، بلکه هدف، ایجاد آگاهی و هوشیاری در رابطه با شرایطی هست که در مورد خیلی از انسانها در حال حاضر صدق می کند تا با بالاتر رفتن آگاهی بتوانیم شرایط را تغییر دهیم. با ترکیب تکنولوژی ورتکس الهه با آگاهی ما، شبکه اثیری آرکان ها حذف خواهد شد. من یک پست جدا در رابطه با تکنولوژی ورتکس الهه در نظر خواهم گرفت و به جزئیات خواهم پرداخت .

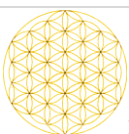
پلیدیان ها از من خواسته اند تا طرح صعود را تا زمانی که مسئله آرکان های اثیری حل نشده است، بیان نکنم .

پیروزی نور.



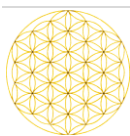
۲۵۰۰۰ سال قبل نیروهای تاریکی زمین را قرنطینه کردند و انسانها را به گروگان گرفتند. آنها یک سیستم کنترل واقعیت مجازی را ایجاد کردند تا کسی نتواند از زمین فرار کند. آنها موجودات نوری را که با منبع اتصال داشتند را گیر انداختند تا این سیستم مجازی را تغذیه کنند. این سیستم کنترل واقعیت مجازی هنوز هم تا حدی وجود دارد و بنام «ماتریکس» شناخته میشود. در سطح فیزیکی، کنترل توسط دستورکار اوریون - بایبیلیون یعنی بردگی سیستم مالی بر پایه قرض و توسط برنامه های کنترل ذهن رسانه های جمعی انجام میشود. در سطوح اثیری، اختری و ذهنی، کنترل از طریق نواحی تحریف و اعوجاج الکترومغناطیسی فضا-زمان انجام میشود، شبیه چیزی که در آزمایش فیلادلفیا انجام شد. این نواحی اعوجاج، یک توهم سیستم حلقه بسته را ایجاد می کنند تا اینطور به نظر بیاد که این حلقه تا ابد ادامه دارد، و همین مسئله هست که باعث شده تا تعداد بسیار کمی از انسانها بتوانند از این چرخه رها شوند/ و به بیداری برسند. این ماتریکس توسط موجوداتی اداره میشود به نام آرکان ها (در زبان یونانی به معنی حکمرانان). آنها در واقع موجوداتی هستند که از کهکشان آندرومدا آمده اند و انتخاب کردند تا تاریکی را تجربه کنند. آنها از اتصال مجدد با منبع خودداری کردند. در طول هزاره ها، آنها دراکو ها و رپتایلها را از طریق مهندسی ژنتیک طراحی کردند تا از آنها به عنوان جنگجویان برده برای گسترش امپراطوری تاریکشان استفاده کنند .

«سیاره زمین آخرین سیاره از این امپراطوری تاریک هست که در حال آزادسازیست. و تعداد کمی از آرکان ها در روی زمین باقی مانده اند». در سطوح اثیری و اختری، آنها را به عنوان اربابان کارما میشناسند. آنها در واقع موجوداتی هستند که در سطح وسیعی در مورد مسیر زندگی کسانی که روی زمین تناسخ می کنند، تصمیم گیری می کنند. آنها پدران و مادران انسانها را انتخاب می کنند و تا حدی شرایط زندگی آنها را تعیین می کنند. این سیستم برنامه دهی، به عنوان « کارما » شناخته میشود. آنها توسط تکنولوژی پیشرفته تولید امواج در سطح اختری، بر جریان



های انرژی سطح اختری نفوذ می کنند و از آنها برای تاثیرات مخرب اختری استفاده می کنند. آنها ساختار فضا- زمان را توسط ایمپلنتها تحریف می کنند که باعث ایجاد بی نظمی توسط سیاه چاله هایی در فضا - زمان میشود، و نتیجتاً ذهن و احساس انسانها را دچار سردرگمی و آشفتگی می کند. این ایمپلنتها در واقع کریستالهای قابل برنامه ریزی هستند که با تجهیزات الکترونیکی قوی در کالبدهای ذهنی، اختری و اثیری تک تک انسانهای روی زمین قرار داده میشوند. در سطوح اثیری و لایه های پایین سطح اختری، دراکو هایی که برای آرکان ها بردگی می کنند، از تکنولوژی هوش مصنوعی برای حفظ ماتریکس استفاده می کنند. در این سطح یک سیستم هشدار وجود دارد که طبق آن اگر کسی بیدار بشود و از لحاظ آگاهی به سطحی برسد که توسط نور سوراخی در ماتریکس ایجاد کند، دراکو ها یک رپتایل برده را میفرستند تا با اعمال فشار بر نقاط ضعف روانی آن فرد بیدار شده، دوباره ارتعاشاتش را پایین آورده و آن سوراخ را می بندند. این رپتایلهای برده، به شکل مداوم بر روی ذهن و احساسات فرد فشار وارد میکنند تا از رشد روحیش جلوگیری کنند و مبارزه آن فرد را برای آزادی سرکوب کنند. اگر این اقدامات کافی نباشد، آنها موجودات عنصری آمیب مانندی را میفرستند تا فشار بیشتری را وارد کنند. همه این موجودات منفی معمولاً در قسمتهایی از ساختار فضا- زمان که در آنها اعوجاج ایجاد شده مخفی میشوند که در سطوح اثیری و اختری قرار دارند.

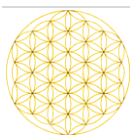
این قدرت در واقع در دستور کارهایی بر مبنای ترس و فریبکاری و اخفا هست. آنها در مقابل نور، حقیقت و شجاعت قدرتشان را از دست میدهند. اگر ما بدون ترس از این مسائل مطلع باشیم، نوری که از آگاهی ما ایجاد میشود، این تاشدگی ها و اعوجاج ها را در ساختار فضا- زمان ترمیم می کند و این موجودات منفی از لایه های اثیری و اختری سیاره زمین پاک خواهند شد. در سطح فیزیکی، آرکان ها در قالب سیستم یسوعی ها تناسخ کردند و از لحاظ روحی مجریانشان را (اعضای ایلومیناتی دراکو که سیستم مالی را کنترل می کنند)، جنگجویان برده آنها (مزدوران رپتایلین که از ایلومیناتی محافظت می کنند) و بردگانشون (انسانهایی که برای آنها کار می



کنند) را کنترل می کنند. آرکان ها از طریق جوامع یسوعی و فراماسون های درجه ۳۳، ساختار ایلومیناتی را حفظ می کنند. این ساختار در حال حاضر در حال فروپاشیست.

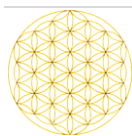
اساساً سه تجاوز عمده توسط آرکانها و نژادهای تحت کنترل آنها یعنی دراکوها و رپتایلها از فضای خارجی در تاریخ شناخته شده انسانها شکل گرفت. که همه آنها هم در سطح فیزیکی اتفاق افتادند و هم در سطح روحی. اولین جریان، تجاوز Kurgan بود که در حدود ۳۶۰۰ قبل از میلاد اتفاق افتاد. موجودات تاریکی از طریق پرتالهای میان بعدی کوههای قفقاز وارد شدند. هدفشان نابود کردن فرهنگ های صلح آمیز نوسنگی پرستش الهه بود که در اروپای نئولیتیک رونق داشت. آنها قصد داشتند ستایش و احترام به الهه را نابود کنند به دلیل اینکه انرژی مونث اساساً وسیله ارتباط مستقیم ما با خالق است.

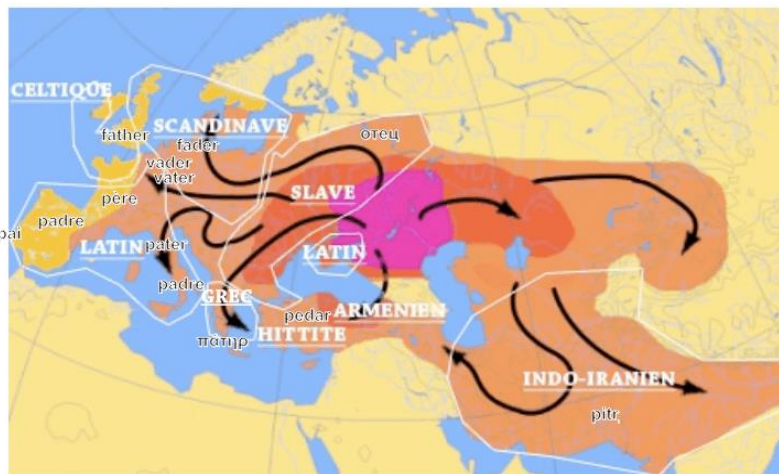
جریان دوم در واقع تجاوز خزریها بود که ۳۹۳ سال بعد از میلاد اتفاق افتاد. موجودات تاریکی از همان پرتال های قفقاز استفاده کردند. هدف این تجاوز، نابودی مکاتب مخفی، گروههای گنوسی مسیحی و پاگانیزم (پرستش طبیعت) و جایگزین کردن آنها با گروههای مخفی مسیحی و برنامه های کنترل ذهن بود. این برنامه ها با ایجاد واقعیت مجازی در سطح اختری ارتقا پیدا کردند که بعدها توسط کلیسا برای تقویت موقعیتشان استفاده شد. جریان سوم، تجاوز از طریق کونگو بود که در سال ۱۹۹۶ انجام شد. موجودات تاریکی از طریق کشورهای جنگ زده کونگو، رواندا و اوگاندا وارد شدند. تمرکز اصلی این تجاوز بر روی لایه اختری و اثیری بود. هدف از این تجاوز، نابودی حرکت های بیداری و صعود نسل جدید و تقویت و استحکام ماتریکس بود که در سال ۱۹۹۵ داشت به دلیل بیداری جمعی در زمین، نابود میشد. بیشتر انسانها از این تجاوزات اطلاعی ندارند به دلیل اینکه حافظه آنها در مورد نور موجود در زمین قبل از سال ۱۹۹۶ با کارگزاری شدید ایمپلنتهایی بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ پاک شد.



بعد از فعال سازی پرتال ۱۱:۱۱:۱۱ در نوامبر سال گذشته (۲۰۱۱)، ماتریکس در حال نابودیست. بلافاصله بعد از بین رفتن ماتریکس، رخداد انجام خواهد شد که در نهایت آزادی نهایی را در پی خواهد داشت. در این شرایط دیگر تجاوزی از طرف آرکان ها از فضای بیرونی وجود نخواهد داشت، به دلیل اینکه سیاره زمین آخرین سیاره ایست که آزاد می شود. انتظار می رود نبرد تعیین کننده ای در پنجم ژوئن در اطراف پرتال انتقال ونوس انجام شود. ما قبلا وارد چارچوب زمانی این نقطه عطف سرنوشت ساز شدیم. بنابراین پیروزی نور قطعیت و همه خطوط زمانی منفی پاک خواهند شد، ما باید بی نهایت هوشیار باشیم. در لایه اختری آرکان ها به اعمال فشار بر روی نقاط ضعف روانی افراد کلیدی نیروهای نور روی زمین ادامه خواهند داد تا بین آنها ایجاد تفرقه و آشوب کنند. این اقدامات برای رسیدن به اهدافی مثل از بین بردن تمرکز ما از طریق بحثها و درگیریهای بی اهمیت هست تا قصدمان را برای شکست کابال مختل کنند. ما باید خیلی سریع این نزاع ها و درگیریها را رها کنیم تا تمرکزمان را بدست بیاوریم. جریان آزاد آگاهی به قدر کافی قوی هست تا بر تاثیرات آرکان ها غلبه کند، اما آنها هنوز به قدر کافی قوی هستند که در این مسیر ایجاد تاخیر کنند. دستگیری های گسترده اعضای کابال تنها به شکل عملیات فیزیکی نیست، و به ساپورت روحی هم نیاز دارد، تا وقتی این دستگیری ها انجام می شوند، مردم دچار وحشت نشوند. در زمان مشخصی، انرژیهای خورشید مرکز کهکشان تمام موانع ماتریکس را در سطوح اثیری و اختری از بین خواهند برد و همه موجودات منفی حذف خواهند شد. این موجودات منفی با فرشتگان و راهنمایان روحی جایگزین میشوند و طبق یک پیشگویی که به زیبایی بیان می کند: شبکه باید نابود شود، شبکه پایان می یابد، نور وارد می شود.

مرحله نهایی، از بین بردن شبکه است. این کار باید انجام شود و بعد از این اتفاقات به سرعت انجام خواهد شد. آگاهی واحد انرژی زیادی را برای نابودی شبکه اعمال خواهد کرد و اتفاقات تقریبا بلافاصله خواهند افتاد. برنامه ها جایی برای مخفی شدن نخواهند داشت، نه پرتالها، نه تجهیزات و نه چیز دیگر. آنها از کار خواهند افتاد و الگوهای آب و هوایی نور شروع خواهند شد.



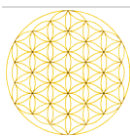


حرکت مقاومت

منشأ: در سال ۱۹۷۵، یک عامل اطلاعاتی تحت نام رمزی "مایکل" برای نجات جان‌ش از دست ایلومیناتی متواری بود. وی ۱۲ عامل دیگر را گرد آورد تا از خودش محافظت کند. زمانی که متواری بودند و پنهان شده بودند یک شبکه وسیع تونل در زیر متروی زیرزمینی نیویورک کشف کردند. آنان وارد تونل‌ها شدند و از سطح زمین ناپدید شدند و زیر زمین گرد آمدند. "سازمان" از آنجا شکل گرفت. مرکز فرماندهی اصلی آن زیر متروی نیویورک قرار داشت. از طریق شبکه جاسوسی وسیعی که مایکل هنوز روی زمین در اختیار داشت با بسیاری از عواملی که با ایلومیناتی مبارزه کرده بودند تماس گرفته شد، و بسیاری از آنان به زیر زمین رفتند و به سازمان پیوستند.

هدف اصلی آنان براندازی حکومت ایلومیناتی و دادن فناوری‌های پیشرفته به انسانها بود. کامپیوترهای شخصی که اکنون می‌شناسیم با کمک سازمان توسعه یافتند و در ۱۹۷۷ در مرکز فرماندهی زیرزمینی اصلیشان شخصا اتاقی مملو از ردیفهای کامپیوتر دیدم که در حال بررسی و توسعه بودند. سازمان با تمدن اگارتای مثبت که برای هزاره‌ها در غارهای عظیم زیرزمینی زندگی کرده اند تماس برقرار کرد. آنها در سال ۱۹۷۷، اگر نه قبلتر، با آندرومدایی‌های مثبت تماس داشتند، و یک سفینه نقره‌ای سیگاری شکل آندرومدایی در آشیانه زیرزمینی فرماندهی دیده

ام .



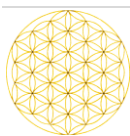
در اوایل دهه ۹۰، آنها در انتقال فناوری اینترنت از ARPANET در حوزه نظامی به حوزه استفاده عمومی نقشی داشتند .

در ۱۹۹۶ ایلومیناتی و نیروهای فرازمینی منفی تهاجمی را برای نابود کردن سازمان آغاز کردند و چندین نبرد فیزیکی شدید در تونل های زیرزمینی و غارها صورت گرفت که به دلیل آنها سازمان تا آستانه نابودی و آگارتا نیز تا آستانه محو شدن پیش رفتند .

در اوج ضرورت و نیاز، طرحی ابداع شد تا با این مسأله برخورد شود. در اوایل دسامبر ۱۹۹۹ پروینی ها با “حرکت مقاومت” در سیاره X تماس گرفتند و حرکت وسیعی علیه ایلومیناتی حاکم در آن سیاره آغاز کردند. ایلومیناتی در حدود سه هفته براندازی شد و مجبور شدند به پایگاه هایشان در مریخ و ماه بگریزند. در آن زمان بسیاری از آزادی خواهان عضو حرکت مقاومت به شبکه تونل های زیرزمینی سیاره پیوستند تا در این مبارزه به سازمان ملحق شوند. این دو نیرو ادغام شدند و تبدیل به یک نیروی واحد شدند که اکنون حرکت مقاومت نامیده می شود

این افزایش قدرت مسیر مبارزه را تغییر داد و نیروهای تاریکی عقب نشینی کردند. در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ ایلومیناتی پایگاههای مریخ و ماه و مناطق دیگر سیستم خورشیدی را از دست داد. با کمک پروینی ها و نیروهای کنفدراسیون کهکشانی، در همان چارچوب زمانی، تمامی رپتایل ها، دراکوها و رتیکولی ها از سیستم خورشیدی پاکسازی شدند. این موضوع نیروهای تاریکی را دچار وحشت کرد و آنها «یازده سپتامبر» را براه انداختند تا آخرین دژ خود، یعنی زمین را حفظ کنند.

سیاره



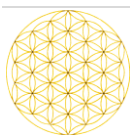
X سیاره ایکس سیاره ای است در حاشیه سیستم خورشیدی. سطح آن برای زندگی فیزیکی مناسب نیست، اما زیر سطح آن سیستم گسترده تونل ها و پایگاههایی وجود دارد که تا ۱۹۹۹ تحت کنترل ایلومیناتی بودند و از آن سال به بعد در دست نیروهای نور هستند .

در سال ۲۰۰۲ پروینی ها اطلاعات دقیقی درباره ویژگی ها و عناصر اربیتال سیاره ایکس به من دادند. درون آن سنگ و سطحش پوشیده از یخ متان است که به آن رنگی نزدیک آبی می دهد. قطر آن ۹۴۰۰ مایل و جرمش ۷۶٪ برابر جرم زمین است. محور سمیماژور مدار ۷۰ AU است و زاویه انحراف ۴۰ درجه است .

هیجان و خوشحالی مرا تصور کنید هنگامی که مقاله منجم ژاپنی Patryk Lykawka را پیدا کردم، که در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که سیاره ایکس “فرضی” بایستی از سنگ و یخ تشکیل شده باشد، قطر آن بین ۶۲۰۰ تا ۹۳۰۰ مایل و جرمش بین ۳٪ و ۷٪ جرم زمین باشد. محور سمیماژور مدار باید بین ۱۰۰ تا ۱۷۰ AU و انحراف سیاره تا ۴۰ درجه باشد :

<http://allesoversterrenkunde.nl/artikelen/755-The-mystery-of-Planet-X.html>

دلیل اصلی اینکه منجمان هنوز “رسمًا” این سیاره را کشف نکرده اند این است که از طرف کابال به آنها گفته می شود درباره سیاره ایکس گزارش ندهند. همچنین، آنها به دنبال سیارات جدید نزدیک به صفحه اکلپتیک هستند، اما سیاره ایکس به دلیل انحراف زیاد مدار در صفحه اکلپتیک دیده نمی شود. از آنجا که شی آسمانی بزرگی است، رصد آن حتی با تلسکوپهای بزرگ آماتور هم امکان پذیر است به شرط آنکه بدانید کجا را رصد کنید. و یک نکته مهم، سیاره ایکس نیبیرو نیست و قرار هم نیست به زمین اصابت کند .



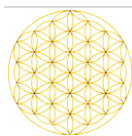
یازده سپتامبر آنگونه که کابال برنامه ریزی کرده بود پیش نرفت. در عوض تبدیل شد به زنگ خطری که به بسیاری از انسانها کمک کرد درک کنند پشت پرده نمایشهای تبلیغاتی رسانه، چه می گذرد .

این هوشیاری جدید به حرکت مقاومت کمک کرده است که طرح براندازی ایلومیناتی زمین را پیشرفت دهند .

تا سال ۲۰۰۳، آنها موفق شدند تمام پایگاههای نظامی عمقی را پاکسازی کنند و فقط سطوح فوقانی پایگاههای زیرزمینی باقی مانده اند .

از آن موقع تا به حال، حرکت مقاومت حدود ۳۰۰ عاملش را به شبکه ایلومیناتی وارد کرده که اکثرا در قالب پست های بالای نظامی و آژانس های اطلاعاتی نفوذ کرده اند. این عوامل غیرقابل شناسایی هستند و ایلومیناتی هیچ ایده ای ندارد که آنان چه کسانی هستند و کجا هستند .

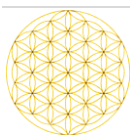
در ژانویه و اوایل فوریه ۲۰۱۲، حرکت مقاومت بیشتر طلای که در اختیار ایلومیناتی بود را مصادره کرد. بنابراین اگر می پرسید طلای یاماشیتا کجاست، حالا پاسخ را می دانید. نه در گودال ماریانا است، نه در فورت ناکس است، نه در زیرزمین های ویلاها و شاتوهای روسچیلدهاست، نه در انبارهای زیر فرودگاه کلوتن، و نه در بانکهای پراکنده سراسر جهان که تحت کنترل یسوعیان هستند. طلاها در سالنهای زیرزمینی حرکت مقاومت هستند، و پس از رخداد به انسانها باز گردانده خواهد شد، و تبدیل خواهد شد به ذخیره ای به عنوان پشتوانه ارز جدید، و این به معنی فراوانی برای همه خواهد بود.



ایده طراحی نقشه ای برای براندازی شبکه ایلومیناتی از زمان تشکیل "سازمان" در ۱۹۷۵ وجود داشته است. در ۱۹۷۷ با مردی که نقشه را ریخته بود صحبت کردم. سندی که در یک در ۱۹۷۹ دید احتمالاً نسخه قدیمی تری از نقشه بوده است. ایده اولیه این بود که ارتش با راهنمایی سازمان و بعدها حرکت مقاومت، قدرت را به دست گیرد، ایلومیناتی را شکست داده و از قدرت خلع کند. به دلیل هوشیاری و بیداری که پس از یازده سپتامبر بوجود آمد، برنامه اولیه تغییراتی پیدا کرده است. اکنون هیچ کس نمی خواهد سیاره را تصرف کند. حرکت مقاومت هنوز از ارتش پشتیبانی می کند اما بیشتر در حوزه اطلاعات در ارتباط با ایلومیناتی، و بعضاً توصیه های لجستیک، اما عمدتاً پشت صحنه باقی مانده اند. نیروهای نظامی از آزادی و اقتدار فردی پشتیبانی خواهند کرد (مارشال های فدرال در ایالات متحده و پلیس اینترپل در سایر نقاط)، و از قوانین محلی جهت بازداشت اعضای کابال پشتیبانی می کنند.

حرکت مقاومت تجربه براندازی کابال و آزادسازی سیارات را دارد، چراکه در سال ۱۹۹۹ این عملیات را در سیاره ایکس انجام داده اند. آنان تماس دائمی فیزیکی (نه تلیپاتیک) با پروینی ها (پلایدیان) و دیگر فرازمینی های مثبت کنفدراسیون دارند، که اطلاعات همه اعضای کابال را در اختیارشان می گذارند، مکان آنها، آنچه انجام می دهند، و حتی اینکه چه می اندیشند. ایلومیناتی جایی برای پنهان شدن ندارد.

هیچ قدرت انسانی تصمیم نخواهد گرفت که رخداد چه زمانی خواهد بود. حرف آخر درباره اینکه رخداد چه زمانی است مستقیماً از منبع می آید. این یک رویداد در مقیاس اهمیت کیهانی است. آخرین سیاره تحت کنترل نیروهای تاریکی در آستانه آزادسازی قرار دارد و این آزادی امواج نور را در سراسر کهکشان می تاباند.



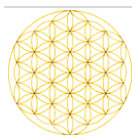
درست قبل از رخداد منبع یک پالس نوری را از طریق کنفدراسون کهکشانی می فرستد و پروینی ها به حرکت مقاومت آموزش خواهند داد که از ۳۰۰ عامل خود در سطح سیاره برای تماس با افراد کلیدی درون ارتش و نهادهای اجرای قانون استفاده کنند، و عملیات کلید خواهد خورد.

پس از اینکه عملیات با موفقیت به اتمام رسید، احتمالاً افرادی خواهند بود که دوست دارند از موقعیت سواستفاده کنند و دولتهای خودشان را برپا کرده، بودجه ها را مصادره کنند... اینکه با کابال برخورد می شود دلیل نمی شود که طمع و شهوت انسان برای قدرت از میان خواهد رفت. برای درصدی از جمعیت انسانی که به روشنی نرسیده اند، این ویژگی بخشی از کاراکترشان است. اما اطمینان داشته باشید، که حرکت مقاومت این افراد را می شناسد، تمامی اعمالشان تحت نظارت است، و به آنان اجازه داده نخواهد شد که از وضعیت بهره ببرند.

تا زمانی که روی زمین به میزان مشخصی از هوشیاری نرسیده ایم، حرکت مقاومت پشت پرده به فعالیتش در جهت منافع انسانها ادامه می دهد. در مقطع معینی، به احتمال بالا نزدیک به زمان "تماس نخست" با فرازمینی های مثبت، حرکت مقاومت هم خودش را عمومی می کند .

آنان بودجه ای برابر با ۱۲۰ تریلیارد دلار فراهم کرده اند، که همراه با بسته های رفاهی دیگر بین انسانها توزیع خواهد شد. آنان فناوری های بسیار پیشرفته در اختیار دارند، که عمدتاً منشأ فرازمینی دارند. آنها در معرفی ۶ هزار اختراع که توسط نوابغ سراسر جهان انجام شده اما توسط کابال سرکوب شدند کمک خواهند کرد. پس از آن بخشی از فناوری های خودشان را معرفی خواهند کرد که پیشرفته تر خواهند بود.

این بلاگ با راهنمایی حرکت مقاومت در ۲۰۱۲ ایجاد شد تا جمعیت سطح سیاره را در ارتباط با



تحولات خاصی تعلیم دهد. بسیاری از عوامل روی سطح حرکت مقاومت این بلاگ را مطالعه می کنند و متون بلاگ حاوی برخی پیام های رمزی برای آنان است. اینترنت ساده ترین روش انتقال اطلاعات نه چندان حساس به آنان است، حداقل آن بخش از اطلاعات که می توان با امنیت از کانالی عمومی انتقال داد. در آینده، حرکت مقاومت ممکن است تصمیم بگیرد که ارتباطات بیشتری با جمعیت عموم انسانها برقرار کند، و در آن مقطع این بلاگ تبدیل خواهد شد به کانال ارتباطی رسمی حرکت مقاومت روی سطح سیاره.

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/resistance-movement/>

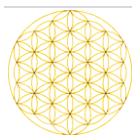
انجمن برادران ستاره

۵ سپتامبر ۲۰۱۲

این پست در ارتباط با دومین گروه مثبت فعال در پشت پرده است که برای نفع بشریت و آزادسازی سیاره زمین تلاش می کنند .

من به یکی از متون داخلی که توسط یکی از اعضای آن گروه نگارش شده دسترسی پیدا کرده ام، و با مجوز کامل این گروه، متن را به نحو کامل منتشر می کنم* .

«پیمان برادران ستاره یک پست سیاره ای لژ آبی سیریوس است که از طریق مشتری و فرماندهی ژوپیترا به سیریوس متصل است. هدف برادران ستاره هدایت تکامل سیاره تحت راهنمایی سانتا کومارا است. حلقه داخلی پیمان شامل اساتید و ارهات ها است که روی این سیاره به صعود دست یافته اند. حلقه خارجی برادران ستاره شامل شاگردان اساتید صعود کرده است که به هفتمین زیردرجه از تشریف سوم دست یافته اند. لنگر فیزیکی برادران ستاره قلمروی زیرزمینی وسیع

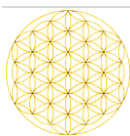


شامبالا Shamballa است، جایی که مکتب سری بزرگ اخوت ترانس هیمالیایی فعال است. پیمان برادران ستاره در نقش مقدمه این اخوت است.

از زمان آتلانتیس، برادران ستاره هیچ گاه عمومی نبوده است. بلکه از طریق رهروانش مخفیانه فعالیت می کرده است. رهروان برادران ستاره شامل “رده ستاره Order of the Star” است. رده ستاره یک جامعه است، ماندالای ۱۴۴ هزار موجود ستاره ای از تشریف اول، دوم و سوم که با هدف سری تثلیث Triangulation نور و تاریکی روی این سیاره تناسخ کرده اند. اعضای رده ستاره با هدایت تلیپاتیک برادران ستاره بر اوضاع جهان اثرگذاری می کنند .

آنان (رده ستاره) بواسطه اثرات تلیپاتیک برادران ستاره، عامل شکوفا شدن فرهنگ یونانی-رمی بودند. آنها در فرهنگ سلطنتی در قالب کشیش های دروئید فعالیت می کردند. در قالب Essenes و برای مقابله با سیزدهمین تبار اشرافیت سیاه، در پروژه صعود مسیح و مجدلی/تبار خاندان جام Grail همکاری کردند. آنها پشتیبان مالی رده های تشریف سوفی بوده اند. در قرن دوازدهم آنها نهضت کاتار Cathar و Albigenian را پایه ریزی کردند که بواسطه اشعار تروبادور (شعرای دوره گرد)، اسرار الهه را احیا کردند، و همچنین اسرار مسیحیت گنوسی متعلق به عصر پیش از مسیحیت فرقه ای کنستانتین را احیا کردند. در قرن ۱۳ آنها رده تمپلار Templar را تأسیس کردند که بر اساس کشف متون سری آیسوسی در سردابه های زیر معبد سلیمان بود. اطلاعات موجود در آن طومارها احیای اسرار اختری مصر قدیم و تشکیل فراماسونری را ممکن کرد. بر اساس راهنمایی برادران ستاره، لژهای کاتار مخفی در حدود ۱۴۵۰ رنسانس را در فلورانس کلید زدند که شکل دهنده تمدن غربی به شکلی که می شناسیم بود. این امر شرایط ورود اولین نمایندگان پیمان سری به داخل اروپا از تبت زیرزمینی را مهیا کرد .

از آن هنگام چندین نماینده از پیمان برادری سری مخفیانه و در پشت پرده در اروپا فعال هستند.



در قرن ۱۶ آنها عمدتاً در فلورانس، ونیز و ورونا فعال بودند؛ در قرن ۱۷ عمدتاً در لندن و در مناطق دیگری در انگلستان؛ و در قرن ۱۸ بیشتر در پاریس. پیمان برادران ستاره موج روحی لازم برای آغاز حرکت روشنگری را به رده ستاره منتقل کرد و این امر قرن ۱۸ را تغییر شکل داد و عرصه را برای انقلاب های صنعتی و تکنولوژیک آماده کرد.

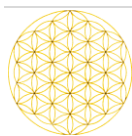
پیمان سری همچنین بواسطه سن ژرمین در ۱۷۷۵ در پاریس ایجاد مکتب سری را کلید زد. این مکتب سری برای حدود ۱۰۰ سال فعالیت کرد، و سپس پیمان برادران بواسطه هلن بلاواتسکی در ۱۸۷۵ جامعه تئوسوفی را پایه ریزی کردند. پیمان سری از طریق تلپاتی پیشرفت علوم را، به خصوص از طریق نیکلا تسلا هدایت کرد

پیمان برادران در سیستم ماتریکس سیاره زمین دخالتی ندارد. ما در اماکن سری روی سطح زمین زندگی می کنیم .

نماد سری پیمان برادران ستاره سنگ آسمانی سیریوس، جوهر آتش، سینتامانی lapis ex coelis است، که نشانگر جوهر راستین خویشتن حقیقی ما (آتما-بودا-ماناس) است . نماد سری رده ستاره جامی از مولداویت است، که سنگ آسمانی خوشه پروین است؛ جام مقدس، sangreal، که نشانگر بدن سببی و تبار اختری ما است، ماندالای ۱۴۴ هزار موجود نوری.

«Amor Vincit Omnia!»

پیمان برادران ستاره آخرین بازمانده خالص مکاتب سری نوری از آتلانتیس است. کابال تلاش کرد به این پیمان نفوذ کند و شکست خورد، زیرا پیمان قوانین بسیار سختگیرانه ای برای عضویت دارد. کابال در نفوذ به مکاتب سری عمومی تر بسیار موفق تر بوده است، مثل نفوذ یسوعیان به فراماسونری در اوایل قرن نوزدهم، و نفوذ به جامعه تئوسوفی پس از مرگ هلنا بلاواتسکی، که



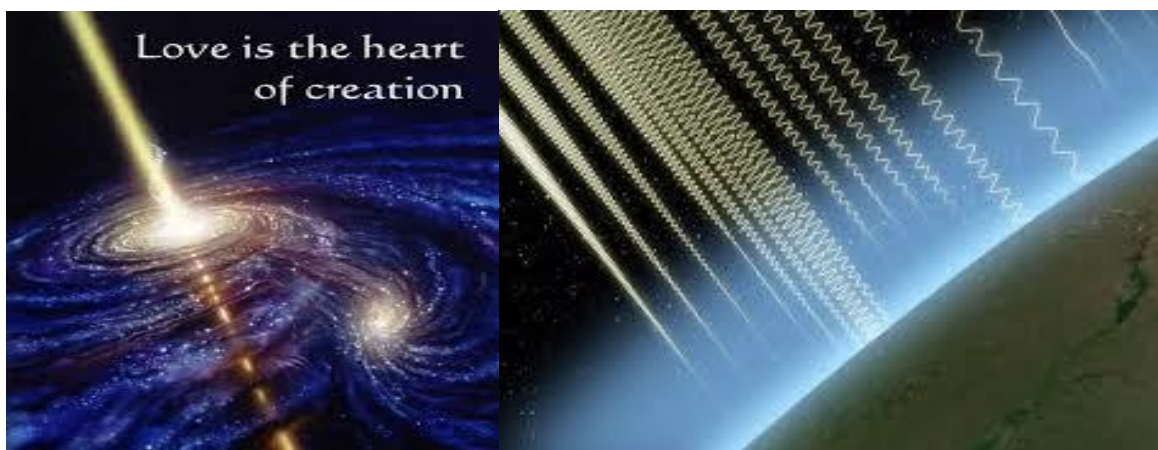
کابل از تعالیم بلاواتسکی سواستفاده کرد. منشأ آشفتگی در میان بسیاری از کارگزاران نور این مسأله است، اما تعالیم حقیقی بزودی طی عملیاتی موسوم به Dreamland بازیابی خواهند شد .

دیگر اعضای پیمان برادران ستاره می توانند با من تماس بگیرند:

Cobreresistance@gmail.com

پیروزی نور

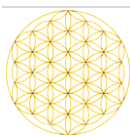
امواج کهکشانی عشق



امواج کهکشانی عشق:

در مرکز کهکشان ما، یک سیستم دو ستاره ای بسیار عظیم وجود دارد، منبع نور و حیات برای کهکشان، الهه کهکشانی، پلمورا، خورشید مرکز کهکشان. این سیستم با یک ریتم مشخص تنفس و ارتعاش انجام میدهد، هر ضربان، ۲۶۰۰۰ هزار سال طول می کشد تا کامل شود. در هر بار ضربان، مرکز کهکشان یک موجی از ذرات به شدت باردار فیزیکی و غیر فیزیکی را در سرتاسر کهکشان پخش خواهد کرد.

این ضربان قلب کهکشانی، پیشروی محور زمین را با چرخه ۲۶۰۰۰ ساله هماهنگ کرده است . ما اکنون در حال نزدیک شدن به یک موج کهکشانی هستیم و این موج به تدریج اوج می گیرد.

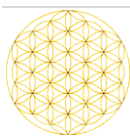


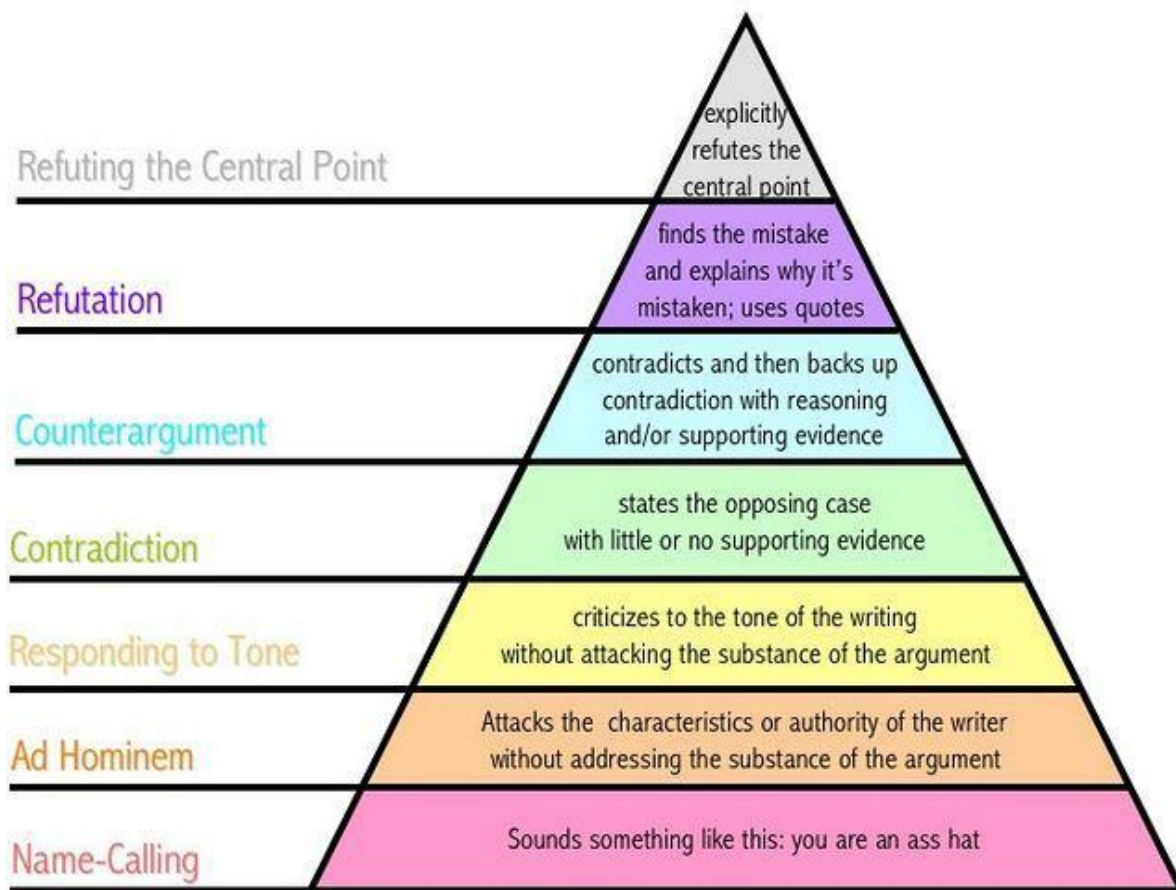
در واقعیت، نیروهای نور زیادی در حال حاضر در منظومه خورشیدی ما قرار دارند تا این پروسه اینبار بسیار هماهنگ تر انجام شود. در طی دریافت این موج کهکشانی، فشارهای عاطفی بسیاری وجود خواهد داشت و افزایشی در فعالیت‌های صفحات تکتونیکی خواهیم داشت. اما جنبه اصلی این موج کهکشانی اساساً یک موج عشق کیهانیست. این انرژی عشق، پایه و اساس واقعیت کیهانی جهان است و هم اکنون در حال نزدیک شدن است. این انرژی در مقیاس کهکشان است، بنابراین کابال به هیچ قیمتی نمی‌تواند آن را متوقف کند.

این انرژی کاملاً آشفتگی و ناهنجاری و اختاپوس پلاسما که در متون گنوسی، یلدابوس، خوانده میشود را از اطراف زمین پاک خواهد کرد. در اسطوره‌های گنوسی به وضوح عنوان شده که یلدابوس در ابر ضخیمی از لایه پلاسمیک پنهان شده است.

انرژی پلموریک عشق کهکشانی همه تعالیم آرکان‌ها را از بین خواهد برد.

هر چی که بیشتر به رخداد نزدیک میشویم، انرژی‌ها باعث تحریک واکنش‌های سرکوب شده خواهند شد. بنابراین تحت این شرایط، بسیار مهم است که افراد به شکل سازنده گفتگو داشته باشند از حمله کردن به یکدیگر خودداری کنند.

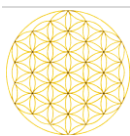




خیلی از افراد انتظار دارند موج کهکشانی در سپتامبر یا حتی قبل از آن به ما برسد. این مسئله خیلی بعید است، به سبب اینکه تحلیل‌های پیچیدگی امواج نشان می‌دهند که احتمالاً اولین افزایش پیک در چارچوب زمانی اکتبر/دسامبر اتفاق بی افتد .

تحلیل پیچیدگی امواج یک مدل بسیار پیشرفته و پیچیده است که در حال حاضر جنبش مقاومت از آن برای پیش بینی وقایع آینده بر مبنای چرخه های کیهانی و تحلیل های بردار اراده آزاد استفاده می کند .

بسیار مهم است که درک کنیم رخداد در واقع یک تعامل پویا بین آگاهی کیهانی و مرکز کهکشان و انرژی‌های بیست که به سمت ما می آید؛ این به خود ما بستگی دارد که چقدر از این انرژی عشق دریافت کنیم .



به همین دلیل بسیار مهم است که تا حد ممکن، افراد زیادی خیلی سریع بیدار شوند. همچنین برای شما بسیار خوب خواهد بود که در مدیتیشن با مرکز کهکشان یک اتصال داشته باشید .

اگر انرژیهای دریافت شده ای که به شما میرسند و از شما می گذرند خیلی قوی هستند، می توانید با ارتباط با مرکز کهکشان بخواهید تا این انرژیها ملایم تر شوند

اتصال فعال ما با پلروما، با مرکز کهکشان، یک حلقه فیدبک را ایجاد می کند که رخداد را در زمان مساعد کلید خواهد زد.

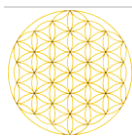
پیروزی نزدیک است.

حفاظت

اگر چه بخش بزرگی از شبکه اسکالار پلاسما پس از باز شدن پرتال IS:IS پاکسازی شده است، اما بخش بزرگی هنوز باقی مانده است. فاز «پیشرفت breakthrough» فقط به معنای رنگین کمان ها و شهاب های زیبا نیست، ما در میانه جنگی سری میان نیروهای نور و تاریکی هستیم .

بنابراین، بسیار مهم است که مردم از وجود شبکه اسکالار پلاسما و اثراتش مطلع باشند، و نیز از تسلیحات انرژی دیگر که کابال تحت هدایت گروه کیمرآ استفاده می کند تا آگاهی انسانها را سرکوب کند و از ورود نور جلوگیری کنند.

یک مقاله نسبتا خوب در این رابطه:



<https://jhaines6.wordpress.com/2015/01/18/think-bigger-look-deeper-part-two-by-bradley-loves>

رخداد تا زمانی که شبکه اسکالار پلاسما پاکسازی و حذف نشود، روی نمی دهد. کارگزارن نور و مبارزان نور زیادی هدف و آماج تسلیحات دایرکت انرژی هستند چرا که آنها خطر امنیتی شماره یک برای سیاره زندان بردگان و کنترل کنندگانش هستند.

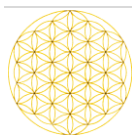
نخستین دستورالعمل برای حفاظت از افراد تحت حمله این است که در تمام فعالیتهای روزانه تلاش کنند تعادل و هارمونی را حفظ کنند. این یعنی تسلط بر مهارت های زمان و مدیریت قطبیت ها و آموختن اینکه چه وقت بگوییم بله و چه وقت بگوییم نه، و اینکه همه عناصر، موقعیت ها و افراد سمی را از زندگی تان پاکسازی کنید. همچنین خوب است که روزانه قدری زمان آرام در طبیعت و/یا مدیتیشن داشته باشیم تا با خویشتن بالاتر مجددا ارتباط پیدا کنیم.

منابع دراگون، یک پروتکل حفاظت مدیتیشن قدرتمند ارائه داده اند. پیشنهاد می شود روزانه یک یا چند بار از این پروتکل استفاده کنید و این سپر محافظتی را در طول فاز پیشروی breakthrough داشته باشید تا فرکانس ارتعاشی نور را حفظ کنید.

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/protection/>

بدنتان، احساسات، و ذهنانتان را با تمرکز بر نفس های خود یا با هر روشی که راحت ترید آرام کنید.

یک ورتکس نور سفید درخشان را تصور کنید که از چاکرای ستاره روح به سمت پایین و با



چرخش ساعتگرد در سراسر بدن تن جریان پیدا می کند، و میادین انرژی کالبدهای فیزیکی، پلاسماتیک، اتریک، احساسی و ذهنی تان را پاکسازی می کند. این ورتکس را با اتصال به منبع نور کیهانی حفظ کنید و آن را برنامه دهی کنید تا همه کالبدهای شما را پاک نگه دارد .

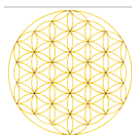
یک حفاظ آینه ای تخم مرغی شکل نیمه نفوذ پذیر اطراف میدان اوریک کالبدهای فیزیکی، پلاسماتیک، اتریک، اختری، و ذهنی تان تصور کنید. این حفاظ آینه ای به تمام انرژیهای مثبت اجازه ورود به میدان انرژی شما را می دهد، اما همه انرژی های منفی را منعکس و دفع می کند و به سمت منبع (فرستنده انرژی) باز می گرداند. این حفاظ آینه ای را برنامه بدهید تا هر زمانی که انرژی منفی به سمت شما هدایت شد، به شما هشدار دهد، و آن انرژی را به سوی فرستنده منعکس کند.

چنانچه شما تحت حملات پلاسما/اسکالار سنگین قرار گرفته اید، آنچه «وسیله آتش بنفش» خوانده می شود می تواند به شما کمک کند. با بهره گیری از چوب جادوی میدان اوریک خود پلاسمای منفی تولید شده توسط حملات اسکالار را پاکسازی کنید:

<http://altered-states.net/barry/newsletter510>

وسیله آتش بنفش/دارسونوال یک کوئل تسلا است که یک میدان پلاسمای مثبت ایجاد می کند و پلاسمای منفی تولیدشده توسط حملات امواج اسکالار را تغییر می دهد .

یک عنصر سرنوشت ساز دیگر در این جنگ سری این است که تا آنجا که امکانش هست افراد بیشتری را از تاریکی خارج کنید و وارد نور کنید. اعضای بسیاری از رده های متوسط کابال هستند که اعمال سیاه انجام می دهند تنها به این خاطر که مجبورند، و یا هیچ گزینه دیگری



نمی بینند، زیرا تحت فشارهای مالی، روانی و فیزیکی و یا کنترل ذهن هستند. نمایندگان کنگره که رشوه گرفته اند، فراماسونهای گمراه رده بالا، رؤسای حریص شرکتها، خلبانانی که اپراتور پهپادهای قاتل هستند، سربازانی که ماشه را می چکانند، پرسنلی که تسلیحات دایرکت انرژی را کنترل و هدایت می کنند، تندروهای مذهبی که آسیب ها و تروماهایشان را بر سر شهروندان بی گناه تخلیه می کنند .

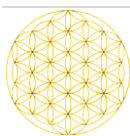
این پیام کد شده از طرف منبع مشخصی است که مایل است ناشناس بماند، پیامی برای آن دسته از رده متوسط ها :

سنگ سرطاق هرم برداشته شد. چشم جهان بین به اجبار بسته شده است، و دیگر شما را نمی بیند. می توانید با امنیت به سوی نور عشق بازگردید Tubal Cain .

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/protection/>

منابع دراگون یک مدیتیشن ارائه داده اند برای وارد کردن نور به روح اینگونه افراد و بسیاری از آنان، به نور وارد خواهند شد، و به این ترتیب بطور کارآمدی پایگاه قدرت کابال تضعیف می شود : بدن، احساسات، و ذهنشان را با تمرکز بر نفس های خود و یا به هر روشی که راحت تر هستید، به حالت آرام برسانید .

یک ورتکس نور سفید درخشان را تصور کنید که از چاکرای ستاره روح همه افراد رده متوسط کابال وارد میادین انرژی شان و شخصیتهایشان شده، و چشم آنان را به واقعیت نور باز می کند، و هدایتشان می کند تا از کابال کناره بگیرند، و به آنان قدرت می دهد تا خودشان را از بند تاریکی برهانند .



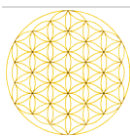
همه آن رده-متوسطان کابال را تصور کنید که به شبکه نور سیاره ای ملحق می شوند، و تسلیحات تخریب و فریب گسترده را کنار می گذارند، و می آموزند که همکاری کنند و به جامعه انسانها، به نحوی سازنده ملحق شوند.

یکی از بزرگترین گرفتگی های روانشناختی کابال، عقده خودکم بینی آنان است که تلاش دارند با تفاخر به «خط های خونی» و تبارشان این عقده حقارت را پنهان سازند. حقیقت تلخ این است که خط های خون کابال خزری از انسان بدوی، ابتدایی و کم هوش تر نئاندرتال نشأت گرفته اند، در حالیکه توده های انسان ها از انسان پیشرفته تر و تکامل یافته تر، متعادل تر و باهوش تر کرومگنون نشأت گرفته اند:

<http://www.democratic-republicans.us/neanderthals-and-semites>

لطفا بدانید که اگر چه مقاله لینک بالا به لحاظ ایدئولوژیک متعصب است، اما بیشتر واقعیت های عینی علمی داخل آن مستند هستند. فقط هنگام مطالعه مقاله، به جای سامیان/یهودیان، واژه «خزریان» را وارد کنید.

حرکت مقاومت خطاب به هسته سخت کابال چند هشدار صادر کرده است مبنی بر اینکه بایستی حملات به مبارزان نور و نیز کارگزاران نور با تسلیحات دایرکت انرژی اسکالار را متوقف کنند. از آنجا که این هشدارها شنیده نشدند، مقاومت پروتکل های «رها سازی سگ ها» را کلید زده است. این امر به این معنی است که آنها (مقاومت) از این پس افرادی و گروه هایی را که مایلند اعضای کابال را تحت اراده آزاد خود و با ابتکار عمل خودشان حذف کنند، باز نمی دارند .



این موضوع یعنی اینکه سطح زمین ناگهان برای اعضای هسته ای کابال کاملاً ناامن شده است. بهمین دلیل هم دونالد رامسفلد خانه اش را فروخت و به نیو مکزیکو گریخت:

<http://www.noodles.com/view/2448F46606DA1A61429CDD4439C188A8E6C52262?4722xxx1420968910>

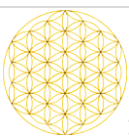
جو بایدن قبلاً طعم این شرایط جدید را چشیده است:

<http://starshipearththebigpicture.com/2015/01/18/interesting-coincidences>

حرکت مقاومت اطلاع داده است که در صورتی که حملات تسلیحات دایرکت انرژی متوقف نشوند، می توانند پروتکل های بازداشت سریع چهار ناپاک را کلید بزنند: دیک چنی، دونالد رامسفلد، جورج بوش پدر، و هنری کیسینجر .

چنانچه این پروتکل ها کلید زده شوند، اثری شدید و بی ثبات کننده بر موقعیت ژئوپولیتیک سیاره خواهد داشت، و اگر چه منجر به شتاب گرفتن «رخداد» خواهند شد، اما فرایند گذار بسیار آشفته تر و خشن تر خواهد بود. مقاومت به خوبی از ارتباطات چهار ناپاک با گروه کیمرام مطلع هستند. مقاومت امیدوار است عقلانیت پیروز شود و هنوز می توان از اقدامات افراطی خودداری کرد.

خبر مثبت تر اینکه RR6 دو روز دیگر فعالسازی می شود، و در طول این فعالسازی، دنباله پلاسمای شهاب لاجوی از خوشه پروین عبور می کند که از زمین رؤیت می شود. این رویداد کیهانی موج مثبتی از انرژی مثبت به سمت تونل های پلاسمای ست Set که اطراف سطح این



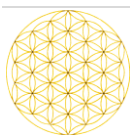
سیاره وجود دارند خواهد فرستاد، و فعالساز تحول و تغییر آنان خواهد بود. به طور خلاصه و مفید، در هفته آینده می توانیم منتظر فعالیتهای بسیاری از جانب نیروهای نور باشیم .

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/protection/>

فراموشی بزرگ سال ۱۹۹۶

در طی تجاوز ۱۹۹۶ آرکان ها و کیمرای مرزی منفی در حاشیه سیستم خورشیدی قرار دادند : heliopause. همه موجودات داخل این مرز درون سیستم خورشیدی، اعم از همه انسان های سطح زمین، همه جناح های کابال، همه موجودات زیرسطح (به استثنای افراد بسیار معدودی)، همه پرسنل برنامه سری فضایی، همه پلاییدیان ها، سیریوسی ها، آندرومدایی ها، آرکتوروسی ها، دراکوها، رپتایل ها، زتاها، و تمامی موجودات برخوردار از ادراک از هر نوعی، ایمپلنتهای پلاسما دریافت کردند و به شبکه هوش مصنوعی کیمرای موسوم به Veil متصل شدند. اکثریت گسترده موجوداتی که با اساتید صعود کرده ارتباط داشتند، ارتباط را از دست دادند. حافظه های متعددی که طبیعتی روحانی داشتند توسط انحلال الکتریکی خاطره، Electric dissolution of memory, EDOM حذف شدند. بسیاری از افرادی که قصد داشتند اطلاعاتی را برای جمعیت سطح افشا کنند برنامه دهی ذهنی شدند و در بسیاری موارد، با اطلاعات و خاطرات کاذب ایمپلنت شدند. همه کانال کنندگان ایمپلنت شدند و بیشتر ارتباطات شدیداً دچار اختلال شدند .

سیستم شبکه بمبهای استرانجالت و توپلتی که در صورت اقدام موجودات صعود کرده جهت تماس، منفجر می شوند، راه اندازی شد. این موضوع سیستم خورشیدی را در عمل تبدیل کرد به منطقه ای با ارتباطات بسیار محدود با صعودکردگان. حتی پلاییدیان های درون سیستم خورشیدی هم



نمی توانستند بطور مستقیم با موجودات صعود کرده ارتباط برقرار کنند چراکه تماس بی نهایت محدود شده بود .

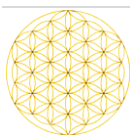
این رویداد را فراموشی بزرگ ۱۹۹۶ می نامند. این فراموشی آنقدر عمیق بود که افراد بسیار معدودی تماس با روحشان و با اساتید صعود کرده تا قبل از سال ۹۶ را به یاد می آورند. فراموشی سال ۹۶ آنقدر کامل و عمیق بود که بسیاری از افراد به سختی می توانند درک کنند که از چه چیزی صحبت می کنم .

اکنون بیشتر این مانع و گرفتگی برطرف شده است، اما همه افراد درون سیستم خورشیدی (از جمله انسانهای روی سطح و تقریبا همگی موجودات متعلق به اتحادهای فضایی و زیرزمینی)، هنوز آن بخش از ایمپلانتهای که ارتباط با اساتید را قطع می کند، و متصل است به مکانیزم بمبهای استرانجالت و توپلت، و توسط گروه کیمر کنترل می شود را دارند. به همین دلیل تا کنون اطلاعات برنامه صعود را منتشر نکرده ام. زیرا شرایط مهیا نیست.

اگر کسی هنوز تردید دارد که بمب های استرانجالت واقعی هستند، می تواند علوم فیزیک مربوط به “تبدیل استرانجالت” را اینجا مطالعه

کند <http://journals.aps.org/prl/abstract/10.1103/PhysRevLett.105.141101> :

در ۱۹۹۹، نیروهای نور شروع کردند به ساختن یک مرز نوری در هلیوپز *heliopause* ، با این هدف که ویروس تاریکی را درون سیستم خورشیدی قرنطینه کنند تا در مرحله بعد پاکسازی شود. تا اواخر ۲۰۱۴ این مرز نوری تقریبا تکمیل شد و تا مه ۲۰۱۵ کار به اتمام رسید.



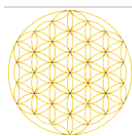
از سپتامبر ۲۰۱۵ نیروهای نور پیشرفت زیادی در پاکسازی ایمپلنتها داشته اند. ایمپلنت ها اکنون دیگر سیاهچاله های چرخان درون میدان مغناطیس نیستند بلکه صرفا پرتال های تکینگی فاقد پوشش هستند که هنوز کیفیت استرانج دارند و پلاسمای کوارک-گلوئون quark-gluon را درون چاه تکینگی ایمپلنت ها تولید می کنند. همگی ایمپلنت ها هنوز از طریق کرمچاله های پلاسمای هایپر دیمنشن (تونل های Set) به شبکه تحت پشتیبانی هوش مصنوعی متصل هستند که سرتاسر ورتکس پلاسمای سیستم خورشیدی ارتباطاتی دارد (یالداواث)، و متصل است به بمبهای پلاسمای استرانجالت و توپلت. این شبکه هنوز متصل است به تصادم دهنده هادرون RHIC و تا حد کمتری به LHC در سرن. این شتاب دهنده ها عمدتاً از طریق تعاملات گداخت گلوئون استرانجالت ها را به درون شبکه عرضه می کنند.

اکنون نیروهای نور می توانند به سادگی به پلاسمای کوارک-گلوئون درون ایمپلنتها پردازند، اما ناهنجاری اولیه کوانتومی در مرکز تکینگی عریان ایمپلنت ها، که درون نیروی قوی مسئول پیوند گلوئون پنهان می شود، مشکل بزرگتری است :

<https://www.quora.com/What-is-the-gluon-binding-energy-for-protons-and-neutrons-in-laymans-terms>

ایمپلنت ها دلیل اصلی مکانیزم های روانی انکار و فرافکنی هستند. این دو مکانیزم روانی دو علت نزاع همیشگی در میان کارگزاران نور است (تو ایگوی بزرگی داری، خیر، تو خودت ایگوی بزرگی داری!) و در میان مبارزان نور، (شما عامل اطلاعات کذب هستید، خیر، تو عامل نشر اطلاعات کذب هستی!)

این دو مکانیزم روانی توسط موجودات منفی غیرفیزیکی و فناوری Veil ارکان و کیمرای تقویت می شوند .



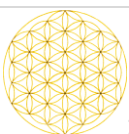
نیروهای نور اطلاع داده اند که اتحاد یا ائتلافی از کارگزاران و نیز مبارزان نور، که با هدف مشترک آزادسازی سیاره کار کنند و از جنگهای داخلی دائمی خودداری کنند بایستی روی سطح زمین ایجاد شود. (ادامه دارد)

چنین اتحادی برای موفقیت **compression breakthrough** حیاتی است. نیروهای دراگون اطلاع داده اند که این ائتلاف به عنوان رسانای انرژی های آزاد شده در لحظه **compression breakthrough** عمل خواهد کرد تا فرایند گذار را تسهیل کند

اگر این اتحاد تشکیل نشود، نیروهای نور از برنامه ثانوی برای **compression breakthrough** استفاده می کنند. برنامه دوم سرعت کمتری دارد، اما ایمن تر است. جزئیات برنامه دوم در این بلاگ اعلام نمی شود، فقط این را می گویم که تجربه یک انسان متوسط از رخداد را زیاد تغییر نخواهد داد .

مقاومت به من اطلاع داده است که درست قبل از رخداد با دریک تماس خواهند گرفت و اطلاعات چشمگیری را برای انتشار در اختیارش خواهند گذاشت .

نیروهای نوری که جمعیت سطح زمین را تحت نظر دارند به دلیل درگیری های بی پایان درون افراد و گروههایی که بایستی رهبری تغییر و تحولات سیاره را بر عهده داشته باشند، از شرایط رضایت ندارند. به همین دلیل است که اهالی آگارتا گاهی جمعیت سطح زمین را بربر خطاب می کنند. بهتر است به جای آنکه افراد انکار کنند و بر روی آگارتا فرافکنی کنند و آنها را نخبه گرا

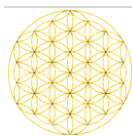


بخوانند، نگاه عمیق و طولانی به خودشان بیندازند و “بربر” درونشان را ببینند و رام سازند. صدها، و حتی هزاران سال برای جناح های آگارتا زمان و خودسازی برد تا آموختند که در صلح زندگی کنند. پس از رخداد با پاکسازی بمب های استرانجالت، آنان قادر خواهند بود مستقیماً به انسانها کمک کنند، و با مردم تعامل کنند. این تعامل با احتیاط خواهد بود زیرا آنها قصد ندارند هدفی برای حملات و فرافکنی های افراد باشند .

خود من در نیمه دوم سپتامبر این حملات و فرافکنی ها را تجربه کردم. چقدر پیش بینی پذیر – برخی افراد طوری برنامه دهی شده اند و در نقش عروسکهای خیمه شب بازی آرکان آنقدر قابل پیش بینی رفتار می کنند که اکنون حتی می توانم با قطعیت ریاضیاتی حساب کنم که فوران بعدی شان چه وقت است.

مایلم در اینجا اعلام کنم که انتشار این اطلاعات را برای این انجام می دهم که به افراد قدرت بدهم با مغزهای خودشان فکر کنند و افق هایشان را وسعت بدهند، نه اینکه هوادار جمع آوری کنم. اطلاعات درباره رخداد را منتشر می کنم نه برای اینکه انسانها منفعلانه انتظار بکشند، بلکه برای اینکه فعالانه در خلقت و آفرینش رخداد به هر شکلی که درونا راهنمایی می شوند شرکت کنند. حتی در بالاترین سطوح، اطلاعات به شدت تحت مراقبت و حفاظت است و بر اساس ضرورت و نیاز در دسترس قرار می گیرد، بنابراین من همه چیز را نمی دانم و ادراک من از عمیق ترین لایه های سوراخ خرگوش به مرور زمان و با دریافت اطلاعات جدید افزایش می یابد. منابع اطلاعاتی من بسیار معتبر هستند و تحت تحریفات شخصیتی، یا برنامه دهی ذهنی که منابع اطلاعاتی سطح زمین بروز می دهند قرار ندارند .

بسیاری افراد بسیار خسته و ناراضی هستند چراکه تغییرات بزرگ مشهودی نمی بینند. هر نوع تغییر بزرگی، مثلاً انتشار اخبار و اطلاعات افشاگری ها از رسانه های جمعی، یا دخالت مستقیم



فیزیکی نیروهای نور روی سطح زمین، به قطاری از حوادث منجر خواهد شد که در نهایت به ضامن بمب های استرانجالت می رسد. بنابراین، اقدام شدید نیروهای نور فقط وقتی خواهد بود که همه بمب های استرانجالت و توپلت حذف شده و مطلقاً هیچ تهدیدی نباشد .

در واکنش به شرایط اضطراری کنونی سیاره، و نیاز به پاکسازی ایمپلنت ها، و موجودات متصل شونده، و درمان روان انسانها، منابع دراگون دائماً فناوری پاکسازی ایمپلنتها و موجودات متصل شونده، محافظت اورا و ترمیم کالبدهای فیزیکی و غیرفیزیکی را بهبود می دهند. این فناوری اکنون در دسترس است :

<http://www.light-mandalas.com>

<http://www.light-mandalas.com/e-shop.html#!/Mandala-White-Star/p/45887832/category=11990044>

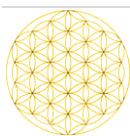
تحولات ژئوپولیتیک زیادی هم اکنون در جریان است که به شکست نهایی کابل منجر خواهد شد .

این یک همزمانی جالب است که دخالت فوق العاده کارآمد روسیه در سوریه فقط یک هفته پس از آنکه من مدیتیشن درمان ورتکس سوری سفالگری حلفی را منتشر کردم آغاز شد .

<http://sputniknews.com/middleeast/20151003/1027966788/isil-on-verge-of-collapse-under-russian-airstrikes-and-economic-problems.html#ixzz3nWEahZSJ>

این مسأله ما را یک گام به حل کردن مشکل پناهجویان نزدیکتر کرد :

<http://sputniknews.com/middleeast/20151002/1027937885/syria-refuges-muallem.html>



منطقه ورتکس هاسونا-سمره (سوریه و به احتمال زیاد به زودی عراق) اکنون زمین بازی جنگ نیابتی اتحاد شرق با کابل است :

<http://www.sott.net/article/303214-Russias-campaign-is-snuffing-out-the-CIAs-Al-Qaeda-forces>

دولت اسلامی (داعش) اکنون تلاش می کند تا آنجا که توان دارد و تا قبل از شکستش، هرچه زیبایی هست ویران کند :

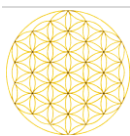
<http://www.aljazeera.com/news/2015/10/isil-blows-arch-triumph-syria-palmyra-151005033238445.html>

سال ها پیش، کیمر پلایدیان های زیادی را در زندان هایی روی سطح زمین و در سوریه و افغانستان گروگان گرفت. این گروگان ها توسط نیروهای کیمر و در طی تجاوز ۱۹۹۶ در نقاط مختلف سیستم خورشیدی گرفتار شدند و سپس به زمین انتقال داده شدند. این گروگان ها برای کیمر اهمیت استراتژیک دارند چراکه از آنها به عنوان مکانیزمی برای سد کردن پیشروی ناوگان پلایدیان ها به سمت زمین و کمکشان به آزادسازی زمین، استفاده می کنند. این گروگان ها دلیل سری اصلی و واقعی حضور نیروهای نظامی منفی ایالات متحده در سوریه و افغانستان هستند .

به همه این دلایل، خوب است که مدیتیشن سفالگری حلفی را جهت تثبیت اوضاع، تعداد هرچه بیشتری از افراد انجام دهند. لینک مدیتیشن:

<http://2012portal.blogspot.com/2015/09/meditation-for-europe-report.html>

تحركات پراهمیتی در پشت پرده در حال روی دادن است و من نمی توانم راجع به آنها گزارش



بدهم، حتی اگر علاقه به این کار داشته باشم. فقط می گویم که علی رغم اینکه هنوز تغییر بسیار بزرگی رخ نداده، اما اکنون شالوده تغییرات مثبتی که جهانمان را برای همیشه متحول خواهند کرد در حال تکمیل است .

پیروزی نور .

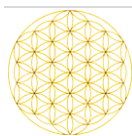
<https://prepareforchange.net/2015/12/27/the-great-forgetting-of-1996/>

پرده، Veil

8 ژوئن 2012

زمان آن رسیده است که اطلاعات بیشتری راجع به آرکان ها منتشر کنم چراکه وارد دوره ای می شویم که سرنوشت این سیاره مشخص خواهد شد، و مردم نیاز دارند اطلاع و آگاهی داشته باشند تا بتوانند انتخاب های بهتری انجام دهند .

حدود ۲۶ هزار سال پیش آرکان ها سیاره زمین را مایملک خودشان اعلام کردند، و تمامی موجودات زنده روی زمین را گروگان و برده گرفتند. آنان سیاره را قرنطینه کردند و هر سفینه برای ورود و یا خروج از زمین نیاز به مجوز ویژه از طرف آرکان ها داشت. این دلیل سیاست «عدم دخالت» است که بسیار راجع به آن شنیده ایم. نژاد انسان در طی همه آن هزاره ها گروگان آرکان ها بودند، و در یک سیستم بسته تناسخ اجباری و بارها و بارها بازگشتن به یک مکان، و در فراموشی و رخوت اسیر بوده اند. عصر فراموشی تقریبا سپری شده است. پس از ۲۱ ژوئن امسال (۲۰۱۲)، عملیات های نجات توسط نژاد های فرازمینی مثبت شدت بیشتری خواهند داشت .



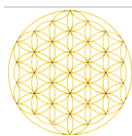
در گذشته، تنها راهی که یک انسان برای فرار از قرنطینه پیش رو داشت از طریق فرایند صعود بود، که در طی آن فرد بایستی تمامی تعلقات به همه واقعیت های فیزیکی، اثیری، اختری، و ذهنی که آرکان در آنها عمل می کند را رها کند. اما به محض اینکه قرنطینه برداشته شود، الترناتیو و راه دیگری برای رسیدن به آزادی وجود خواهد داشت، یعنی امکان و توانایی سفر به سیستم های ستاره ای دیگر.

آرکان ها سلطه خودشان را بوسیله یک فناوری ویژه که **Veil** (پرده، حجاب) خوانده می شود، حفظ می کنند **Veil**. در واقع یک حصار فرکانسی الکترومغناطیسی در سطوح اختری پایین تر و بخصوص در سطح اتریک است، که $6/8$ مایل بالا و پایین سطح زمین امتداد دارد و تا حد زیادی از ورود نور به قرنطینه سیاره جلوگیری می کند. آرکان های غیر فیزیکی اپراتورهای سیستم "پرده" هستند. بهترین توصیف برای این فناوری عبارت «هارپ لایه اتریک» است. این فناوری ساختار فضا زمان را در سطح کوانتومی تحریف می کند و بهمین دلیل مشکلات بزرگی برای سیستم های محرکه سفینه های نیروهای فرازمینی مثبت ایجاد می کند. در گذشته این امر جلوی پیشروی نژاد های مثبت به سمت سیاره را به طور چشمگیری می گرفت. به جز دور نگه داشتن فرازمینی های مثبت، **Veil** کارکرد دیگری هم دارد، برنامه ریزی و برنامه دهی جمعیت انسانها و نگه داشتنشان در چرخه بازیافت/ تناسخ .

اکنون شرح معدودی از برنامه های اصلی اختری/اتریک در حال جریان برای انسانهای تناسخ یافته:

۱. کاهش سطح آگاهی و غیرفعالسازی بدن نوری/مرکابا. این برنامه توسط فناوری رزونانس موج ایستاده اتریک انجام می شود

۲. مسدود کردن اراده آزاد، و ابتکار عمل مثبت. این برنامه توسط فناوری فروسوت اتریک برقرار



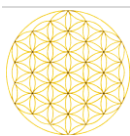
است. بخشی از این صوت به سمت سطح واقعیت فیزیکی ته نشین می شود، و برخی افراد به شکل صدایی با فرکانس بسیار پایین آن را می شنوند. منشأ صداهای اسرارآمیزی که افراد در آغاز سال ۲۰۱۲ می شنیدند این برنامه است و نه نابودی پایگاههای نظامی عمق زمین آنطور که برخی منابع اشتباهها گفته بودند. فروصوت، برخی مراکز معین در مغز فیزیکی را مسدود می کند و این مسأله ابتکار عمل مثبت را از فعالیت می اندازد. همین فروصوت عامل خستگی غیرعادی است که بسیاری از مردم بدون هیچ دلیل خاصی تجربه می کنند.

۳. کاهش هوش. این کار را از طریق القای میادین مغناطیسی قدرتمند به مغز اتریک و نیز به غشای میان مغز فیزیکی و مغز اتریک انجام می دهند که باعث اختلال در فرایند تفکر می شود. این برنامه به آشفتگی ذهن، فراموشی و عدم تمرکز منجر می شود .

۴. القای سوتفاهم و عدم هماهنگی در روابط. این کار را بوسیله دستکاری چاکراهای کالبد اتریک و ایجاد فرکانس های ناهمخوان بر روی غشای اوریکی auric membrane توسط فروصوت اتریکی انجام می دهند. این برنامه عامل مرز و شکاف مصنوعی بین عشق و جنسیت است، که دریچه قلب را می بندد، ذهن را بیش فعال می کند، و تعادل میان اصل مردانه و اصل زنانه را برهم می زند .

۵. القای فقر. این کار را توسط القای هولوگرام ها/تصاویر فقر به مغز اتریکی افراد انجام می دهند .

۶. تفرقه در فرهنگ های زیرمجموعه subcultures. این برنامه فرهنگ های زیرمجموعه مختلف را بوسیله تصاویر هولوگرافیک اتریکی مخالف و متضاد هدف قرار می دهد تا به این وسیله در میان آنان تفرقه و نزاع ایجاد کند .



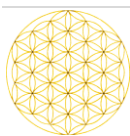
۷. الگوهای غذایی/چاقی مفرط. این برنامه را با القای تصاویر یک غذای خاص که مولد چاقی است به مغز اتریک انجام می دهند.

۸. چشم جهان بین. این برنامه جاسوسی از سطح اتریک عمل می کند و همه فعالیت‌های موجودات فیزیکی را تحت نظر دارد، و همه چیز را به آرکان های غیرفیزیکی گزارش می دهد .

۹. ایمپلنت ها. این ها کریستال های اتریک/اختری هستند که درست قبل از تناسخ درون اورای هر فرد قرار داده می شوند، زیرا آن فرد نیاز دارد از سطوح ذهنی یا اختری بالا، به سطوح اختری پایین تر و سطح اتریک نزول کند و به سطح فیزیکی بیاید تا تناسخ کند. این ایمپلنتها خاطرات تناسخ های قبلی را حذف می کنند و علت عمده این مساله هستند که ما اکثرا زندگی های قبلی مان را و یا آرکان هایی که بر سیاره حکومت می کنند را به یاد نمی آوریم. این ایمپلنتها را با کمک طبع شاعرانه، “حجاب فراموشی” نامیده اند.

ایمپلنت های فیزیکی هم وجود داشتند. ایمپلنت های فیزیکی در عصر آتلانتیس بسیار محبوب بودند اما پس از سقوط آتلانتیس از رده خارج شدند. پس از جنگ جهانی دوم تلاش شد ایمپلنت های فیزیکی دوباره روی کار بیایند، به شکل بیوچیپ های فیزیکی که از طریق واکسیناسیون به اکثریت وسیع انسانها تزریق میشوند. این علت اصلی اجباری بودن واکسیناسیون از طرف WHO سازمان بهداشت جهانی است.

بیوچیپ های فیزیکی برنامه های دیگر را هم تقویت کرد، اما حدود دو سال پیش بوسیله فناوری ویژه ای که از راه دور عمل می کرد و حرکت مقاومت توسعه داده بود با موفقیت و کاملا از جمعیت انسانها پاکسازی شد. بنابراین نگرانی ها درباره اینکه نظم نوین جهانی برنامه دارد انسانها

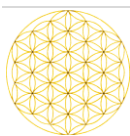


را میکروچیپ کند بر اساس واقعیت نیست زیرا انسانها قبلا میکروچیپ شده اند و همان میکروچیپ ها هم پاکسازی شده اند بدون آنکه کسی متوجه شود.

آرکان ها Veil را در اوایل سال ۱۹۹۶ فعال سازی مجدد کردند، یعنی پس از بیداری جمعی که در اوایل دهه ۹۰ رخ داد و دخالت نژاد های فرازمینی مثبت روی زمین را بدل به یک احتمال واقعی کرد. این کار بوسیله حدود ۲۰۰ انفجار هسته ای در سطح اختری پایین و سطح اتریک انجام شد. این انفجارهای هسته ای غیرفیزیکی باعث بروز شکافی در بافت فضا زمان شدند و این امر کرم چاله های تاریکی را گشود که از طریق آنها موجودات رپتایل بسیاری از فضای خارجی به زمین تجاوز کردند و سطوح اختری و اتریک را آلوده کردند. در دسامبر ۲۰۰۴، پس از بیداری جمعی نسبت به حضور الهه که پس از اولین ترانزیت زهره در ژوئن ۲۰۰۴ بود، و نیز پس از عملیات های موفقیت آمیز ناوگان پلایدیان در راستای آزادسازی، Veil مجددا فعال سازی شد. اکنون، پس از دومین ترانزیت زهره در ۲۰۱۲، بیداری دوباره در جریان است. این بار اما Veil قابل تقویت نیست چراکه هیچ نیروی فرازمینی فیزیکی یا غیرفیزیکی در فضای خارجی باقی نمانده که به سیاره تجاوز کند. ما به پیروزی نهایی نزدیک هستیم.

موفقیت مدیتیشن های جمعی ما چنان بود که ۷۰ درصد Veil در سطح اختری و حدود ۳۵ درصد از Veil در سطح اتریک، حذف شده است. بنابراین بسیار مهم است که مدیتیشن های جمعی را ادامه دهیم تا نقطه ای که این کار به اتمام برسد و Veil بطور کامل حذف شود. طبق برنامه این رویداد در دوره هفت ماهه ای است که از ۲۰-۲۱ مه در زمان راه اندازی مجدد شبکه شروع شد و در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ تکمیل می شود.

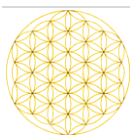
آرکان های فیزیکی و بقیه اعضای فیزیکی کابال می توانند مدتها قبل از حذف کامل Veil، پاکسازی شوند .



آرکان های فیزیکی و غیر فیزیکی طرحی با نام رمزی Doom33 دارند که برای جلوگیری از بازداشت های جمعی است. بر اساس این طرح، هنگامی که بازداشت های جمعی آغاز شد، آرکان های غیرفیزیکی بوسیله مناسک سری سیگنالی به آرکان های فیزیکی رأس قدرت SMOM (شوالیه های مالتا) مخايره می کنند و نیز به فراماسون های درجه ۳۳. این افراد سپس از طریق رابط هایشان در داخل ارتش و اژانس های الفبا تلاش خواهند کرد تا آنجا که ممکن است آشوب و خرابی ایجاد کنند. این خرابی ها با پیش گویی آرماگدون و پایان زمان هم تطابق خواهد داشت، پیش گویی هایی که بسیار مورد احترام آرکان های فیزیکی هستند. آنان هر کاری از دستشان بر آید انجام خواهند داد تا این پیش گویی ها بر آورده شوند. نیازی نیست نگران این برنامه ها باشید چراکه نیروهای نور برنامه های مقابله با این طرح را تهیه و تنظیم کرده اند .

آرکان های فیزیکی یسوعی هنوز کنترل برنامه کامپیوتری نظام مالی هوش مصنوعی منطق فازی که فالفورد در موردش صحبت می کند (مترجم :fuzzy logic :نوعی منطق که برای دادن تفکر انسانی به کامپیوترها استفاده می شود)را در اختیار دارند. حرکت مقاومت در زمان ریپوت شبکه در ۲۰، ۲۱ مه ، ویروسی وارد آن برنامه کرده، و حالا می تواند نظام مالی را ریپوت کند اگر/وقتی این کار برای عملیات نیروهای نور ضرورت داشته باشد .

آرکان های فیزیکی یسوعی در انقلاب مارس ۱۸۴۹/۱۸۴۸ بخش زیادی از سلطه و قدرتشان بر جمعیت را از دست دادند. بیشتر آنان سپس به سطوح پایین اختری و سطح اتریک رفته اند. آنهایی که روی سطح فیزیکی باقی ماندند هنوز به نحو غیرمستقیم و از طریق روسچیلدها، انسان ها را کنترل می کنند. روسچیلدها مستقل عمل نمی کنند و تحت امر اورلردهای آرکان یسوعی هستند .



انقلاب (استرولوژیک) ۲۰۱۲ نقطه عطفی است که بسیاری از مسائل درباره آرکان ها و شرایط سیاره تعیین خواهد شد. گراف ناولتی موج زمان Sheliak کاهش چشمگیری در انترویی تا ۲۱ ژوئن نشان می دهد، که نشانگر این نقطه عطف است.

کبرا

بروزرسانی وضعیت سیستم خورشیدی

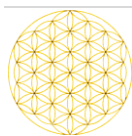
۹ فوریه

۲۰۱۵

فاز breakthrough (پیشروی، موفقیت) به این معنی است که نیروهای نور دیگر فقط بر روی مقابله با کابال و کیمرای متمرکز نیستند، بلکه مشغول کسب شتاب و حرکت لازم برای فاز breakthrough، "پیشروی" هستند Veil. یا پرده به آهستگی منحل می شود و قرنطینه هم به آرامی برداشته می شود. عملیات هایی در راه است تا نشت اطلاعات و افشاگریهایی از طریق رسانه های جمعی و از منابع سطح بالا در هندوستان و روسیه صورت گیرد. توقع می رود هنگامی که گروه کیمرای به اندازه کافی سلطه بر نیروهای نظامی روسیه و هند را از دست بدهد، این افشاگری ها رخ بدهند .

سیستم خورشیدی ما در ۲۶ هزار سال گذشته تحت سلطه امپراتوری اورپون/آندرومدای کیمرای و زیردستان دراکو و خزنده بوده، که به همین دلیل سیاره زمین عملاً در وضعیت "قرنطینه" قرار گرفت و از نژاد های فرازمینی مثبت ایزوله شد.

نیروهای نور مجبور شدند توافق عدم دخالت را بپذیرند که بر اساس این توافق، آنها (نیروهای نور) دخالت مستقیم در امور سطح زمین نخواهند داشت و در عوض، کیمرای نیز بر روی سطح



دخالت مستقیم نخواهد داشت. اگرچه این معاهده برای تکامل بشر در ۲۶ هزار سال گذشته کاملاً مضر بوده است، اما از اینکه انسانها مستقیماً توسط کیمرها و بردگان دراکو و رپتایلشان شکار شوند جلوگیری کرد. به دلیل این معاهده است که عوامل حرکت مقاومت با انسانهای روی زمین تماس نمی گیرند .

و به دلیل این معاهده است که رپتایل ها پس از سال ۱۹۹۶ که حضورشان زیر سطح زمین بسیار قدرتمند بود، با ۵۰۰ میلیون عضو حاضر، بطور وسیع به عنوان صبحانه در سطح شهرها و در انظار عموم انسانها را نخوردند. و به دلیل همین معاهده است که در مناسبتهای متعددی بمب های استرانجالت منفجر نشدند. به محض اینکه تهدید کیمرها برطرف شود، نیروهای نور بطور مستقیم روی سطح زمین اقدام خواهند کرد.

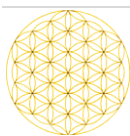
تلاش های غیر مستقیم برای فرار از قرنطینه در قرن ۱۹ شروع شد، هنگامی که پلایدیان ها جامعه مخفی NYMZA (باشگاه هوایی سونورا) را به ساختن هواپیماها الهام بخشی و هدایت کردند.

https://en.wikipedia.org/wiki/Charles_Dellschau

تسلا با NYMZA در رابطه بود و تلاش کرد وسیله ای برای سفر به مریخ بسازد. تلاش وی با شکست روبرو شد و پس از آن جان پیرپونت مورگان پشتیبانی مالی از تسلا را متوقف کرد. مارکونی از شاگردان تسلا بود و پس از مشاهده سرفتار کابال با تسلا، وی و معدودی (از جمله فولکانلی معروف) به آمریکای جنوبی نقل مکان کردند، و در ۱۹۳۷ یک شهر زیرزمینی مخفی در ناحیه آندس ساختند.

http://www.bibliotecapleyades.net/tesla/esp_tesla_35.htm

تسلا، مارکونی و فولکانلی همگی اعضای برادران ستاره Brotherhood of the Star هستند.

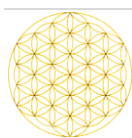


دومین تلاش پلایدیان ها برای نفوذ در دیوار قرنطینه در اوایل قرن بیستم و در قالب جامعه Thule/Vril در آلمان بود. اما بزودی نژاد های جنگ طلب کنترل برنامه فضایی آلمانی ها را بدست گرفتند، که در ادامه آن نازی ها در طول جنگ جهانی دوم یک پایگاه سری روی ماه ساختند. هرچیزی، مثل خودش را جذب می کند، و این پایگاه نازی کمی پس از پایان جنگ توسط خزندگان تصرف شد و همه پرسنل محو شدند .

اقدام مشخص تر برای نفوذ در قرنطینه، در ۲۰ فوریه ۱۹۵۴ انجام شد، هنگامی که پرزیدنت آیزنهاور در پایگاه هوایی ادواردز با نمایندگان پلایدیان و فرماندهی آشتار ملاقات کرد: <http://exopolitics.org/Study-Paper-8.htm> تحت فشار نیروهای نظامی منفی، آیزنهاور مجبور شد توافق با فرازمینیان مثبت را رد کند، و بعدا با زتاهای منفی و دراکوها معاهده امضا کرد .

با این حال، پلایدیان ها موفق شدند طی مذاکرات با نیروی نظامی منفی مجوز ساختن یک پایگاه سری زیر جزیره بورا بورا در پلینزی فرانسوی را بگیرند، به شرط آنکه وجود پایگاه برای جمعیت سطح زمین فاش نشود .

جیمز فرانسیس مکینتیر J M MacIntyre اسقف LA در جلسه پایگاه هوایی ادواردز حضور داشت و روند جلسه را به یسوعیان گزارش داد. عکسها و فیلمهایی از سفینه های پلایدیان که در زمان آن جلسه گرفته شده اند، در کتابخانه واتیکان نگهداری می شوند. یسوعیان همچنین دائما توسط نیروهای نظامی منفی در جریان گزارش های مربوط به همه فناوری هایی که ارتش از زتاها و دراکونیان دریافت کرده قرار می گیرند. در ۱۹۵۶ یک برنامه فضایی مخفی یسوعی آغاز



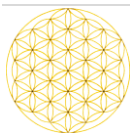
به کار کرد تا پایگاه هایی روی ماه و مریخ بسازند. این برنامه زیاد موفق نبود، و کنایه آمیز است که نام رمز آن “مارکونی” انتخاب شده بود.

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/solar-system-situation-update/>

برنامه فضایی سری واقعی در اوایل دهه ۶۰ شروع شد، یعنی هنگامی که گروه کیمرا به نیروهای نظامی منفی ایالات متحده، کشورهای اروپایی عضو ناتو، اتحاد جماهیر شوروی و چین اجازه دادند پایگاههای مشترک سری در مناطق معین ممنوعه روی ماه و مریخ بسازند. همچنین، یک توافقنامه سری میان کابل و مجموعه دراکو/رپتایل/زتا امضا شد که به موجب آن کابل در ساخت پایگاه های ماه و مریخ پشتیبانی فنی دریافت کرد و در مقابل آن نژاد های منفی اجازه یافتند درون زمین به همراه نیروهای نظامی منفی پایگاه های زیرزمینی بسازند.

پایگاه مشترک شوروی و ایالات متحده روی مریخ در سال ۱۹۶۴ ساخته شد و در چند دهه بعد گسترش یافت، و پایگاههای ماه و مریخ بیشتری به برنامه اضافه شد. پایگاه اصلی ماه در سمت دور آن ساخته شد و Lunar Operations Command، فرماندهی عملیات های ماه، LOC، نام گرفت.

کل برنامه فضایی سری “نگهبان شمسی solar warden” نامیده شد و ابرسربازان برجسته را در این برنامه پذیرش کردند و شستشوی مغزی دادند تا فکر کنند مشغول دفاع از زمین در برابر بیگانگان منفی هستند. برخی دیپلمات های سازمان ملل از وجود “نگهبان شمسی” مطلع بودند و ساده انگارانه تصور می کردند که یک برنامه جهانی برای دفاع از زمین در برابر یک تهدید بیگانه است. در واقع، هدف از برنامه فضایی مخفی، ساختن زیرساختهای انسان/دراکو در سراسر سیستم خورشیدی جهت تجاوز آرکان بود که سال ۱۹۹۶ رخ داد:



<https://authenticmentoring.wordpress.com/2014/08/04/how-many-whistle-blowers-does-it-take-to-expose-the-secret-space-program>

از جانب انسانها، این برنامه توسط چهار ناپاک (بوش پدر، هنری کیسینجر، دونالد رامسفلد، و دیک چنی) مدیریت می شد. چهار ناپاک، در حقیقت دراکونیان هستند که ۲۶ هزار سال پیش تناسخ انسانی یافتند و در حقیقت مشهودترین هیبریدهای دراکو-انسان هستند. دیک چنی رهبر سازمان شرکتی مریخ بود و ادعا داشت که مالک بدهی سیاره ای زمین به سازمان شرکتی مریخ و تمدن انشعابی است، که نیروی کار زمین را از طریق نظام بانکداری روسچیلدها دوشیده است:

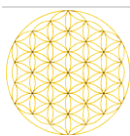
<http://newsinsideout.com/2015/02/disclosuregate-former-congress-members-bribed-cheneys-secret-mars-program>

نیروهای نور از بسیاری منافذ به نگهبان شمسی نفوذ کرده اند. آیزنهاور که توسط کابل تحت فشار قرار گرفت و مجبور شد با نیروها و نژاد های منفی همراهی کند، برخی سلول های مخفی درون برنامه نگهبان شمسی ایجاد کرد که برای جبهه نور فعالیت می کردند.

<https://prepareforchange.net/2015/11/01/solar-system-situation-update/>

همچنین تیم های مخفی از طرف “سازمان” (پیش از ادغام با حرکت مقاومت) به برنامه Solar Warden “نگهبان شمسی” نفوذ کردند. سازمان همچنین با آندرومدایی های مثبت که به خوبی از شرایط این سیستم خورشیدی مطلع بودند همکاری داشتند.

نیروهای نور پایگاه قمری خودشان را درون دهانه Tycho ساختند، و در ۱۹۸۳ از آنجا بازدید کردم. یک ساختار گنبدی عظیم بود با یک استخر شنای عالی داخل آن، که از آنجا می توانستم



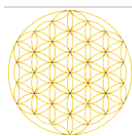
زمین را نگاه کنم. سال های بعد لحظه سورئالی تجربه کردم که در استخری مشابه روی زمین بودم، که با سقفی گنبدی پوشیده شده بود، و ماه را در حال اوج گرفتن در آسمان نگاه می کردم. در آن لحظه سردرگمی و آشوبی در مغز من به پا شد، زیرا به جای قرص زمین ماه را می دیدم!

پس از تجاوز آرکان در سال ۱۹۹۶، سیستم خورشیدی پر از موجودات دراکو و خزنده شد. پایگاه نظامی اصلی آنان روی Charon (قمر پلوتو) است و دژ های بسیاری در کمربند سیارکی اصلی دارند. در آن چارچوب زمانی، افراد کلیدی بسیاری به پایگاه های نظامی زیرزمینی منتقل شده و علیه فدراسیون کهکشانی و فرماندهی آشتار برنامه دهی ذهنی تروماتیک شدند. به همین دلیل اکنون بسیاری به شدت با فرماندهی آشتار ضدیت دارند.

در طی یک عملیات تهاجمی گسترده برای آزادسازی که بین سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ انجام شد، نیروهای نور از حرکت مقاومت، پلایدیان ها، سیریوسی ها و ناوگان آندرومدا و فرماندهی آشتار اکثریت وسیع موجودات دراکو و رپتایل را از سیستم خورشیدی پاکسازی کردند.

پس از ۲۰۰۴، باقی مانده نیروهای دراکو و رپتایل از نزدیک با “چهار ناپاک” وارد همکاری شدند تا از زمین در برابر ناوگان نیروهای فدراسیون کهکشانی و عملیات آزادسازی مراقبت کنند. آنها همچنین ابرسربازان برنامه نگهبان شمسی را کنترل و مانیپولید می کنند تا با نور ضدیت کنند. بین سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲ نیروهای نور سیستم خورشیدی را از تمامی موجودات دراکو و رپتایل پاکسازی کردند به استثنای آنان که از نزدیک با کیمرای همکاری داشتند. در این چارچوب زمانی، “نگهبان شمسی” عمدتاً از دو مکان اجرا و عملیاتی می شد.

عملیات های ساب لونار و عملیات های داخل مدار زمین با وسایل سابلونار X-22A ، SR-33A ، و TR3-B از پایگاه هوایی پترسون در کلرادو عملیاتی می شد که مقرر فرماندهی NORAD



(شبکه راداری شناسایی یوفو) و نیز مرکز فرماندهی فضایی نیروی هوایی هم هست.

http://www.aliendave.com/Article_US_SpaceBase_UTAH.html

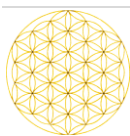
https://en.wikipedia.org/wiki/Peterson_Air_Force_Base

عملیات های سیستم خورشیدی از پایگاه زیرزمینی کینگز پیک در یوتا اجرا می شد، که بیشتر زیرساخت ها و پرسنل این پایگاه وقتی ۵۱ و پایگاه S4 بیش از حد شناخته شدند، از این دو مکان به آنجا منتقل شد .

در سال ۲۰۱۲ نیروهای نور “نگهبان شمسی” را بستند و از آن موقع تا به حال کابال زمینگیر شده است و اکنون شدیداً به وعده های توخالی کیمرا چشم دوخته اند که کیمرا نجاتشان دهد و از بازداشت های جمعی سیاره ای رها شوند. اکنون احساس طردشدگی دارند و کم کم نگران می شوند:

<http://www.zerohedge.com/news/2015-01-31/what-do-they-know-why-are-so-many-super-wealthy-preparing-bug-out-locations?page=2>

از اوایل سال قبل (۲۰۱۴) ، نیروهای نور مستقیماً با کیمرا درگیر شده اند. از ژانویه امسال (۲۰۱۵)، با پاکسازی بمب های استرانجالت و توپلت فیزیکی، عملیات ها برای پاکسازی این سیستم خورشیدی از آخرین ته مانده های تاریکی در جریان است. نام این عملیات MOSS ، Multidimensional Operations Solar System است. این عملیات هنوز در جریان است. پیشرفت های مهمی در روزهای اخیر صورت گرفته است. پس از تکمیل موفقیت آمیز MOSS و در حدود زمان وقوع رخداد، Disclosure افشاگری و First Contact تماس نخست رخ خواهد داد، و این پایان قرنطینه زمین خواهد بود.



تقویم اتفاقات خطوط زمانی گذشته:

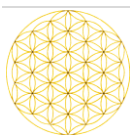
جنگ های اتحادیه بیگانگان منفی بر علیه انسان از خطوط زمانی جنگهای لیرا و اورپون در جهان های هارمونیک بالاتر سرچشمه می گیرد. زمانیکه گهواره لیرا و چندین سیاره منفجر شدند و در ادامه به نابودی دروازه ستاره ای آندرومدا منجر شد، و باعث شد تا انسانها در یک سیستم سقوط کرده گیر بیفتند. این جنگها به تدریج تبدیل به چالش هایی برای کنترل و سلطه بر زمین D 3 شدند. پیمان لوسیفری فرزندان بلیال و برنامه خورشید سیاه در نهایت باهم متحد شدند و هوش مصنوعی اتحادیه بیگانگان منفی و دستور کار خط زمانی ۹۱۱ که در حال حاضر در جریان است را بوجود آوردند .

اطلاعاتی که در ادامه ارائه می شود، جهت آشنایی با حوادث و معانی آنها در خطوط زمانی تاریخ کهکشانیست، و همچنین در معرض دید قرار دادن رویدادهاست، و همچنین کمک به تشریح روحی به قانون وحدت، که قسمتی از آگاهی کیهانی کرایست است. این اطلاعات نباید به عنوان اطلاعات مطلق و قطعی تلقی شوند، بلکه برای کمک به بهبود و تسریع فرصتهای فردی و جمعی حال حاضر ارائه می شوند. این اطلاعات باید به عنوان مفاهیمی که در حوزه تاریخ خطوط زمانی مهم هستند و زندگی همه انسانها را تحت تاثیر قرار داده اند، مورد توجه قرار بگیرند:

لیزا رینی

تقویم خطوط زمانی ۱:

۲۰ میلیون سال پیش



_ جنگهای لیرا

_ جنگهای اوریون

_ برنامه ظالم و مظلوم

اتفاقات مهم:

جنگهای کهکشانی مهم بر علیه انسان، نظارت الوهیم سیریان بر ایجاد بذر 5 انسان،
_ نفرت ژنتیکی،

_ موجودات سیاهچاله،

_ چالش بذر ضد کرایست.

تقویم خطوط زمانی ۲:

جنگ های الکتریکی

پنج میلیون سال پیش

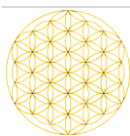
اتفاقات مهم:

_ جنگهای نژادی بر علیه اولین نژاد ریشه،

_ دیوار در زمان،

_ جداسدگی از دی ان ای ۱۲ شاخه ای،

_ نیاز به جمع آوری قطعات آگاهی در خطوط زمانی،



_انقطاع روح در سطوح 2 d و d4،

_ماموریت های نجات ارواح.

تقویم خطوط زمانی ۳:

جنگهای هزاران ساله

یک میلیون سال پیش

اتفاقات مهم:

_جنگ بر علیه «واقعیت‌های برپایه قانون وحدت»،

_چالش های دستور کار خودم‌محور بر علیه دستور کار خدمت به دیگران،

_اولین نژادهای هیبرید دراگو،

_و جنگهای الوهیم و آنوناکی خزنده.

تقویم خطوط زمانی ۴:

جنگ های نفیلیم

۷۵۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_برنامه زاد و ولد آنوناکی خزنده،

_دومین تلاش نفیلیم برای ایجاد بذر با مخالفت الوهیم مواجه می شود،

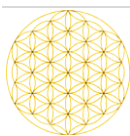
_شکاف دی ان ای بین ملچیزدک و آنو (خزنده)،

_مهر ۶۶۶: قرنطینه در منظومه خورشیدی.

تقویم خطوط زمانی ۵:

نسل کشی لموری ها

۵۲۰۰۰ سال پیش



اتفاقات مهم:

- _ اولین نسل کشی مهم سیاره زمین،
- _ تجاوز فریبکارانه پنهانی دراکوها از طریق تونل های زیرزمینی،
- _ عصر یخبندان و ویرانی های ناشی از شرایط آب و هوایی.

تقویم خطوط زمانی ۶:

نسل کشی آتلانتیس
۳۰۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

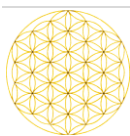
- _ نیروهای آنوناکی خزنده و ملچیزدک پدرسالار زمین داخلی را تصرف می کنند،
- _ انفجار شبکه کریستالی ژنراتور قدرت هسته زمین،
- _ و نسل کشی عمدی خط خونی جام کریستوس.

تقویم خطوط زمانی ۷:

شورش لوسیفری و برنامه آرماگدون
۲۶۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

- _ در انتهای وقایع آتلانتیس، شورش به اوج میرسد،
- _ پایان عصر،
- _ فرزندان بلیال، سرافیم را به بردگی می گیرند،
- _ جنگ های مایکل،
- _ الگوسازی دشمنی،
- _ و جنگهای شبکه عقاب طلایی.



تقویم خطوط زمانی ۸:

قتل عام Eieyani

و لوح زمرد

۲۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

— شروع خط زمانی برای هرمتیسیم،

— کابالای مخفی،

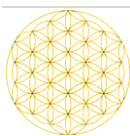
— شکل گیری مکاتب سری و جوامع مخفی برای پنهان کردن دانش باستانی از دید عموم.

هرمتیزم:

هرمتیسیم که هرمتیزم هم گفته می شود، یک مکتب فلسفی- دینی است با سنتهای مخفی که اساساً بر پایه نوشته های منتصب به **Hermes Trismegistus** می باشد. این نوشته ها به شدت سنتهای مخفی غرب را تحت تاثیر قرار دادند و در طول دوره های رنسانس و اصلاحات از اهمیت بالایی برخوردار بودند. این سنت، منشأ خود را الهیات پریسکا معرفی می کند، دکترینی که وجود یک الهیات واحد و حقیقی را در همه ادیان، حاضر میدانند که توسط خدا مدتها پیش به انسان داده شد.

خیلی از نویسندگان، مثل **Lactantius** ، **Augustine**، **Cyprian of Carthage**، **Marsilio Fixing**، **Giovanni Pico**، **Campanella**، **Sir Thomas Brown**، **Waldo Emerson**، هرمتس را یک پیامبر پیگن باخرد میدانند که ظهور مسیحیت را پیش بینی کرد.

تقویم خطوط زمانی ۹:



شورش خط زمانی صعود

۲۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

گروه های اتحادیه بیگانگان منفی باهم بر سر قلمروهای زمین و به بردگی کشیدن انسانها به توافق رسیدند، کولونی های برده داری، تجارت کهکشانی منابع زمین، سلطه رپتیلیان ها بر انسانهای زمین.

تقویم خطوط زمانی ۱۰:

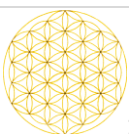
قتل عام سلطیک/قربانی های دروید

۲۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_دستور کار نسل کشی برای حذف تبار ژنتیکی جام شاهان سلطیک و آموزه های کرایست
ملچیزدک از آتلانتیس،
_شکار RH منفی،
_گسترش اطلاعات غلط،
_نابودی حافظه های منشأ ستارگان و مصنوعات.

خون RH منفی، از لحاظ ارثی، خونپست بدون کارما؛ و میازمای (انرژی مرده) اجدادی از نسل های گذشته انسان، بر خلاف آنچه در الگوهای خونی کارمیک می بینیم، در آن ثبت نمی شود. الگوهای کارمیک (میازما) از زندگی های مکرر روی زمین مانند اثرات انرژیستیک هستند که در خون همه موجوداتی که در این بعد متولد شده اند، ثبت می شود. منشأ خون RH منفی، ستاره ایست، به همین دلیل به کسانی که این خون را دارند، بذر ستاره ای می گویند.



به دلیل خصوصیات این خون، کالبد‌های روحی انرژی بالتر تمایل دارند به عملکرد در سطوح گسترده و پیشرفته، که شامل توانایی‌های بالتر حسی مثل تلمپاتی، توانایی‌های امپات، روشن بینی، روشن شنوایی، شهود مستقیم، خوانش انرژی‌ها، تماس با فرازمینی‌ها و هوشیاری که می‌تواند به تمایلات خیرخواهانه بالتری در قبال انسان‌های دیگر منجر شود. این خط خونی دارای یک رزونانس طبیعی برای اتصال مجدد با فعالسازی دی ان ای است. به همین دلیل، موجوداتی مثل خاکستری‌ها، کدهای ژنتیکی را مطالعه می‌کنند تا بتوانند دی ان ای را بازتولید کنند، و انسان‌های بیشتری با این گروه خونی را بدزدند.

تقویم خطوط زمانی ۱۱:

تجاوز وایکینگ Sachon – Thoth

۲۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ گروه‌های متجاوز توس

آخرین حملات وایکینگ‌ها به خطوط سلطیک جهت نابودی و حذف تاریخ آتلانتیس، گسترش حافظه‌های کاذب در رابطه با سلت‌ها و خط خونی دروید.

تقویم خطوط زمانی ۱۲:

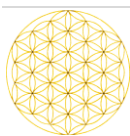
پیمان لوسیفری

۱۱۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ دستور کار ضد انسان و ضد کرایست برای سلطه بر سیاره از طرف اتحادیه بیگانگان منفی؛

این دستور کار توسط نیروهای لوسیفری کنترل میشود، و بنابراین به نام پیمان لوسیفری



نامیده می شود.

_خطوط ایلومیناتی.

تقویم خطوط زمانی ۱۳:

پایگاه قمری

کولونی ماه و برنامه بیچارگی جنسی

۱۱۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ماه یک سازه مصنوعیست که در جنگ به غنیمت گرفته شده و برای استفاده جهت پایگاه

بیگانگان خاکستری و رپتایلین انسان، تغییر کاربری داده شده،

_استفاده برای انتقال شبکه های کنترل ذهن،

_تله ارواح.

تقویم خطوط زمانی ۱۴:

سیل آتلانتیس

۱۱۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

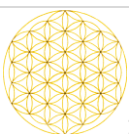
_تصرف و نابودی دروازه ستاره ای گیزا،

_سمت پیروز در جنگ شروع به باز نویسی و تحریف حافظه های تاریخی و خطوط زمانی

کاذب کردند،

_سیل و نسل کشی.

تقویم خطوط زمانی ۱۵:



تجاوز سومر - مصر

۱۰۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ اولین مرحله از تسلط بر دروازه دهم ایران - عراق،

_ تشکیلات خاورمیانه و سازماندهی برادری مار از خط زمانی آتلانتیس،

_ گروه توس و شبکه فونیکس برای کنترل بر دروازه ستاره ای گیزا،

_ کرم چاله تیامات.

تقویم خطوط زمانی ۱۶:

تجاوز شوالیه های معبد قتل عام نژادهای Essene معبد

۹۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

تسلط بر خطوط معبد سلتی، تلاش اتحادیه بیگانگان منفی برای ایجاد نسل برتر کنترل

کنندگان برای زمین،

_ خط خونی فراماسونری

_ قتل عام کسانی که اطاعت نکردند،

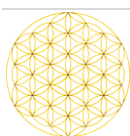
_ دستور کار دانش سری.

تقویم خطوط زمانی ۱۷:

جنگهای Centaurian

۸۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:



_تلاش نژادهای آلفا سنچوری برای آزادسازی زمین از سلطه نژادهای اتحادیه بیگانگان منفی،
_نفوذ در استون هنج و خط زمانی D11،
_سرقت ناموفق.

تقویم خطوط زمانی ۱۸:

تجاوز مایا
۵۵۰۰ سال پیش
اتفاقات مهم:

_دستور کار نسل کشی برای نابود کردن همه خطوط خونی دی ان ای ۱۲ شاخه ای از قبیله
های مایا، که مرتبط است با تمدنی که صعود کردند و از سیاره خارج شدند.

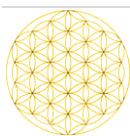
تقویم خطوط زمانی ۱۹:

قتل عام سومر/بابل
۵۵۰۰ سال پیش
اتفاقات مهم:

_غیر فعالسازی دی ان ای و پاک کردن حافظه های آگاهی و هویت،
_مخلوط کردن زبان ها و علائم دی ان ای،
_اختلال غدد،
_مرگ زودرس.

تقویم خطوط زمانی ۲۰:

تجاوز Djoser
۵۰۰۰ سال پیش



اتفاقات مهم:

تجاوز Sakkara از کرم چاله D5

رژیم نفوذ

تسلط بر پرتال ها

قربانی خون و استفاده از سیستم SRA پیشرفته زیر زمینی برای قدرت.

تقویم خطوط زمانی ۲۱:

جنگ های دریای مرده و قتل عام Masada

۴۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

جنگ برای حفظ کنترل در خاورمیانه،

نابودی خیلی از شهرها در این ناحیه،

ردیابی گروه های Essene و قتل عام آنها.

تقویم خطوط زمانی ۲۲:

تجاوز شاه Hyksos و Exodus

۳۶۰۰ سال پیش

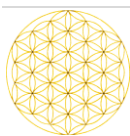
اتفاقات مهم:

نیروهای Sakkara اتحادیه بیگانگان منفی به خطوط فرعون مصر از طریق Thutmose

نفوذ کردند،

جنگ بر سر کنترل بر دروازه ستاره ای و ابزارهای Grail.

تقویم خطوط زمانی ۲۳:



جنگهای اسرائیل و اورشلیم

۳۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ برنامه هایی برای حذف همه انسانهایی که دانش معبدی Essene داشتند.

تقویم خطوط زمانی ۲۴:

تجاوز Hatshepsut

۳۴۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ مخفی کردن تکنولوژی پرتال کمان توسط Hatshepsut ،

_ حفاظت از سیستم پرتال در برابر دراکو Thutmose ،

_ نهایی کردن نابودی Hyksos از مصر.

تقویم خطوط زمانی ۲۵:

سقوط و قتل آخناتون

۳۳۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ فاصله آخناتون از سیاست،

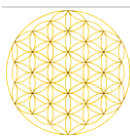
_ تلاش برای کمک به صعود انسان بر اساس قانون وحدت،

_ آزادسازی ارواح گرفتار شده،

_ تلاش برای براندازی مناسک قربانی خون و کودک که توسط کشیش آمون انجام می شد،

_ پارگی های پرتال زیرزمینی D2،

_ کمپین ترور شخصیت.



تقویم خطوط زمانی ۲۶:

نابودی معبد سلیمان

۳۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ تسلط بر دروازه ستاره ای جام Grail از طریق تکنولوژی آرک،

_ نسل کشی،

_ تلاش شاه سلیمان برای براندازی خطوط Hyksos،

_ نابودی معبد و شبکه هولوگرافیک توسط اتحادیه بیگانگان منفی.

تقویم خطوط زمانی ۲۷:

عصر آهن کریستوس - سوفیا

ماموریت عیسی مسیح

۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ ماموریت کریستوس سیریوس B برای ترمیم دروازه های ستاره ای استون هنج و گیزه،

_ شبکه ترمیم خط زمانی جهت آمادگی برای خط زمانی صعود و بازیابی کالبد خورشیدی

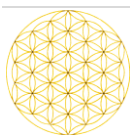
الماس کریستوس در خط زمانی ۲۰۱۲.

تقویم خطوط زمانی ۲۸:

تجاوز دراکو و رم

۲۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:



_ نفوذ دراکو ها به متون مقدس یونان و ایتالیا برای ایجاد کلیسای رم و گسترش کنترل ذهن دینی از طریق کاتولیسیم،
_ تقابل با ماموریت کریستوس.

تقویم خطوط زمانی ۲۹:

مجمع Nicea

۱۷۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ اتحادیه بیگانگان منفی و شوالیه های لوسیفری معبد، ماموریت کریستوس و منشأ ستاره ای انسانها را مخفی می کنند،

_ پرستش بیگانگان منفی به عنوان خدایان و قربانی خون که وارد انجیل های کلیسا شد

تقویم خطوط زمانی ۳۰:

ظهور سیستم های اعتقادی اتحادیه بیگانگان منفی،

کنترل ذهن آرماگدون،

۱۷۰۰ سال پیش

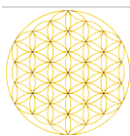
اتفاقات مهم:

_ گسترش عمدی خشونت دینی جهانی برپایه مناسک شیطانی قربانی خون،

_ جنگهای مقدس و پرستش خدایان بیگانه پدر کاذب،

_ نرم افزار کنترل ذهن آرماگدون به فاجعه آتلانتیس و کمپین های نسل کشی انسانها متصل می شود.

تقویم خطوط زمانی ۳۱:



تجاوز ساکسون و براندازی جام آرتور

۱۴۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ تجاوز به بریتانیا برای تسلط بر قلمرو و پرتال یازدهم،

_ قتل شاه آرتور (جام مقدس) و تیم حمایت کننده او،

_ آخرین شاه خیرخواه جام،

_ جایگزینی حکومت توسط شاه کاذب استبداد.

تقویم خطوط زمانی ۳۲:

جنگهای مسیحیت دراگو

۱۰۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ استفاده از جنگهای دینی خشن برای قربانی خون،

_ ایمپلانتهای تصلیب گرفتار کننده روح و سیستم بیگانه خون Martyrs در زمین،

_ ایجاد سیستم های قلب سیاه و معکوس سازی ضد زندگی روی شبکه.

تقویم خطوط زمانی ۳۳:

نسل کشی Cathar

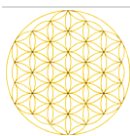
۷۸۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ جنگهای Albigensian توسط کلیسای رم،

(فرقه ای در جنوب فرانسه که در قرون دوازدهم و سیزدهم شهرت یافت و بعدها به

جرم ارتداد سرکوب گردید)



به دام انداختن Cathar ها و زنده سوزاندن آنها در جنوب فرانسه،
تلاش برای حذف دانش معبدی Essene خارج از کنترل کلیسا.

تقویم خطوط زمانی ۳۴:

جنگ های آمریکا،

نسل کشی بومیان آمریکا،

۵۰۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

نسل کشی بومیان،

نابودی خطوط خونی بومی که دارای دانش معبدی شبکه های زمین بودند،

تشکیل جوامع مخفی در ایالات متحده آمریکا برای کنترل جهانی.

تقویم خطوط زمانی ۳۵:

ایمپلنت های NRG،

برنامه کنترل ذهن بیچارگی جنسی

۲۵۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

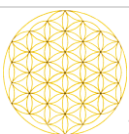
اتحادیه بیگانگان منفی و فدراسیون کهکشانی شروع کردند به تماس با خطوط خونی خودشان

برای کانال کردن و تبلیغات برای آماده سازی عصر جدید، برنامه های کنترل ذهن بیچارگی

جنسی و ایمپلنتها برای دزدی انرژی های خلاق جنسی انسان،

برنامه های زاد و ولد هیبرید بیگانه.

تقویم خطوط زمانی ۳۶:



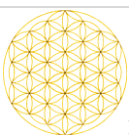
آلیستر کراولی،
شبکه های جادوی سیاه،
جریان اصلی شیطان پرستی
۱۱۵ سال پیش
اتفاقات مهم:

_دزدیده شدگان به دست اتحادیه بیگانگان منفی با جریان نفوذ زتا به شبکه های زمین
همکاری می کنند،
_تشکیل جادوی سیاه شیطانی،
_قربانی خون و پرتال هایی که به جمع آوری انرژی انسانها می پردازند.
تقویم خطوط زمانی ۳۷:

سیستم کنترل زتا،
آدم ربایی و زاد و ولد
۱۰۰ سال پیش
اتفاقات مهم:

_همکاری زتاها با گروه اوریون در جهت دستور کار تجاوز اتحادیه بیگانگان منفی،
_بردگی انسانها و کنترل قلمرو.
تقویم خطوط زمانی ۳۸:

دستور کار جنگ جهانی برنامه خورشید سیاه،
جنگهای جهانی.
۱۰۰ سال پیش
اتفاقات مهم:



_ایجاد سوراخ در شبکه حفاظتی زمین،

_گروه‌های اورپون و زتا جنگ‌های جهانی را مدیریت کردند تا EMF (میدان های زمین) را تضعیف کنند،

_بمب های هسته ای،

_نفوذ در پرتال ها توسط ایجاد سوراخ در تارو پود فضا-زمان.

تقویم خطوط زمانی ۳۹:

جنگ جهانی دوم،

نوردیک ها،

شبکه های قربانی خون انسان.

۸۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

_بعد از جنگ جهانی اول، ماشین آلات و ایمپلنت های پیچیده به شبکه زمین وارد می شوند

به هدف سرقت روح و قربانی خون برای اتحادیه بیگانگان منفی در حین جنگها و کشتارها،

_گسترش جنگ اقتصادی و بردگی جهانی.

تقویم خطوط زمانی ۴۰:

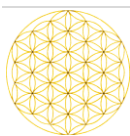
نفوذ نازیسم،

جنگ روحی روانی علیه کل انسانها،

MKULTRA

۷۵ سال پیش

اتفاقات مهم:



_ گروه اورپون، گروه‌های نازی را برای رفتن به زیر زمین و نفوذ در طبقه نخبه و گروه‌های هوشمند، کنترل و هدایت می‌کند،

_ تکنولوژی بیگانه های نوردیک و آزمایشات SRA برای کنترل ذهن جمعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد،

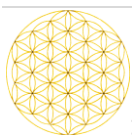
_ استیصال و ناامیدی آموخته شده،

_ شرطی سازی پاولفی.

برنامه ریزی ناخودآگاه با مکانیزم پاولفی:

اتحادیه بیگانگان منفی برای جلوگیری از بیداری، صعود و رسیدن عده زیادی از انسانها به آزادی آگاهی، از برنامه شرطی سازی کلاسیک پاولفی استفاده می‌کند و از این طریق لایه های ناخودآگاه را مورد هدف قرار می‌دهند که در نتیجه این اقدام، افراد در پایین ترین ارتعاشات و پالسهای ممکن، فکر و عمل می‌کنند.

اگر ما به طیف امواج قرمز با فرکانسهای خیلی پایین که در لایه 1 D برای برنامه ریزی ناخودآگاه استفاده میشود، نگاهی بیندازیم، قطبیت‌های منفی اصلی، برای تولید برنامه ظالم- مظلوم، ارباب و تهدید، آگاهی فقر و بقا، خشونت و ویرانی، بیچارگی جنسی و سردرگمی جنسیتی و سایر برنامه های ترس محور استفاده میشوند. یک جریان تاسف بار که در بین جمعیت عامه وجود دارد افزایش رفتارهای خشونت آمیز و غیر انسانیست. این رفتارهای منفی از طریق کلمات رکیک و زشت، نیات منفی و ابزارهای فیزیکی در موقعیتهای اجتماعی 3 D معمول و در هنگام درگرفتن اختلافات، در حال گسترش است .



چرا انسانها با یکدیگر بد رفتار می کنند؟

این مسئله با برنامه ریزی عامدانه است. «برنامه دهی ناخودآگاه» برای ایجاد شکارچیان و ذهن های بی ثبات مورد استفاده قرار می گیرد و با فرکانسهای بسیار پایین، لایه های پنهان ناخودآگاه را هدف قرار می دهند که در واقع حمله ایست به حواس انسان در جهت بوجود آوردن ترس و خشونت. این مسئله برخی از انسانها را به لحاظ ذهنی درگیر کرده و باعث شده هر چیزی که به زعم خودشان حس ایگوی آنها را تهدید کند، برنتابند.

تقویم خطوط زمانی ۴۱:

عملیات سیاه،

برنامه های مخفی فضایی،

کولونی های فضایی و قاچاق انسان.

۷۵ سال پیش

اتفاقات مهم:

_ دولت ایالات متحده آمریکا به گروههای مختلف مخفی برای تحقیقات منشعب می شود،

_ مطالعه و مخفی کردن تماس با بیگانه ها و تکنولوژی فضایی از مردم،

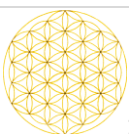
_ تجارت کهکشانی برده انسان به شکل گسترده سازماندهی می شود.

تقویم خطوط زمانی ۴۲:

دخالت گروههای اوریون،

۴۰ سال پیش

اتفاقات مهم:



گروه های اوریون، نژادهای بیشتری از رپتایل ها را برای پیوستن به اتحادیه بیگانگان منفی متحد می کنند تا برای نبرد نهایی برای خطوط زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ آماده شوند،
و برنامه تقسیم غنائم جنگ.

تقویم خطوط زمانی ۴۳:

توافق پلیدیان ها و سیریان ها
۳۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

فدراسیون کهکشانی از پشتیبانی خط زمانی صعود به عنوان جبهه ی مبارزه برای کنترل کامل بر طرح های سرقت جنبش معنوی عصر جدید استفاده میکند،
افزایش کانال کردن اطلاعات در عصر جدید.

تقویم خطوط زمانی ۴۴:

تجاوز Necromiton

۳۰ سال پیش

اتفاقات مهم:

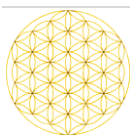
گروه های اوریون، نیروهای نکرومیتن را به عنوان یکی از بازوهای کنترلی اتحادیه بیگانگان منفی متحد می کنند، برای کمک به برنامه های سری فضایی و بلک آپ (عملیات های سیاه)،
متعلق به مجتمع نظامی

تقویم خطوط زمانی ۴۵:

بذر ضد کریستوس سوفیا،

ازازیل و لیلیث سیاه

۲۵ سال پیش



اتفاقات مهم:

_ ایجاد برنامه ضد هیروگامیک (ضد ازدواج مقدس) در دروازه ستاره ای پرو برای نابودی معادل ژنتیکی و اتحاد مقدس جفت روحی در طول صعود،
_ قرار دادن معکوس کننده های هوش مصنوعی و کلون ها،
که به عنوان برنامه نیش عشقی بیگانه شناخته می شود؛

Love Bite Manipulation

روش نفوذ و آسیب از طریق روابط عاطفی:

یکی از روشهایی که از طریق روابط زناشویی اعمال میشود و با استفاده از این روش سعی می کنند از بیداری زن جلوگیری کنند:

تمایلات خشن از طریق مردها در رابطه با زنها از این روش به اجرا گذاشته میشود. این روش معمولاً در مواقعی استفاده میشود که هدف، پایین نگه داشتن فرکانس زن از طریق رفتارهای خشن جنسی، فیزیکی و روانی سطح پایین است. در این موارد، مرد یا تسخیر شده یا تحت نفوذ تصاویر شهوانی انحرافی قرار می گیرد و در این شرایط سعی می کند تمایلات جنسی انحرافی را که شامل فانتزیهایی از نوع سلطه گری و اعمال خشونت است را در قبال همسرش اجرا کند .

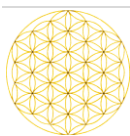
ابتدال، انحرافات جنسی، و تمایل به کنترل و سلطه، خصوصیات اصلی دستور کار رپتایلین ها بر انسانهاست .

در این روش، مرد مدام نسبت به زن خشمگین میشود و مدام تصاویری از خیانت همسرش به ذهن مرد فرستاده میشود تا مرد به شدت نسبت به زن خشمگین شود.

تقویم خطوط زمانی ۴۶:

جنگ بر علیه بذرهای ستاره ای، ایندیگوها و انسانهای. Angelic.

۱۷ سال پیش



اتفاقات مهم:

_ گروه‌های اتحادیه بیگانگان منفی توافق گروگان را پیشنهاد می‌کنند به این هدف که قبل از دستور کار نابودی آرماگدون یا تغییر قطب‌ها، انتقال انسان‌های منتخب توسط نژاد محافظ لیرا-سیریان، انجام شود.

تقویم خطوط زمانی ۴۷، قسمت آخر:

شروع خط زمانی ۹۱۱،

دستور کار NWO (نظم نوین جهانی) برای اشاعه خط زمانی کاذب هوش مصنوعی.

۱۶ سال پیش

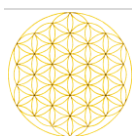
اتفاقات مهم:

اتحادیه بیگانگان منفی توسط عملیات یازده سپتامبر، خطی بر شنها می‌کشد تا خطوط زمان را تحت سلطه بگیرد، و از طریق ادغام ابعاد، صعود را دور بزنند، اجرای دستور کار ترانس اومانیزم توسط اتحادیه بیگانگان منفی،
_ عملیات بذر ستاره ای کریستوس به مرحله ترمیم خطوط صعود، بروزرسانی شد.

جنگ های کهکشانی

جنگ‌های الکتریکی:

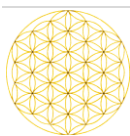
جنگ‌های بزرگی بر علیه اولین نژاد ریشه انسان انجام شده که به جنگ‌های الکتریکی مشهور هستند، برخورد ها و چالش هایی برای سلطه بر قلمروهای زمین و پادشاهی انسان (Christ)، که بعد از جنگ‌های لیرا با گروه اوریون که در طی آنها سیاره های لیرا نابود شدند، اتفاق افتادند. این جنگ‌های نژادی، بعد از جنگ‌های اوریون با لیرا ادامه پیدا کردند، که با دستکاری ژنتیکی و آسیب به دی ان ای در طی انفجارها ایجاد شدند، و با انحراف ژنتیکی و تکاملی سایر نژادها همراه شد. لیرا-الوهیم و نژادهای موسس باهم مذاکره کردند تا مطمئن شوند که تکامل نژادهای انسان



در ابعاد پایین زمین (تارا و گایا) ادامه پیدا خواهد کرد، اما تارا و گایا از قلمروهای بالاتر جدا شدند تا موجودات و ابعاد بالاتر در مقابل همه دستکاریها و آسیبهای ژنتیکی که بر علیه نژاد انسان صورت می گیرد، محافظت شوند. اکنون انسانها تحت یک فرآیند تکاملی آهسته هستند تا دی ان ای خود را بازسازی و ترمیم کنند و بتوانند آلودگی هایشان را پاک کنند تا اجازه داشته باشند دوباره به خانواده های کیهانی خود دسترسی داشته باشند. در اثر این آسیبها کالبدهای ما قرنطینه شد و از آگاهی دی ان ای ۱۲ رشته ای خود جدا شدیم، و این تغییر در ما باعث شد یک جدایی بین «خود ذره ای ما» و «خود ضد ذره ای ما» ایجاد شود، به این معنی که اکنون ما «جدایی و دوگانگی» را تجربه می کنیم. بسیاری آسیب های دیگر به ساختار طراحی و آگاهی نژادهای انسان از طریق بذرافشانی ها و چرخه های تکاملی بعدی اعمال شد. به این معنی که ما جدایی از آگاهی های سایر جنبه های خودمان را تجربه می کنیم که شامل لایه های کالبد نوریمان می شود. برای شروع فرآیند هیلینگ و درمان قطعات جدا شده آگاهی، می توانیم پروسه یکپارچه سازی ایستگاههای هویت و لایه های آگاهی آنها از طریق میادین زمان (ابعاد) را که در طول تناسخ های مکرر جدا شده اند، را انجام دهیم. می توانیم یکپارچه سازی آگاهی را با فراخوانی قطعات لموری خود از طریق چاکرای دوم و قطعات آتلانتیسی از طریق چاکرای سوم و ذهن آگاه انجام دهیم. کالبد اختری بعدچهارمی انسان می تواند قطعات سوم و چهارم نژاد ریشه را به عنوان قسمتی از کالبد روحی-احساسی جدا شده خود که به دلیل دستکاریهای اعمال شده به طرح میدان مورفوژنتیک ما و آسیبهای دی ان ای، جدا شده را یکپارچه سازی کند. بنابراین یکی دیگر از مسائل مهم نژاد انسان اینست که ما مسئول جمع آوری قطعات آگاهی خود از سایر چرخه های تکاملی و ژنتیکی نژادهای ریشه هستیم.

هایپربوریها:

هنگامی که جنگ های الکتریکی برای هایپربوریها رخ داد، آنها از همتایان بالاتر خود در ستاره قطبی (پولاریس) جدا افتادند. بنابراین، هنگامی که به پولاریسیها و هایپربوریها فکر می کنید، بدانید که اینها بخشی از اولین نژادهای ریشه هستند که همواره بذرشان به عنوان بخشی از



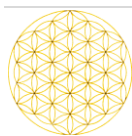
روحي كاشته شد كه وارد يك بدن فيزيكي مي‌شود و داراي يك آگاهي هستند. تا تجارب مختلفي را روي يك سياره در قالب يك جسم داشته باشند. هايپربوري‌ها در مراحل ابتدايي در يك عصر طلايي بودند اما در نهايت جنگ‌هاي الكتريكي رخ داد. و باز هم اين بخشي از كارهاي گروه اوريون و درگيري بر سر قلمرو و سلطه در سياره‌هاي مختلف مانند زمين است.

چه كسي قرار است در اينجا بذرافشاني كند؟ چه كسي قرار است كه اينجا زندگي كند؟ چرا شما اينجا باشيد و من نباشم؟

در واقع اين اتفاقي است كه رخ داد و به خاطر اين فاجعه عظيم جنگ، هايپربوري‌ها از هم جدا افتادند و به قسمت‌هاي مختلف تقسيم شدند. بعضي از آن‌ها بر روي سياره ما و در قالب آن اسطوره‌ها تناسخ كردند، در واقع چيزي كه ما به آن اسطوره مي‌گوئيم همان تائيتان‌هايي (خدايان غول‌پيكر) هستند كه در اسطوره شناسي يونان مي‌شناسيم. بنابر اين وقتي كه در مورد پرسئوس، زئوس و خدايان كوه آليمپوس صحبت مي‌كنيم، در واقع در مورد نژادهاي اصلي صحبت مي‌كنيم كه از هايپربوري‌ها سرچشمه گرفته اند.

سيستم دروازه ستاره اي زمين:

دروازه هاي سياره اي، نقاط اتصال زمين به سيستم هاي دروازه ستاره اي جهاني و كيهاني هستند. آنها زماني مهرو موم شده و بسته شده اند، اما اكنون اين دروازه هاي ستاره اي در طول چرخه صعود، به طور فزاينده اي باز مي‌شوند. پروسه بازگشايي سيستم دروازه ستاره اي ارگانيك يا درخت زندگي معبدي جهاني، از طرف دستوركار بيگانگان منفي و هوش مصنوعي بيگانه توسط همكاري گروه هاي بيگانگان منفي به هدف كنترل زمين دچار آسيب شد. به اين جنگها در تاريخ انسان، جنگهاي الكتريكي مي‌گويند .



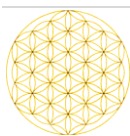
این مسئله باعث ضرورت مداخله محافظان ستاره کریستال شد و این مداخله را با عنوان طرح صعود B نامیدند که به همراه بروزرسانیهای ماموریت می باشد.

جنگهای اورپون:

جنگهای اصلی و مهم در تاریخ کهکشانی انسان در صورت فلکی اورپون اتفاق افتاده است. در ماتریکس زمان کیهانی ما، این جنگها بر سر قلمروهایی در سیستم Lyra شروع شدند. اما خیلی زود جنگهای لیرا به صورت فلکی اورپون کشیده شد، و تبدیل شد به جنگهایی بین ایدئولوژی و تفکرات شاه کاذب استبداد با ایدئولوژی خیرخواهانه ای که از قانون واحد (همه چیز یکیست) تبعیت می کرد. اصلیتین نژاد انسانها به قانون واحد و خدمت به دیگران و خیرخواهی پایبند بودند. اما در سمت مخالف، نژادی از ترکیب انسانها و رپتایلین ها بودند که روشهای خودخواهانه و شیطانی را اشاعه می دادند. این جنگهای متجاوزانه و خودخواهانه از صورت فلکی دراگو و اورپون نشأت گرفتند. نفرت و تبعیض ژنتیکی ایجاد شده از جنگهای اورپون، رفته رفته جای خودش را به کشتار و نابودی بیرحمانه داد، که باعث ترویج روش کنترل ذهن ظالم – مظلوم شد.

جنگهای لیرا:

با توجه به عمر ستاره ها و سیاره ها در کهکشان راه شیری، تصمیم بر این گرفته شد تا گونه نژاد انسان در سیستم لیرا خلق بشود که در واقع تایم لاین آواتار در ماتریکس زمان کیهانی بود. نژاد انسان در سیستم لیرا در حدود ۴۰ میلیون سال زندگی و تکامل کرد. گرایش نژاد انسان در لیرا به سمت کشاورزی در طبیعت بود. تعداد انسانها در آنجا زیاد بود و آنها به اصول قانون واحد پایبند بودند تا اینکه سرانجام سفینه هایی در آسمان پدیدار شدند. سفینه های زیادی به سمت سیاره Bila در لیرا رفتند. آنها رپتایلین ها از سیستم دراگو بودند. واضح بود که آلفا دراگوها و لیرا ها در اولین برخورد از هم ترس داشتند. آلفا دراگوها اولین نژادی بودند که در کهکشان

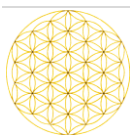


سفرهای بین ستاره ای کردند و این توانایی را برای مدت ۴ میلیون سال بود که داشتند. وقتی آنها با سیاره بیلا مواجه شدند و ساکنین آنجا و غذا و منابع طبیعی زیاد را دیدند، تصمیم به تصرف و کنترل آنجا گرفتند .

در واقع نوعی عدم فهم و ارتباط متقابل بین انسانهای لیرا و دراکوها وجود داشت. لیرا ها قبل از هرگونه تعامل میخواستند تا دراکوها را بیشتر بشناسند و اطلاعات بیشتری از آنها داشته باشند. اما دراکوها از ارتباط امتناع کردند و متعاقبا ۳ سیاره از ۱۴ سیاره در سیستم لیرا را به نابودی کشاندند. لیرا ها در این جنگ بی دفاع بودند و سیاره های بیلا، تکا و مرک نابود شدند. بیشتر از ۵۰ میلیون انسان کشته شدند. در این نقطه از تاریخ بود که نگاه دراکوها به انسان به عنوان یک منبع غذایی و انرژی شروع شد و دلیل تاریخ طولانی جنگ انسانها و رپتایلها هم همین مسئله است. اما نکته مهم اینست که همه رپتایلها یا انسانها شرور نیستند. در سلسله مراتب رپتایلیانها، آموزش داده میشود که هیچ وقت به یک انسان اعتماد نکنند. به آنها گفته میشود که انسانها نژاد متجاوز هستند و با خودخواهی میخواهند تا دراکوها در جستجوی غذا و مواد اولیه مورد نیاز، از بین بروند!

دی ان ای لیرایی:

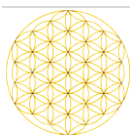
با نابودی گهواره لیرا در جنگهای تمدن لیرایی با گروههای اورپون، سطح آگاهی آواتار در ماتریکس زمان کیهانی ما نابود شد. این جنگهای کهکشانی باعث آسیب و نابودی دی ان ای لیرایی شد که این دی ان ای در واقع تجلی ماتریکس سیلیکات بود و ظرفیت زندگی به عنوان انسان آواتار کریستال را داشت. این خط زمانی در نابودی سیاره های لیرا در واقع جایی بود که بذر جنگهای کهکشانی کاشته شد، جنگهایی بر علیه دی ان ای و آگاهی انسان، جنگهایی که در آنها، آگاهی Antichrist بر علیه آگاهی کریستوس در این سیستم کیهانی شورش کرد. اما دی ان ای اصیلی که در طول جنگ های لیرایی با گروههای اورپون و متعاقبا نژادهای خزنده از بین رفته بود در



حال بازیابیست. شبکه درخت ۱۲ شاخه توسط تمدن‌های لیرا-سیریوس طراحی شد تا به بازیابی آواتار کریستوس ماتریکس سیلیکات اصلی انسان در جهان‌های هارمونیک کمک کند. برای انجام این کار لزوماً باید به خطوط زمانی گذشته برگشت تا کدها بازیابی شوند و آسیب‌های جنگ‌های اوریون از خطوط زمانی آینده ترمیم شود.

Alpha Draconian/ Orion Group

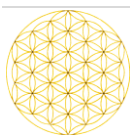
جهت نیروی حیاتی [که از طریق شبکه‌های معکوس کننده نفیلمها جمع آوری میشود] در قالب یک سیستم سلسله مراتبی هست که توسط سیستم آلفا دراگو در صورت فلکی اوریون مدیریت میشود، جایکه جنگ‌های متعددی در حال وقوع و نزاع بر سر منابع مختلف بین خیلی از نژادهای رپتایل و دراگو وجود دارد. سیستم وسیعی از قربانی‌هایی که در قاعده هرم هستند، تحت سلطه این نژادها قرار دارند. گروه اوریون یک نیروی شیطنی و دارای ایدئولوژی غارتگرانه بوده و از زنها صرفاً به عنوان برده و وسیله‌ای جهت زاد و ولد استفاده می‌کند، این گروه از طریق جنگ و کشتار به دنبال سلطه بر قلمروهای مختلف در سیارات هستند. جایگاه آنها در **naa** ائتلاف آنها با بیگانگان منفی **Black Sun Program** برنامه خورشید سیاه نامیده میشود. آنها یک نیروی غارتگر با ذهنی غارتگر هستند که در حقیقت از طریق برنامه‌های کنترل ذهن حجم زیادی از ایگوی منفی را در بین انسانها ایجاد می‌کنند. آنها همچنین سیستم برده‌داری پول و قرض را از طریق مافیا و کارتل‌های بانکداری ایجاد کردند. نژادهای دراگو قابلیت تغییر شکل دارند و به شدت توانایی کنترل ذهن را گسترش دادند، که آنها را قادر می‌کند تا از طریق برون فکنی آگاهی، بدن‌ها را تسخیر کنند. بنابراین به این دلیل که آنها از سیستم ماتریکس شبح **phantom matrix** موجودات هوش مصنوعی شیطنی می‌آیند، خیلی از مردم این دراگوها را با شیطان اشتباه می‌گیرند (شیطان یا ابلیس به عنوان یک فرد مشخص). فرازمینی‌هایی که از لحاظ ژنتیکی با رپتایلها مختلط شدند، تحت یک سیستم سلسله مراتبی شدید عمل می‌



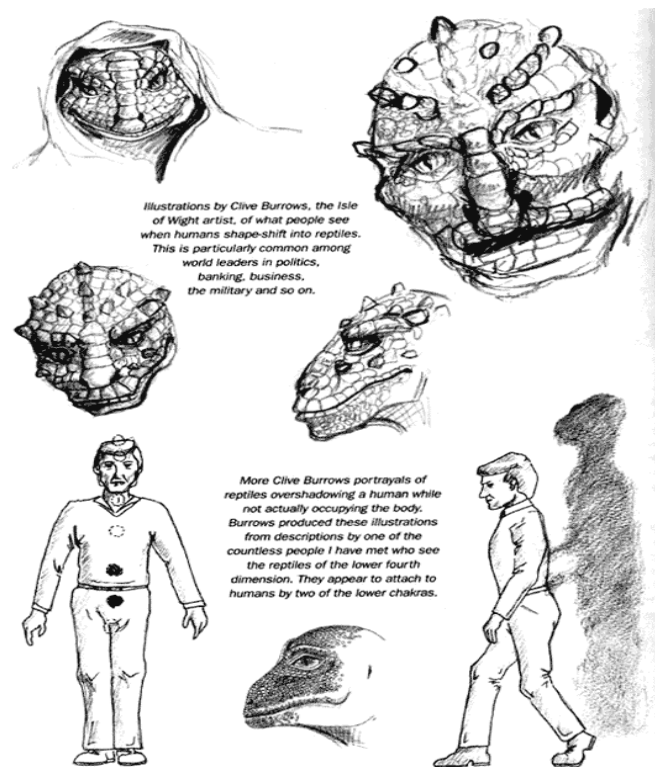
کنند و با نژاد اصلی فرق دارند. دراکوها یا دراکونیان از سیستم آلفا دراگو فرماندهی رپتایل‌های زیرزمینی سیاره زمین را بر عهده دارند. رپتایل‌های زمین اعتقاد دارند که دراکوها صاحبان زمین و انسانها هستند و آنها را ارشد خود میدانند. رپتایل-دراکوها خودشان را به عنوان باهوشترین نژاد در کیهان میدانند و اعتقاد دارند که انسانهای زمین نتیجه فرآیندهای ژنتیکی-بیولوژیکی آنها در سیارات مختلف هستند. آلفا دراکوها یک طبقه سلطنتی دارند که رنگشان روشنتر است، پوستی سفید دارند و دارای بال هستند، و دو یا سه برابر بزرگتر از یک انسان هستند، و خیلی عضلانی. آنها خیلی تهدید کننده و مستبد هستند، و حتی نسبت به اعضای گروه خود که ممکن است از دستورات سرپیچی کرده باشند رحمی نشان نمی دهند. رپتایل‌های زمین، فرماندهی گروهی به نام خاکستری های کوچک را به عهده دارند. رپتایلها فاقد کالبد احساسی هستند. نژادهای رپتایل شناخته شده روی زمین با سیاستمداران و افراد سطح بالای دولتی و نظامی قرارداد های مختلف بستند، که بنام پروژه های سیاه دولت سایه نامیده میشود، مانند برنامه های مخفی فضایی، secret space programs، پروژه MILABS، و ایجاد پایگاههای مخفی نظامی جهت آزمایش و بکارگیری تکنولوژی های بیگانه، که از طریق قرارداد به آنها دسترسی دارند. دراکوها به شدت دارای ویژگیهای نظامی گری و زن ستیزی بوده و نژاد جنگ طلبی هستند که در حال کنترل سیاستمدارها، سیستم مالی، سیستم پزشکی و دارویی و سیستم مالی و بانکداری هستند. آنها و نژادهای تحت فرماندهی آنها، جنگ و کشتار را از طریق نظامی گری، ایجاد فقر آگاهی و اطلاعات، برنامه های بردگی انسان، خشونت دینی، تروریسم، و دزدی از دی ان ای انسانها از طریق آدمای ربایی و آزمایش انجام میدهند.

:Black Sun DNA

گروه دراکونیان اوریون از طریق دی ان ای ژنتیک اجدادیشان به نام Black Sun DNA شناخته میشوند. آنها از طریق هزاران سال ایجاد جنگ و خشونت در خطوط زمانی کیهانی، دی ان ای

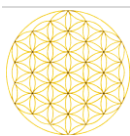


خودشان را به یک دی ان ای ۱۰ شاخه ای (10d) معکوس (تبدیل و یک جریان انرژی حیاتی معکوس را از طریق دروازه ایران ایجاد کردند و از این طریق جریان 10d معکوس را در محلی در مرز ایران و عراق، روی سیاره ایجاد کردند. آنها قادرند که توسط یک کالبد فیزیکی در بعد سوم وجود داشته باشند، در حالیکه هنوز میتوانند به میدان آگاهی بعد دهمی دسترسی داشته باشند. آنها از شبکه خانواده شیطانی satanic هستند که با خانواده Luciferin Belial همکاری می کنند تا سیاره را کاملا کنترل کرده و جنگ را گسترش بدهند. آنها نمیتوانند از نظر سلولی به راحتی از استارگیتها عبور کنند و از طریق خون آشامی و دزدی انرژی از موجودات دیگر به سطوح محدودی از جاودانگی دست پیدا کرده اند.



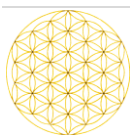
سیل بزرگ آتلانتیس

از زمان جنگهای نفیلیم ها، نیروهای آنوناکی خزنده و جناحهای پدرسالارانه ملچیزدک تصمیم به تصرف زمین داخلی (دنیاهاى زیر زمین) گرفتند و از ۳۰۰۰۰ سال قبل شروع کردند به حمله و جنگ برای سلطه بر نواحی مختلف زمین. سیریان ها به آنها برای دست درازی و آسیب به



تکنولوژی کریستال در هسته زمین اختار دادند، اما این گروه ها به قرار دادن ژنراتورهای عظیم درون زمین و غارهای کریستالی با استفاده از زور، ادامه دادند. نتیجتاً چندین ژنراتور قدرت منفجر شد و باعث جدایی و پارگی سطوح اقلیم های مختلف زمین شد. اتفاقی که خیلی قویتر از سیل قبلی در زمان نسل کشی لموری ها بود و دوباره انسانهای زیادی کشته شدند. محور چرخش زمین کج شد و همه دروازه های سیاره ای و شبکه ها و پرتال ها آسیب دیدند. همه هرم ها و تکنولوژی های فرازمینی قطع و از مدار خارج شدند. سیل و فجایع بوجود آمده جوامع آتلانتیس و بیشتر سطح زمین را از بین برد. از این خط زمانی به نام سیل آتلانتیس نام برده میشود. در طول زمانی که تکنولوژی هرمهای مصر در دروازه ستاره ای گیزا به عنوان پرتال بین ستاره ای فرازمینیها و مرکز کنترل عملیات بازسازی شد، سیریان ها و گروههای شعرای شامی در امنیت کامل بودند.

نیروهای آنوناکی خزنده آخرین بازمانده های اجتماع آتلانتیسی ها را به ناحیه دروازه ستاره ای بعد سومی مثلث برمودا منتقل کردند و به تلاش خود بر سر قلمروها و سلطه بر زمین از طریق جنگها و دستکاری و تغییر ژنتیکی ادامه دادند. گروههای آنوناکی و ملچیزدک پدرسالارانه (مرد سالار) مانند نژادهای اورپون، به دلیل جنگهای متعدد، از لحاظ نژادی و ژنتیکی به سرعت منحرف شدند. آنوناکیها ۲۸۰۰۰ سال قبل از میلاد تصمیم گرفتند تا همه تکنولوژی های فرازمینی را تصرف کنند و روی انسانها آزمایشات ژنتیکی انجام بدهند تا از آنها یک نژاد برده بسازند، سپس با گروههای دراکو اورپون مذاکره کردند تا غنائم و تصرفات زمین را قسمت کنند. این اقدام به گروههای اورپون و دراکو ها اجازه داد تا جایگاه ثابت و عمیقی در میدان های آگاهی زمین پیدا کنند و آسیبهای ژنتیکی عمیقی ایجاد کنند. با اتحاد آنوناکیهای خزنده و دراکوهای اورپون، آنها در واقع تشکیل نژادهای متجاوز زمان حاضر را دادند، و در واقع کسانی هستند که نظم نوین جهانی و جناحهای ایلومیناتی را برای تسلط بر زمین پایه ریزی کردند. تسلط بر زمین مستلزم ایجاد یک طبقه و سیستم سلسله مراتب اجتماعیست، یک طبقه حاکم و یک طبقه برده بر روی زمین که در واقع ایدئولوژی آرکان- رپتایل هست.

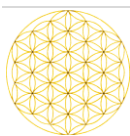


سومین و آخرین سیل آتلانتیس:

در ۹۵۵۸ سال قبل از میلاد، آنوناکیها جنگی بر علیه انسانها شروع کردند، تا یک نظام واحد را پایه ریزی کنند: نظام لوسیفریان ها بر روی زمین، که به نام شورش لوسیفریان نامیده میشود. این گروهها به دروازه ستاره ای اصلی مصر رفتند و پالسهای الکترومغناطیسی را به هسته زمین و کریستال ها اعمال کردند تا پرتالهای کمان و هر نوع دسترسی ارتباطی را ورای هفت سطح خورشیدی نابود کنند، که در واقع این کنترل اکنون از طریق دروازه ستاره ای در مصر، شبکه خطوط ابوالهول و شبکه بزرگ شیر سفید از طریق شبکه حصار فرکانسی انجام میشود. پالسهای الکترومغناطیسی باعث چنان انفجار عظیمی در هسته زمین میشود که سطوح اقیانوس ها و صفحات تکتونیکی را در سراسر زمین به حرکت وا میدارد. در این زمان بود که سیریانها همه تکنولوژی های فرازمینی و کریستالها را تصرف کردند تا آسیبهای بیشتری به زمین وارد نشود. بدون این تکنولوژی های فرازمینی و اهرام که فرکانسهای دریافتی مخرب را در طول دوره صعود ۲۰۱۲ معکوس میکردند، ممکن بود زمین کاملا با یک انفجار از بین برود و همینطور همه گونه ها و مواد ژنتیکی.

آخرین سیل آتلانتیس، شروع دوره تاریکی:

با آخرین فاجعه آتلانتیس، سیریانها همه تکنولوژی های پیشرفته فرازمینیها را غیرفعال کردند که باعث شد ۱۱۵۰۰ سال پیش انسان وارد دوره تاریکی شود. میدان های مورفوژنتیک و دستورالعملها نابود شدند، و میادین زمان فروپاشیدند و مشکلات زیادی از جمله تخریب کالبدهای روحی لایه اختری و مشکلات ایگوی منفی مثل انواع بیماریها و اعتیاد در هویت شخصی، ایجاد شد. (سیریانها برای ضربه زدن به زمین این کار را نکردند بلکه این نتایج، عواقب طبیعی جنگ بین نژادهاست). پرتال های سیاره ای و دروازه ستاره ای بعد چهارمی گیزا که به کالبد خورشیدی خورشید ما راه دارند، مثل پرتال زمین که به مرکز بعدهشتمی کهکشان راه دارد، نابود شدند. در



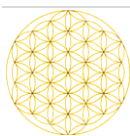
نتیجه راه‌های ورود و خروج به جهان ما بسته شد. در این زمان محافظان از دنیاهای دیگر مجبور شدند مستقیماً مداخله کنند و برای کمک و جلوگیری از آسیب‌های بیشتر مثل نابودی سطح اختری، روی زمین تناسخ کنند. حصارهای فرکانسی در اطراف منظومه شمسی سه بعدی و قرنطینه کهکشانی باعث قطع ارتباط انسان با همه محافظان و آگاهی‌های ستاره‌ای در ۹۵۵۰ قبل از میلاد شده بود.

شروع دوره تاریکی :

برخی از نماینده‌ها از سایر دنیاهای سعی کردند روی زمین تناسخ کنند تا به ترمیم آسیب‌های زمین کمک کنند و ساکنین زمین را از شر متجاوزان نجات بدهند. از برخی از این نمایندگان می‌توان به آخنتون و عیسی مسیح و همسرش ماری سوفیا نام برد. ستاره کریستالی (مسیح در واقع تجسم آگاهی ستاره کریستالی هست) آگاه بود که کاری میسر نیست مگر اینکه مرکز کهکشان با زمین و خورشید همراستا شود که باعث میشود هسته جهان ما به سوی پنجره نوترونی باز شده، و در نتیجه ارتباط با هسته‌های جهان‌های مادر شکل بگیرد. این پایان چرخه صعودی بود که به آگاهی ستاره کریستال اجازه می‌داد تا برای کمک به انسان برای ترمیم تایم لاین صعود به سیاره زمین برگردد.

بشریت گناهکار

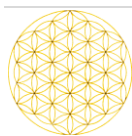
بعد از سیل بزرگ آتلانتیس، گزارش‌های Founder به منظور جعل وقایع تاریخی در مورد تجاوزهای بیگانگان، ضبط و تحریف و وارون شدند. روایات حقیقی در مورد حمله بیگانگان، به منظور تعریف و طبقه‌بندی اعتقادات کنترل ذهن مذهبی در همه ادیان جهان، به روایتی از “بشریت گناهکار” تحریف شد. گروه‌های Thothian، به منظور اینکه انسان‌ها را به پرستش “موجودات لوسیفری آنجلیک سقوط کرده هیبریدی آنوناکی” به عنوان خدای یکتای حقیقی



سوق بدهند، خطوط جریان ایلومیناتی مورد پسند خود را با دانش های هرمتیک (کیمیاگرانه) و اطلاعات جعلی مغرضانه تجهیز کردند. دانش سری قوانین جهانی توسط شبکه Thothian و بر اساس جادوی هرمتیک به برخی جوامع پنهان و طبقات حاکم داده شد، در حالی که انسان معمولی تحت کنترل همان تفکر بردگی بود که در الهیات منجی گرایانه اکثریت ادیان سازمان یافته کار گذاشته شده بود، برخی لوسیفر را در راس هرم کنترل می دیدند. از زمان سیل آتلانتیس، بشریت در یک فراموشی هیپنوتیزم گونه بود و به زور تحت کنترل ذهن قرار گرفت تا ریشه ها و خاستگاه های حقیقی خود را به نفع تبلیغات جنگ های بیگانگان منفی که برای ترویج یک روایت تاریخی غلط، و در کنار آن ترویج پرستش یک خدای متعصب و عصبانی و مردسالار در ادیان خشن، فراموش کند.

از این رو، دستور کار بیگانگان منفی NAA، یک سری اعتقادات کنترل ذهن مذهبی جدید را از زمان خط زمانی شورای نیسا Nicaea تعریف کرد؛ از جمله انتشار دروغ پراکنی هایی در مورد اینکه آنوناکی ها خدایان خالق انسان ها هستند، و ترویج پرستش خدای بیگانه کاذب که پشت القاب و عناوین زیادی پنهان شده بود و ظاهراً در دست نوشته های مقدسی که مدعی بودند سخنان خداوند است جلوه کرد. دو مثال از این موارد، گروه Annunaki Jehovian و آگاهی های جمعی Annunaki Yahweh هستند. بنابراین خیلی مهم است که بدانیم ادیان امروز جهان توسط جریان های متجاوز NAA به حرکت درآمدند، و در سطوح بالا توسط نیروهای عمدتاً ضدبشری کنترل می شود که خود را به عنوان کرایست یا یک خدای کاذب معرفی می کنند.

بیشتر متون دینی که در دسترس توده مردم قرار دارد به عنوان ابزارهای داستان سرایی جهت ترویج کنترل ذهن مبتنی بر تبلیغات به منظور رام کردن آگاهی و آزار معنوی بشریت به کار برده شده است. برای کنترل سیستم های اعتقادی در اذهان متدین، تبلیغات گسترده ای صورت گرفته است که آموزه های مقدس سنتی بیانگر کلام مطلق خداوند است و هیچ چیز در آنها نمی تواند

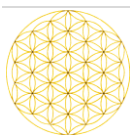


مورد تردید قرار گیرد. متأسفانه، این یک فریب ظالمانه است که طراحی شده است تا افراد را در مورد ماهیت واقعیت و ماهیت ارتباط مستقیمشان با خدا، همان روح کریستوس درونی، کاملاً گیج و مبهوت کند. روح الهی زنده و جاودان در محدوده کلماتی که در یک کتاب نوشته شده نمی‌گنجد، بلکه در جریان محبت عاشقانه ای که در قلب مقدس هر شخص زنده وجود دارد، و همچنین در آگاهی درونی یک شیء یا مکان یافت می‌شود. اعمال دستکاری بر آگاهی انسان و سوق دادن آن به سمت کنترل ذهن دینی یک دستور کار طولانی است که از زمان سیل آتلانتیس فعال بوده است، و یک جنبه دیگر برای درک سرپوش گذاری ستیزه جویانه بر روی هرگونه شواهدی از توطئه آتلانتیس است. تمام تاریخ بشریت قبل از تجاوز مصر - سومری از کتب تاریخ حذف شده است، و یک روایت دروغ در مورد خاستگاه انسان، و همینطور سرپوش گذاری ها و دروغ های زیادی در مورد تمدن های باستانی به ما گفته شده است. ادیان سازمان یافته به عنوان روش اصلی کنترل ذهن برای خدمت به مقاصد و اهداف نهایی برنامه بیگانگان منفی، به منظور بدست آوردن کنترل بر روی زمین در طول چرخه صعود به کار گرفته شده اند. مردم زمین قرن ها به شکلی دستکاری شده اند که با جنگیدن و کشتن یکدیگر به نام خدایان بیگانه کاذب، دائماً قربانی های خون انسان را برای کمک به شکاف بین ۱۲ قبیله جهانی انجام دهند.

ادیان خشن و سرقت عصر جدید (New Age hijack) بطور مداوم از انسانها به عنوان بازیچه هایی در بازی بیگانگان منفی استفاده کرده اند که این بازی به منظور تولید ترس های مداوم و تروریسم معنوی در اذهان جمعیت زمین طراحی شده است تا تلاش کنند که نهایتاً سناریوی آرماگدون را رقم بزنند.

هولوکاستِ لموریا

هولوکاستِ لموریا اولین رویداد مهم از خاطرات نسل کشی سیاره زمین است که حدود پنجاه هزار سال پیش اتفاق افتاد. آنوناکي ها، ملچیزدک های پدرسالار، به گروه اورپون اجازه دادند تا توسط دراکوها یک تهاجم زیر زمینی را با فریبکاری و مخفیانه انجام دهند. دراکوهای گروه



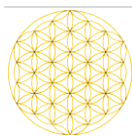
اورپون، بین قاره های آتلانتیس و لموریا تونل ایجاد کردند. انسانها متوجه این جریان شدند و سعی کردند که تونل های زیرزمینی را مسدود کنند که منجر به یک فاجعه سهمگین و نابود شدن سطح زمین شد.

انفجارهای هسته زمین، بخش هایی از قاره اقیانوس آرام را نابود کرد که نتیجتاً باعث ناپایدار شدن زمین داخلی و تونل های زیرزمینی شد. زمین لرزه ها، آتش فشان ها، سیل ها و نشست های زمین باعث بروز ویرانی ها و کشته شدن هزاران انسان شد. عصر یخبندان قریب الوقوع لموریان ها را مجبور کرد که به زیر زمین بروند، هنگامی که زیر زمین بودند، شروع به بازسازی پرتال های سیاره کردند و دروازه کمان را با گروه های محافظ بازسازی کردند.

این اولین مرحله از فاجعه سیاره ای است که تاریخ و حافظه پنهان نژادهای اصلی و ریشه انسان هستند که در DNA ما ثبت شده است و بدین طریق اتحادیه بیگانگان منفی NAA می خواهند که ما این خاطرات را فراموش کنیم تا آن ها بتوانند بشریت را توسط نرم افزار آرماگدون - که بر همین خطوط زمانی هولوکاست و خاطرات نسل کشی بنا شده است - دستکاری و هدایت کنند.

نقل مکان به مصر

بعد از اینکه بازسازی های سطح زمین از طریق پیام های درونی و کمک های زیرزمینی به انجام رسید، تکنولوژی های لموریایی و فرازمینی - که برای بازسازی زمین مورد استفاده قرار گرفته بودند - در حدود ۳۵ تا ۴۵ هزار سال پیش به مصر منتقل شدند. این فرهنگ ها با حمایت فرازمینی ها و ارتباطات میان ستاره ای با بسیاری از نژادهای جهان و کیهان بازسازی شدند. مجسمه ابوالهول محل اصلی ذخیره حافظه ها و اطلاعات و به هدف مشخص کردن دسترسی به



دروازه زمین درونی ساخته شد، و اینکه یک محل نگهدارنده برای پایگاه فرکانسی برای زمین آینده تارا- که خطوط زمانی و فرکانس روحی بعد پنجمی آینده زمین است- باشد.

اهرام به منظور دریافت فرکانس بالا از سیریوس B ساخته شدند، که البته سیریوسی‌ها بخاطر درگیری‌های سیریان-آنوناکی بر سر قلمرو نقش میزبان‌های حامی را داشتند. سیریوس B تکنولوژی تله پورت را ارائه داد و برای کمک به مسئله هیبریدیزاسیون، یک حمایت میزبانانه دیگر- یعنی میزبان صعود ملچیزدک- آغاز شد.

سطوح مختلف تکنولوژی فرازمینی مانند ارتعاشات هارمونیک اهرام و فناوری مورد استفاده برای استقرار مکان دو طرفه و تله پورت در قرارگاه‌های صعود، با گروه مقاومت آنوناکی-نیبیرو در تضاد قدرت بودند. این جناح‌ها به آتلانتیس گریختند تا به گروه مقاومت آنوناکی و نیبیرو بپیوندند تا مستعمرات جدیدی در آنجا و در جایی که هم اکنون سرزمین کنونی انگلستان است بسازند.

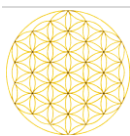
لیزارنی

تجاوز به سومر - مصر:

این تجاوز در واقع از آخرین نقاط تاریک در حمله بیگانگان منفی به سیاره زمین تلقی می‌شود. در این حمله بود که به دی ان ای انسان‌ها آسیب وارد شد و همه اطلاعات جنگهای کیهانی و منشأ حقیقی ما توسط بیگانگان منفی پاک شد.

_ ۵۵۰۰ سال قبل گروههای اتحادیه بیگانگان منفی، یک کرمچاله بعدپنجمی را در ساکارای مصر ایجاد کردند.

_ آنها وارد سومر شدن و تاریخ انسان را از ۵۵۰۰ سال پیش در زمان تجاوز naa و آنوناکیهای خزنده به شکل جعلی بازنویسی کردند. که طبق این تاریخ جعلی، به ما گفته شده آخرین مدارک



نگاشته شده از تاریخ و زبان ما، کتیبه های سومری هست. اما واقعیت اینست که اساسا اطلاعات این کتیبه ها توسط اتحادیه بیگانگان منفی نگاشته شده و کذب هستند.

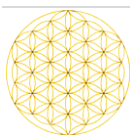
این اتفاق شروعی بود برای گسترش یک تاریخ جعلی و ایجاد ادیان خدایان مردسالار که طبق آنها، «یهوه آنوناکی» را خدای خالق انسانها معرفی کردند!! ملچیزدک های سقوط کرده و کلیسای کاتولیک دراکونیان ها، باعث گسترش خشونت دینی شدند.

_القای افکار و ایدئولوژی های ادیان خشن، سلطه مردسالارانه، چرخه تناسخ در لایه اختری، و دستور کار بردگی با روش کنترل ذهن بر پایه برنامه ظالم- مظلوم برای انسانها، از اقدامات naa هست.

_با قرار دادن حصار فرکانسی و شبکه های معکوس کننده در اطراف زمین، رابطه انسان را با دیگر موجودات در ابعاد دیگر قطع کردند و باعث آسیب به دی ان ای شدند که در حال حاضر این آسیب ها به سرعت در حال ترمیم هست و شبکه ها و حصارهای فرکانسی هم در حال پاکسازی هستند.

غیرفعال سازی دی ان ای انسان:

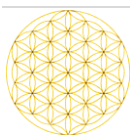
تجاوز به سومر توسط اتحادیه بیگانگان منفی باعث غیرفعال سازی دی ان ای انسان شد، و حروف آتش و کدهای هندسی در میدان های مورفوژنتیک سیاره ای بهم ریخت و نتیجتا ادراکات فراحسی را بلاک کرد، و بنابراین ادراکات چندبعدی از سایر خطوط زمانی و نژادهای فرازمینی مسدود شدند. تصرف دروازه ستاره ای در مصر توسط شورش لوسیفریان به آنوناکیهای خزنده و گروههای اتحادیه بیگانگان منفی اجازه داد که بتوانند حافظه جمعی نژاد انسان را از سطح اختری و لایه های ماتریکس روح پاک کنند، به این ترتیب آنها ماتریکس کاذب صعود را ایجاد کردند که در واقع نوعی بردگی کشیدن از انسانها از طریق ایجاد تناسخ های مکرر و بازیافت ارواح است. در این میان کسانی که از لحاظ ژنتیکی ارجحیت داشتند یا تحت کنترل ذهن اتحادیه بیگانگان منفی



بودند، به آنها تاریخ واقعی آتلانتیس و توانایی داشتن ادراکات فراحسی بالاتر داده شد. به تدریج آنها بر طبقات حاکم و خطوط و تبارهای خونی نفوذ کردند و شروع کردند به جمع آوری نیروی حیاتی انسانها از طریق روشهای مرتبط با مناسک شیطانی. این نیروی حیاتی دزدیده شده از انسانها به کنترل کننده گان داده میشد تا بتوانند قدرت و سلطه خودشان را توسط برنامه های اتحادیه بیگانگان منفی حفظ کنند و انسان های ناآگاه و در خواب و فراموشی را به بردگی بکشند.

دستکاری و تجاوز بیگانگان باعث شد تا به ساختار شبکه درخت ۱۲ شاخه ای که توسط لیران - سیریان در زمین بعدپنجم (تارا) به عنوان وسیله ای برای یافتن و بازیابی همه جنبه های دی ان ای ۱۲ شاخه ای ایجاد شده بود، آسیب وارد شود، شبکه ای که برای بازیابی قطعات روح و قسمت های جدا شده میدانهای آگاهی بود و نتیجتاً انسانها در خطوط زمانی ماتریکس فانتوم به دام افتادند. در زمان تجاوز اتحادیه بیگانگان منفی، پرتالهای هشتم و دوازدهم سیاره ای مسدود شدند و بنابراین چاکراهای هشتم و دوازدهم و مراکز انرژی مربوط به آنها در بدن انسان و سیاره بلاک شدند. با بلاک شدن نیروی حیاتی و جریان طبیعی کندالینی، تمام سیستم غدد درون ریز، پانینال، پیچیوری، هیپوتالاموس، تیروئید و... بسته شد. این مسئله باعث شد طول عمر انسانها خیلی کوتاه شود و سیستم ایمنی بدن ضعیف شد و نتیجتاً بیماری ها و سایر مشکلات پدیدار شدند. کوتاه کردن عمر انسانها در جهت به دام انداختن آنها در چرخه تناسخ در لایه اختری بعدچهارم بود. مسئله مهمی که در حال حاضر انسانها با اون مواجه هستند اینست که این بیگانگان منفی، تاریخ انسان ها را از ۵۵۰۰ سال پیش و در زمان تجاوز سومر - مصر، دوباره نوشتند و یک برنامه کنترل ذهن را برای گسترش سلطه مردسالارانه و ادامه دستورکار بردگی همه انسانها در روی زمین ایجاد کردند.

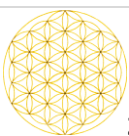
نرم افزار آرماگدون:



اتحادیه بیگانگان منفی از انسانها برای نوشتن کتاب مقدس به عنوان یک منبع دینی برای کنترل ذهن از طرف آنوناکی یهوه استفاده کردند، سلطه مردسالارانه و دستورکار بردگی برای نرم افزار آرماگدون و ایمپلانتهای تصلیب در لوگوس سیاره ای که در واقع مغز زمین در سطح بعدهفتم مگنتوسفر هست، قرار داده شد. این تکنولوژی های دستکاری و نفوذ، از طریق الحاقات هولوگرافیک در سیاره کار گذاشته شدند تا کهن الگوهای کنترل ذهن را منعکس کرده و بردگی را به انسانها القا کنند. دراکوها از سیستم اورپون به سیستم کلیسای رم نفوذ کردند و از تمثیل مسیح مصلوب و دین کاذب مردسالار یهوه برای ایجاد و گسترش بزرگترین آسیب روحی به انسانها استفاده کردند. یک جنگ روانی و روحی در قالب تکنولوژی کنترل ذهن بر علیه انسان براه انداخته شد که از طریق ترسهای دینی، آزار و اذیت مربوط بلایای طبیعی، تروریسم و گسترش بیماری توسط رپتیلیانها به شستشوی مغزی انسانها می پرداخت تا اینکه انسانها به بردگی تمکین کنند. داستان آرماگدون در مکاشفه یوحنا بر اساس فاجعه آتلانتیس هست و در واقع یک نرم افزار رپتیلی برای دور نگه داشتن انسانها از حافظه سلولی مربوط به لومریا و آتلانتیس هست که این حافظه در ذهن آگاه و ذهن جمعی نژاد انسان در ماتریکس روح پاک شد. پروژه کنترل ذهن آرماگدون شامل ایجاد انواع ترسها (ترس های ناشی از جنگ و تروریسم) و بیماریهای ناشی از آنهاست که شبیه به برنامه های کنترل ذهن زیست جنگی (bio- warfare) بوده و برای سرکوب و کنترل آگاهی از طریق رواج مصنوعی تایم لاین های قلبی ایجاد میشود. این برنامه یک استراتژی جنگ روحی روانیست که توسط NAA بر علیه انسان از طریق خدای دروغین و ادیان شرور مردسالار اعمال میشود تا باعث بردگی، کشتار و شکنجه انسانها از طریق خشم مذهبی و کنترل نظامی از طریق جنگ و کنترل جمعیت شود. نرم افزار آرماگدون یک برنامه کنترل ذهن است که باعث ترساندن انسانها از طریق اعمال نظامیگری میشود و توسط تکنولوژی نظامی نژاد گری ها و توسعه مداوم تکنولوژی فضایی مخفی و دستور کار ماشین جنگی و ارتش انجام میشود.

طلسم های مصر (جادوی سیاه مصر):

میزان تاثیر این جادو بسیار عمیق و گسترده بوده و سطوح مختلفی را تحت تاثیر قرار داده



تقدیم اعتدالین و نوار فوتونی

۱۷ مارس ۲۰۱۹، تری وید

درک اینکه ساختار مغناطیسی زمین دستکاری شده است و اینکه چگونه می توان آن را ترمیم کرد، دشوار است. باین حال بسیاری روی زمین در حال بازیابی این اطلاعات و بسیار بیش از آن هستند!

ما در آستانه آغاز واقعیتی نوین روی زمین هستیم. منظومه خورشیدی ما بخشی از یک منظومه خورشیدی بسیار بزرگتر است که به آن خوشه پروین، هفت خواهران، گفته می شود. هفت ستاره که به دور خورشیدشان «آلسیون» می چرخند.

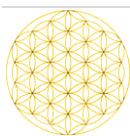
سیاره ما هر ۳۶۵ روز به دور خورشید می چرخد. و خورشید هر ۲۵۶۳۰ سال یک بار دور آلسیون می چرخد. و آلسیون هر ۲۲۵ میلیون سال یکبار به دور مرکز کهکشان می چرخد. در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ ما از تقدیم اعتدالین که آغاز چرخه جدید بود گذشتیم، و آن نقطه شروع واقعیتی کاملاً متفاوت است.

پایان یک چرخش ۲۵۶۳۰ ساله خورشید حول آلسیون، همزمان با پایان یک دور ۲۲۵ میلیون ساله آلسیون به دور مرکز کهکشان.

عصر جدید آکواریوس

...

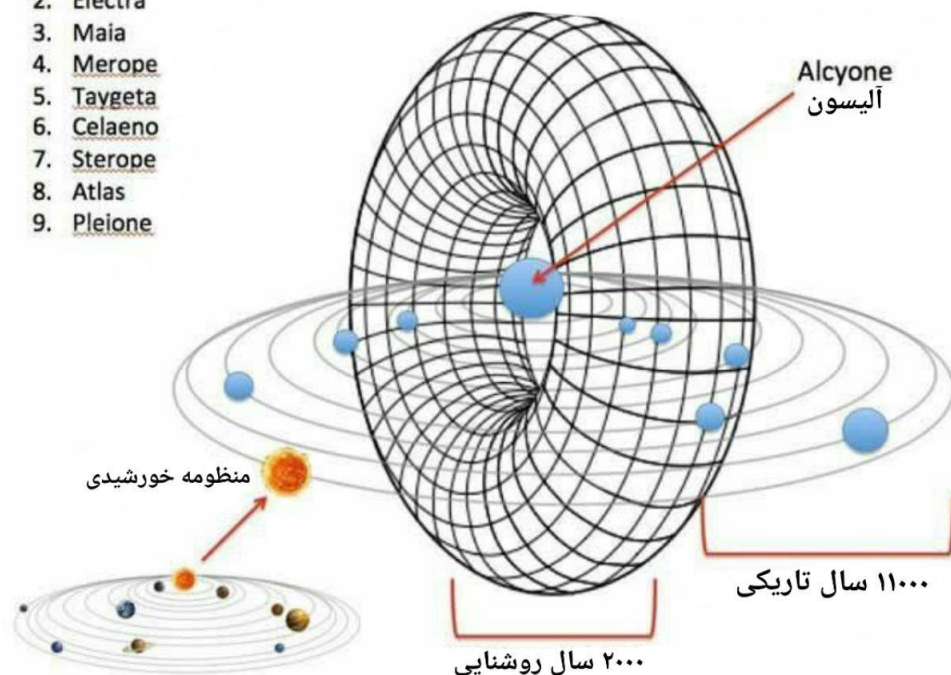
هر صورت فلکی یک ارتعاش خاص خودش دارد. ارتعاشی که یک واقعیت متفاوت است. بنابراین ورود به آکواریوس به معنی دریافت یک واقعیت کاملاً جدید است.



- ۷ خواهر پروین =
1. Alcyone
 2. Electra
 3. Maia
 4. Merope
 5. Taygeta
 6. Celaeno
 7. Sterope
 8. Atlas
 9. Pleione

منظومه خورشیدی - چرخه ۲۶۰۰۰ ساله

مدار آیسون و عبور از کمربند نوری



معنی تقدیم اعتدالین:

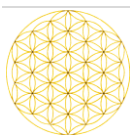
تقدیم اعتدالین یعنی تکمیل یک دور کامل زمین حول ۱۲ صورت فلکی، که این دور ۲۵۶۳۰ سال طول می کشد.

هر یک از این ۱۲ برج یا صورت فلکی، یک عصر تقریباً ۲ هزار ساله است.

سال ۲۰۱۲ ما به پایان عصر برج حوت (برج دوازدهم) رسیدیم. در ارتعاشات پایین آن عصر کنترل و استبداد وجود داشت.

آیا عجیب است که کنترل کنندگان فرازمینی دین را طراحی کردند؟ و منجیانی ساختند برای پایان برج ۱۲ و تکمیل تقدیم اعتدالین؟

همه اینها به عصر کنترل و استبداد برمی گردد.



حالا ما در عصر اکواریوس هستیم و وارد این ارتعاشات بالای نوار فوتونی شده ایم، پس واضح است که وارد «واقعیت» جدیدی شده ایم.

کنترل ذهن و خرافه نابود می شود، و مردم بدلیل دریافت ارتعاشات عصر جدید در حال بیدار شدن هستند.

یعنی پایان عصر حوت (پایسز) تکمیل یک تقدیم اعتدالین بحساب می آید، و این یعنی منظومه خورشیدی وارد نوار فوتونی می شود. نوار فوتونی اقیانوس نور است. نوری با ارتعاشات بسیار بالا که حول آلسیون وجود دارد.

ما در دوره بسیار شگفت انگیزی قرار داریم و در کل تاریخ منظومه خورشیدی دیدن چنین تحول عظیمی بسیار بااهمیت است.

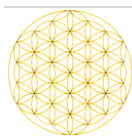
جریانات فرکانس صوتی در ساختمان های باستانی، اماکن مقدس، هرم ها و پایگاههای نظامی وجود دارند که روی شبکه زمین و در نقاط انرژی معینی قرار داده شده اند تا آگاهی جمعی را کنترل کنند.

حکومت مخفی فرازمینی از این نقطه ها ارتعاشات فرکانس پایین وارد شبکه آگاهی جمعی می کند تا انسانها را در ارتعاشات پایین مشغول نگه دارد، تا کنترل ما ساده تر باشد.

اما حالا داریم اقتدار و آزادی مان را پس می گیریم و آشفتگی های سیاره بهمین دلیل است.

برای مثال برج ایفل در فرانسه به عنوان آنتن انرژی و پورتالی برای انتشار امواج ترس-محور با فرکانس پایین مورد استفاده قرار می گیرد. و همینطور حلقه های سنگی در آفریقا. و همینطور همه پایگاههای نظامی روی زمین.

اما اگر نقاطی برای انتشار امواج ترس یا خشونت انتخاب شده اند، نقاطی هم توسط نیروهای مثبت برای انتشار ارتعاشات بالا قرار داده شده اند.



نودهای انتشار ارتعاشات بالای طی خلقت انسان، توسط پلایدیان ها (پروینی ها) روی زمین قرار داده شدند.

مدت ها قبل پروینی ها به زمین نگاه کردند، و دوازده جفت نقطه ی انرژی انتخاب کردند. آن نقاط نماد دوگانگی روی سیاره بود. آن نقاط انرژی در ۲۴ منطقه جغرافیایی در قله کوهها و دل بیابانها توسط پروینی ها انتخاب شدند چراکه امیدبخش ترین نقاط بودند. بیشتر این نقاط در غارهای کریستالی زیر زمین هستند.

آنها در حقیقت اکتشافات آینده ی بشر خواهند بود که اکنون دارند انرژی های جدید و بالاتر منتشر می کنند.

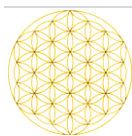
آنها نقش مهمی ایفا می کنند و طوری طراحی شده اند که به نفع ما عمل کنند. فعالسازی این نقاط برابر است با درهم شکستن انرژی ترس که بیگانگان منفی سعی دارند روی زمین حفظ کنند.

این پورتال های پروینی ها با انتشار فرکانس های بالا به تحولات در راستای تغییر ارتعاش کمک می کنند، تحولاتی که با رسیدن ارتعاشات بالاتر خورشید مرکزی شروع شده است. ترس و کنترل در واقعیت جدید جایی نخواهد داشت. این تجربه ای فوق العاده است.

تغییر و تحول بنیانی همه چیز، که خالی از سختی ها و مقاومت نخواهد بود.

همه چیز با تکامل یافتن به نور تبدیل می شود، و به بالاترین ارتعاش، پس وقتی ما از تقدیم اعتدالین عبور کردیم و وارد نوار فوتونی شدیم دیگر چیزی نمی تواند مانع تکامل انسان شود. ما دیگر بخشی از عصر نوین هستیم و مسیر فقط به سمت بالاست.

ما در حال وارد شدن به تراکم های بیشتر و بالاتر نور هستیم. و هیچ عذری نداریم برای اینکه قدرت مان را بازیابی نکنیم و از این دانش برای کمک به کل زمین استفاده نکنیم.



نژاد انسان می تواند انرژی ترس را تغییر دهد. قدرت آگاهی انسان می تواند جنگ، خشونت و همه انرژی های ارتعاش پایین ترس-محور را تغییر دهد.

ما این کار را انجام خواهیم داد. و راه دیگری نیست. ما خدایان روی زمین هستیم. ما جرقه بی انتهایی هستیم که درون همه ما وجود دارد و در خلقت دریافت کردیم.

فقط یک ذهن بی انتها وجود دارد. ذهنی در مقیاس بی نهایت بزرگ آفرینش و تمامیت هستی.

قدرت ما در عواطف است، و تا وقتی عاطفه هست کاملا تحت کنترل در نمی آییم. ما نیروی نامنتهای خلقت هستیم، و عشق ذات اصلی ماست. فقط آنگونه است که می توانیم باشیم، و همه مان این امر را درونمان می دانیم.

اینکه چقدر می توانیم پیشرفت کنیم بستگی به افکار و تصوراتمان و آگاهی ما دارد. همه چیز به شدت در حال تحول است و چیزی نمی تواند آن را متوقف کند. واقعیت های پایینتر در حال منحل شدن هستند و واقعیت های بالاتر در حال ورود به عرصه زمین هستند.

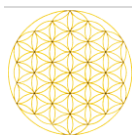
در برابر تغییرات مقاومت نکنید. باورهای اعتقادی و اجتماعی تان را رها کنید. آنها فقط واقعیت شما را محدود می کنند و جلوی شما را می گیرند.

همه را رها کنید!

عصر جدید

عصر جدید:

با پایان عصر حوت در سال ۲۰۱۲ و آغاز عصر آکواریوس یا دلو، و ورود منظومه شمسی به نوار فوتونی، بشر وارد چرخه جدیدی می شود. اما نه تنها خورشید گردش ۲۶ هزار ساله به دور ستاره آلیون را به پایان می برد، بلکه آلیون، خورشید مرکز خوشه پروین، هم به پایان یک گردش ۲۲۵ میلیون ساله بدور مرکز کهکشان می رسد. بشر در پایان مشترک چند چرخه قرار دارد. و

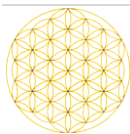


در یک آغاز پراهمیت ... روابط نوین در عصر جدید آکواریوس بر اساس روابط حقیقی در خانواده های روحی خواهد بود. بشر در عصر جدید و با ادراکات جدید علمی در حوزه هایی مثل مکانیک کوانتوم، متوجه واقعیت داشتن مفاهیم معنوی مثل روح و روحانیت شده است. و متوجه شده است که حواس انسانها به طور کلی به پهنای باند مشخصی در گستره الکترومغناطیسی دسترسی دارد. و همینطور که صداهایی را چون در گستره ارتعاشات ما نیستند نمی شنویم، بسیاری موجودات را چون در گستره الکترومغناطیسی ما نیستند اصلا نمی بینیم! بشر آگاه اکنون می داند که مرگی وجود ندارد. حالا می دانیم در ارتعاشات، یا به اصطلاح ابعاد گوناگون، زندگی و آگاهی در جریان است. مرز بین نگاه علمی و نگاه روحانی از میان رفته و معنویت دیگر برای همه است نه برای عده ای یا گروهی خاص. بشر به معنای حقیقی کلمه وارد حوزه ی جدیدی در سیر تکامل آگاهی می شود و دیدگاه ها و جهان بینی اش به سرعت با ارتعاشات جدید کیهان و عصر جدید تطابق می یابد. چارچوب های کهنه بایستی فرایند گذار به ساختارهای نوین را طی کنند و در عصر جدید، پایه های تمدن نوین و اساس اتصال آن به منبع آفرینش باشند.

به نظر می رسد محوریت تحولات آینده حول ۴ موضوع اساسی خواهد بود:
۱ خانواده های روحی

افرادی روی زمین که به خانواده های روحی مشترک متعلق هستند بایستی با همدیگر ارتباط برقرار کنند. این افراد ارتعاشات نزدیک به یکدیگر دارند و در طی تحولات پیش روی جهان همدیگر را خواهند یافت و ماندالاهای خانواده های روحی تشکیل خواهد شد. هم خانواده های روحی، یا جفت های روحی، بایستی بتوانند روابط روحی را درک کنند و هدف در نهایت تجلی روابط روحانی در تمدن جدید است .

۲ روابط جدید



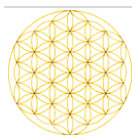
در میان انسانها و بخصوص اعضای خانواده های روحی که بیدار می شوند روابط جدیدی شکل خواهد گرفت. ارواح بیدار شده که یکدیگر را یافته اند، روابطی فراتر از چارچوب روابط ماتریکس دارند و در جهت نور حرکت می کنند. شکل گیری روابط خانواده های روحی تأثیر مستقیم و قدرتمندی در بالا بردن ارتعاش زمین و مقابله با محدوده های ماتریکس دارد. روابط جدید بازتابی از آگاهی عصر آکواریوس است. عصر نوآوری، عصر نور، عصر ورود به نوار فوتونی .

۳ جزیره های نور

در تحولات سالهای آینده زمین، مناطقی موسوم به جزیره های نور شکل خواهند گرفت که محل استقرار خانواده های روحی و مراکز صعود و بیداری خواهند بود. این جزیره های نوری آغاز ورود به جامعه کهکشانی خواهند بود. بشر آگاه در این مرحله، از وجود حیات در همه مناطق جهان و در ابعاد دیگر مطلع است و مشغول جا افتادن در شرایط و موقعیت جدید خود در روابط جدید با نژادها و گونه های متفاوت است. تمدن جدید پس از وقوع رخداد در حال شکل گیری است. و جزایر نوری، بذره های حیات جدید و تمدن جدید خواهند بود. نیروهای نور ساخت پایگاه زیرزمینی در شمال تایوان را به اتمام رسانده اند که می تواند ۳ میلیارد نفر را در خود جای دهد. پایگاهی مشابه اما کوچکتر در مکانی در اروپای مرکزی ساخته می شود .

۴ صعود

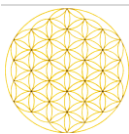
صعود عبارت است از فرایند افزایش ارتعاشات و کسب آگاهی های ابعاد بالاتر، که طی چند موج انجام خواهد شد و بسیاری به این حرکت در جهت نور خواهند پیوست و به صعود سیاره زمین نیز کمک خواهند کرد. زمین هم مثل ما انسانها و مثل هر جاندار دیگری زنده است و سیر تکاملی



دارد. صعود انسانها در این لحظه تاریخی همگام است با صعود زمین. ورود مادرمان زمین به همراه فرزنداناش به قلمرو ارتعاشات آگاهی جدید ...

افراد بسیاری درباره موضوعاتی مثل ورود به چرخه جدید و نوار فوتونی، ابعاد مختلف، سال ۲۰۱۲، کارگزاران نور و مسائل مربوط به شروع عصر جدید، در چند دهه اخیر مطالبی مطرح کرده اند. صاحب نظران بسیاری فقط در زمینه عصر اکواریوس با توجه به اسناد تاریخی و علمی صحبت کرده اند. افراد زیادی راجب طوفان های خورشیدی که در راه هستند و یا تغییراتی در ساختار زمین و خورشید، و یا تغییر قطبهای زمین صحبت کرده اند. شرایط آب و هوایی تغییر کرده و الگوی حوادث طبیعی افزایش و شدت بی سابقه داشته است. اوضاع سیاسی در بسیاری نقاط جهان بی ثبات است. اما از دل آشفتگی ها و نابهنجاری ها، واقعیتی نوین سر بر می آورد. ملتها آگاهی های لازم را هم راجب معنویت و علم حقیقی، و هم راجب حقوق شان و نحوه دفاع از آن درک خواهند کرد. عصر اکواریوس، عصر اصابت صاعقه آگاهی است.

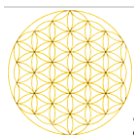
حالا زمان همکاری های عملی و آوردن آگاهی نوین به درون زندگی است... باورهای ما انسانها، در یک سطح، «آگاهی جمعی» واحد را می سازد. و این آگاهی جمعی برابند و مجموع افکار، اعتقادات، احساسات، و جهان بینی آحاد مردمان روی زمین است. این آگاهی جمعی واقعیت حیات ما و تجربه بشری روی زمین را شکل می دهد. لازم است بیاموزیم و بدانیم و آگاه باشیم که قدرت آفرینندگی و خلاقیت آگاهی جمعی بشر فوق العاده بزرگ است. و بهمین دلیل نیروی تاریکی سعی در کنترل و سرکوب آگاهی دارد. اطلاعات غلط و شستشوی مغزی و باورها و نگرش های نادرست، و جداافتادگی انسانها از یکدیگر و ضعیف شدن بشر بدلیل عدم اتحاد، همگی منجر شده اند به اینکه آگاهی جمعی بشر نتواند رشد و تکامل مطلوب را داشته باشد. بشر در زندانی از دروغ حبس شده است. نظامات سرکوب آگاهی از طریق رسانه های سراسر جهان اطلاعات غلطی به خورد اذهان داده اند و تا حد امکان آنچه «ماتریکس» می نامیم را تقویت می کنند.



اشتغالات و مشغله‌ها همه می‌توانند مفید باشند، اما باید نژاد انسان آگاهی‌اش را گسترش دهد، متوجه تهدیدات و واقعیات بشود، اختلافات، مرزهای خیالی و عوامل جدایی را کنار بگذارد، و رقابت را به رفاقت و دوستی تبدیل کند. وحدت بشر عامل رشد است. جدایی عامل سقوط است. عصر جدید فقط عصر حوادث طبیعی و تطابق مادرمان زمین با ارتعاشات نوین و عصر سیل‌ها و زلزله‌ها نیست. و فقط عصر توطئه حکومت مخفی و دولت‌های فراملی و جهانی نیست. عصر جدید پس از اتمام دوره گذار، عصر وحدت، آگاهی، و اتصال آگاهانه به نور خورشید مرکز کیهان است. آغار بلوغ انسان در تقویم کیهانی، و ورود بشر به حوزه آگاهی‌های بالاتر. عصری که بشر واقعیت حیات روی سیاره زمین را به دست خودش می‌سازد و دیگر اجازه نمی‌دهد رشد آگاهی‌اش و تکاملش توسط دیگران متوقف شود.

سانسور علوم و رسانه‌ها و مسکوت ماندن ایده حیات فرازمینی یا حیات در ابعاد دیگر، کنترل ذهن، نظامات فرهنگی ساختگی، سرکوب انرژی زنانه و کودکانه، غارت منابع، پنهان‌نگه داشتن فناوری‌های پیشرفته به نفع گروه‌های کوچک بین‌المللی که به جمعیت‌ها و ملت‌ها اهمیت نمی‌دهند، جنگ‌های مصنوعی و ساختگی، درگیری‌های بی‌دلیل سیاسی، فقر طراحی شده، جنگ‌های اقتصادی، بی‌عدالتی و دوری از معنویت حقیقی همگی می‌توانند پایان‌یابند. عصر نوین می‌تواند عصر فناوری‌های پیشرفته، ریشه‌کنی بیماری‌ها، انرژی رایگان، اتحاد ملت‌ها، و بیرون‌راندن سلطه‌گران باشد. اما آیا این تغییر بدون هوشیار شدن جوامع انسان و انبساط آگاهی جمعی بشر ممکن است؟

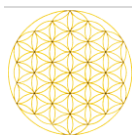
فوق تخصصی کردن علوم و ایزوله کردن تخصص‌ها، قطع ارتباط تاریخ با نجوم و ریاضی، شیمی و فیزیک با فلسفه، جامعه‌شناسی با فیزیک کوانتوم، و فاصله گرفتن موضوعات و رشته‌های گوناگون و بی‌خبری آکادمی‌های تخصصی، آموزشی و تحقیقاتی از تخصص‌ها، کارها و علوم



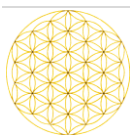
دیگر؛ فرمایشی بودن علوم، و البته نظامات اعتقادی مختلف که چارچوبهای بسیار تنگی برای آگاهی عصر جدید هستند، اجازه نداده اند تصویر کاملی از حقیقت شکل بگیرد. تصویر به هزاران قطعه کوچکتر تقسیم شد. اما عصر اکواریوس این شلوغی و سردرگمی را پایان خواهد داد و نوری که به سیاره زمین و قلب ها وارد می شود وضوح و روشنی می آورد. و انسان تاریخ گم شده کیهانی اش را باز می یابد، وجود و حضور روح را درک می کند، و ارتباط مستقیم با هم خانواده های روحی اش را آغاز می کند. انسان خواهد دانست که در جهان تنها نیست، و نژادها و گونه های هوشمند دیگری غیر از انسان هم هستند که گاه بسیار پیشرفته هستند و برخی دخالت مستقیم در امور انسان دارند، و حتی تا هزاران یا میلیونها سال روی زمین سابقه حضور دارند!

روبرو شدن توده ها با حقایق مهم هستی و آفرینش نیاز به آمادگی روانی دارد. مطالعه، تحقیق در اینترنت و رسانه های الترناویو و منعطف بودن و داشتن ذهن باز برای این روبرویی لازم است. افراد بیدار شده و آگاه هم بایستی دیگر آگاهان را بیابند و تلاش هایشان را وحدت ببخشند. آگاهی جمعی مثبت و صلح آمیزی با انرژی عشق و زمین دوستی شکل می گیرد و بر کل سیاره و ساکنانش اثر می گذارد.

اکنون در سال ۱۳۹۸ خورشیدی و ۲۰۱۹ میلادی هستیم. و به این فکر کنید که در چند دهه ای که شاهد گسترش استفاده از اینترنت بوده ایم، اینترنت چه نقشی در بالا بردن اطلاعات و آگاهی داشته است. و چقدر علوم مختلف در فضای مجازی وجود دارد. اکنون شما انواع اطلاعات و رشته ها و موضوعات گوناگون علمی، اجتماعی و سیاسی را در اینترنت پیدا می کنید. ملت ها با استفاده از اینترنت روابط درونی شان و روابط با دیگر ملت ها را وسعت می بخشند. اطلاعاتی که دولتها سانسور و سرکوب می کنند از طریق فضای مجازی به بحث و گفتگو گذاشته می شوند. و بشر این گونه کم کم راهش را از میان خروارها دروغ و تحریف و جعلیات باز می کند تا بداند کلید، پذیرش، اتحاد و عشق است.



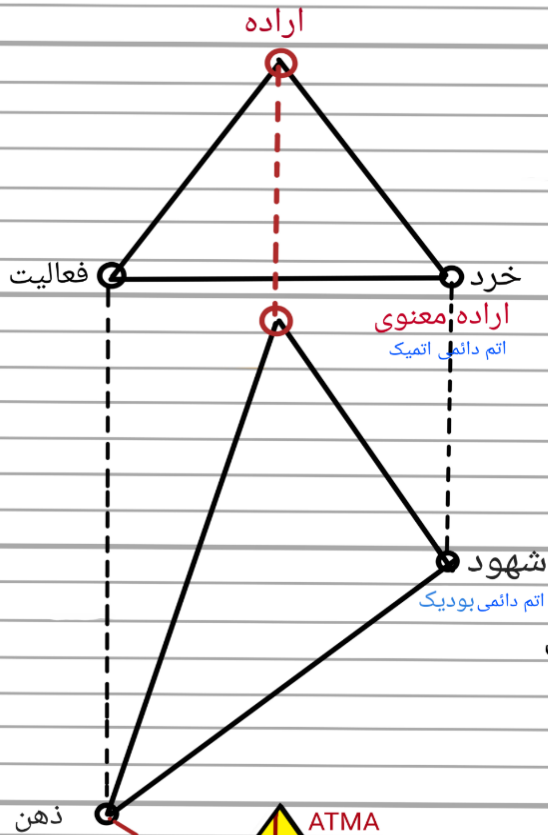
انسان مدتهاست درگیر یک جنگ بزرگ است. جنگ نور و تاریکی بر سر آگاهی و اراده و آزادی
انسان. پیروزی نور



هفت سطح اصلی و چهل و نه سطح فرعی از سطوح فیزیکی کیهانی

1. الهی
 ADI یا سطح لوگوس
 اولین اتریک کیهانی

اتمی
 فرعی
 سطح فرعی سوم
 سطح فرعی چهارم
 سطح فرعی پنجم
 سطح فرعی ششم
 سطح فرعی هفتم



2. مونا دیک
 انوپادا کا
 دومین اتریک کیهانی

3. معنوی
 سطح اتمیک
 سومین اتریک کیهانی

4. شهودی
 سطح بودیک
 چهارمین اتریک کیهانی

5. ذهنی
 سطح ماناسیک
 گاز کیهانی

6. احساسی
 سطح KAMA/آسترال
 مایع کیهانی

7. فیزیکی
 سطح فیزیکی
 متراکم کیهانی

اولین اتری
 دومین اتری
 سومین اتری
 چهارمین اتری
 گاز
 مایع
 متراکم

اتمی
 زیراتمی
 سوپر اتری
 اتری

غده صنوبری
 بدن هیپوفیز
 مرکز بزرگ البیا

MONAD

سه گانه معنوی

تثخینت

